



فرہنگ ضویہ

سال دہم، شمارہ سی و ہفتم، بہار ۱۴۰۱



سرور شکار فرہنگ بہرہ اور تعلیمات
وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی



وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی



بیتنا بانی فرہنگ و ارشاد اسلامی

فصلنامه علمی فرهنگ رضوی

سال دهم، شماره سی و هفتم، بهار ۱۴۰۱

هیئت تحریریه:

سید محمد رضا احمدی طباطبائی

دانشیار همکار بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

حسن بشیر

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

جلال درخشه

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

فرشاد شریعت

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

حسین علی قبادی

استاد دانشگاه تربیت مدرس

داریوش مطلبی

دانشیار همکار بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

سید علیرضا واسعی

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمد هادی همایون

استاد همکار بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

ویراستار:

نعمت الله پناهی، محمد علی ندائی

ترجمه چکیده ها:

محمد رضا آرام

طراح و صفحه آرا:

فهیمه ناجی

صاحب امتیاز:

بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

مدیر مسئول: محمود رضا برازش

سر دبیر: جلال درخشه

مدیر اجرایی: محمد علی ندائی



نشانی:

مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب

۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام

رضا علیه السلام، دفتر نشریه. تلفن: ۰۹-۳۲۲۸۳۰۴۴

پایگاه اینترنتی فصلنامه و سامانه دریافت مقالات:

www.farhangerazavi.ir

بر اساس نامه شماره ۳/۱۸/۲۰۲۰۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ دفتر سیاست گذاری و برنامه ریزی امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه فرهنگ رضوی از شماره اول دارای اعتبار علمی - پژوهشی است.

بر اساس آیین نامه جدید نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که تمام نشریات مشمول این آیین نامه با عنوان «نشریه علمی» شناخته می شود، از این پس عنوان علمی - پژوهشی از فصلنامه فرهنگ رضوی حذف و تنها عنوان علمی درج می شود.

فصلنامه علمی فرهنگ رضوی در پایگاه های علوم استنادی جهان اسلام (ISC)، اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags) و پایگاه اطلاعات نشریات کشور (magiran) نمایه می شود.

◀ درباره مجله

فصلنامه فرهنگ رضوی، مقاله‌های پژوهشی در زمینه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، تطبیقی و سایر ابعاد علمی با محوریت امام رضا (علیه السلام) را می‌پذیرد.



◀ راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله (حداکثر ۲۰۰ کلمه) و واژگان کلیدی (حداکثر ۵ واژه) همراه مقاله ارسال شود.

- یادداشت‌ها و مآخذ به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در پایان مقاله درج شود.

- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار، منبع و صفحه موردنظر (روش APA) و در مورد منابع خارجی (لاتین) معادل خارجی آنها در پایین همان صفحه درج شود.

- نشانی کامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شود.

- مؤلف باید سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی (e-mail) خود را ضمیمه مقاله کند.

- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله منوط به تأیید هیئت تحریریه و داوران متخصص «فرهنگ رضوی» است.

- مقاله‌های رسیده نباید در مجله‌های فارسی زبان داخل و خارج کشور چاپ شده باشد.

- مجله در «ویرایش» مقاله رسیده، بدون تغییر در مفاهیم آن، آزاد است.

- «فرهنگ رضوی» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که نتیجه پژوهش‌هایی درباره معارف و فرهنگ رضوی (امام رضا (علیه السلام)) باشد.

- مسئولیت مطالب مقاله‌های مندرج در فصلنامه، برعهده نویسندگان آن‌هاست.



اشتراک

هزینه اشتراک سالیانه فصلنامه مبلغ ۱۶۰۰۰۰۰ ریال است. متقاضیان محترم می توانند این مبلغ را به شماره حساب ۰۱۱۲۵۵۸۰۱۴۰۰۴ بانک ملی به نام بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام واریز کنند و فیش آن را همراه با نشانی پستی خود به ایمیل فصلنامه یا به نشانی بنیاد بفرستند.



۹	مصطفی محمودی	مقاله اول	بررسی روایت گردشگران از تجربه حضور در اماکن مقدس با رویکرد پدیدارشناسانه (مطالعه موردی: حرم رضوی)
۳۱	حسن خرقانی البرز محقق گرفمی	مقاله دوم	روش‌شناسی علمی پاسخگویی به شبهات در سیره رضوی
۵۷	مهدی علیپور حافظی داریوش مطلبی	مقاله سوم	تحلیل محتوای فصلنامه فرهنگ رضوی
۹۳	ناهید نصیحت رضوان باغبانی	مقاله چهارم	بررسی گفتمان القایی در فرایند مناظره امام رضا (علیه السلام) با علمای ادیان

۱۱۵

اکرم رضایی
محمد غفوری فر
علیرضا حسینی

سبک‌شناسی آوایی قصیده
«تائیه» دعبل خزاعی در مدح
امام رضا علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام

مقاله پنجم

۱۵۱

سید محمد حسینی
رخشاد حجازی
سید علی جوزی
سید محمود هاشمی

الگوی پیوست‌نگاری فرهنگی
مراکز تجاری و تفریحی با
تأکید بر هویت ایرانی اسلامی؛
مشهد مال

مقاله ششم

۱۸۱

روح الله صفریان
امیر مسعود شهرام نیا
سید جواد امام جمعه زاده

حکمرانی؛ گفت‌وگو و سرمایه
اجتماعی در اندیشه و سیره
سیاسی امام رضا علیه السلام

مقاله هفتم

۲۱۵

English Abstracts

چکیده‌های انگلیسی

ترجمه



بررسی روایت گردشگران از تجربه حضور در اماکن مقدس

بارویکرد پدیدارشناسانه (مطالعه موردی: حرم رضوی)

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

مصطفی محمودی^۱

چکیده

تلاش این جستار، تأملی پدیدارشناسانه در تجارب گردشگرانی است که به نیت زیارت (گردشگران مذهبی) یا قصد بازدید (گردشگران فرهنگی) به حرم رضوی وارد شده‌اند. بررسی روایت‌های این گردشگران از زمان حضور در این مکان شریف، بازخوردهای بی‌واسطه‌ای را در اختیار متولیان امور حرم می‌گذارد. در این پژوهش، نظرات گردشگران داخلی و خارجی جمع‌آوری گردیده است که در یک دهه گذشته، تجربه حضور خود را در حرم رضوی به زبان‌های غیرفارسی (انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، روسی، چینی، ژاپنی، عربی و ترکی استانبولی) در وبسایت‌های معتبر به اشتراک گذاشته‌اند. نتایج این پژوهش به روشنی نشان می‌دهد که تجربه حضور در حرم رضوی هم تجربه‌ای زیبایی‌شناختی (بُعد ذهنی) و هم تجربه‌ای از نوع احتیاجات بازدیدکننده مکان‌های فرهنگی (بُعد عینی) است؛ زیرا گردشگران علاوه بر روایت زیبایی و شکوه حرم رضوی به احتیاجات خود مانند دسترسی به صحن اصلی و وجود راهنما اشاره کرده‌اند. با توجه به نتایج پژوهش، استفاده از فناوری‌های نوین، برگزاری تورهای حرم‌گردی و برنامه‌ریزی برای حضور گردشگران غیرمسلمان در صحن اصلی با رعایت تمام آداب پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، پدیدارشناسی، روایت، حرم رضوی.

۱. دانش‌آموخته دکترای مدیریت گردشگری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران: am_mahmoudi@atu.ac.ir

مقدمه

تأثیرات شگرف آموزه‌های قرآن بر میراث فرهنگی اسلامی که بخشی از جاذبه‌های گردشگری فرهنگی است، بر کسی پوشیده نیست. بناهای مذهبی و عام‌المنفعه فراوانی در دوران اسلامی ساخته شده‌اند که مسجدها، آرامگاه‌ها، آب‌انبارها، کاروان‌سراها و... نمونه‌های کوچکی از آن به‌شمار می‌آیند. تمامی این بناها و تزیین‌های آن تحت نفوذ فراوان قرآن و تعالیم آن قرار دارند (کیانی، ۱۳۹۵: ۱۰). تاریخ نه‌چندان دور اروپا نشان می‌دهد که تنها گروه خاصی از اشراف و افراد متمکن در این قاره به مسافرت می‌پرداختند (زاهدی و رنجبریان، ۱۳۹۱: ۲۷)، در حالی که پیامبر اسلام ﷺ از همان ابتدا مسلمانان را بر اساس دستور خداوند یکتا، به انجام مسافرت برای کسب دانش و گسترش دین حتی در چین تشویق می‌نمود (حرعاملی، ۱۳۸۶، ج ۲۷: ۲۷).

گردشگری در اشکال گوناگونی مانند: گردشگری طبیعی، تاریخی، ورزشی، الکترونیکی، مذهبی و فرهنگی پدیدار شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵). موضوع دین و مذهب به انحای گوناگون با مسائل مرتبط با گردشگری فرهنگی پیوند خورده است؛ اما غالباً برجسته‌ترین جنبه آن در قالب زیارت و دیدار از اماکن متبرکه مطالعه می‌شود. سفر به اماکن مقدس شاید به دلایل زیادی، از اعتقادات مذهبی گرفته تا رفع کنجکاوی، انجام بگیرد. با این توصیف، در متون تحقیقاتی مربوط به این موضوع عمدتاً انگیزه زیارت برجسته شده و مورد توجه قرار گرفته است (همان).

از منظر جامعه‌شناسی، زیارت کنشی معطوف به ارزش و آن دست یافتن به رستگاری و تقرب به خداوند است (بهبهان، ۱۳۸۰: ۸۷). زیارت تولد آرزوها و اعتقادات است؛ آرزوها راه‌حلی از میان انواع راه‌حل‌های انسان برای حل مشکلات و اعتقادات و عقیده به قدرت ماورایی برای حل و درمان مشکلات حل‌ناشدنی و درمان‌ناپذیر هستند. کلید فهم زیارت، جاری بودن آن در میان مردم است. در واقع، زیارت اساساً امری مذهبی است و در مطالعات مرتبط با زائران و زیارت این امر به‌وضوح دیده می‌شود (Norman, 2004: 10).

با وجود اهمیت زیارت امامان و اهمیت گسترده آن در شناخت ویژگی‌های اعتقادی

مذهب تشیع، تحقیقات جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی در این زمینه بسیار محدود بوده است. هدف این نوشتار آن است که معانی نهفته در تجربه زیارت و بازدید از اماکن مقدس را آشکار و نحوه ساخته شدن اجتماعی این معنا (پدیدار زیارت) را در روایت‌های زائران و مهمانان غیرمسلمان امام رضا (علیه السلام) در حرم رضوی جست‌وجو کند. از این رو سؤالات پژوهش به این شرح است:

۱. گردشگران مذهبی و فرهنگی چه توصیفی از حرم رضوی دارند (بُعد ذهنی)؟

۲. مهم‌ترین بخش تجربه گردشگران مذهبی و فرهنگی بر اساس روایت‌های آنان چیست (بُعد عینی)؟

مبانی نظری

از سفرهای بسیار بافضیلت، حضور در جوار قبور پیامبران صَلَّی اللهُ عَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ وَسَلَّمَ، صالحان و شهدا و زیارت آنان است. زیارت پدیده قابل مشاهده با ماهیتی پیچیده است که در همه ادیان به آن تأکید می‌شود. افراد صالح در فرهنگ اسلامی پس از مرگ نیز میان مردم حضور روحی و معنوی دارند و بر اعمال آنان شاهد و گواه هستند؛ زیرا آنان طبق آیات قرآن، حیاتی خرم در برزخ داشته و از نعمت‌های الهی برخوردارند: هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگان‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند و برای نعمت‌های زیادی که خداوند از فضل خود به آنان عطا نموده، خشنود هستند (آل عمران، ۱۶۹). همچنین بر اساس آیه ۲۱ سوره کهف، مردم پس از مرگ اصحاب کهف، برای زنده نگه داشتن یاد آن‌ها بر سر ساختن مسجد بر مزارشان یا ایجاد پرستشگاهی در غار ایشان به نزاع پرداختند.

تمام امامان شیعه در زمان حیات به مسافرت مفید بسیار تأکید داشتند و پس از شهادت، مزار آنان به مکانی زیارتی تبدیل می‌شد. جامعه اسلامی هم‌عصر آنان از سفر زیارتی برای رشد کمالات انسانی و غنی ساختن فرهنگ جامعه بهره می‌بردند. به‌طور مثال، جاده‌ها

از دوران امام چهارم تا زمان غیبت امام دوازدهم همواره شاهد عبور کاروان‌های زائران بوده و این اعتقاد در میان شیعیان ریشه داشته که حج با زیارت امام کامل می‌گردد (قمی، ۱۳۳۸، ج ۲: ۴۵۸).

درباره اهمیت مسافرت از دیدگاه پیامبر ﷺ هیچ تردیدی میان مسلمانان شیعه و سنی وجود ندارد؛ اما از جمله مباحث اختلاف‌برانگیز میان مسلمانان حتی جامعه اهل سنت موضوع سفر برای زیارت قبور است. واقدی مورخ اهل سنت (۲۰۷ق) می‌نویسد: «پیامبر قبور شهدای جنگ احد را هر سال زیارت می‌کردند، ابوبکر هم هر سال این‌گونه عمل می‌کرد. عمر و عثمان هم چنین می‌کردند» (واقدی، ۲۰۷ق، ج ۱: ۳۱۳-۳۱۴)؛ اما بعد از قرن هشتم با فتوای ابن تیمیه سفر زیارتی حتی زیارت بزرگان اسلام هم حرام اعلام شد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۶۶). ابن تیمیه می‌گوید: «بار سفر بستن برای زیارت قبر پیامبر ﷺ حرام است» (الغامدی العبدلی، ۱۴۲۶ق: ۹).

همچنین عبدالله بن محمد الدویش و شیخ عثیمین می‌گویند: «سفر برای زیارت قبر پیامبر ﷺ نامشروع است» (الدویش، ۱۴۲۶ق: ۱۶؛ العثیمین، ۱۴۲۴ق: ۳۴۰). در مقابل، برخی از علمای اهل سنت انجام سفر زیارتی را با استناد به احادیث و روایات پیامبر ﷺ مجاز می‌دانند. به‌طور مثال، حضرت عمر بن خطاب (خلیفه دوم اهل سنت) از پیامبر ﷺ گزارش می‌کند: «هرکس قبرم را زیارت کند، شفاعتم بر او واجب می‌گردد» (ممدوح، ۲۰۰۸: ۲۶۳). ابن حجر هیتمی درباره این حدیث می‌نویسد: «این حکم شامل مرد و زن و از فاصله دور و نزدیک هر دو می‌شود و با آن، به فضیلت و استحباب مسافرت برای زیارت استدلال می‌شود؛ زیرا وسایل، حکم اهداف و مقاصد دارند» (همان: ۵۱-۵۲). یا ابن هبیره می‌گوید: «مالک و شافعی و احمد حنبل (مهم‌ترین فقهای اهل سنت) متفق القول هستند که زیارت پیامبر ﷺ مستحب است» (عبدلی قیروانی، ۷۳۷ق، ج ۱: ۳۹۰).

پیشینه پژوهش

پژوهشگران درونی شدن ارزش‌های دینی و تقویت و تثبیت ایمان و ایقان مذهبی دین‌داران (همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۷۰) و توجیه و تحکیم باورها و اعتقادات دینی (مکری‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۴) را در بررسی موضوع زیارت به‌عنوان کنشی دینی مشاهده نموده‌اند و همچنین آن را دارای پیامدهای روان‌شناختی مثبتی نظیر افزایش اعتمادبه‌نفس (Krole & Sohechan, 1989:67) و سلامت روان زائران (Pargament & et al, 1992:106) می‌دانند.

علی یوسفی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان: «پدیدارشناسی تجربه زیارت امام رضا (علیه‌السلام)» به این نتیجه رسیدند که زیارت همانا دیدار خودخواسته اماکن مقدس بوده و ابعاد عینی و ذهنی دارد. بُعد عینی زیارت متضمن نهادمندی و توجیه‌کنندگی است. نهادمندی زیارت حاصل انجام مکرر عمل زیارت در چهارچوب آداب و احکام معین مذهبی است؛ اما توجیه‌کنندگی زیارت عمدتاً شامل مجموعه احادیث و روایاتی است که در فضیلت و ثواب زیارت نقل شده و از طریق فرایندهای یادگیری اجتماعی نحوه انجام آن آموخته می‌شود. بُعد ذهنی زیارت متضمن درونی‌سازی معنای زیارت است که به آگاهی زائر از خارق‌العاده بودن زیارت‌شونده و خضوع در برابر او می‌انجامد. حیدری چروده و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی نیازهای فرهنگی زائران خارجی حرم رضوی به این نتیجه رسیده‌اند که نیازهای دانشی در صدر سلسله‌مراتب نیازهای زائران خارجی قرار داشته و پس از آن نیازهای پیامدی در مرتبه دوم قرار دارد. سه نیاز عاطفی، اعتقادی و مناسکی در حد بسیار پایینی است.

طالبی و براق‌علیپور (۱۳۹۴) در مقاله «گونه‌شناسی زیارت و دین‌داری زائران» به بررسی زیارت امام هشتم (علیه‌السلام) توسط زائران ایرانی پرداخته‌اند. آن‌ها با انجام روش کیفی به این نتیجه رسیدند که الگویی از دین‌داری در دو دسته کلی و هفت نوع: ۱. مکتبی؛ ۲. سنتی؛ ۳. روشنفکرانه؛ ۴. شبه‌روشنفکرانه؛ ۵. مناسکی؛ ۶. مناسبتی؛ ۷. نوظهور بازشناسی می‌شوند. بر اساس این سنخ‌شناسی، تفاوت بینش زائران نسبت به دین، زیارت، زیارت امام و تأثیر بینش‌های متفاوت در انجام زیارت مشاهده می‌شود. همچنین نودهی و

همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی مشابه و با رویکردی پدیدارشناسانه، زائران حرم رضوی را به چهار سنخ کلی خوش گذران، در حال گذار، مناسک‌گرا و وجودی تقسیم‌بندی کرده‌اند. اکبری (۱۳۹۷) پس از مطالعه میدانی حرم امام رضا (علیه السلام) با رویکرد انسان‌شناسانه، زائران سنتی، مدرن و زائرگردشگر این مکان را در سنخ‌های آیین‌مدار، دورادور، زنانه، کلان‌شهری و سیاسی دسته‌بندی کرده است.

روش پژوهش

پیش‌فرض اصلی و غالباً ضمنی پدیدارشناسی این است که دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم در آگاهی ما خلق گردیده (کرایب، ۱۳۹۵: ۱۲۴) و معانی ذهنی مبنای ویژگی‌های عینی جامعه هستند (ریترز، ۱۳۹۲: ۳۳۰). پدیدارشناسی تجربی اساساً به دنبال این است که افراد دنیای فردی و اجتماعی خود را چگونه می‌سازند (Smith J. & A. Osborn, 2007:53)؛ بنابراین تا زمانی که معنا و ذهنیت را اساس واقعیت دانسته و در پی کشف ذهنیت و نحوه تبدیل آن به واقعیت باشیم، پدیدارشناسی هم به مثابه نظریه و هم به مثابه روش می‌تواند به خدمت گرفته شود (محمدپور، ۱۳۹۸: ۳۹۹). یکی از مفروضات و اصول پدیدارشناسی، داشتن تجربه است؛ به این منظور که برای کسب معنا و تصویری واقعی از پدیده مورد بررسی، تجربه زیسته فرد در آن زمینه مد نظر قرار می‌گیرد که در نوشتار حاضر این تجربه، تجربه حضور در حرم رضوی است. پدیدارشناسی تجربی زیارت در این نوشتار با تأکید بر آرای برگرو لاکمن (۱۳۹۷) به عنوان طرح نظری مرجع منظور شده است. بر اساس این رویکرد، زیارت دارای دو بُعد عینی و ذهنی است. در بُعد عینی، زیارت از طریق فرایندهای واقعی، معنای اجتماعی خود را باز می‌یابد و در بُعد ذهنی تمرکز بر درونی‌سازی معنا و حس زیارت است.

جامعه آماری این پژوهش، گردشگران مذهبی و فرهنگی هستند. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از الگوی پذیرش اطلاعات سوزان و سیگل^۱ (۲۰۰۳) استفاده شد (شکل ۱). به این صورت که در مرحله اول، روایت‌های افرادی انتخاب شدند که بعد از سال

1. Sussman & Siegal

۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ میلادی به مشهد مقدس سفر کرده و تجربه حضور خود را در حرم رضوی در فضای برخط با سایر کاربران به اشتراک گذاشته‌اند. تمامی روایت‌ها از منابع معتبر جمع‌آوری شده‌اند. این دیدگاه‌ها توسط ایرانیان و گردشگران سرتاسر جهان به زبان‌های غیرفارسی (انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، روسی، چینی، ژاپنی، عربی و ترکی استانبولی) تایپ شده بودند. جملات غیرانگلیسی نیز پس از ترجمه به زبان انگلیسی و ویراستاری ادبی و گرامری آماده بررسی و مطالعه شد. در مرحله آخر و بعد از جست‌وجوهای انجام‌شده، ۴۳۵ نفر/دیدگاه که ارزش مطالعه داشتند برای بررسی نهایی پذیرش شدند.

شکل ۱. الگوی پذیرش اطلاعات



منبع: Sussman & Siegal, 2003:52

برای پیش‌پردازش و عادی‌سازی روایت‌ها در این پژوهش مراحل ذیل انجام گرفته است (شکل ۲):

- حذف ایست و اژه‌ها: در متون انگلیسی کلمات پرتکراری چون حروف تعریف (TH) و حروف ربط ارزش معنایی ندارند که در این مرحله این کلمات حذف می‌شوند؛
- پاک‌سازی متن: در این مرحله کاراکترهایی چون برچسب‌ها، @، html، ویرگول، علامت سؤال، نقطه‌ویرگول و کلیه کاراکترهای نامطلوب حذف می‌شوند؛
- حذف فاصله و نیم‌فاصله‌های اضافه به کاررفته در متن؛
- حذف پسوندهای «تر» (MORE) و «ترین» (MOST) پیش از واژه‌ها؛
- جایگذاری یک علامت به جای چند علامت تکراری.

شکل ۲. فرایند پیش‌پردازش و نرمال‌سازی روایت‌ها



منبع: نویسنده

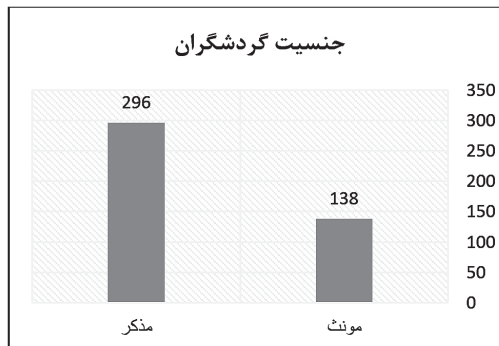
یافته‌های پژوهش

پس از انجام مراحل اشاره‌شده در بخش روش‌شناسی پژوهش، اطلاعات گردشگران مورد مطالعه به این شرح است:

- جنسیت گردشگران

جنسیت افرادی که روایت آن‌ها استفاده شده است شامل ۲۹۶ مرد و ۱۳۸ زن بود.

شکل ۳. جنسیت گردشگران



منبع: نویسنده

شکل ۳. نشان می‌دهد که آقایان در به اشتراک گذاری تجارب خود در اینترنت از بانوان فعال‌تر هستند.

- زمان حضور

شکل ۴. نشان می‌دهد که تعداد گردشگران بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ نسبت به سایر سال‌ها بیشتر بوده است.

شکل ۴. زمان حضور گردشگران در حرم رضوی



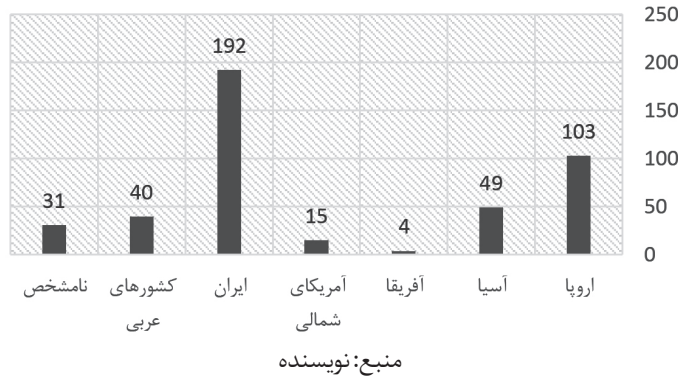
تعداد گردشگران بعد از شیوع ویروس کورونا در سال ۲۰۱۹ کاهش چشمگیری داشته است.

- ملیت گردشگران

بر اساس شکل ۵. بیشترین ملیت گردشگران مورد مطالعه مربوط به کشور ایران و قاره اروپا بوده است. متأسفانه در زمان پژوهش هیچ گردشگری از کشورهای آمریکای جنوبی حضور خود را در حرم رضوی اعلام نکرده بود.

شکل ۵. ملیت گردشگران

ملیت گردشگران



- سؤال ۱: گردشگران مذهبی و فرهنگی چه توصیفی از حرم رضوی دارند (بعد ذهنی)؟
 به دلیل کثرت جملات و کلمات برای یافتن کلیدواژه‌های روایت‌ها از روش ابرواژگان استفاده شد. شکل ۶. نشان می‌دهد که گردشگران مذهبی و فرهنگی در روایت‌های خود به زیبایی، بهترین بودن، خوب بودن، شکوه، عظمت، عشق، باارزش بودن و صلح اشاره کرده‌اند.

شکل ۶. ابرواژگان روایت گردشگران (بعد ذهنی)



اکثر گردشگران خارجی در روایت‌های خود به زیبایی و آرامش بخشی حرم برای تعمق اشاره می‌کنند که مهم‌ترین ویژگی یک مکان برای جست‌وجوگران، معنویت است. به‌طور مثال، گردشگری از انگلیس، زیبایی حرم رضوی را این‌گونه روایت می‌کند: «شما می‌توانید حرم طلایی را از دور ببینید. این یک صحنه آرامش‌بخش زیباست. شما همراه هزاران نفر از مردم نماز می‌خوانید، ممکن است اشتباه کنید که آن‌ها در حال زیارت حرم هستند؛ اما در واقع آن‌ها از خداوند رحمت می‌طلبند و از امام می‌خواهند که از خدا بخواهد در روز قضاوت (قیامت) به آن‌ها کمک کند. شما می‌توانید در نشستن و تعمق درباره معنای زندگی و معنای خوب بودن انسان شرکت کنید. مکانی دوست‌داشتنی برای دیدن اسلام واقعی در عمل». گردشگر آمریکایی هم که سال ۲۰۱۶ به مشهد سفر کرده بود با نامیدن این مکان به‌عنوان «قلب روحانی ایران» توصیه خود را برای کسب معنویت به این صورت روایت می‌کند: «این مکان برای ایرانیان و شیعیان نیاز به توضیح ندارد. این تجربه‌ای روشن است و حتی اگر مذهبی هم نباشید می‌توانید شگفت‌زده شوید. همه چیز درباره آرامش، سکوت و وقت‌داشتن برای تمرکز بر معنویت است؛ بنابراین، بهترین زمان برای بازدید بعد از نیمه‌شب است که جمعیت کمتری وجود دارد. برای مشاهده یک قطعه تاریخ هم در کنار مسجد گوهرشاد توقف کنید». زائری اصفهانی جاذبه‌های گردشگری شهر خود را با حرم رضوی این‌گونه بیان می‌کند: «اگر اصفهان چنین مجموعه زیبایی را داشت، میدان نقش جهان عزت خود را از دست می‌داد.»

مکان‌های مذهبی جو (اتم‌سفر) خاص و شگفت‌انگیزی دارند که معتقدان به دیگر مذاهب را هم تحت‌تأثیر قرار می‌دهند؛ ویژگی که در روایت‌های این پژوهش نیز مشاهده گردید. به‌طور مثال، یک گردشگر نزدیک‌ی این مکان را با باورهای دینی خود با این جملات روایت می‌کند: «من بودایی هستم و یک سال پیش وقتی به اینجا آمدم احساس آرامش زیادی کردم و اشک‌هایم روی زمین می‌ریخت و نمی‌دانم چرا، شاید قبلاً اینجا بوده‌ام با یکی از عشق‌های خودم یعنی امام رضا علیه السلام (اشاره به نظریه تناسخ).» یک خانم ژاپنی نیز بیان نموده است: «اگرچه مسلمان نیستم؛ اما در حرم بسیار احساس قداست

کردم و تحت تأثیر قرار گرفتم. فضای روز و شب کاملاً متفاوت است. روشنایی گنبد در شب زیبا و تماشایش توصیه می‌شود.»

هنگامی که انتظارات گردشگران محقق می‌شود آن‌ها رضایت پیدا می‌کنند. گردشگران میزان رضایت خود را با توصیف حس خود از یک مقصد یا مکان ابراز می‌دارند. زائران و گردشگران حرم رضوی نیز احساسات خود را در قالب اصطلاحاتی بیان نموده‌اند که برخی آن‌ها به این شرح است:

۱. شگفت‌انگیز (Impressive)؛ توماس از اتریش: «امسال افتخار بازدید از این مکان را پیدا کردم. تجربه‌ای که به دست آوردم شگفت‌انگیز بود. متأسفانه وقت زیادی نداشتیم و باید صبح روز بعد آنجا را ترک می‌کردیم؛ اما از آنجا که من فرصتی برای بازدید از این مکان با شرکای محلی داشتم، این یک تجربه فراموش‌ناشدنی برای من شد.» ویلبرت از آلمان: «ما برای نماز جمعه در حرم بودیم. ما احتمالاً تنها غیرمسلمانان در میان ۴۰۰ هزار زائر بودیم. فضا به دلیل تعداد زیاد زائران، شگفت‌انگیز و خاص بود. امکانات بسیار عظیم و مدرنی وجود داشت. همه امکانات بسیار جدید و متناسب با توده مردم بود. مردم بسیار مهربان بودند و می‌خواستند با ما عکس بگیرند. ما روابط بسیار دلپذیر و جالبی با زائران برقرار کردیم. قطعاً تحسین‌برانگیز بود.» برت از هلند: «حرم مطهر بسیار شگفت‌انگیز است. اگر فرصتی برای حضور در این مکان، زمانی که تقریباً یک میلیون ایرانی برای برگزاری یک جشن مذهبی به این شهر می‌آیند، داشتید، این بازدید به خاطر سپردنی خواهد شد.» خانم سی‌آر از دانمارک: «به من اجازه داده شد تا با نامزدم وارد حرم شوم. ایرانی‌ها به ما نزدیک می‌شدند و با ما گپ می‌زدند و حتی وقتی فهمیدند ما مسلمان نیستیم بسیار کنجکاو و دوستانه رفتار می‌کردند. این مکان بسیار شگفت‌انگیز است مخصوصاً اینکه من دوست داشتم فقط بنشینم و ببینم که مردم چگونه کارهای روزمره خود را در آنجا انجام می‌دهند یا برای نماز می‌آیند.»

۲. متفاوت (Different)؛ زیمواف از هلند: «مشهد کمی با جاذبه‌های دیگر ایران فاصله

دارد؛ اما اگر در آن منطقه بودید، آنجا را باید ببینید. این مسجد عظیم و موزه‌هایش عالی هستند، تنها برای گردش در محوطه و درک فضا. شما فکر می‌کنید در جهان متفاوتی هستید». مصطفی از ایران: «وقتی به داخل حرم بروید حس متفاوتی خواهید داشت، چیزی فراتر از این جهان. اگر آن را امتحان کنید هرگز آن را فراموش نخواهید کرد.» ارجمند از ترکیه: «تجربه‌ای متفاوت، باور کنید یا نکنید اماکن مذهبی انرژی خاصی دارند. این مکانی است که همه ایرانیان و معتقدان به آنجا سرازیر می‌شوند. مردم یکدیگر را له می‌کنند تا یک بار ضریح امام را لمس نمایند. اگر مسیرتان اشتباهی به مشهد افتاد، قطعاً به حرم بروید.» یوکی از ژاپن: «دنیای دیگری است. وقتی زمان نماز می‌روید جالب است که هزاران یا ده‌ها هزار نفر در یک راستا نماز می‌خوانند.»

۳. فراموش ناشدنی (Unforgettable)؛ ریتا از لبنان: «جایی شگفت‌انگیز سرشار از آرامش و زیبایی. اگر احیاناً به مشهد رفتید، حرم را از دست ندهید. مکانی فراموش ناشدنی.» لویزا از اسپانیا: «تجربه‌ای فراموش ناشدنی. زیبایی و زندگی شبانه را در آنجا نباید از دست داد. ما گوشی‌ها و وسایل الکترونیک خود را برای انجام بازدید شبانه رها کردیم. با توجه به مقدار راهروهای موجود، احتمالاً گم شوید. تمام پوشش‌های ایوان زیبا هستند. شما باید به آنجا با چشمان «مردم‌نگارانه» بنگرید.»

۴. غیرعادی (Extraordinary)؛ کری از استرالیا: «ما چهار بار طی چند روز و در ساعت‌های متفاوت شبانه‌روز به بازدید حرم رفتیم و از عظمت و زیبایی غیرعادی آنجا و فضای ایجادشده توسط مؤمنان و زائران حیرت‌زده شدیم. آنجا مقدس‌ترین مکان در جهان اسلام پس از مکه است.»

۵. عشق و عاشق شدن (Love)؛ فاطمه از بحرین: «آنجا مقدس‌ترین مکان در ایران است؛ نه تنها مقدس بلکه شگفت‌انگیز و آرامش‌بخش. آنجا احساس امنیت و صفا می‌کنید. مکانی خارق‌العاده برای یک روز حس آرامش معنوی با امانت گرفتن قرآن کریم و خواندن دعا. عاشقت هستم مشهد.» سعید از عربستان سعودی: «اوایل صبح باران می‌بارید. باران کار خودش را می‌کرد و قطع نمی‌شد. قطره‌های باران اطراف

حرم مثل بلور بودند. زائران همچنان به لذت بردن از لحظات معنوی و دوست‌داشتنی خود در چنین مکان مقدسی ادامه می‌دادند. «صغیرا از آلمان: «هیچ جای دیگری در جهان مانند آنجا وجود ندارد. پر از عشق و انرژی. هر بار که به آنجا می‌روم، زندگی جدید و پرامیدی را آغاز می‌کنم.» زازو از فرانسه: «شهری در میان یک شهر، شاید آنجا گم شوید اما عشق امام شما را در بر خواهد گرفت. آن مکان بسیار آرامش‌بخش است.» مصطفی محمد از پاکستان: «به لطف خدا مجدد به مشهد سفر کردم. تقریباً یک ماه در ایام عاشورا آنجا اقامت داشتم. حرم عالی است و حس آرامش به شما دست می‌دهد، واقعاً حیرت‌انگیز است. هر روز شاهد معجزات هستیم؛ به‌راستی که آنجا «سرزمین معجزات» است. من عاشق این مکان هستم و اگر امام بپذیرد می‌توانم برای همیشه در آنجا بمانم و من واقعاً دعا می‌کنم که این کار را بکند. آنجا قطعه‌ای از بهشت روی زمین است.» سعید از ایران: «وقتی می‌خواهید استراحت کنید یا آرام باشید، وقتی شاد یا غمگین هستید، وقتی تنها هستید یا نیستید، در هر لحظه‌ای، این بهترین مکان در جهان است. صاحبخانه آنجا بسیار مهربان است، شما را می‌پذیرد به تمام حرف‌هایتان گوش می‌دهد. من عاشق اینجا هستم، مخصوصاً در نیمه شب، زمانی که فکر می‌کنید خیلی به خدا نزدیک هستید. التماس دعا.»

- سؤال ۲: مهم‌ترین بخش تجربه گردشگران بر اساس روایت‌های آنان چیست (بُعد عینی)؟

به علت زیاد بودن کلمات برای یافتن کلیدواژه‌های روایت‌ها از روش ابرواژگان استفاده شد. شکل ۷. نشان می‌دهد که گردشگران مذهبی و فرهنگی در روایت‌های خود به راهنمایان، معماری، عظمت و شکوه، موزه، چادر، خداوند، دوربین، مکان‌های قابل ورود و ... اشاره کرده‌اند.

چادر و دوربین مواردی هستند که گردشگران خانم بسیار به آن اشاره کرده‌اند. به‌طور مثال، خانمی اسپانیایی که در تابستان ۲۰۱۵ به ایران آمده بود، داستان سفرش به مشهد را با جزئیات کامل این‌گونه تعریف می‌کند: «مشهد از بقیه شهرهای ایران بسیار فاصله دارد؛ اما باید آن را دید. ما در اتوبوسی بودیم که ۱۶ ساعته از تهران و با عبور از صحرا به مقصد رسید. آن یک اتوبوس فوق‌العاده راحت بود و هزینه آن تقریباً ۲۰ یورو شد. مشهد مهم‌ترین مکان مقدس در ایران است. آنجا زیباست و مردم آنجا بسیار مهمان‌نواز هستند. آن‌ها یک راهنمای رایگان در اختیار ما قرار دادند که ما را به اطراف حرم برد و همه چیز را به زبان انگلیسی فصیح توضیح داد. دوربین ممنوع است؛ اما به شما اجازه می‌دهند بدون هیچ مشکلی با تلفن همراه عکس بگیرید. تقریباً هیچ گردشگری خارجی وجود نداشت. بسیار خوب است که بتوانید همه چیز را بدون آلوده شدن توسط افراد بیگانه با یک فرهنگ ببینید. اگر مسلمان نباشید (همان‌طور که ما بودیم)، نمی‌توانید وارد مرقد بشوید؛ اما از راهروها می‌توانید آن را تماشا کنید. ضروری است که زنان چادر بپوشند، اگر نداشته باشید کارکنان آن را در ورودی‌ها به شما امانت می‌دهند.»

معماری حرم رضوی و بخش‌های فرهنگی گوناگون آن گردشگران بسیاری را برای مشاهده این مکان جذب کرده است. گردشگرانی که نیت زیارت ندارند تنها برای مشاهده موزه‌ها و بناهای تاریخی حرم به آنجا می‌آیند. گردشگر ترکیه‌ای که کشورش جزو ۱۰ مقصد اصلی گردشگری جهان است، معماری حرم رضوی را با این عبارت‌ها توصیف می‌نماید: «فقط نماهای بیرونی و معماری کافی هستند تا به مشهد بیایید و از حرم امام دیدن کنید. موزه فرش در داخل و موزه مرکزی زیبا هستند؛ اما فضای داخلی آرامگاه، با وجود سادگی، عالی است. آکوستیک عالی، فضای داخلی، کنده‌کاری‌های کریستال سقف، سرامیک. حتماً آنجا را ببینید.»

رفتار دوستانه و مهربانانه خادمان حرم موضوعی است که از چشم گردشگران پنهان نمانده بود. گردشگران خارجی وقتی ادب خدمتگزاران امام را از نزدیک مشاهده می‌کنند به سیاه‌نمایی و ضدیت رسانه‌های کشورشان پی می‌برند؛ نکته‌ای که یک گردشگر ایتالیایی آن را بی‌واسطه مشاهده نمود: «این فقط یک مسجد زیبا نیست. باید

بگویم که مهربانی کارکنان به یک بازدیدکننده خارجی و غیرمسلمان من را تحت تأثیر قرار داد. حتی متصدی در ورودی وقتی فهمید که من ایتالیایی هستم، به من دو عدد آب‌نبات و یک تصویر لبخند به ایران خوش آمدید، داد». خانم زائر کویتی هم رفتار خادمان را برای بازگشت دوباره اش به آنجا مهم می‌داند: «تجربه گذراندن ماه رمضان و به‌ویژه گذراندن شب‌های قدر در حرم شگفت‌انگیز است، انجام دعا‌های گروهی و پذیرایی. خادمان عالی بودند و به ما آب می‌دادند و به ما کمک می‌کردند جایی را در آن مکان شلوغ برای نشستن و دعا پیدا کنیم، این کار را دوست داشتیم و قطعاً دوباره به آنجا باز خواهیم گشت.»

مهم‌ترین اشارات زائران و گردشگران حرم رضوی با دسته‌بندی روایت‌های در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. دسته‌بندی روایت‌های زائران و گردشگران

بُعد ذهنی (توصیف حرم)	بُعد عینی (امکانات، خادمان و نیازها)
• زیبا	• وجود راهنما
• بهترین	• وجود تور بازدید
• باشکوه	• معماری، آینه‌کاری، گنبد طلا
• مقدس	• مساجد و موزه‌ها
• آرامش‌بخش	• چادر
• بارزش	• عظمت بنا
• مهیج	• جمعیت و شلوغی
• تاریخی	• مکان‌های مجاز به ورود
• روحانی	• استفاده از دوربین
• جو موجود در حرم و توصیفات مربوطه	• بازدید در شب
• عاشقانه	• زیبایی و سکوت مجموعه
• بهشتی	• امکانات رایگان
• عالی و صفات هم‌پایه	• دربان‌ها

نتیجه‌گیری

گردشگری مذهبی و فرهنگی دیدار هدفمندانه گردشگران با افراد و اماکن مقدس دین خود یا سایر ادیان است. این واقعیت مذهبی یا فرهنگی دارای وجوه ذهنی و عینی است. نتایج این پژوهش به‌روشنی نشان می‌دهد که تجربه حضور در حرم رضوی هم تجربه‌ای ذهنی و زیبایی‌شناختی و هم تجربه‌ای عینی از احتیاجات بازدید مکانی فرهنگی است که طی فرایند اجتماعی معینی ساخته می‌شود.

واکاوی پدیدارشناسانه تجارب ذهنی گردشگران در این نوشتار تا حدی این فرایند اجتماعی را آشکار کرد. در این تجربه احساس جذب مشتمل بر معنویت و آرامش ناشی از باور مهمان به خارق‌العادگی (عقیده به تقدس و روحانیت) میزبان است که غالباً در چهارچوب زیبایی و شکوه مکان مذهبی جریان پیدا می‌کند. این یافته در مرتبه اول مؤید دیدگاهی است که حضور در مکان مذهبی را مظهر امر متعالی و آرمانی می‌داند که گردشگران آن را برای درمان نیازهای معنوی انجام می‌دهند و در مرتبه دوم تأییدکننده بخشی از دیدگاه عاطفه‌گرایی و کارکردگرایی مذهب است.

تجربه عینی بازدید که امروزه به‌میانجی تعاملی گردشگران صورت تحقق به خود می‌گیرد، به‌ناچار تمام الزامات و اقتضائات گردشگری را با خود حمل می‌کند. گردشگران خارجی خصوصاً جستجوگران معنویت همانند زائران همان دین نیستند. اگرچه در تمام طول سفر انگیزه و تمنای تقرب به معشوقی معنوی اصلی‌ترین راهنما و مشوق آن‌هاست؛ اما ناخودآگاه و ناخواسته پا در میدانی گذاشته‌اند که مؤلفه‌های آن با سایر انواع گردشگری تفاوت چندانی ندارد. بررسی یافته‌های پژوهش نشان داد مشکلی که اکثر قریب به اتفاق گردشگران خارجی در فرایند تجربه عینی روایت می‌کنند، ازدحام جمعیت در اطراف ضریح مطهر یا عدم اجازه ورود به صحن اصلی است. مورد دیگر تسلط یا تسلط نداشتن خادمان به زبان خارجی است که از سوی اکثر گردشگران خارجی ابراز شده است؛ زیرا گردشگرانی که هزاران کیلومتر را برای بازدید از یک مکان مذهبی و مقدس طی می‌کنند، نیاز به راهنمایی دارند که به

پرسش‌های آنان جواب درخور بدهند. خوشبختانه نیازهای اکثر این گردشگران به خوبی رفع شده بود.

پیشنهادها

بر اساس روایت‌های گردشگران مورد بررسی در این پژوهش، پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

- استفاده و نصب فناوری‌های نوین مانند کیوآرکد در همه جای حرم برای راهنمایی و توضیح اماکن به زبان‌های گوناگون بدون نیاز به حضور نیروی انسانی؛
- تعیین ساعت‌های مشخص تا راهنمایان مسلط به زبان‌های گوناگون فقط در همان زمان در داخل حرم تور برگزار کنند و اطلاع‌رسانی آن به همه گردشگران؛
- تدوین کتابچه‌های آداب حضور در حرم به زبان‌های گوناگون با توضیح مواردی که اکثر گردشگران در این پژوهش به آن اشاره کرده‌اند، مانند دلایل پوشیدن چادر و همراه نداشتن دوربین عکاسی؛
- تعیین ساعتی از روز برای حضور گردشگران غیرمسلمان در صحن اصلی با توضیح منطقی دلایل عدم لمس فیزیکی ضریح توسط این افراد؛
- برنامه‌ریزی برای جذب گردشگر از مناطقی که کمتر به مشهد سفر می‌کنند مانند آمریکای جنوبی و آفریقا؛
- برگزاری مسابقات با موضوع «روایت حضور در حرم رضوی» و نیز تشویق گردشگران برای اشتراک‌گذاری تجارب خود در فضای مجازی.

منابع و مأخذ

- قرآن كريم.
- اكبرى، زهرا. (۱۳۹۷). «كنش زيارت در ايران معاصر با رويکرد انسان شناسى تفسيرى مطالعه ميدانى حرم مطهر امام رضا (عليه السلام)». پايان نامه كارشناسى ارشد. دانشگاه اديان و مذهب قم.
- الدويش، عبدالله. (۱۴۲۶ق). *اخطاء فتح البارى فى العقيدة*. الرساله الثانيه. قاهره-مصر: مكتبه اسدالسنة.
- العثيمين، شيخ محمد بن صالح. (۱۴۲۴ق). *فتاوى العقيدة*. جده-عربستان: دارالنبلاء للنشر و التوزيع.
- الغامدى العبدلى، عبدالله. (۱۴۲۶ق). *اخطاء فتح البارى فى العقيدة*. الرساله الاولى. قاهره-مصر: مكتبه اسدالسنة.
- برگر، پتر و لاکمن، توماس. (۱۳۹۷). *ساخت اجتماعى واقعيت (رساله‌اى در جامعه شناسى شناخت)*. ترجمه فريرز مجيدى. تهران: نشر علمى و فرهنگى.
- بهروان، حسين. (۱۳۸۰). «جامعه شناسى زيارت با تأكيد بر نيازهاى زائران در حرم حضرت رضا (عليه السلام)». *مجله مشکوه*. شماره ۷۲ و ۷۳. صص: ۸۷-۱۰۲.
- حر عاملى، محمد بن حسن. (۱۳۸۶). *وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة*. تهران: كتابچى.
- حيدرى چروده، مجيد و همكاران. (۱۳۹۱). «نيازهاى فرهنگى زائران خارجى امام رضا (عليه السلام) مورد مطالعه: زائران اردو، عرب، آذرى و انگليسى زبان». *مجله مطالعات اجتماعى ايران*. دوره ششم (۳ و ۴). صص: ۶۲-۴۵.
- ريتزر، جورج. (۱۳۹۲). *نظريه جامعه شناسى در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثى. تهران: علمى و فرهنگى.
- زاهدى، محمد؛ رنجبريان، بهرام. (۱۳۹۱). *شناخت گردشگرى*. اصفهان: چهار باغ.
- سبحانى، جعفر. (۱۳۸۵). *وهايت مباني فكري و كارنامه عملى*. قم: انتشارات موسسه امام صادق (عليه السلام).
- طالبى، ابوتراب؛ براق عليپور، اله. (۱۳۹۴). «گونه شناسى زيارت و ديندارى زائران: معناكاوى كنش زيارت زائران امام رضا (عليه السلام)». *فصلنامه علوم اجتماعى*. شماره ۶۹. صص: ۷۵-۱۰۶.
- عبدلى قيروانى، ابن الحاج محمد. (۷۳۷ق). *المدخل*. بيروت-لبنان: دار الفكر.
- قمى، عباس. (۱۳۳۸). *منتهى الآمال*. تهران: اسلاميه.
- كرايب، يان. (۱۳۹۵). *نظريه اجتماعى كلاسيك: مقدمه‌اى بر اندیشه ماركس وبر*. دوركيم و زميل. ترجمه شهناز مسمى پرست. تهران: آگه.
- كيانى، محمد يوسف. (۱۳۹۵). *تاريخ هنر و معماری ايران در دوران اسلامى*. تهران: سمت.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۸). *روش در روش؛ درباره ساخت معرفت در علوم انسانى*. تهران: جامعه شناسان.
- محمدى، جمال؛ صالحى، صادق؛ نيكو فال، زينب. (۱۳۹۶). «پديدار شناسى تجربه گردشگران اماكن مذهبيه (مطالعه موردى: اماكن زيارتى شهرستان هرسين)». *مجله برنامه ريزى و توسعه گردشگرى*. سال ششم (۲۰). صص: ۳۴-۵۵.
- مكرى زاده، فهيمه. (۱۳۸۹). «جامعه شناسى پديدارى زيارت». *پايان نامه كارشناسى ارشد پژوهشگرى*. دانشگاه فردوسى مشهد.
- ممدوح، محمود سعيد. (۲۰۰۸). *رفع المنارة لتخريج احاديث التوسل والزيارة*. قاهره-مصر: المكتبة الازهرية للتراث.
- نودهى، فرامرز؛ بهروان، حسين؛ يوسفى، على؛ محمدپور، احمد. (۱۳۹۴). «فرايوى دوگانه زائر گردشگر گونه شناسى تجربه سفر زائران مرقد منور امام رضا (عليه السلام)». *فصلنامه راهبرد اجتماعى فرهنگى*. سال چهارم (۱۵). صص: ۱۹۳-۲۱۷.

- واقدی، محمد بن عمر. (۲۰۰۷ق). المعازی. بیروت-لبنان: مؤسسه الأعلمی.
- همپلتون، ملکم. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- یوسفی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ کهنسال، علیرضا؛ مکرری زاده، فهیمه. (۱۳۹۱). «پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا (علیه السلام)». مجله مطالعات اجتماعی ایران. دوره ششم (۴۳). صص: ۱۸۰-۱۹۸.
- Krole, I. and B. Sohechan. (1989). «Religion Beliefs and Practice among 52 Psychiatric in Patients in Mennesota». American Journal of Psychiatry. 146. pp: -67 72.
- Norman, A. (2004). Spiritual tourism: Religion and Spirituality in Contemporary Travel. from <http://ses.library.usyd.edu.au/bitstream/1/6150/2123/THESIS20%20-Final.pdf>
- Pargament, K. I., K. I. Maton and R. I. Hess. (1992). Religion and Prevention in Mental Health. Philadelphia: Haworth Press Inc.
- Smith J. & A. Osborn. (2007) Interpretative Phenomenological Analysis, from http://www.corwin.com/upmdata/_04_Smith_2e_Ch_04.pdf
- Sussman, S. W., & Siegal, W. S. (2003). «Informational influence in organizations: An integrated approach to knowledge adoption». Information Systems Research. 1(14), pp: 65-47.



روش‌شناسی علمی پاسخگویی به شبهات

در سیره رضوی

دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲

حسن خرقانی^۱، البرز محقق گرفمی^۲

چکیده

پاسخگویی به شبهات نیازمند دانستن و به‌کار بردن مهارت‌هایی است که بخشی از آن‌ها به توانمندی‌های علمی نامبردار است. این نوشتار که به‌گونه تحلیلی توصیفی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی سامان یافته، در پی یافتن روش‌های علمی پاسخگویی به شبهات در سیره رضوی است. با دقت در سیره امام هشتم شیعیان می‌توان دریافت که این توانمندی‌ها به شکلی روشمند به دو دسته عقلی و نقلی تقسیم شده است. بنا بر یافته‌های این نوشتار، برخی از روش‌هایی که امام رضا (علیه‌السلام) در پاسخگویی به شبهات از آن‌ها بهره می‌گرفتند عبارت است از: استناد به قرآن مجید و سنت نبوی، توجه به خاستگاه‌ها و علت‌های ایجاد شبهه، بهره‌مندی از برهان‌های معقولیت، حُلف و سَبْر و تقسیم، توسعه روش‌شناختی، ابطال لازمه‌های نادرست شبهه، استناد به انگاره‌های مورد قبول مخاطب، محسوس‌سازی معقولات، تبیین صحیح مفاهیم و انگاره‌های شبهه و بهره‌گیری از تاریخ صحیح.

کلیدواژه‌ها: شبهه، پاسخگویی، روش‌شناسی، دلیل علمی، سیره رضوی.

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی: h.kharaghani@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول): mohaghegh.gr@gmail.com

۱. مقدمه

«شبهه» بر وزن فُعله برآمده از ماده «ش ب ه» به معانی اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته شدن حق با باطل، حق مانند و چیزی که درست آن از نادرست آن شناخته نمی‌شود، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴۰۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۲۴۳؛ صالح، ۱۳۸۶: ۸۱). بر این اساس، هر انگاره استدلال‌گونه‌ای که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه‌های دینی را به چالش می‌کشد یا سبب کژتابی در شناخت درست آن‌ها می‌شود، شبهه نام دارد. این انگاره (گزاره) استدلالی کاملاً منطقی نیست؛ بلکه شبهه استدلال است که منطقی می‌نماید و به شکل پیامی از طریق گفتار، نوشتار، تصویر و رفتار قابل انتقال است. این پیام (دستگاه ارتباطی) با نمودار کردن بخشی از حقیقت و آمیختن آن به استدلال‌های نادرست، درصدد ایجاد چالش و خطا در منظومه معرفتی انسان است.

پاسخگویی به شبهات نیازمند کاربست بایسته‌ها و قواعد عمومی، گفتاری، شخصی و علمی است (زمزمی، ۱۴۱۴ق: ۱۱۷). از آنجا که پاسخگویی به شبهات بر استنباط، استوار است، بار اصلی آن را عقل به دوش می‌کشد؛ اما منابع این استنباط، با توجه به مبانی مورد قبول مخاطب، عقلی، نقلی، حسّی، فطری و حتی شهودی می‌تواند باشد؛ چراکه همه این منابع در دستیابی به شناخت و آگاهی و زدودن باور نادرست نقش آفرین هستند. سیره معصومین در مقابله با شبهات بر سه بن‌مایه استوار است: پاسداری از آموزه‌های دینی و مذهبی و تلاش برای دفع شبهات احتمالی از منظومه معرفتی، شناسایی شبهات و ریشه‌های آن و نیز کوشش برای زدودن شبهات.

در عصر خلافت عباسیان، زمینه انتقال و انتشار منظومه معرفتی یونانیان، هندیان، زردشتیان، اهل کتاب و نیز رواج اندیشه اعتزال در پهنه حکومت اسلامی پیرنگ گردید (دمیری، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۲۷۲؛ علوی، ۱۳۷۹: ۱۸-۳۰). همین امر، زمینه گفت‌وگو میان دانشوران ادیان و مذاهب را فراهم آورد. در عصر حیات امام رضا (علیه السلام)، این گفت‌وگوها با بیان شبهاتی از سوی گروه‌ها و مسلمانان فرقه‌های گوناگون همراه بود. امام رضا (علیه السلام) با بهره‌گیری از تمام ویژگی‌های یک پاسخگوی توانمند، مانند شناخت صحیح آموزه‌های

دین و مذهب، چیرگی بر محتوای شبهه، آشنایی با روش‌های رفتاری و گفتاری پاسخگویی و نیز مهارت مناظره و گفت‌وگو به پاسخگویی شبهات اهتمام ویژه داشتند. پاسخگویی به شبهات توسط امام رضا (علیه‌السلام) در قالب مناظره و شیوه‌های آموزشی دیگر، همراه با اصول و اسلوبي روشمند و در یک فرایند و ساز و کار منظم صورت گرفته است. به دست آوردن اصول و روش حاکم بر پاسخ‌های امام رضا (علیه‌السلام) نیازمند مطالعه، تحلیل و توصیف سیره آن حضرت در احادیث موجود است. این نوشتار در زمره تاریخ روش‌شناسی و در حوزه معرفت‌های نوین علم کلام قرار گرفته که بر شناخت منظومه معرفتی یک فرد (امام هشتم شیعیان) در مقام نماینده یک جریان (مذهب شیعه) استوار است.

۲. پیشینه پژوهش

نوشته‌های فراوانی درباره بایسته‌های اخلاقی و عمومی مناظره و جدل سامان یافته است. برخی نوشته‌ها مانند «ادب الحوار فی الاسلام» محمد سید طنطاوی (۱۹۹۷م) و «الحوار فی القرآن الکریم» محمد حسین فضل الله (۱۴۱۷ق)، بخش‌هایی را به انواع گفت‌وگوهای مبتنی بر پرسشگری در قرآن و سنت نبوی اختصاص داده‌اند که جنبه تفسیری آن‌ها پررنگ است. کتاب‌های دیگری مانند «الحوار، آداب و ضوابطه فی ضوء الکتاب و السنة» نگاشته یحیی زمزمی (۱۴۱۴ق)، «آداب الحوار و قواعد الاختلاف» به کوشش عمر عبدالله کامل (بی‌تا) و «الحوار، آداب و اخلاق و ثقافت الأمه» به قلم محمد فنخور عبدلی (۱۴۳۵ق)، فصلی مستقل درباره آداب علمی پاسخگویی به شبهات گشوده‌اند؛ اما تنها به مواردی چون دارا بودن دانش کافی، شروع از نقاط مشترک، استقامت در اندیشه و بیان آشکار پاسخ، پرداخته‌اند (زمزمی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۷-۴۱۱). نیک روشن است این موارد در رده روش‌شناسی دانش محور پاسخگویی به شبهات نیست، بلکه تنها از آداب این امر شمرده می‌شود. مقالات «روش مناظره و احتجاجات امامان شیعه» به قلم استاد شهابی (۱۳۴۷) و «روش مناظره علمی در سیره امامان معصوم، مطالعه موردی مناظرات امام رضا (علیه‌السلام)» به کوشش هاشمی اردکانی و میر شاه جعفری (۱۳۸۷) نیز تنها

در گزارش‌های مربوط به مناظرات امام هشتم قابل ارزیابی است.

با این همه، بایسته‌ها و اسلوب علمی پاسخگویی به شبهات کمتر مورد توجه دانشوران قرار گرفته است. همسان‌انگاری میان مناظره و شبهه‌پژوهی یکی از دلایل احتمالی نبود نوشتارهای مستقل در این زمینه است. کتاب‌هایی چون «روش‌شناسی علم کلام، اصول استنباط و دفاع در عقاید» به کوشش رضا برنجکار (۱۳۹۸) و «روش‌شناسی پاسخگویی به پرسش‌های اعتقادی» به قلم محسن عباسی (۱۳۹۷)، بخش‌های محدودی از پژوهش خود را به بیان برخی بایسته‌های علمی پاسخ به شبهات اختصاص داده‌اند.

۳. اهمیت پاسخگویی به شبهات از دیدگاه امام رضا (علیه السلام)

در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان در مقابله با شبهات، به روش شناسایی ریشه‌های ایجاد شبهه، دفع خطر شبهات از جامعه و در نهایت کوشش در رفع این شبهات توجه شده است. امام رضا (علیه السلام)، ارجاع سوالات و شبهات به اهل بیت (علیهم السلام) را وظیفه مردم می‌دانند (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲: ۲۶۱) و نیز در نامه‌ای به عبد الله بن جنبد، یکی از وظایف امامان اهل بیت را پاسخ به شبهات مردم و زدودن سردرگمی‌های اعتقادی و عملی ایشان ذکر می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۳: ۲۹۷). ایشان بهترین توشه قیامت برای شیعیان را، راهنمایی فرد گرفتار به پندارهای گمراه‌کننده و نجات فکر و عقیده او از چنگال دشمنان عقیدتی می‌دانند (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۴۰). مهم‌تر بودن آسیب شبهه‌گران مدعی پیروی اهل بیت از خطر فتنه دجال (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶: ۱۷۹) نمونه‌ای از سفارش‌های امام هشتم (علیه السلام) در شناخت کانون‌های ایجاد شبهات ارزیابی می‌شود. امام در پاسخگویی به شبهات و پرسش‌ها به شکل شفاهی و مکتوب توجه ویژه‌ای داشتند. به گونه‌ای که بنا بر گزارشی، ۲۰۰ نامه از حضرت در پاسخ به انواع سوالات و شبهات درباره توحید، نبوت، امامت، فقه، دعا، فرقه‌های زمانه و امور سیاسی به جا مانده است (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ج ۵: ۱۰). از آن میان، ۷۳ روایت برای اثبات امامت امام علی (علیه السلام) به چشم می‌خورد. استقبال امام از مناظره و گفت‌وگو در مجالس علمی (مجلسی، ۱۴۰۳ ق،

ج ۱۰: ۳۰۰) یکی دیگر از راه‌های زدودن شبهات توسط امام رضا (علیه‌السلام) شمرده می‌شود.

۴. روش‌های علمی پاسخگویی به شبهات در سیره رضوی

برهان علمی تنها در صورتی دل‌ها و جان‌ها را می‌رباید که به نیکوترین روش بازگو شود (نحل، ۱۲۵). امام رضا (علیه‌السلام) برای پاسخگویی به شبهات از قالب‌های گفت‌وگو، سخنرانی، مناظره، نامه‌نگاری و بیان آموزه‌های اسلامی بهره می‌بردند و نیز با استفاده از کنش‌ها و واکنش‌های ویژه، گره‌های فکری را می‌گشودند. روش‌های پاسخگویی حضرت، پیوندی از رفتار و گفتار بود. در یک دسته‌بندی کلی، روش‌های علمی پاسخگویی به شبهات، به دو رده نقلی و عقلی تقسیم می‌شود؛ اما از آنجا که پاره‌ای از این روش‌ها اشتراکاتی دارد، در این نوشتار به تقسیم آن نپرداختیم.

براهین نقلی، مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی است که در مقابل مخاطبان معتقد به کتاب‌های آسمانی و سنت پیامبران به کار می‌رود. این براهین در دو دسته درون‌دینی و برون‌دینی، مورد قبول شبهه‌گر و پاسخگو بوده و استوارسازی سخن بر آن‌ها امتیازی برای هر دو سوی گفت‌وگو شمرده می‌شود. مهم‌ترین برهان درون‌دینی نقلی، بر بهره‌گیری از قرآن و حدیث استوار است. استفاده از گزاره‌های کتب مقدس سایر ادیان نیز در زمره براهین برون‌دینی نقلی جای می‌گیرد. گزارش‌های خطاناپذیر تاریخی نیز در رتبه بعدی قرار می‌گیرد.

براهین عقلی قابل استفاده در پاسخگویی نیز مجموعه‌ای از شناخت‌ها و ادراک‌های زیربنایی است که به مدد قدرت نفس ناطقه آدمی شکل می‌گیرد. بدیهی بودن عقل پیراسته از اوهام تا بدان پایه است که دستاورد حاصل از این سنجه، غیرقابل خدشه خواهد بود. روش عقلی به عنوان یکی از روش‌های کسب شناخت، در تمامی شاخه‌های علوم اسلامی حتی علوم نقلی، یا منبعی مستقل برای دستیابی به معرفت است یا ابزاری برای فهم، تبیین و اعتبارسنجی. حجیت عقل نیز ذاتی شمرده شده است؛ همچنانکه

اگر نیاز به اثبات داشته باشد یا باید از عقل برای اثبات خود کمک بگیرد که منتج به توقف شیء بر خودش خواهد شد، یا باید از نقل بهره بگیرد که مشکل دور را در پی دارد؛ چراکه حجیت نقل و اصول عقاید از راه عقل اثبات می‌شود (عارفی، ۱۳۹۸: ۱۲۷). آیات قرآن نیز حوزه‌های کارکرد عقل را از اثبات براهین وجود خدا و معاد گرفته تا داوری عقل بر کنش‌های نیک و نقش آن در تشویق به ارزش‌های اخلاقی و نیز تبیین علت برخی از آموزه‌ها گسترانده است. اهمیت کارکرد عقل در آموزه‌های نقلی تا بدانجاست که صحت و اعتبار آن‌ها از طریق سنجه‌های عقلی و حکم عقل به پذیرش منقولات معتبر، محقق خواهد شد. بر اساس فرمایش امام رضا (علیه السلام) به ابن سگیت، عقل تنها معیار تشخیص حق از باطل است (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۵۶) و اگر این سنجه حجت‌آفرین از اعتبار ساقط شود، دیگر مبنایی استوار و مورد قبول همه وجود نخواهد داشت. نیک روشن است روش عقلی به کار گرفته شده از سوی امام هشتم (علیه السلام) همان روش «عقل‌گرایی اعتدالی» است که استدلال و ژرف‌اندیشی در آموزه‌های دینی را سرلوحه خود قرار داده؛ اما عقل را تنها راه شناخت نمی‌داند (عارفی، ۱۳۹۸: ۴۳۹).

۴-۱. توجه به خاستگاه، علت‌ها و انگیزه‌های ایجاد شبهات

ریشه‌یابی ایجاد شبهات، شخصیت‌شناسی شبهه‌گر در شبهاتی که مصدر معلومی دارند و جریان‌شناسی شبهه‌گری، نقش فراوانی در فهم دقیق شبهه و آماده‌سازی پاسخ برای آن و حتی در اقناع دیگر مخاطبان برای پرهیز از این جریان‌ها در موضوعات همسان دارد.

از دیدگاه امام رضا (علیه السلام)، برخی از علت‌ها و انگیزه‌های ایجاد شبهات به این قرار است: تأویل نادرست آیات و آموزه‌های اسلامی، پرسشگری بیهوده، مراجعه نکردن به امامان اهل بیت و دانشوران آگاه، دانش ناکافی، لجاجت در اثبات دیدگاه‌های شخصی، ناخشنودی از نادرست بودن باور خود، نشناختن حقیقت و غایات موضوع، پای‌بند نبودن به آموزه‌های امامان پیشین، دنیاطلبی و جست‌وجوی کافی نداشتن (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳: ۲۹۷).

امام (علیه السلام) دلیل شبهه‌گری برخی وکیلان امام کاظم (علیه السلام) مانند ابن السراج، ابن ابی حمزه و ابن المکاری (کشّی، ۱۳۶۳ ق، ج ۲: ۷۵۴) در مسئله امامت حضرت را، انتساب به گروه‌های واقفی و عدم تسلیم وجوهات و اموال سازمان وکالت به امام بعدی می‌داند (حمیری، ۱۴۱۳ ق: ۳۴۸). امام بدین طریق خاستگاه شبهات ایشان را بر افراد حقیقت‌جویی مانند علی بن محمد بزنتی آشکار می‌سازد تا با شناخت انگیزه‌های شبهه‌گری، غیرعلمی بودن سخن آن‌ها را ثابت کند. همچنین یونس بن بهمن، مدعی وجود شبهه‌ای در میان شیعیان درباره وجود جوهر الهی در آدمی بود که امام (علیه السلام) این شبهه را منتسب به شیعه نمی‌دانست (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۲۹۲)؛ چراکه یونس بن بهمن یکی از غالیان حدیث ساز کوفه بود (حلی، ۱۳۴۲: ۵۲۷). علاوه بر این، در پاسخ یونس بن عبد الرحمن در همین شبهه، خاستگاه ایجاد آن را زندیقان دانسته (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۲۹۲) و با این گفتار، شیعیان بزرگی چون یونس را از واگویی این شبهات بازداشتند.

آشکار ساختن وابستگی‌های انحرافی، یکی از راه‌هایی بود که امام (علیه السلام) از آن برای زدودن شبهات برآمده از اندیشه غالیان بهره می‌برد. برای نمونه، ایشان در نامه‌ای به یکی از غالیان به نام محمد بن فضیل (نجاشی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۳۶۷) با تبیین و تفسیر ویژگی‌های نفاق و منافقین در قرآن، سایر مردم را از انحرافی بودن انگاره غلو و ناپسند بودن وابستگی به این جریان آگاه نمودند (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۷۲). همچنین در اندرزی به یحیی بن مبارک، مجادله‌گران درباره ادامه امامت پس از امام کاظم (علیه السلام) را غیرمسلمانانی نامید که باید از آن‌ها دوری کرد (کشّی، ۱۳۶۳ ق، ج ۲: ۷۶۲). امام هشتم شیعیان، در پاسخ به نامه احمد بن محمد بزنتی نیز اجتناب افراد از تلاش برای فهم استوار و یافتن پاسخ‌های مناسب را یکی از علت‌های ایجاد شبهات می‌داند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ج ۵: ۵۲).

۴-۲. ردّ حصرگرایی شناختی

محدود کردن شناخت به موارد استدلال، رویکرد، روش و منبعی خاص و نیز غفلت کردن از سایر روش‌های شناخت را حصرگرایی روش‌شناختی می‌نامیم. نتیجه این روش، ایجاد

شبّهات شناختی خواهد بود. نمونه‌ای از نفی انحصارگرایی در روش‌های شناخت را در گزارش محمد بن عبدالله خراسانی می‌توان دید. در این روایت، یکی از دنیاگرایان در پی شناخت کمیّت و کیفیت پروردگار از راه حواسّ ظاهری بود که امام رضا (علیه السلام) با نفی توان حواسّ ظاهری در شناخت پروردگار، او را از این روش بازداشت و شبّه او را برآمده از محدود کردن روش‌های معرفت به روش‌های مادّی دانست (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۷۶). ناتوانی عقل در گزینش امام معصوم برای راهبری دینی و اجتماعی مردمان نیز، یکی از اشارت‌های امام هشتم (علیه السلام) برای اثبات گزینش امام از سوی پروردگار قلمداد می‌شود که بر گسترش منابع شناختی به مرزهای وحی الهی استوار است (کلینی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۴۹۰).

بنا بر گزارش‌های حدیثی، حسین بن قیاما که یکی از سران واقفیه بود (حلی، ۱۳۴۲: ۴۴۵) برای شبّه‌گری در امامت حضرت رضا (علیه السلام)، فرزند نداشتن او را بهانه قرار می‌داد. امام (علیه السلام) در پاسخ، خبر از عنایت‌شدن فرزندی از سوی پروردگار در آینده نزدیک می‌داد (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۲۰). این پاسخ یکی از نمونه‌های سستی بنیان شبّه است که بر حصر شبّه در ظرف زمان دلالت دارد؛ اما امام (علیه السلام) با توجه دادن به امتداد داشتن زمان و حتمی بودن فرزندآوری در آینده نزدیک، این انحصارگرایی را مردود برشمردند.

۴-۳. بهره‌گیری از برهان

«برهان» مهارتی در استدلال است که از طریق ترکیب مقدمات یقینی به نتیجه‌ای یقینی می‌انجامد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۴۸). امام رضا (علیه السلام) در مقام ابطال شبّهات و زدودن انگاره‌های نادرست از گونه‌های مختلف برهان بهره می‌گرفتند. برخی از مهم‌ترین این براهین عبارت است از: برهان معقولیت، خلف و سیر و تقسیم.

۴-۳-۱. برهان معقولیت

این برهان برای اثبات وجود پروردگار و معاد موجودات، بر گزاره‌ای از علوم احتمالات استوار است. بر این اساس، اعتقاد به وجود خدا و لوازم آن از باور نداشتن به آن، عقلانی‌تر

است (محمدرضایی، ۱۳۸۳: ۱۱)؛ چراکه باور اول، سعادت جاودانه را در پی دارد و خدا ناباوری، زیان‌های فراوان اخروی در پی خواهد داشت. از دیگر سو، خدا باوری هیچ زیانی در پی ندارد. پیشینه این برهان را که با عناوینی چون «عقل محض»، «ساختار جالب»، «اصل احتیاط»، «وجوب دفع ضرر محتمل» و «شرطیه پاسکال» نامبردار است (میناگر، ۱۳۹۸: ۷۰)، در روایات اهل بیت نیز می‌توان جست (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۸۷). امام رضا علیه السلام با تکیه بر همین روش در مناظره با شخصی زندیق، باور به مکتب توحید را ارزشمند و معقول و انکار معاد را مایه خسارت منکران دانستند (کلینی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۹۴).

توجه دادن امام به دو نشانه برتری علم معصوم و اجابت دعای او برای زدودن شبهه نشانه‌های امام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۱۳۴)، گونه‌ای از دعوت به بهره‌گیری از عقل در شناخت امور است؛ چراکه یقیناً امام برگزیده از سوی خدا باید دارای نشانه‌هایی باشد. معقول‌ترین این نشانه‌ها، برتری علمی وی و کرامات ویژه است. یکی از این کرامات خاص، برآورده شدن دعا‌های معصوم است. امام رضا علیه السلام عقل را مصدري می‌داند که برای یافتن امام معصوم در پی یافتن این دو ویژگی است.

۴-۳-۲. برهان خُلف

اثبات یک حکم به وسیله استخراج تناقضی از نقیض آن حکم و احکامی را که قبلاً ثابت شده است «برهان خُلف» می‌نامیم. قرآن کریم برای اثبات الهی بودن خود با استناد به آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء، ۸۲) و نیز یگانگی پروردگار در آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء، ۲۲) از این روش بهره جسته است. امام رضا علیه السلام در پاسخ شبهه چگونگی همگونی صفات پروردگار با ذات او، لازمه باور به تفاوت میان صفات و ذات را حادث بودن ذات الهی دانسته و براساس بطلان این نتیجه، نادرستی انگاره تفاوت را به اثبات رساندند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۲۲۱).

۴-۳-۳. برهان سبر و تقسیم

«سبر» در لغت به معنای بررسی و آزمایش و «تقسیم» به معنای بخش کردن چیزی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷: ۲۵۱؛ جوهری، ۱۳۷۶ ق، ج ۵: ۲۰۱۰). منظور از این برهان، بررسی همه احتمالات مختلف در پاسخ به یک موضوع و رد کردن احتمالات نادرست با هدف باقی ماندن تنها احتمال صحیح است. در قرآن کریم نیز از این روش بهره جسته شده است (ن. ک: انعام، ۱۴۳-۱۴۴). بررسی تمامی جوانب یک گزاره، راه گریز را بر شبهه گر خواهد بست. استفاده از گونه‌های مختلف دسته‌بندی بنا بر اعتبارات گوناگون، برای استوارسازی این برهان نیز بسیار مفید خواهد بود.

حضرت در نامه به هشام مشرقی، در پاسخ سؤالات او درباره توحید، عقاید مردم را به سه دسته تقسیم نموده و با ابطال دو نظریه، تنها باور استوار و حقیقی را اثبات وجود پروردگار بدون تشبیه او به اشیا معرفی می‌کند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۶۵). امام هشتم در پاسخ نامه یزید بن معاویه شامی درباره حدیث «لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ» (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۳۸۹) باور به جبر را به معنای باور به عذاب بندگان با وجود انجام امور توسط خدا دانستند و نیز اعتقاد به تفویض را واگذار کردن امور مخلوقات به امامان برشمردند و با تبیین نادرستی هر دو دیدگاه، تنها راه باقی مانده را راهی میان این دو انگاره معرفی کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۲۴).

۴-۴. ابطال قیاس و تشبیه ناروا

قیاس را ملحق کردن حکم فرع به حکم اصل، به سبب اشتراک آن‌ها در ریشه دانسته‌اند (الدمینی، ۱۹۸۴: ۴۲۷). اصولیان شیعه نیز قیاس را «اثبات الحکم فی محل العلة لثبوتها فی محل آخر لتلك العلة» دانسته و در عدم حجیت آن فی الجمله اختلافی ندارند (سبحانی، ۱۴۲۳ ق: ۸۴)؛ گرچه حجیت قیاس منصوص العله و قیاس اولویت محل اختلاف اصولیان امامی است (همان). امام رضا (علیه السلام) مردود بودن قیاس را به حدیث قدسی «مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بَرَأِيَهُ كَلَامِي وَمَا عَرَفَنِي مَنْ شَبَّهَنِي بِخَلْقِي وَمَا عَلَى دِينِي مَنْ

اَسْتَعْمَلَ الْقِيَّاسَ فِي دَيْنِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۱۶) مستند ساختند. نیز در دعای خویش مسئله تجسم خداوند را برآمده از قیاس نادرست ارزیابی می‌فرمایند (همان: ۱۱۷). امام هشتم شیعیان در پاسخ شبهه‌گری مأمون درباره زید بن علی (علیه السلام)، رکن اساسی شبهه وی یعنی تشبیه زید بن موسی (علیه السلام) با زید بن علی (علیه السلام) را به جهت تفاوت انگیزه‌ها، عدم ادعای امامت توسط زید بن علی (علیه السلام) و ناهمسانی رفتار آن دو باطل دانست (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۴۹). همچنین در پاسخ شبهه شباهت علی (علیه السلام) با پروردگار در بسیاری ویژگی‌ها، این مقایسه را با توجه به زندگی روزمره امام اول، عبادات و کرنش او در برابر پروردگار یکتا و نیز تفاوت نداشتن او با سایر پدیده‌ها در مخلوق بودن، ناروا قلمداد کرده و لازمه این تشبیه را باور به الوهیت همه موجودات دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۲۷۵).

۴-۵. تبیین و تطبیق نمونه

شناساندن نمونه‌های بیرونی و تطبیق آن با مؤلفه‌های شناختی یک گزاره، در زدودن شبهات برآمده از آن گزاره بسیار سودبخش است. برای نمونه، حمزه زیات درباره چگونگی تطبیق انحراف برخی شیعیان از مسیر امامت با وجود ثبت نام آن‌ها به عنوان شیعه در کتاب جامعه دچار شبهه شده بود. امام رضا (علیه السلام) با بیان ویژگی‌های واقفیه، آن‌ها را نمونه‌ای از افرادی دانست که نام‌شان به عنوان شیعه در کتاب جامعه ثبت شده ولی بعدها به دلیل انحراف فکری از زمره شیعیان خارج گشتند (کشی، ۱۳۶۳ق، ج ۲: ۷۶۳). همچنین بخشی از شبهه‌گری مأمون درباره زید بن علی (علیه السلام) که بر تطبیق او با روایات دال بر ویژگی‌های پیشوایان گمراه‌کننده، استوار بود با روشنگری امام رضا (علیه السلام) درباره نادرستی این تطابق، آشکار گردید. امام، در ادامه، زید را نمونه‌ای از افراد مذکور در آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ» (حج، ۷۸) دانستند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۴۹).

۴-۶. تشبیه، تمثیل و محسوس سازی معقولات

بهره‌گیری از تشبیه و تمثیل برای نزدیک ساختن شناخت گزاره‌های پیچیده به جهان پدیدار، از روش‌های پاسخگویی به شبهات شمرده می‌شود. تصویرپردازی و محسوس کردن مطالب عقلی و نظری برای مخاطبانی که توان درک گزاره‌های ژرف را ندارند، مفید خواهد بود. تشبیه رستاخیز انسان به زایش هستی در بهار در پاسخ شبهه منکران معاد (فاطر، ۱۹) نمونه‌ای از کاربست این روش در قرآن است.

امام (علیه السلام)، شبههٔ عمران صابی دربارهٔ دگرگونی در توانایی الهی پس از آفرینش را با تصویرسازی ذهنی و تشبیه به آتشی که با وجود گرمابخشی، تغییر نمی‌یابد؛ پاسخ گفتند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۷۱). توجه به وجود آفریننده‌ای بنیان‌گذار از راه ژرف‌نگری در ساختمان بدن انسان و جهان پیرامونی در پاسخ به شبههٔ نبود آفریدگار (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۱۹۵) نمونه‌ای از محسوس‌سازی معقولات در کلام رضوی شمرده می‌شود. امام رضا (علیه السلام) شبههٔ مسیب دربارهٔ مخفی ماندن هویتش از نظر سندی بن شاهک در جریان غسل امام کاظم (علیه السلام) را با تشبیه خود به حضرت یوسف (علیه السلام) در جریان ملاقات با برادرانش در مصر پاسخ گفت (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۰۴)؛ چراکه برادران او را نمی‌شناختند ولی او آن‌ها را می‌شناخت. همچنین در مناظره با بزرگ یهودیان، شباهت معجزات پیامبرانی چون عیسی (علیه السلام)، یسع (علیه السلام) و حزقیل (علیه السلام) به معجزات حضرت موسی (علیه السلام) را دلیلی بر حقانیت نبوت آن‌ها دانست و از این راه به شبههٔ انحصار حقانیت در آیین موسوی پاسخ گفت (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۱۸).

۴-۷. آگاهی دادن به بایسته‌ها و لوازم شبهه

یکی دیگر از روش‌های پاسخگویی به شبهات نشان دادن دوگانگی و ناهم‌آوایی در مقدمات یا نتایج گزاره حاوی شبهه است. اثبات این ناهمخوانی، سبب درهم شکستن بنیان‌های شبهه در هم‌آوردی با عقل می‌گردد. آشکار کردن پیامدها و لازمه‌های یک گزاره، در زدودن انگاره‌های نادرست در آن موضوع نقش آفرین خواهد بود. برای نمونه،

امام رضا (علیه السلام) در مناظره با ابومرّه لازمه باور به رؤیت پروردگار را محدود کردن او به زمان و مکان دانست (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۲۹۹) و از راه ابطال لازمه این انگاره، ملزوم آن را نیز باطل کرد.

در گزارش شیخ صدوق از مناظره امام رضا (علیه السلام) با جاثلیق آمده که وی حضرت عیسی (علیه السلام) را به دلیل داشتن معجزاتی مانند شفای بیماران و زنده کردن مردگان، شایسته مقام الوهیت می‌دانست. امام هشتم برای اثبات بطلان این انگاره، لازمه این باور را اعتقاد به الوهیت پیامبرانی چون ابراهیم (علیه السلام)، یسع (علیه السلام) و حزقیل (علیه السلام) دانست، چرا که آن‌ها نیز معجزاتی مشابه حضرت عیسی (علیه السلام) داشتند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۹). بدین طریق به شبهه تثلیث پاسخ نقضی ارائه کردند. امام در پاسخ به شبهه حسین بن خالد درباره انتساب شیعیان به انگاره جبر و تشبیه به جهت وجود روایاتی از امامان پیشین، از روش نقضی بهره گرفتند. ایشان با استفاده از قیاس اولویت، شمار فراوان احادیث نبوی در این باره را یادآور شدند و لازمه باور به جبر و تشبیه به خاطر وجود روایاتی جعلی از اهل بیت را باورمندی به تبلیغ جبر و تشبیه از سوی پیامبر اسلام دانستند و از آنجا که چنین انگاره‌ای قابل انتساب به پیامبر نیست، پس به اهل بیت نیز نباید نسبت داد (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۱۷). همچنین با وجود بیان این پاسخ نقضی، امام (علیه السلام) عقیده صحیح امامیه در این باره را تبیین فرمودند.

امام رضا (علیه السلام) برای درهم شکستن انگاره تثلیث در گفت‌وگو با جاثلیق، لازمه اعتقاد به الوهیت مسیح (علیه السلام) را انکار نماز و روزه او و لازمه باور به نماز و روزه وی را یگانگی پروردگار دانست (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۸). امام در مناظره با یحیی بن ضحاک، بر اساس عبارتهای «وُلَّيْتُكُمْ وَ لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ»، «إِنَّ لِي شَيْطَانًا يَغْتَرِبِنِي» و «كَأَنْتَ بَيْعْتَهُ فَلْتَنَّهُ فَمَنْ عَادَ لِمِثْلِهَا فَأَقْتُلُوهُ» (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۵: ۲۴۸؛ صنعانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱: ۳۳۶؛ بخاری، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۲۵۰۵) از دو خلیفه اول، لازمه پذیرش درستی این انگاره‌ها را اعتراف به عدم شایستگی آن دو برای خلافت دانسته و نیز تکذیب این عبارات را ملازم با دروغگو بودن ایشان و سقوط عدالت‌شان بیان کرده‌اند. نتیجه هر دو رویکرد، استحقاق نداشتن ایشان برای خلافت و اثبات برتری علی (علیه السلام) بر آن‌هاست (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۲۸۰).

امام (علیه السلام) در گفت‌وگو با ابوقره، لازمه باورمندی به آموزه‌های حضرت عیسی (علیه السلام) را پذیرش نبوت پیامبر اسلام دانست (عروسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۵۱۲) و از طریق به کار بردن قیاس ذوحیدین به شبهه او درباره چرایی پیوند میان باور به پیامبری مسیح و عدم باور مسلمین به کیش مسیحی پاسخ گفت. استفاده امام از قیاس اولویت در رد انگاره زنده بودن امام حسین (علیه السلام) به دلیل شهادت افراد بهتر از او یعنی پیامبر اسلام و علی (علیه السلام) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۳) نیز نمونه‌ای از یادکرد بایسته‌های شبهه است.

۴-۸. استناد به انگاره‌های مورد قبول مخاطب

موارد مورد قبول مخاطب، معلوماتی است که وی بدون نیاز به استدلال جدید، آن‌ها را بپذیرد؛ گرچه این گونه از پاسخگویی لزوماً به معنای پذیرش آن معلومات در سپهر شناختی پاسخگو نیست، ولی جواب نقضی برای خاموش کردن شبهه‌گر به‌شمار می‌آید. برخی از دانشوران عامه، از این روش با نام‌های «تنزل در مقام گفت‌وگو» و «معلق کردن کلام» یاد کرده‌اند (الشحود، ۱۴۲۹ق: ۲۸). این روش برای فرو ریختن دستگاه استدلالی شبهه‌سازان بسیار مفید است. از دیگر سو، پاسخ‌های نقض، زمینه را برای تبیین آموزه‌های صحیح، استوار می‌سازد. آغازیدن کلام از قضایای بدیهی و وجدانی و مبانی مشترک میان دو سوی شبهه، زمینه‌ساز گفت‌وگو و تبیین استوار پاسخ‌های مجیب خواهد بود.

برخی گونه‌های این روش در مناظرات امام هشتم (علیه السلام) از این قرار است:

۴-۸-۱. استناد به جدل

یکی از شیوه‌های رایج گفت‌وگوهای شناختی، احتجاج جدلی است. در جدل، اصولی به کار می‌رود که طرف مقابل کاملاً آن‌ها را قبول دارد. جدال احسن دارای صورتی همگون با برهان و استدلال منطقی است. برای نمونه، رسول خدا ﷺ در احتجاج خود با مسیحیان نجران که تولد شگفت‌انگیز حضرت عیسی (علیه السلام) را دلیلی بر الوهیت او می‌دانستند، از اصل مورد پذیرش آن‌ها، یعنی مخلوق بودن حضرت آدم (علیه السلام) بدون نقش پدر و مادر، استفاده و

استدلال آنان را ابطال کردند (آل عمران، ۵۹). نمونه‌ای از جدال احسن در مناظرات رضوی، گفت‌وگوی حضرت با یکی از معتقدان به دوگانه‌پرستی است. امام در پاسخ او فرمود: «همین که می‌گویی پروردگار دوتا است دلیل بر یکتایی اوست. چون تو خدای دوم را بدون اثبات خدای نخست نمی‌توانی ثابت کنی در حالی که وجود بیش از یک خدا هم قابل اثبات نیست (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۷۸).

۴-۸-۲. استناد به کتاب‌های مقدس پیشین

بر اساس آموزه‌های کلامی شیعه، توانمندی علمی و آگاهی از همه منابع شناختی حصولی یکی از بایسته‌های پیشوای معصوم است (حرعاملی، ۱۳۷۶: ۱۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۵: ۱۶۵)، تا با بهره‌گیری از آن‌ها به راهبری فردی و اجتماعی بپردازد و بتواند از حریم آموزه‌های دین و مذهب دفاع کند. امام رضا علیه السلام یکی از شالوده‌های انصاف را مناظره بر مبنای نظام معرفتی، کتاب مورد قبول، پیامبر و شریعت پذیرفته شده طرف دیگر مناظره می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۸۱). آگاهی امام رضا علیه السلام از کتاب‌های آسمانی و استناد به آن‌ها در مناظرات خویش، در زدودن شبهات پیروان سایر ادیان، نمونه‌ای از روش‌های پاسخگویی ارزیابی می‌شود. این استناد به کتب آسمانی گذشته به معنای پذیرش و حیانی بودن تمامی آموزه‌های موجود در نسخه‌های آن عصر نیست و تنها نمونه‌ای از پاسخ نقضی استوار بر نظام معرفتی مخاطب شمرده می‌شود. امام در مناظره با رأس الجالوت برای اثبات نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، او را تنها به پذیرش آنچه ایشان از کتاب‌های تورات، انجیل، زبور و صحف بدان استناد می‌کند، دعوت کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۶۴). همچنین در مناظره با جاثلیق فرمود برای اثبات حقانیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، تنها از انجیل دلیل خواهد آورد (همان: ۱۵۶).

استناد امام هشتم به عهدین (کتاب مقدس، سفر خروج، ۸: ۷-۱۲؛ انجیل متی، ۱۸: ۲۳-۹) برای اثبات معجزات حضرت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام در مناظره با بزرگان یهودی و مسیحی (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۲۱۴)، پاسخی بر شبهات پیروان هر یک از آن ادیان

پیرامون حقانیت دین دیگر شمرده می‌شود. گزارش‌های مربوط به زنده شدن مردگان و شفا یافتن از انواع بیماری‌ها به دست پیامبرانی همچون یَسَع (علیه السلام)، حزقیل (علیه السلام)، ایلیا (علیه السلام) و نیز نماز خواندن و روزه گرفتن حضرت عیسی (علیه السلام) از این موارد است که امام رضا (علیه السلام) برای اثبات نادرستی اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی (علیه السلام) به آن‌ها استناد جستند (همان: ۱۹۹-۲۰۸).

۴-۸-۳. شاهد قرار دادن دانشوران مورد قبول خصم

گواه گرفتن دانشوران مقبول نزد شبهه‌گر، بهره‌گیری از میانجی برای انتقال آموزه‌های حقیقی است. برای نمونه امام رضا (علیه السلام) هنگام مناظره با جاثلیق مسیحی، نسطاس رومی و رأس الجالوت کسانی را که به کتب آسمانی گذشته آگاه بودند، به عنوان شاهد گرفت (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۴). آن حضرت با اقرار گرفتن از جاثلیق درباره‌ی درست گفتاری نگارندگان انجیل‌های چهارگانه بر گفته‌های متی، مرقس و لوقا بر ویژگی‌های انسانی عیسی (علیه السلام) برای زدودن شبهه الوهیت وی استناد کرد (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۱۱۰-۱۱۲). فرمودن عبارت «اِفْتَصِرُوا عَلٰی وَاٰحِدٍ مِّنْكُمْ يَلْزِمُكُمْ مَا يَلْزِمُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۳۱) نیز در ابتدای مناظره با گروهی از دانشوران، از گزینش شخصی مورد قبول برای هم‌آوردی حکایت دارد که در نهایت یحیی بن ضحاک سمرقندی برگزیده شد.

۴-۹. استناد به قرآن

قرآن کریم در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت نمود آشکاری یافته است. مجموعه روایات تفسیری حضرت، گویای بهره‌گیری امام از این منبع ارزشمند الهی است. اخلاق و آداب حضرت نیز آیات اخلاقی قرآن را نشان می‌دهد. امام رضا (علیه السلام) نیز تطابق گفتار امامان با قرآن را ملاکی برای انتساب آن سخنان به معصومین دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۲۵۰). امام رضا (علیه السلام) در پاسخ نامه عبدالله بن جنبد، یکی از شالوده‌های پاسخگویی اهل بیت را بهره‌گیری از قرآن بیان می‌کند (همان، ج ۲۳: ۲۹۷). ایشان با استناد به

قرآن (نحل، ۴۳؛ توبه، ۱۲۲) و جوب مراجعۀ مردم به اهل بیت و آگاهان در نادانسته‌های خویش و وظیفه پاسخگویی ایشان را ثابت می‌نمایند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۶۱).

استناد به اصول کلی شریعت نیز نمونه‌ای از روش‌های پاسخگویی به شبهات است. محوری بودن نقش این شالوده‌ها، باور نداشتن به آن‌ها را تبدیل به عاملی برای خروج فرد از جرگه دینداران کرده است. این اصول برآمده از قرآن و سنت نبوی است. باور به اصول توحید، نبوت و معاد در حوزه عقاید و نیز اعتقاد به وجوب نماز، روزه، حج، زکات و... در حوزه احکام نمونه‌هایی از این ضروریات دینی شمرده می‌شود. برای نمونه، امام (علیه السلام) باورمندی به رؤیت پروردگار را مخالف با اصول اسلامی دانستند (همان، ج ۱: ۳۷۳) و نیز در پاسخ شبهه ابان بن محمد درباره ایمان حضرت ابوطالب به آیه ۱۱۵ سوره نساء استناد کرده (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۴: ۶۸) و چنین شبهاتی را مخالف با مسیر ایمان و اصول شریعت دانسته‌اند. مقصود از استناد به قرآن، بهره‌گیری از قرآن در پاسخ به شبهات است که از طریق تبیین صحیح واژگان قرآنی، تفسیر متناسب متشابهات کلام وحی، استوار کردن بدنه پاسخ بر حقایق قرآنی و بیان مصادیق خارجی و مفاهیم قرآنی رخ می‌نماید.

۴-۹-۱. بیان مصادیق

امام رضا (علیه السلام) برای آشکارسازی برخی مفاهیم و موضوعات قرآنی، نمونه‌های کامل آن‌ها را معرفی کردند تا سبب زدودن شبهات موضوعی شوند. درود فرستادن و پیروی از اهل بیت (کلینی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۳۵۶) به عنوان یکی از مصادیق آیه «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (أعلی، ۱۵) نمونه‌ای از این موارد است. همچنین در پاسخ به گره ذهنی حسن بن محبوب درباره آیه «وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتَوْهُمْ نَصِيحَتَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيداً» (نساء، ۲۳) آن حضرت، اهل بیت را مصداق کسانی دانستند که با آن‌ها پیمان بسته شده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴۰) ایشان در پاسخ به شبهه‌ای درباره برتری اهل بیت نسبت به سایر مردم و دلایل برگزیده بودن عترت، به آیه ۱۲ از قرآن مجید استناد فرمودند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۲۹-۲۴۰). تشبیه شرایط امام هشتم (علیه السلام) به داستان

قرآنی وزارت حضرت یوسف (علیه السلام) در برابر پادشاه مصر برای سامان دادن امور (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۱۸۵) نیز سبب زدودن شبهات درباره پذیرش ولایت عهدی شد. امام رضا (علیه السلام) در نامه خود به عبدالله بن جنذب، میراث‌بری امامان از پیامبران اولوالعزم را مصداقی از آیه ۱۳ سوره شوری دانسته و نیز یکی از نمونه‌های شرک در آیه «كَبُرَ عَلَي الْمُشْرِكِينَ» را بی توجهی به ولایت علی (علیه السلام) معرفی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۵۵۶) و نیز وجود اهل بیت را مصداق هدایت‌گری پروردگار در آیه ۳۵ سوره نور دانسته‌اند (همان، ج ۱: ۲۸۲).

۴-۹-۲. تبیین واژگان قرآنی

تبیین و تشریح هر گزاره‌ای در گرو آشکار شدن شالوده‌ها و بخش‌های آن، شناخت استوار موضوع و محمول و از همه مهم‌تر واژگان آن است. یکی از عوامل برقراری ارتباط اثربخش میان شبهه‌گر و مجیب، تبیین و فهم دقیق واژگان موضوع محل بحث در حوزه لغت و اصطلاح است. استفاده از واژگان مبهم، چندپهلوی و غیرمتعیّن در مفهومی خاص، یکی از روش‌های مغالطه‌گری است. این روش، کلام را بدون توان راستی‌آزمایی در پرده‌ای از ابهام قرار می‌دهد. استفاده از اشتراک لفظی، ابهام ساختاری، ترکیب مفصل و تفصیل مرکب گونه‌هایی از این روش شبهه‌گری است (خندان، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۸). شبهه‌گری از طریق مفردات قرآنی با شناخت ریشه، هیئت و کاربست واژگان قرآنی برطرف می‌شود؛ چراکه آگاهی از دانش فقه اللغه، یکی از بنیادی‌ترین بایسته‌های فهم صحیح قرآن است.

امام رضا (علیه السلام) با کاربست این روش، نه تنها آموزه‌های شیعی در سپهر آن واژه را تبیین می‌کردند، بلکه به شکلی هم‌زمان، نادرستی تلقی شبهه‌گر از موضوع و واژگان را می‌پالودند. برای نمونه، در پاسخ به شبهه حسن بن عباس معروفی درباره فرق میان نبوت و امامت، به تبیین مفاهیم رسول، نبی و امام پرداختند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ج ۵: ۲۵). ایشان مراد از «ید» را در آیه «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي» (ص، ۷۵)، قدرت و نیروی الهی دانسته و از این راه به شبهه آیات دال بر تجسیم پروردگار پاسخ گفته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴: ۱۰). همچنین در پاسخ به پرسش ابراهیم بن ابی محمود

درباره چپستی مفهوم ترک شدن مردم توسط پروردگار در آیه «وَتَرْكُهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» (بقره، ۱۷)، می‌فرمایند پروردگار با صفات انسانی وصف نمی‌شود و واژه ترک در این آیه به معنای باز داشته شدن لطف و کمک الهی از پیروان سرسخت کفر و گمراهی و نیز رها کردن ایشان به حال خویش است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵: ۱۱). این همانی واژه ختم با طبع در آیه «طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ» (نساء، ۱۵۵)، نمونه‌ای از این تبیین‌گری امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به شبهات است (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۱۳). امام در پاسخ هشام مشرقی، آیه «قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ» (انعام، ۱۹) را دلیلی بر توصیف پروردگار با عبارت شیء بودن برشمرده و تفسیر درست آن را چیزی غیرهمسان با سایر اشیاء دانسته است (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۵۶). آگاهی دادن از بایسته‌های زبان عربی نیز از ارکان پاسخ‌های عالم آل محمد به‌شمار می‌رود. برای نمونه، شخصی به امام عرض کرد که یکی از شیعیان در بغداد می‌گفت: «خیر الناس بعد رسول الله ﷺ ابابکر». امام برای زدودن شبهه او فرمود: آن شخص توریه کرده؛ چراکه گفته ابابکر نه ابوبکر؛ یعنی او را منادا قرار داده نه اینکه اقرار به برتری او کند (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۴۰).

۴-۹-۳. تفسیر صحیح آیات قرآن

یکی از روش‌های پاسخگویی به شبهات، تبیین متناسب آموزه‌های قرآنی و زدودن پیچیدگی از آیات متشابه است. شبهه شخصی درباره دیدار پروردگار در دنیا با تکیه بر آیات دال بر رؤیت الهی، نمونه‌ای از فهم نادرست متشابهات بود که امام مراد از این آیات را همان دیدار با پیامبر تفسیر نمودند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۱۴). تفسیر صحیح آیه «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً» (بقره، ۵۵) توسط امام رضا (علیه السلام) و مرتبط دانستن ضمیر به بنی اسرائیل برای دیدار با پروردگار در این آیه سبب زدودن انگاره انتساب این درخواست به موسی (علیه السلام) شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۱۵).

برداشت نادرست از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) سبب ایجاد ذهنیت شهید نشدن امام حسین (علیه السلام) شده بود که امام رضا (علیه السلام) این شبهه

را با تفسیر صحیح آیه در معنای قرار ندادن حجت و برهان برای کافران در کشتن پیامبران، پاسخ گفت (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۰۳).

امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به شبهه و اسپردن همه امور عالم به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، با استناد به آیات «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد، ۱۶)، «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (روم، ۴۰)، تفویض را تنها به معنای سپردن امر دین به پیامبر دانسته و عرصه‌های خلقت و روزی رسانی را منحصر به پروردگار بیان می‌کند (همان، ج ۲: ۲۰۲). تفسیر صفات پروردگار مانند مشیت الهی (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۱۴)، پاسخ به شبهه چگونگی سازگاری عصمت با آیات در بردارنده گناه پیامبران (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۲۲) و تفسیر صحیح آیات با توجه به مخصصات و علم به آن‌ها (همان: ۱۱۶)، همگی نمونه‌هایی از تفسیر استوار آیات الهی و پرده برگرفتن از برخی آیات متشابه به‌شمار می‌رود.

۴-۹-۴. استفاده از آیات برای استوارسازی گفتار

این روش تنها در مقابل مخاطبان مسلمان یا مخاطبان غیرمسلمان شبهه‌گر به قرآن به کار می‌رفته است. برای نمونه امام رضا (علیه السلام) پاسخ خویش به شبهه سلیمان مروزی درباره مخالفت آموزه «بداء» با تقدیر الهی را بر پنج آیه از قرآن کریم (روم، ۱۱؛ فاطر، ۱ و ۱۱؛ رعد، ۴۱؛ توبه، ۱۰۶) استوار ساخت (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۴۰۱). نمونه‌هایی از کار بست این روش برای پاسخگویی به شبهات در سیره رضوی، از این قرار است:

اهمیت گزینش پیشوا با استناد به آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ» (نساء، ۷۱) برای زدودن شبهه نیاز به امام در هر دوره‌ای (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۳۳)، ناروایی پیشوایی ناهلان بر اساس آیه «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴) در پاسخ به شبهه حقانیت سایر پیشوایان (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۴۹۰)، اثبات برتری امامان اهل بیت در مقابل دیگران با استناد به آیه «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس، ۳۵) در پاسخ به شبهه وجود ویژگی‌های پیشوا در سایر مردم (ابن

بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۲۱)، استناد به آیه «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (نحل، ۱۰۵) در ابطال انگاره تجسیم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹: ۲۶۲) و آیه «وَيَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» (طه، ۱۰۹) در ابطال رؤیت پروردگار (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۴۱)، تبیین مقدمات سخن بر مبنای آیه قرآنی و نتیجه‌گیری درباره ناتوانی مردم برای گزینش پیشوای معصوم (کلینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۴۹۱).

۴-۱۰. بهره‌گیری از سنت

استوار ساختن استدلال و برهان بر سنت معصومین، یکی از سنجه‌های حقیقت‌بنیانی کلام است. بهره‌گیری از این روش، برای پرسشگرانی باورمند به آیین اسلام بسیار تاثیرگذار است.

۴-۱۰-۱. استناد به سنت نبوی

از آنجا که در امور دینی، پیامبر اسلام ﷺ مرجعی بنیادی شمرده می‌شود، آگاهی از گفتار، رفتار و تاییدات ایشان بر امری، راهنمای کشف آموزه‌های دین خواهد بود. شیخ طوسی نیز یکی از سنجه‌های استواری کلام را مطابقت آن با سنت قطعی دانسته و مخالفت با آن را نشانگر نادرستی حدیث می‌داند (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۵). امامان نیز برای ایجاد مقبولیت، سخن خویش را به سنت نبوی مستند می‌ساختند. برای نمونه، امام رضا (علیه‌السلام) علت ایجاد شبهه عروج امام حسین (علیه‌السلام) و کشته شدن حنظله بن اسعد شامی در کربلا به دلیل تشبیه به ایشان را، تکذیب فرمایش‌های نبوی درباره شهادت امام حسین می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۳). ایشان به دلیل تفسیر نادرست شبهه‌گران از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)، پاسخ خود را بر سنت پیامبر ﷺ و فرمایش‌های ایشان درباره شهادت حتمی امام حسین (علیه‌السلام) استوار ساخت. استناد به فرمایش نبوی در زدودن شبهه گستره مقام امامان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۰) و نیز

استوارسازی سخن بر روایت نبوی «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِئُورِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۳۵۰) برای زدودن شبهه چگونگی آگاهی امامان از امور پوشیده، نمونه‌هایی از پاسخ‌های امام هشتم (علیه السلام) در مقابل مخاطبان مسلمان بود.

افزون بر این، ایشان درباره رخ نمودن پدیده وضع و جعل در روایات هشدارهایی داشتند. برای نمونه، اخبار دال بر انگاره جبر و تشبیه را برساخته‌گالیان دانسته و دلیل این رفتار را نشناختن استوار بزرگی پروردگار بر اساس فرمایش‌های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بیان کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۶: ۲۶۳).

۴- ۱۰- ۲. استناد به فرمایش امامان قبلی

امام رضا (علیه السلام) به همراه داشتن میراث ویژه امامان پیشین را نشانه‌ای در زدودن شبهات افراد درباره یافتن امام بعدی در میان فرزندان امام قبلی می‌داند (کشی، ۱۳۶۳ ق، ج ۲: ۷۲۵). همچنین تکذیب اهل بیت را تکذیب پروردگار و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و سخن ایشان را سخن خداوند و پیامبرش می‌داند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ج ۵: ۵۳). از این رو، در تبیین آموزه‌های شیعی و پاسخ به گره‌های فکری افراد بارها به سنت امامان پیشین استناد کرده است. برای نمونه، حضرت در پاسخ به سوال احمد بن محمد بزنطی درباره جواز برگزاری مراسم سوگواری برای امام کاظم (علیه السلام) به سبب انگاره حیات و غیبت ایشان و نیز شبهات مربوط به امامت امام هشتم، به فرمایشی از امام باقر (علیه السلام) درباره ویژگی شیعیان حقیقی اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها، باورمندی به امامت همگی اهل بیت است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۲۶۴). همچنین در پاسخ به شبهه کمتر بودن شیعیان در مقابل عامه در نامه محمد بن احمد بزنطی، با استناد به سخنی از امام باقر (علیه السلام) علت این امر را نبود توانایی کافی همه مردم در فهم آموزه‌های امامت و اراده الهی بر این امر می‌داند (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ ق، ج ۵: ۵۲). تبیین فقره ابتدایی حدیث شریف سلسله الذهب (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۳۵) در محیط سنی نشین نیشابور آن روزگار، نمونه‌ای از استناد به فرمایش معصومان پیشین است. فراز «أنا من شروطها...» در این حدیث، در پاسخ به شبهه ذهنی

مردمان آن سامان درباره‌ی وجوب پذیرش ولایت آن حضرت برای پیروی از مکتب توحید است. به‌کارگیری فرمایش امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به شبهات مربوط به نشانه‌های جانشین هر امام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۲۸۸) و نفی انتساب انگاره‌ی بندگی کردن مردم برای اهل بیت به امامان گذشته (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱: ۴۵۹) نمونه‌هایی از استواری سخن امام رضا (علیه‌السلام) بر فرمایش امامان پیشین در پاسخ به شبهات است. استناد به فرمایش علوی «يَهْلِكُ فِيَّ اثْنَانِ وَلَا ذَنْبَ لِي مُحِبِّ مُفْرِطٍ وَ مُبْغِضِّ مُفْرِطٍ وَ إِنَّا لَنَبْرَأُ» (عروسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۶۹۲) در اثبات بی‌زاری امامان از گزافه‌گویی برخی پیروان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۰۱) نمونه‌ای دیگر از کاربست این روش است.

۴-۱۱. استناد به تاریخ

یکی از سنجه‌های اعتبارسنجی گزاره‌های دینی، پدیدار کردن هماهنگی آن‌ها با رویدادهای تاریخ قطعی است. تاریخ در لغت به معنای شناساندن وقت (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۴) و در اصطلاح به معنای آشنایی با اوضاع و احوال جهان به همراه آگاهی از زمان وقوع رخدادها و موضوع آن احوال گذشتگان است. داده‌های تاریخی خود باید از آزمون نقد تاریخی سرفراز بیرون آید تا سزاوار معیار قرار گرفتن برای سنجش حدیث باشد. امام در پاسخ به شبهه‌گری عملی یکی از وکیلان امام کاظم (علیه‌السلام) در مصر به نام عثمان بن عیسی‌ی رؤاسی با موضوع شهید نشدن امام موسی کاظم (علیه‌السلام)، به بررسی سخنان مردم عراق و شواهد تاریخی و اجتماعی درباره‌ی شهادت پدرشان استناد فرمودند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۸: ۲۵۳). نیز شبهه‌ی داوود بن قاسم درباره‌ی هم‌نشینی با بستگان منحرف از تشیع، با تشبیه این موضوع به ماجرای تاریخی نزول عذاب بر یکی از پیروان راستین حضرت موسی (علیه‌السلام) در هنگامه‌ی هم‌نشینی با پدر گمراهش، پاسخ گفته شد (کلینی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲: ۳۷۵). همچنین پاسخ شبهات یهودیان درباره‌ی نبوت حضرت عیسی (علیه‌السلام) و پیامبران پس از او را مستند به گزاره‌های تاریخی دال بر رخ نمودن اعجاز به دست ایشان نمود (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۲۰۳).

نتیجه‌گیری

پاسخگویی به شبهات، نیازمند آگاهی از بایسته‌ها و روش‌های اخلاقی و علمی است. از آنجا که در عصر امام رضا (علیه‌السلام) شبهات گوناگونی بر اسلام و تشیع وارد بود، مطالعه سیره امام هشتم شیعیان در شناخت این روش‌ها بسیار مؤثر خواهد بود. از سیره رضوی چنین بر می‌آید که امام در پاسخگویی به گونه‌های مختلف شبهه و نیز شبهه‌گران مذاهب و مکاتب گوناگون، روش‌های ویژه‌ای را پی می‌گرفتند. چرا که مواد دستگام شبهه‌سازی و استدلال برای تقریر آن در همه شبهات یکسان نیست. به همین دلیل، رویکرد امام (علیه‌السلام) در پاسخگویی به شبهاتی با ماده اولیه نقلی، متفاوت از پاسخ‌های متناسب با شبهات برآمده از مواد اولیه عقلی قلمداد می‌شود. مواردی مانند توجه به لازمه‌های ماده استدلال، بهره‌گیری از برهان، ابطال قیاس، محسوس‌سازی معقولات در حوزه شبهات برآمده از مواد عقلانی قابل ارزیابی است. مواردی چون بهره‌گیری از قرآن، سنت، تاریخ و آموزه‌های تحریف‌نشده عهدین در پاسخ به شبهات برآمده از گزاره‌های نقلی متناسب می‌نماید. همچنین امام رضا (علیه‌السلام) به روش‌های شبهه‌افکنی مانند تحریف عقاید، کج‌فهمی، نقل قول ناقص، انواع مغالطات و انگیزه‌های سیاسی و مذهبی، توجه داشته و برای پاسخ به هرکدام از این روش‌ها رویکردی متناسب برای درهم شکستن استدلال شبهه‌گران پیش گرفتند. تبیین کامل و تفسیر گزاره‌های نقلی، رد حصرگرایی شناختی، توجه به خاستگاه‌های ایجاد شبهه و انگیزه‌های شبهه‌گری و نیز استناد به انگاره‌های مورد قبول مخاطب، مواردی است که به جنبه روشی پاسخ به شبهات توجه دارد. مجموعه این روش‌ها در ۱۱ رده اصلی سامان‌دهی شده که در پاره‌ای از موارد، بر ترکیبی از براهین عقلی و نقلی استوار است. افزون بر استفاده از دلایل عقلی و نقلی، امام (علیه‌السلام) با توجه به علم غیب خویش در پاره‌ای شبهات مکنون در ضمیر افراد، سعی در بیدار ساختن فطرت شبهه‌گر داشتند.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- آقا نوری، علی. (۱۳۸۷). امامان شیعه و وحدت اسلامی. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (بی تا). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الأعلام الاسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (بی تا). البدایه و النهایه. بیروت: مکتبه المعارف.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
- احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶ق). مکاتیب الاثمه. قم: دارالحديث.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۷ق). الجامع الصحیح المختصر. بیروت: دار ابن کثیر.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۴۲). رجال البرقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- (۱۳۷۶). الفصول المهمه فی اصول الاثمه. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام.
- حلی، حسن بن علی. (۱۳۴۲). الرجال (لابن داود). تهران: دانشگاه تهران.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خندان، علی اصغر. (۱۳۸۴). مغالطات. قم: بوستان کتاب.
- دمیری، محمد بن موسی. (۱۴۲۴ق). حياه الحيوان الكبرى. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الدمیینی، مسفر عزم الله. (۱۹۸۴). مقاییس نقد متون السنه. ریاض: بی نا.
- زمزمی، یحیی. (۱۴۱۴ق). الحوار آداب و ضوابطه فی ضوء الكتاب و السنه. مکه: دارالتربیه و التراث.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۳ق). تهذیب الاصول. تقریر اباحت امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شحود، علی بن نایف. (۱۴۲۹ق). الخلاصه فی اصول الحوار و ادب الاختلاف. بی جا. بی نا.
- صالح، صبحی. (۱۳۸۶). نهج البلاغه. تهران: راه علم.
- صنعانی، عبد الرزاق بن همام. (۱۴۰۳ق). المصنّف. بیروت: المکتب الإسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). العده فی اصول الفقه. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- عارفی شیرداغی، محمد اسحاق. (۱۳۹۸). روش شناسی معارف دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
- علوی، سهراب. (۱۳۷۹). امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان. قم: مسجد مقدس جمکران.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی. تهران: المطبعه العلمیه.

- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۵). منطق ۲. تهران: دانشگاه پیام نور.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: هجرت.
- کتاب مقدّس (عهد عتیق و عهد جدید). ترجمه فاضلخان همدانی. ویلیام گلن. تهران: اساطیر.
- کَشّی، محمد بن عمر. (۱۳۶۳ق). اختیار معرفه الرجال. قم: آل البيت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۵ق). الکافی. قم: دارالحدیث.
- لاهیجی، عبدالرزاق. (۱۳۹۳). گوهر مراد. قربانی، زین العابدین، سایه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدرضایی، محمد. (۱۳۸۳). الهیات فلسفی. قم: بوستان کتاب.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: مؤسسه آل البيت.
- میناگر، غلامرضا. (۱۳۹۸). روش شناسی صدر المتألهین. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۷۳). رجال النجاشی. قم: موسسه النشر الاسلامی.



تحلیل محتوای فصلنامه فرهنگ رضوی^۱

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۲

مهدی علیپور حافظی^۲، داریوش مطلبی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی وضعیت مقالات منتشر شده در فصلنامه فرهنگ رضوی صورت گرفته است. رویکرد پژوهش، کمی و روش پژوهش تحلیل محتواست. اطلاعات مورد نیاز از سامانه نشریه دریافت شد. اطلاعات کتاب‌شناختی مقاله به همراه وابستگی سازمانی و رتبه علمی ورشته تحصیلی پژوهشگران و نیز چکیده و کلیدواژه‌های مقالات در فایل اکسل به طور کامل وارد شد. سپس این داده‌ها پس از سه مرحله تمیزسازی، وارد نرم‌افزارهای تولید گراف شد و در نتیجه گراف‌ها و نقشه‌های علمی و نیز نمودارها از نرم‌افزار دریافت و توصیف و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که ۲۹۱ نویسنده با نشریه همکاری داشته‌اند. از این بین تنها ۱ درصد از نویسندگان دارای ۵ مقاله منتشر شده در ۳۲ شماره نشریه هستند. همچنین پنج دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه الزهراء (علیها السلام) بیش از ۶۰ درصد وابستگی سازمانی پژوهشگران را تشکیل می‌دهد. بین دانشگاهیان، اعضای هیئت علمی با رتبه استادیار بیشترین همکاری را با نشریه دارند. یافته‌ها حاکی از همکاری کمتر از ۲۵ درصد خانم‌ها در انتشار مقالات دارد و پژوهشگرانی از رشته علوم قرآن و حدیث به تنهایی با ۱۰۳ عنوان مقاله، رتبه نخست را کسب کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: فصلنامه فرهنگ رضوی، تحلیل محتوا، نقشه علمی، علم‌سنجی.

۱. مقاله حاضر بر گرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای فصلنامه فرهنگ رضوی» است که با حمایت بنیاد بین‌المللی فرهنگی و هنری امام رضا (علیه السلام) انجام شده است.

۲. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، meh.hafezi@gmail.com

۳. دانشیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری ری (نویسنده مسئول):

dariushmatlabi@iausr.ac.ir

طرح مسئله

نقشه جامع علمی کشور، علوم انسانی را از حوزه‌های اولویت‌دار و راهبردی عنوان کرده و به نقش مؤثر آن در پیشرفت و بهبود وضعیت علم و فناوری کشور صحنه گذاشته است. بر مبنای این نقشه، یکی از راهبردهای کلان توسعه علم و فناوری، متحول‌سازی و ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی و هنر مبتنی بر معارف اسلامی است. همچنین این حوزه، راهبردها و اقدامات ملی در نقشه جامع علمی کشور دارد که از آن جمله می‌توان به حمایت از شبکه‌سازی دانشمندان و مؤسسات تحقیقاتی دینی؛ توسعه هدفمند علوم انسانی؛ تقویت و تعامل مؤثر حوزه و دانشگاه به منظور تولید علوم انسانی؛ گسترش گرایش‌های میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای در حوزه‌های این علوم؛ حمایت از تولید و کاربردی کردن علوم انسانی با جهت‌گیری اسلامی و متناسب‌سازی رشته‌های آن‌ها با نیازهای واقعی کشور و توسعه پژوهش‌های بنیادی معرفتی در حوزه علوم انسانی و ارائه تولیدات علمی آن‌ها به جهان اشاره کرد (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۹۰: فصل ۴).

توجه به فرهنگ اسلامی یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جوامع مسلمان امروزی است و در رسیدن به بالندگی و توسعه علمی در زمینه‌های مختلف کمک خواهد کرد و منجر به بهبود سرمایه‌های فرهنگی غنی اسلامی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در کشورهای مسلمان خواهد شد. بنابراین، برای ارتقای جایگاه تمدن اسلامی و غنی‌سازی فرهنگ نوین اسلام، همه مسلمانان جهان باید به توسعه و پیشرفت علمی خود توجه کنند تا بتوانند در مقایسه با فرهنگ‌های جوامع دیگر، عقب‌نمانند (شرفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴). در جهان معاصر، پیوند زدن ایران و نظام اسلامی از سویی با مفاهیمی همچون جنگ، خشونت، ترور و تهدید و از سویی دیگر با آینده، یهود، آمریکا و روسیه در مطالعات بین‌المللی، دقیقاً منطبق با پروژه اسلام‌هراسی به‌ویژه «ایران‌هراسی»^۱ است. «ایران‌هراسی» به سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که بر مبنای تئوری توطئه برای رسیدن به منافع خاص علیه این کشور با معرفی کردن ایران به‌عنوان تهدیدی برای کشوری خاص یا در شکل بزرگ‌تر

1. Iranophobia

برای صلح بین المللی مطرح می‌گردد. هدف از این سیاست جلوگیری از رسیدن ایران به فناوری و علوم پیشرفته، خصوصاً تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای یا توانایی‌های نظامی است (وصفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۶). با عنایت به روی آوردن بخش اعظمی از ایرانیان به مذهب تشیع و ابراز ارادت وسیع مردمان این مرز و بوم به سیره و فرهنگ رضوی، احیا و تبیین این مکتب به‌ویژه در شرایطی که اسلام‌ستیزی در دستور کار استکبار جهانی قرار گرفته، ضروری است.

امام رضا (علیه السلام) با مدیریت فرهنگی، جان تازه‌ای به کالبد نیمه‌جان شیعه بخشیدند که پس از نهضت علمی امام صادق (علیه السلام) در تاریخ شیعه نظیر ندارد. نقش و تأثیر این انقلاب فرهنگی بر جامعه شیعه را می‌توان در این موارد دانست: نقش احیاکنندگی هشتمین اختر تابناک امامت احیاگر اسلام ناب محمدی، قرآن و سنت علوی است که باعث تعالی جایگاه ثقلین در جامعه شد؛ نقش تبیینی و تثبیتی امام (علیه السلام)، محوری‌ترین اصل در منظومه کلام شیعه یعنی اصل امامت را به خوبی تبیین کردند و باعث تثبیت آن در افکار مسلمین شدند. ایشان با ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه، تصحیح نگرش مسلمانان، توسعه همه‌جانبه علوم و ایجاد فضای مناسب علمی، نقش بالندگی و توسعه بخشی به شیعه داشتند. در کنار مسائل پیش گفته، نقش نخبه‌پروری، سازمان‌دهی و سامان‌بخشی، حفاظتی‌هدایتی، بصیرت‌افزایی و ... از دیگر آثار مدیریت فرهنگی امام رضا (علیه السلام) است (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۳)؛ اما نهادینه کردن و تعمیق این مکتب فکری و آموزه تمدن‌ساز آسمانی در شریان‌های جامعه انسانی، زمانی میسر می‌گردد که با زبان علم به‌عنوان زبان گفت‌وگو و تعامل، انجام پذیرد. تعاملات علمی هم به ابزارها و بسترهایی نیاز دارد که از جمله آن انتشار آثار علمی و پژوهشی است.

انتشار آثار علمی به‌عنوان آینه تمام‌نمای سطح دانش و اطلاعات تخصصی و فنی عمل می‌کند و در نظام پیچیده تبادلات علمی و فنی و تسهیم دانش تولیدشده بین جوامع مختلف، نقش زیربنایی دارد. به سبب این رسالت، تولید انواع آثار علمی به خصوص در قالب مقالات و مجلات از مهم‌ترین منابعی است که نهادهای دانشی استفاده می‌کنند. در هر کشوری نشر آثار علمی، به‌ویژه مجلات علمی به‌عنوان یک مسئله مهم و عملی

برای توسعه علم و دانش شناخته می‌شود. بنابراین، برای هر ملتی مهم است که دارای ابزارهایی باشد تا بتواند به وسیله آن‌ها یافته‌های علمی خود را ترویج کند. هدف از انتشار مجلات علمی، گسترش پژوهش و نشر یافته‌های جدید در موضوع‌های مختلف و ترویج و بالا بردن سطح دانش نظری و ایجاد ارتباط بین پژوهشگران است. مجلات علمی مسئول جذب و ارزیابی مقالات و نوشته‌های تولید شده در یک رشته علمی هستند (افضلی‌پور و جمالی مهموئی، ۱۳۹۳: ۳۹۸). به عبارتی، مقالات به دلیل فرایند داوری و صیقل خوردن بر اثر مطالعه نقادانه داوران و توصیه‌های ایشان برای رفع نواقص و تکمیل موارد، هویت ویژه‌ای به خود می‌گیرد (نوبخت، ۱۳۹۸: ۳۴). از این‌رو، مهم‌ترین عملکردی که می‌توان برای مجلات علمی در نظر گرفت، کنترل کیفیت اطلاعات منتشر شده به منظور اشاعه اطلاعات صحیح و معتبر است (افضلی‌پور و جمالی مهموئی، ۱۳۹۳: ۳۹۸).

فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی از معدود نشریات داخلی تخصصی در حوزه علوم انسانی اسلامی است که همواره می‌تواند با معیارهای ارزیابانه خود به اشاعه دانش و فرهنگ رضوی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی یاری رساند. نشریه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی با صاحب امتیازی بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه‌السلام) به صورت فصلنامه و به زبان فارسی منتشر می‌شود. سردبیر مجله آقای دکتر جلال درخشه می‌باشد و ۹ نفر از متخصصان علوم اسلامی از دانشگاه‌ها و سازمان‌های معتبر کشور به عنوان عضو هیئت تحریریه با این نشریه همکاری دارند. در هر شماره فصلنامه نیز به صورت الکترونیکی حدود ۷ مقاله علمی منتشر می‌شود. با هدف افزایش غنای علمی فصلنامه مزبور، این پژوهش قصد دارد با کاوش در مقاله‌های منتشر شده با رویکرد علم‌سنجی به تحلیل و ترسیم ساختار دانشی این نشریه بپردازد. از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش، تحلیل محتوای مقالات نشریه فصلنامه فرهنگ رضوی با روش‌های علم‌سنجی است. از اهداف جزئی آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: شناسایی نویسندگان پرکار؛ شناسایی دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی فعال و حامی پژوهشگران؛ شناسایی رتبه علمی نویسندگان مقالات؛ توزیع فراوانی جنسیت نویسندگان؛ شناسایی رشته علمی نویسندگان؛ شناسایی روش‌شناسی مقالات؛ ترسیم و تحلیل میزان همکاری نویسندگان، رشته‌های

علمی، دانشگاه و مؤسسات علمی و ترسیم و تحلیل هم‌رخدادی کلیدواژگان به‌کارگیری شده توسط نویسندگان مقالات است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در حوزه ترسیم نقشه‌های علمی، علم‌سنجی و ارزیابی کمی حوزه‌های علمی انجام شده است. جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعات علمی داخلی و خارجی به‌بازیابی موارد متعددی منتج می‌شود. با وجود این، تعداد پژوهش‌هایی که با رویکرد تحلیل محتوا و از منظر ترسیم نقشه علمی در حوزه علوم اسلامی و شاخه‌های مرتبط با آن صورت گرفته است، نسبت به پژوهش‌ها در حوزه‌های موضوعی دیگر بسیار محدود است. با شناسایی و فیلتر کردن نتایج بازیابی (مطالعه چکیده و شناسایی ارتباط موضوعی یا مطالعه وضعیت یک نشریه در حوزه موضوعی مرتبط با این پژوهش) در نهایت ۲۴ پژوهش شناسایی و تحلیل شده است.

جدول ۱. پیشینه‌های پژوهش

پژوهشگر	سال	محور موضوعی پژوهش	بازه زمانی پژوهش	نتایج مهم پژوهش
کریمی	۱۳۸۹	انتشارات علمی حوزه‌های موضوعی اسلام	۱۹۷۸- ۲۰۱۰	آمریکا، انگلستان و کانادا بیشترین سهم در تولید مقالات را داشته‌اند؛ دانشگاه‌های کلمبیا، هاروارد و جرج تاون در خارج از کشور و دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی از ایران بیشترین تولیدات علمی را داشته‌اند. قالب انتشار آثار بیشتر به شکل کتاب و سپس مقاله بود.

میرحق جو لنگرودی	۱۳۹۲	فصلنامه مطالعات قرآنی	۱۳۸۹- ۱۳۹۲	۵۰ درصد آثار نگ نویسنده هستند؛ دانشگاه های آزاد اسلامی جیرفت و کرج بیشترین تعداد مقالات را منتشر کرده اند.
اصنافی	۱۳۹۳	آثار منتشر شده با عنوان شیعه در پایگاه اطلاعاتی وب اوساینس	۱۹۷۴- ۲۰۱۴	آمریکا، انگلیس و آلمان و نشریه سیاست خاور میانه بیشترین تولیدات علمی را داشته اند. سهم انتشار آثار از کشورهای مسلمان و شیعه اندک است.
زنگیشه، سهیلی، احمدی	۱۳۹۳	تحلیل استنادی پژوهشگران حوزه اسلام و علوم قرآنی در وب اوساینس	۱۹۹۳- ۲۰۱۲	نویسندگان از قاعده لوتکا بهره گرفته اند؛ مدارک هسته دارای توزیع موضوعی نامناسب هستند؛ اسلام و دموکراسی دو موضوع اصلی در مدارک هستند
معرفت، صابری، عضدی	۱۳۹۳	نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی	۱۳۸۸- ۱۳۹۳	حدود ۱۰ درصد نویسندگان را زن تشکیل می دهد؛ دانشگاه های مازندران، تهران و سمنان بیشترین سهم در انتشار مقالات داشته اند؛ ۷۴ درصد مقالات دارای بیش از دو نویسنده هستند
وصفی، محمدیان، بامیر	۱۳۹۳	برون داده های علمی علوم سیاسی با موضوع اسلام	-	پژوهش ها با محوریت دین، تاریخ، سیاست و علوم اجتماعی منتشر شده اند.
اسدی، آقاملابی، ملکوتی خواه	۱۳۹۴	همکاری میان حوزه و دانشگاه (دانشگاه های تهران و حوزه علمیه قم)	۱۳۸۳- ۱۳۹۲	۱۸ درصد مقالات توسط خانم ها منتشر شده اند؛ حدود ۷۵ درصد مقالات دارای بیش از دو نویسنده هستند؛ گرایش زیاد برای همکاری بین نویسندگان وجود دارد.
اکبری، عابدی	۱۳۹۵	دوفصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام	۱۳۹۲- ۱۳۹۴	حدود ۱۷ درصد مقالات توسط خانم ها منتشر شده اند؛ افراد با رتبه استادیاری حدود ۳۰ درصد مقالات را منتشر کرده اند؛ حدود ۶۴ درصد مقالات دارای دو نویسنده و بیشتر هستند؛ جامعه المصطفی، دانشگاه اصفهان و دانشگاه تهران بیشترین همکاری را با نشریه داشته اند.

مشارکت ایرانیان بسیار اندک بود؛ کلیدواژه‌های سنت، تفسیر، خدا، مسلمانان، تاریخ، معنا و ترجمه پرکاربردترین کلیدواژه‌ها در آثار بودند.	۱۹۹۶- ۲۰۱۵	جایگاه مطالعات قرآنی در وب‌آوساینس	۱۳۹۵	خاصه و همکاران
۱ درصد از کلیدواژه‌های قرآن در آثار منتشر شده استفاده شده است.	-	تولیدات علمی علوم پزشکی با بهره‌گیری از قرآن	۱۳۹۵	تیرگر، حبیب‌زاده، آقاری
۱ درصد از کلیدواژه‌های قرآن و نهج البلاغه در مقالات استفاده شده است؛ حدود ۶۸ درصد مقالات مروری بودند.	۱۳۹۳	بهره‌گیری از قرآن و نهج البلاغه در مقالات دانشگاه‌های علوم پزشکی	۱۳۹۶	تیرگر، آقاری، فرج‌زاده آلان
آمریکا، مالزی، عربستان و انگلستان دارای بیشترین تولیدات علمی هستند؛ مذهب و اسلام کلیدواژه‌های مرکزی در شبکه موضوعات آثار بودند.	-	شبکه هم‌تألیفی کشورها، دانشگاه‌ها و پژوهشگران در برون‌دادهای علمی علوم قرآنی	۱۳۹۶	خدایانه
واژگان امامیه، حکم، قاعده، قانون، شرط، احکام، شیعه بیشترین استفاده را در آثار داشتند.	-	پژوهش‌های مرتبط با علوم اسلامی در ایران	۱۳۹۶	قصابیان
روش کتابخانه‌ای پرکاربردترین روش پژوهش بود؛ حدود ۲۲ درصد مقالات توسط خانم‌ها منتشر شده است؛ حدود ۴۲ درصد مقالات تک نویسنده بودند؛ دانشگاه اصفهان بیشترین مشارکت را در تولید آثار داشت.	۱۳۸۴- ۱۳۹۴	دوفصلنامه تربیت اسلامی	۱۳۹۶	محمدی، حسن‌خانی، امید
میانگین تعداد نویسندگان ۶/۱ بود؛ همکاری گروهی پایین بین نویسندگان حاکم بود.	۱۳۸۵- ۱۳۹۴	نفوذ اجتماعی پژوهشگران علوم قرآن و حدیث	۱۳۹۶	موسوی چلک، سهیلی، خاصه
موضوع قرآن، حقوق جزا و تفاسیر در مرکز توجه پژوهشگران قرار داشتند.	۱۳۶۳- ۱۳۹۳	وضعیت کمی پایان‌نامه‌های علوم انسانی با رویکرد اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد	۱۳۹۷	راچمنی، نوکاربزی، شریف
کلیدواژه‌های قرآن، نهج البلاغه و امام علی (علیه السلام) پرکاربردترین کلیدواژه‌ها در آثار بودند.	۱۳۸۵- ۱۳۹۴	ترسیم ساختار دانش علوم قرآن و حدیث در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام	۱۳۹۷	قاضی‌زاده، سهیلی، خاصه

کلیدواژه‌های اسلام، تمدن، مسلمانان، صدای تمدن‌ها اصطلاح‌های هسته در آثار را تشکیل می‌دادند؛ دانشگاه‌های آمریکا، ترکیه، انگلیس، مالزی و ایران دارای تولیدات علمی بیشتر از سایرین بودند.	۱۹۸۶- ۲۰۱۸	تولیدات علمی تمدن اسلامی در وب‌آوساینس	۱۳۹۸	شرفی، شقاقی، پاشنگ
ضعف در انتشار مقالات در سطح بین‌المللی مشاهده شد.	-	عملکرد پژوهشگران مسلمان در نشر مقالات قرآن کریم در حوزه پزشکی	۲۰۱۲	نوری، زارع‌فراشبندی
آمریکا، ترکیه، مالزی و ایران بیشترین تولیدات علمی را داشتند؛ کلیدواژه‌های اسلام، ریخت‌شنای، مذهب، رفتار زندگی بیشترین استفاده را در آثار داشتند.	۲۰۰۰- ۲۰۱۷	نقشه علمی حوزه علوم قرآنی در وب‌آوساینس	۲۰۱۸	صادقیان
آمریکا بیشترین تولیدات علمی را داشت؛ ۹۲ درصد مقالات به صورت مقاله منتشر شده‌اند؛ ۹۸ درصد مقالات به زبان انگلیسی بودند؛ کلیدواژه‌های پرکاربرد عبارت بودند از: اسلام، دین، مسلمان، معنویت، بهداشت، سلامت روان.	۱۹۷۵- ۲۰۱۷	ادبیات علمی حوزه سلامت در ادیان ابراهیمی	۲۰۱۸	شنل
آمریکا بیشترین تولید مقالات را داشت؛ کلمات کلیدی دین، معنویت، مذهبی بودن، بهداشت، بهداشت روان پرکاربرد بودند.	۱۹۷۵- ۲۰۱۶	نشریه دین و سلامت	۲۰۱۸	شنل، دمیر
حدود ۶۵ درصد مقالات بر توصیف سلامت روانی پرداخته‌اند.	۲۰۰۰- ۲۰۱۵	نقشه علمی بهداشت روان مسلمانان در پایگاه اطلاعاتی مدلاین و سای اینفو	۲۰۱۹	الطالب و همکاران
کلیدواژه‌های ترس، ضربه، خشونت، جنگ، اختلال استرس پربسامد بودند؛ پژوهشگران از ترکیه، آمریکا، ایران مالزی پرکارترین پژوهشگران در زمینه روزه ماه مبارک رمضان بودند.	۲۰۰۴- ۲۰۱۹	مقالات پراستناد مرتبط با روزه ماه مبارک رمضان و سلامتی	۲۰۲۰	حسین، ظفر، اولله

پژوهش‌های شناسایی شده را در کل می‌توان به دو گروه عمده دسته‌بندی کرد؛ دسته اول، پژوهش‌هایی که به ترسیم نقشه‌های علمی در حوزه‌های مرتبط با علوم اسلامی در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف مانند وب‌آوساینس^۱ (کریمی، ۱۳۸۹؛ اصنافی، ۱۳۹۳؛ زنگی‌شاه و همکاران، ۱۳۹۳؛ خاصه و همکاران، ۱۳۹۵؛ شرفی و همکاران، ۱۳۹۸؛ صادقیان،^۲ ۲۰۱۸؛ شنل،^۳ ۲۰۱۸؛ شنل و دمیر،^۴ ۲۰۱۸؛ حسین و همکاران،^۵ ۲۰۲۰)، مدلاین^۶ (نوری و زارع‌فراشبندی،^۷ ۲۰۱۲؛ الطالب^۸ و همکاران، ۲۰۱۹)، پایگاه استنادی جهان اسلام (قاضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷) و غیره (قصابیان، ۱۳۹۶؛ خداپناه، ۱۳۹۶) پرداخته‌اند و دسته دوم، پژوهش‌هایی که به مطالعه یک نشریه مشخص یا تحلیل محتوای نشریه‌ای خاص (میرحق جو لنگرودی، ۱۳۹۲؛ معرفت و همکاران، ۱۳۹۳؛ اکبری و عابدی، ۱۳۹۵؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۶؛ شنل و دمیر، ۲۰۱۸) پرداخته‌اند.

در اکثر پژوهش‌های قبلی به غلبه زبان انگلیسی بر سایر زبان‌ها در انتشارات علمی حوزه علوم اسلامی در سطح بین‌المللی اشاره شده است. همچنین از پیشینه‌ها برمی‌آید که تحلیل شبکه و هم‌خدادی، روش رایج برای تحلیل محتوای مجلات به‌شمار می‌آید. مهم‌تر از همه اینکه اکثر مطالعات قبلی اذعان داشته‌اند که درباره مسائل اسلامی پژوهش‌های اندکی صورت پذیرفته و آن مقدار هم بیشتر توسط کشورهای غربی و غیراسلامی به نگارش درآمده است که احتمال تحریف و سوگیری‌های سیاسی و دینی در آن‌ها محتمل می‌نماید؛ از آنجا که در پژوهش اصنافی (۱۳۹۳) هم به آن گوشزد شده، با جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر بین‌المللی به راحتی می‌توان به این قضیه پی برد که درباره شیعه و اسلام ناب محمدی تقریباً هیچ پژوهشی صورت نگرفته و در مطالعات داخلی هم که با روش تحلیل محتوا، مجلات علوم اسلامی را مورد مذاقه قرار داده‌اند،

1. Web Of Science (WOS)
2. Sadeghian
3. Şenel
4. Demir
5. Husain, Zafar, Ullah
6. MedLine
7. Noori, Zare Farashbandi
8. Altalib

مسئله امامت و به‌طور خاص فرهنگ رضوی مدنظر قرار نگرفته است. پس این پژوهش در نظر دارد خلأ پژوهش‌های پیشین را جبران کند و فصلنامه فرهنگ رضوی را که یکی از مجلات تخصصی در حوزه شیعه و فرهنگ رضوی است، با روش‌های علم‌سنجی بررسی کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی است و با توجه به انتشار ۸ ساله فصلنامه فرهنگ رضوی، ضروری می‌نمود که تحلیل علم‌سنجی بر مؤلفه‌های مختلف انتشار مقالات از قبیل نویسندگان مقالات، سازمان‌های حامی و وابستگی سازمانی آن‌ها، حوزه‌های موضوعی مقالات و نظایر این‌ها پرداخته شود تا بر اساس نتایج بتوان وضعیت را با رسالت‌ها و برنامه‌های نشریه مطابقت داد و در صورت نیاز در اصول و مقدمات و برنامه‌های نشریه بازنگری کرد. برای شناسایی وضعیت همکاری علمی در مقالات فصلنامه از روش پژوهش علم‌سنجی استفاده شد. همچنین از طریق تحلیل کمی محتوا اقدام به شناسایی ویژگی‌های اطلاعات ثبت شده از مقالات در نشریه شد.

جامعه پژوهش را تمام مقالات منتشر شده در نشریه از شماره ۱ در سال ۱۳۹۲ تا انتهای سال ۱۳۹۹ شامل می‌شود. در مجموع ۸ دوره و ۳۲ شماره و در کل تعداد ۲۲۹ مقاله در دوره مورد مطالعه این پژوهش منتشر شده است. برای شناسایی مقالات به‌طور مستقیم به سامانه وب نشریه مراجعه و اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد. پس از شناسایی مقالات، اقدام به گردآوری اطلاعات مورد نیاز شد. برای این منظور فایل اکسلی آماده شد که در آن تمام اطلاعات مورد نیاز برای وصول به اهداف پژوهش مشخص شده بود. فیلدهای مورد نیاز در این پژوهش عبارت بود از: شماره مقاله، عنوان مقاله، نویسنده‌های مقالات، رتبه علمی نویسندگان، رشته تحصیلی نویسندگان، وابستگی سازمانی نویسندگان، واژگان کلیدی، روش‌شناسی.

سپس برای گردآوری اطلاعات، تک تک مقالات بررسی شد. در تعدادی از مقالات اطلاعات مربوط به وابستگی سازمانی و رتبه علمی نویسندگان ذکر نشده بود که به این منظور اقدام به جست‌وجو در وب و شناسایی رزومه آن‌ها در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌های یا مراکز علمیه شد تا اطلاعات کامل شود. بدیهی است اطلاعات ناقص نمی‌توانست کمک کننده باشد و بسیاری از روابطی که در ترسیم نقشه‌های علمی مد نظر بود ناقص می‌شدند. سپس اقدام به تمیزسازی داده‌ها شد. بسیاری از داده‌ها به‌ویژه داده‌های مربوط به اسامی نویسندگان، رشته تحصیلی و وابستگی سازمانی آن‌ها به‌طور یکدست در تمام مقالات آن‌ها ذکر نشده است. از این رو ضروری بود یک‌دست‌سازی در این زمینه صورت گیرد تا شبکه‌های همکاری تولید شده دارای کمترین خطا باشد.

در حقیقت، در گام نخست اطلاعات مرتبط با مقاله‌های فصلنامه فرهنگ رضوی از جمله عنوان مقاله، نام نویسندگان، سمت علمی نویسندگان، رشته‌های علمی نویسندگان و کلیدواژگان اختصاص یافته به هر مقاله به صورت سیاهه واری برای ورود به نرم‌افزار اکسل و ترسیم نمودارها گردآوری شد. در ادامه نام نویسندگان، رشته‌های علمی و کلیدواژگان به کار رفته یک‌دست‌سازی و نام‌های نویسندگان تکراری حذف شد. ۲۱۰۰ کلیدواژه توسط نویسندگان به مقالات اختصاص یافته بود که بعد از یک‌دست‌سازی و دسته‌بندی کلیدواژه‌های اخص در دسته‌های عام‌تر، ۸۳۶ کلیدواژه کلی به دست آمد. براساس قانون بردفورد^۱ یک سوم کلیدواژه‌ها، کلیدواژه هسته هستند. در این پژوهش کلیدواژگانی که حداقل ۲ فراوانی داشتند به عنوان کلیدواژه هسته شناسایی و تعیین شدند. در گام بعدی، برای ترسیم ماتریس‌های متقارن برای ترسیم نقشه‌های هم‌رخدادی از نرم‌افزار راورماتریکس^۲ استفاده شد که داده‌های خود را در قالب متن ساده دریافت می‌کند. بعد از تهیه ماتریس هم‌رخدادی از نرم‌افزارهای وی‌ا‌اس‌ویور^۳،

1. Bradford
2. RavarMatrix
3. VosViewer

ندراو^۱ و یوساینت^۲ برای ترسیم نقشه‌های هم‌تألیفی نویسندگان، همکاری‌های رشته‌های علمی، همکاری سازمان‌ها و هم‌رخدادی واژگان بهره گرفته شد. مرکزیت درجه یکی از سنجه‌ها یا شاخص‌های شبکه‌ای است که در تحلیل ساختار کل شبکه‌ها و موقعیت‌های گره در شبکه مفید است. این سنجه به تعداد پیوندهای داده شده یا خارج شده از یک گره در یک شبکه اشاره دارد. مرکزیت درجه محاسبه میزان پیوندهایی است که یک گره با دیگر گره‌های موجود در شبکه دارد. موضوعی با بیشترین خطوط، بالاترین رتبه را دارد و مرکزی‌ترین گره است (سهیلی و عصاره، ۱۳۹۱ به نقل از حاضری و دیگران، ۱۳۹۵). مرکزیت درجه می‌تواند جریان منابع بین گره‌ها در شبکه را تسهیل یا از آن جلوگیری کند. علاوه بر مرکزیت درجه، ویژگی ساختاری شبکه را می‌توان با محاسبه مرکزیت بینابینی گره‌های مختلف محاسبه کرد. سنجه مرکزیت بینابینی، موقعیت یک موجودیت را درون یک شبکه بر حسب توانایی‌اش برای ایجاد ارتباط با سایر زوج یا گره در شبکه، شناسایی می‌کند. مرکزیت بینابینی از گره الف، به عنوان تعداد مسیرهای کوتاه بین دیگر جفت‌هایی از گره که از طریق این گره رد و بدل می‌شوند، تعریف می‌شود (چنگ^۳، ۲۰۰۶ به نقل از حاضری و دیگران، ۱۳۹۵). شاخص مرکزیت نزدیکی بیانگر فاصله یک گره با گره‌های دیگر در شبکه بوده و نشان‌دهنده میانگین طول کوتاه‌ترین مسیرهای موجود میان یک گره با سایر گره‌های موجود است. برای مثال اگر شبکه مد نظر درباره افراد باشد، هرچه یک فرد به دیگران نزدیک‌تر باشد، فرد برگزیده‌تر و مشهورتری است. گره‌هایی که میزان شاخص مرکزیت نزدیکی بالایی دارند؛ اثرگذاری زیادی بر انتقال محتوا در شبکه، قابلیت بالا در دسترسی به دیگر گره و نقش بسزایی در توزیع اطلاعات میان دیگر گره‌های شبکه دارند (علینژاد چمازکتی و میرحجقو لنگرودی، ۱۳۹۷).

1. Netdrawe
2. Ucinet
3. Cheng

یافته‌های پژوهش

شناسایی نویسندگان پرکار

جدول ۲ نشان دهنده یافته درباره نویسندگانی است که بیش از ۲ مقاله در فصلنامه فرهنگ رضوی دارند.

جدول ۲. نویسندگان پرکار

ردیف	نام نویسنده	فراوانی	ردیف	نام نویسنده	فراوانی	ردیف	نام نویسنده	فراوانی
۱	اسفندیاری (فقیه)، مصطفی	۵	۲۱	معمدلتنگرودی، فرشته	۳	۴۱	علی‌پور، مرضیه	۲
۲	بیگ‌زاده، خلیل	۵	۲۲	نامدار جویمی، احسان	۳	۴۲	غفوری فر، محمد	۲
۳	رحیمی، مرتضی	۵	۲۳	واسعی، سیدعلیرضا	۳	۴۳	فرخی، میثم	۲
۴	سروری مجد، علی	۵	۲۴	طهماسبی بلداجی، اصغر	۳	۴۴	فصیح‌رامندی، منصوره	۲
۵	ابراهیمی، ابراهیم	۴	۲۵	باقری، محمد	۲	۴۵	قطبی، ثریا	۲
۶	جوهری، محمدرضا	۴	۲۶	بشیر، حسن	۲	۴۶	کشاوری، رضا	۲
۷	نادریان‌لابین، علی‌رضا	۴	۲۷	تابان، محمد	۲	۴۷	محمدی، دل‌آرام	۲
۸	دیمه‌کارگراب، محسن	۴	۲۸	ثنائی، حمیدرضا	۲	۴۸	محمدی، مجید	۲
۹	احمدی فر، مصطفی	۳	۲۹	جانفزا، علی	۲	۴۹	مرتضوی، سیدابراهیم	۲
۱۰	اکبرنژاد، مهدی	۳	۳۰	حسینی، علیرضا	۲	۵۰	نوروزی، محمد	۲
۱۱	اکبری، امیر	۳	۳۱	حیدری‌نسب، علیرضا	۲	۵۱	نوری، ابراهیم	۲
۱۲	حسین‌نژاد محمدآبادی، حمید	۳	۳۲	خاکپور، حسین	۲	۵۲	وسه، سیدمهدی	۲
۱۳	خانی‌مقدم، مهیار	۳	۳۳	خوش‌منش، ابوالفضل	۲	۵۳	امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد	۲
۱۴	درخشه، جلال	۳	۳۴	خیاط، علی	۲	۵۴	حسینی‌شاهرودی، مرتضی	۲
۱۵	زاهدی، عبدالرضا	۳	۳۵	درینی، ولی‌محمد	۲	۵۵	خاکرند، شکرالله	۲
۱۶	کاظمی، ابوالفضل	۳	۳۶	رجوعی، مرتضی	۲	۵۶	جهانی‌جوانمردی، فاطمه	۲
۱۷	محمدجعفری، رسول	۳	۳۷	رودی، معصومه	۲	۵۷	حسن‌پور، سیدعبدالکریم	۲
۱۸	حسینی‌فاتح، سیدمحمد مهدی	۳	۳۸	صادقی، اسماعیل	۲	۵۸	شریفی، علی	۲
۱۹	خان‌محمدی، کریم	۳	۳۹	صالحی، پیمان	۲	۵۹	معمدلتنگرودی، فاطمه	۲
۲۰	روحی برندق، کاووس	۳	۴۰	عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه	۲	۶۰	نصیری، علی	۲

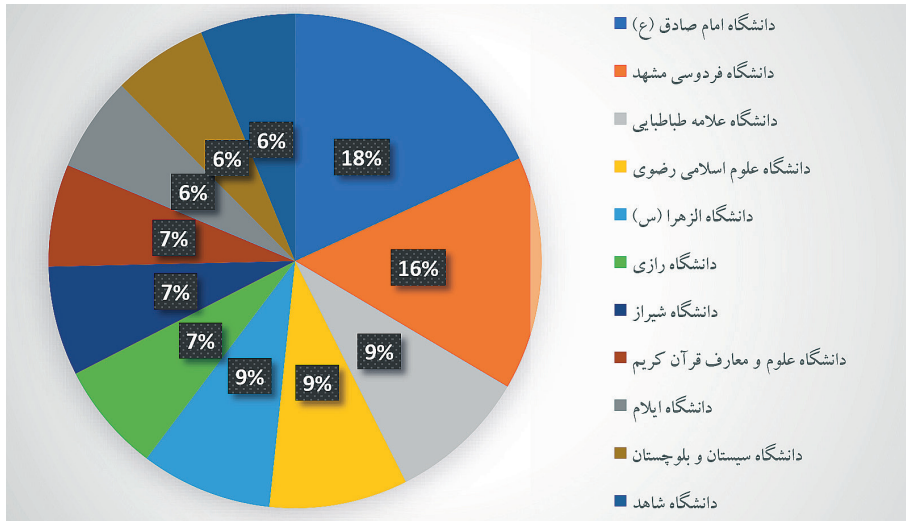
با توجه یافته‌های پژوهش که در جدول ۲ ارائه شده است، در مجموع ۳۵۱ نویسنده در نگارش مقالات منتشر شده (از شماره ۱ تا ۳۲) فصلنامه فرهنگ رضوی مشارکت داشته‌اند.^۱ پژوهشگرانی مانند مصطفی اسفندیاری (فقیه)، خلیل بیگزاده، مرتضی رحیمی و علی سروری مجد با مشارکت در نگارش ۵ مقاله بیشترین میزان مشارکت در انتشار مقالات را داشته‌اند و به عنوان پرکارترین نویسندگان شناخته می‌شوند. پژوهشگرانی مانند محمدرضا جواهری، علیرضا نادریان لایین، محسن دیمه کارگراب (با انتشار ۴ مقاله)، مصطفی احمدی فر، مهدی اکبرنژاد، امیر اکبری، حمید حسین نژاد محمدآبادی، مهیار خانی مقدم، جلال درخشه، عبدالرضا زاهدی، ابوالفضل کاظمی، رسول محمدجعفری، سیدمحمد مهدی حسینی قائق، کریم خان محمدی، کاووس روحی برندق، فرشته معتمدنگردی، احسان نامدار جویمی، سید علیرضا واسعی، اصغر طهماسبی بلداجی (با انتشار ۳ مقاله) در مرتبه دوم و سوم انتشار مقاله قرار دارند.

شناسایی دانشگاه و مؤسسات علمی فعال و حامی پژوهشگران

شکل ۱ نشان دهنده دانشگاه‌های فعال در حمایت از نویسندگان است که به عنوان وابستگی سازمانی، مقابل نام نویسندگان ارائه شده است. درخور توضیح است که برخی مقالات در نشریه فاقد وابستگی سازمانی بود که با جست‌وجو در وبگاه دانشگاه‌ها، پژوهشگاه و حوزه‌های علمیه، اطلاعات تکمیل شد.

۱. با توجه به طولانی بودن جدول در جدول ۲ فقط نویسندگانی اشاره شده‌اند که بیش از ۲ عنوان مقاله داشته‌اند.

شکل ۱. نمودار توزیع فراوانی سازمان و مؤسسات حامی نویسندگان فصلنامه فرهنگ رضوی



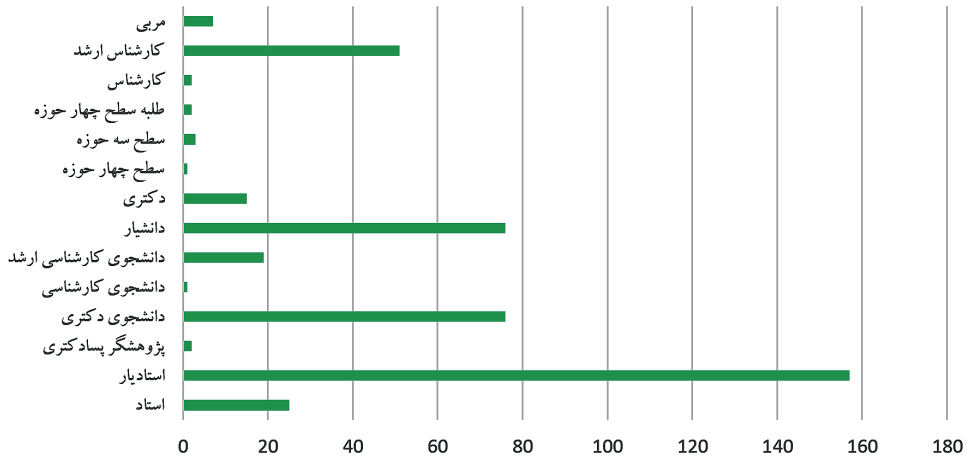
منبع: نویسندگان

همان طور که در شکل ۱ هویدا است، می توان ۹۸ سازمان و دانشگاه فعال و حامی پژوهشگران (وابستگی سازمانی نویسندگان) در انتشار مقالات را شناسایی کرد. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با ۳۸ فراوانی بیشترین میزان حمایت از پژوهشگران را داشته است. دانشگاه فردوسی مشهد با ۳۲ فراوانی در رتبه دوم و دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه علوم اسلامی رضوی هر دو با ۱۹ فراوانی در رتبه سوم میزان حمایت از پژوهشگران قرار دارند.

شناسایی رتبه علمی نویسندگان مقالات

شکل ۲ نشان دهنده نمودار توزیع فراوانی رتبه های علمی نویسندگان فصلنامه فرهنگ رضوی است. در خور توضیح است که برخی مقالات در نشریه فاقد رتبه علمی نویسندگان بود که با جست و جو در وبگاه دانشگاه ها، پژوهشگاه ها و حوزه های علمیه، اطلاعات تکمیل شد.

شکل ۲. نمودار توزیع فراوانی رتبه‌های علمی نویسندگان فصلنامه فرهنگ رضوی



بر مبنای اطلاعات شکل ۲ می‌توان اظهار داشت، پژوهشگران دارای مرتبه استادیاری، بیشترین میزان مشارکت را داشته‌اند. دانشجویان دکترا و اعضای هیئت علمی با مرتبه دانشیاری، بیشترین میزان مشارکت را داشته‌اند.

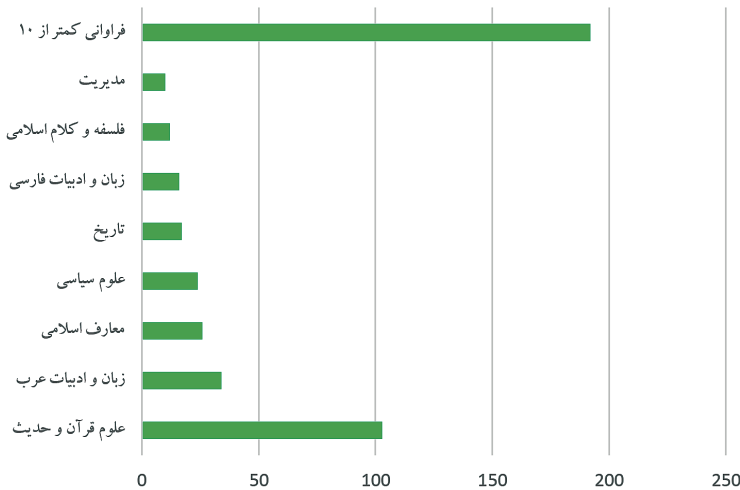
توزیع فراوانی جنسیت نویسندگان

مردان با ۷۵ درصد بیشترین مشارکت را در انتشار مقالات فصلنامه فرهنگ رضوی داشته‌اند. خانم‌ها نیز ۲۵ درصد مشارکت داشته‌اند.

شناسایی رشته‌های علمی نویسندگان

شکل ۳ نشان دهنده رشته‌های علمی نویسندگان فصلنامه فرهنگ رضوی است.

شکل ۳. نمودار توزیع فراوانی رشته‌های علمی نویسندگان فصلنامه فرهنگ رضوی

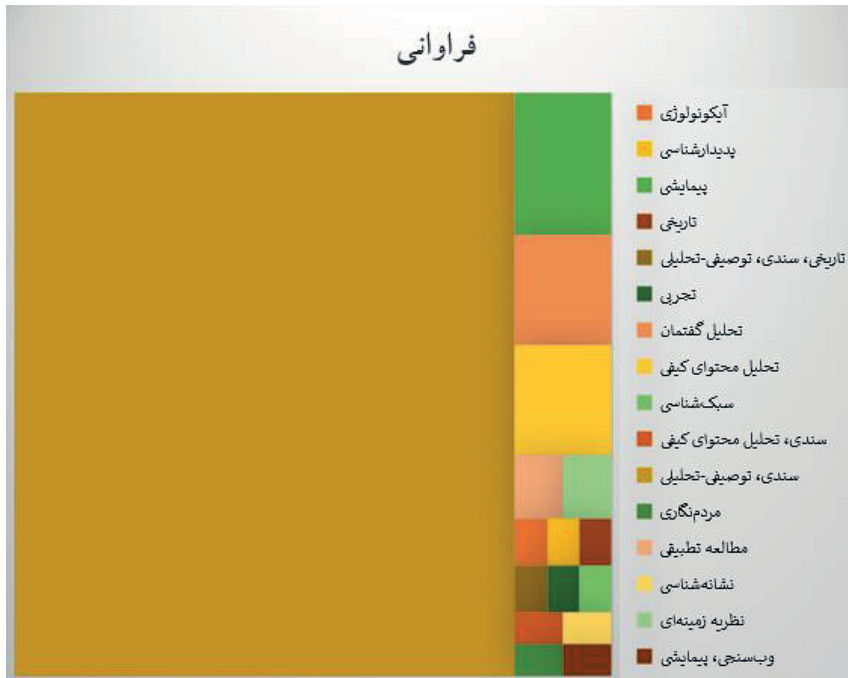


همان‌طور که در شکل ۳ هویدا است، رشته علوم قرآن و حدیث با فراوانی ۱۰۳ مقاله، فعالترین پژوهشگران را در انتشار مقاله دارد. رشته زبان و ادبیات عرب با ۳۴ فراوانی، رشته معارف اسلامی با ۲۶ فراوانی، رشته علوم سیاسی با ۲۴ فراوانی و رشته تاریخ با ۱۷ فراوانی در رتبه اول تا پنجم قرار دارد.

شناسایی روش‌شناسی مقالات

شکل ۴ نشان‌دهنده روش‌های پژوهش استفاده شده در مقالات منتشر شده در فصلنامه فرهنگ رضوی است.

شکل ۴. نمودار توزیع فراوانی روش‌شناسی مقالات فصلنامه فرهنگ رضوی



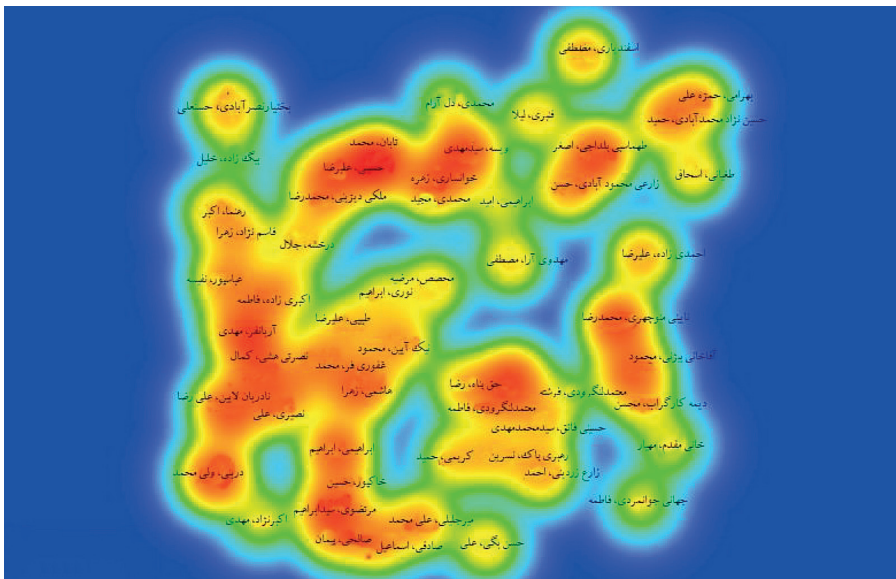
شکل ۴ بیانگر روش‌شناسی مقالات منتشر شده در فصلنامه فرهنگ رضوی است. براساس نمودار، روش‌شناسی سندی-توصیفی-تحلیلی با فراوانی ۱۹۲ بیشترین میزان به‌کارگیری را دارد. روش پیمایشی (۹ فراوانی)، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوای کیفی (۷ فراوانی) به ترتیب بیشترین روش‌شناسی‌های استفاده شده در تدوین مقالات است.

ترسیم و تحلیل میزان همکاری نویسندگان

در نقشه چگالی ترسیم شده، نویسندگانی که بیشتر با یکدیگر در ارتباط هستند در فاصله نزدیک‌تر به هم قرار می‌گیرند و برعکس آن‌هایی که ارتباط کمتری با یکدیگر دارند، در فاصله دورتری از هم قرار گرفته‌اند. چگالی هر گره نیز بر اساس تعداد گره‌های مجاور و میزان پیوند با آن‌ها تعیین شده است. در این نقشه‌ها گره‌های با اهمیت‌تر در مرکز

شبکه قرار گرفته است. از طرفی، طیف رنگ‌های قرمز تا آبی نمایانگر وزن چگالی است. به ترتیب رنگ‌های قرمز، زرد، سبز و آبی نشان‌دهنده وزن چگالی بالا تا پایین است.

شکل ۵. نقشه چگالی نویسندگان فصلنامه فرهنگ رضوی



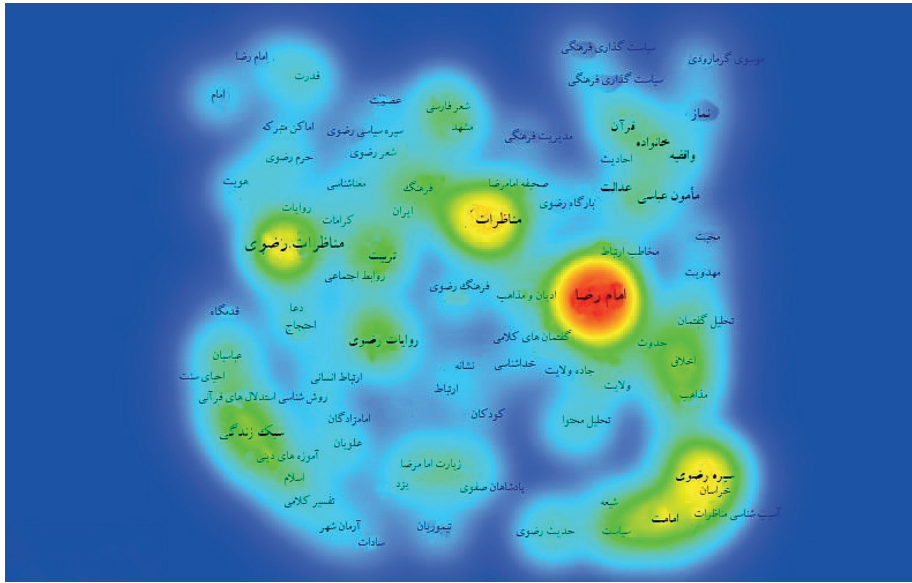
بر اساس نقشه چگالی ترسیم شده، نویسندگانی مانند نامدار جویمی، ویسه، نادریان لایین، درینی، تابان، طهماسبی بلداجی، ابراهیمی، اسفندیاری و صادقی از محبوب‌ترین نویسندگان فصلنامه فرهنگ رضوی هستند. بیگ‌زاده، صادقی، نوری، نادریان لایین، نامدار جویمی، کاظمی، قطبی و زاهدی نیز به دلیل داشتن بیشترین میزان مرکزیت بینیت از توانایی بالایی برای انتقال اطلاعات و دانش در شبکه برخوردارند. در صورتی که یکی از نویسندگان مزبور از شبکه حذف شود ممکن است انتقال اطلاعات با مشکل روبه‌رو شود. بیگ‌زاده، صادقی، شاهرخی شهرکی، آقاخانی بیژنی، خونساری، صغیانی، رحیمی زنگنه، الماسی، احمدی و کیانی نیز از مشهورترین نویسندگان فعال در شبکه هم‌تألیفی فصلنامه فرهنگ رضوی هستند.

مؤسسات علمی حامی فصلنامه فرهنگ رضوی هستند. دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه علوم و معارف قرآن، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، دانشگاه رازی، دانشگاه تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، دانشگاه اصفهان، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، و دانشگاه فرهنگیان مشهد به دلیل داشتن بیشترین میزان سنجه مرکزیت بینت جزء سازمان‌هایی هستند که به عنوان گره واسط میان سازمان‌های دیگر پیوند برقرار می‌کنند و نوعی پل ارتباطی میان سازمان‌های فعال در شبکه هستند. مؤسساتی نظیر دانشگاه علوم و معارف قرآن، دانشگاه رازی، دانشگاه قرآن و حدیث تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دانشگاه فرهنگیان مشهد و دانشگاه تبریز از مشهورترین سازمان‌های حامی و فعال در شبکه همکاری میان مؤسسات علمی فصلنامه فرهنگ رضوی هستند.

ترسیم و تحلیل هم‌خدادی کلیدواژگان به کارگرفته شده توسط نویسندگان مقالات

شاخص‌های مختلفی برای تحلیل شبکه هم‌خدادی واژگان وجود دارد که می‌تواند در نقشه‌های علمی به کار گرفته شود. به‌عنوان نمونه، اندازه شبکه با تعداد گره‌ها و چگالی شبکه با تعداد رابط‌های موجود در شبکه مشخص می‌شود. شاخص مرکزیت یکی از شاخص‌های مهم در تحلیل شبکه است. این شاخص‌ها برای تشخیص و شناسایی مهم‌ترین عملگرها یا به عبارت دیگر عملگرهای مرکزی یک شبکه تعیین شده‌اند که به موقعیت گره‌های خاص در شبکه اشاره دارند. مفهوم مرکزیت به موقعیت یک عملگر مربوط نمی‌شود، بلکه درجه ادغام یا پیوستگی آن را در شبکه نشان می‌دهد. در یک شبکه هم‌خدادی واژگان، هرچه مرکزیت درجه یک واژه بیشتر باشد، آن واژه، ارتباط و شبکه بیشتری در اختیار داشته و تأثیرگذارتر است. در یک شبکه هم‌خدادی واژگان، واژه‌های دارای بیشترین مرکزیت بینابینی است که بین تعداد زیادی از گره‌های دیگر قرار بگیرد و راه‌های ارتباطی گره‌های دیگر از آن بگذرد. این گره‌ها قدرت ایزوله کردن یا افزایش ارتباطات را دارند. در صورت حذف گرهی با مرکزیت بالا ممکن است که جریان اطلاعات در شبکه متوقف شود.

شکل ۸. نقشه چگالی کلیدواژگان مقالات فصلنامه فرهنگ رضوی



بر اساس شکل ۸ به ترتیب موضوعات امام سجاد، مشهد، معناشناسی، سرمایه نمادین ایرانی اسلامی، امام رضا علیه السلام، تبلیغ دینی، احتجاج، سادات، دوره افشاریه و گردشگری مذهبی از محبوب‌ترین موضوعات است. موضوعات امام سجاد علیه السلام، سرمایه نمادین ایرانی اسلامی، مشهد، معناشناسی، امام رضا علیه السلام، احتجاج، روش‌شناسی استدلال‌های قرآنی، عصمت، سادات و هجرت نیز به دلیل داشتن بیشترین میزان مرکزیت نزدیکی از موضوعات برگزیده شبکه هم‌رخدادی کلیدواژگان مقالات فصلنامه فرهنگ رضوی است. موضوعات امام سجاد علیه السلام، سرمایه نمادین ایرانی اسلامی، حدوث، مشهد، معناشناسی، احتجاج، روش‌شناسی استدلال‌های قرآنی، تشیع، فنون بلاغی و سادات نیز به دلیل داشتن میزان مرکزیت بینیت به ترتیب جزو اثرگذارترین موضوعات در شبکه هم‌رخدادی کلیدواژگان مقاله‌های فصلنامه فرهنگ رضوی است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش به ترتیب پرسش‌های اساسی پژوهش، ابتدا پرسش و سپس تحلیل نتایج و پاسخ به پرسش و در صورتی که در پژوهش‌های اشاره شده در پیشینه پژوهش یافته مرتبلی باشد، نتایج با یافته پژوهش‌های مذکور مقایسه و تحلیل شده است.

نویسندگان پرکار در مقالات فصلنامه فرهنگ رضوی چه کسانی هستند؟

با توجه به یافته‌های پژوهش مشخص شد که ۲۹۱ نویسنده (۸۳ درصد از نویسندگان) فقط دارای یک مقاله در نشریه هستند و تنها ۱۰ درصد از نویسندگان (۳۶ نویسنده) دارای دو مقاله، ۵ درصد از نویسندگان (۱۶ نویسنده) دارای سه مقاله، ۱ درصد از نویسندگان (۴ نویسنده) دارای چهار مقاله، ۱ درصد از نویسندگان (۴ نویسنده) دارای ۵ مقاله منتشر شده در ۳۲ شماره نشریه منتشر شده در فصلنامه فرهنگ رضوی هستند. ترکیب مشارکت نویسندگان در مقالات نشریه نشان می‌دهد که تنها ۸ نویسنده به نام‌های مصطفی اسفندیاری (فقیه)، خلیل بیگزاده، مرتضی رحیمی و علی سروری مجد با مشارکت نگارش ۵ مقاله و ابراهیم ابراهیمی، محمدرضا جواهری، علی‌رضا نادریان لاینی، و محسن دیمه کارگراب در نگارش ۴ مقاله نقش داشته‌اند و به عنوان نویسندگان پرکار نشریه محسوب می‌شوند. به طور میانگین نویسندگان پرکار هر ۶ شماره در میان یک مقاله در فصلنامه فرهنگ رضوی منتشر کرده‌اند. میانگین مذکور حاکی از عدم وابستگی نویسندگان به نشریه و انتشار آثار در نشریات مختلف یا عدم تمرکز موضوعی فعالیت پژوهشگران است که در حوزه‌های مختلفی فعالیت دارند و تنها یکی از حوزه‌های موضوعی فعالیت آن‌ها در راستای محورهای موضوعی تحت پوشش فصلنامه فرهنگ رضوی است. از طرفی نیز وجود ۸۳ درصد نویسندگان تنها یک مقاله در نشریه منتشر کرده‌اند و حدود ۹۳ درصد نویسندگان حداکثر دو مقاله در نشریه منتشر کرده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده این است که وابستگی کمی از سوی پژوهشگران با نشریه وجود دارد.

دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی فعال و حامی پژوهشگران در فصلنامه فرهنگ رضوی کدام‌ها هستند؟

در این پرسش، هدف شناسایی سازمان‌های حامی پژوهشگران بود که در بخش وابستگی سازمانی نویسندگان مقالات ذکر شده است. پنج دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دانشگاه الزهرا (علیها السلام) بیش از ۶۰ درصد از وابستگی سازمانی‌های پژوهشگران را شامل می‌شود. با توجه به تنوع سازمان‌هایی که در حوزه فرهنگ رضوی در کشور فعال هستند، به نظر می‌رسد سازمان‌های فعال زیادی می‌توانند با نشریه همکاری داشته باشند که حداقل در ۳۲ شماره گذشته نشریه این همکاری خیلی کم بوده یا همکاری وجود ندارد. منظور از همکاری، حضور آن‌ها به عنوان وابستگی سازمانی پژوهشگران است. از این رو باید تدابیری در این زمینه به کار گرفته شود تا نشریه در سازمان‌های مرتبط شناخته شود و نشریه بتواند آثار ارزشمندی از این سازمان‌ها دریافت کند. البته به دلیل اینکه در این پژوهش فقط مقالات منتشر شده مورد تحلیل قرار گرفته و آثار دریافت شده یا رد شده مورد مطالعه قرار نگرفته است، نمی‌توان با قطعیت این موضوع را اشاره کرد، ولی به نظر می‌رسد لازم است آگاهی‌رسانی بیشتری در معرفی نشریه در سازمان‌های مرتبط صورت گیرد. در پژوهش اکبری و عابدی (۱۳۹۵) که مطالعه‌ای را در دو فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام انجام داده‌اند، مشخص شده که مؤسسه جامعه المصطفی‌العالمیه و دانشگاه اصفهان بیشترین همکاری را در وابستگی سازمانی پژوهشگرانی که مقالاتشان در آن نشریه منتشر شده داشته‌اند. همچنین در پژوهش محمدی، حسن‌خانی و امید (۱۳۹۶)، دانشگاه اصفهان رتبه نخست را در آثار منتشر شده در فصلنامه تربیت اسلامی کسب کرده است. در پژوهش معرفت، صابری و عضدی (۱۳۹۳) نیز مشخص شده که دانشگاه مازندران بیشترین همکاری را در نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی کسب کرده است. این مقایسه با پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد که دانشگاه جامعه المصطفی‌العالمیه، دانشگاه اصفهان و دانشگاه مازندران بیشترین همکاری را با سه نشریه مذکور داشته‌اند. این در حالی است که دانشگاه اصفهان با ۱۲ مقاله، جامعه المصطفی‌العالمیه با ۹ مقاله در فصلنامه فرهنگ رضوی همکاری متوسطی داشته‌اند.

نویسندگان مقالات در چه رتبه علمی هستند؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانشگاهیان بیشتر از حوزه‌های علمیه با فصلنامه فرهنگ رضوی همکاری دارند و در بین دانشگاهیان اعضای هیئت علمی با رتبه استادیار و سپس اعضای هیئت علمی دانشیار و دانشجویان دکترا قرار دارند. این یافته حاکی از همکاری مناسب دانشگاه‌ها و اعضای هیئت علمی به‌ویژه در چهار دانشگاهی است که در پاسخ به پرسش ۲ به‌عنوان دانشگاه‌های با همکاری بیشتر گفته شد. از طرفی، یافته مهم پژوهش در این زمینه این است که استادان و طلبه‌های حوزه علمیه که در نگاه نخست به نظر می‌رسید همکاری بیشتری باید در حوزه فرهنگ رضوی با نشریه داشته باشند، همکاری بسیار کمی با نشریه دارند. این یافته با یافته معرفت و همکاران (۱۳۹۳) اکبری و عابدی (۱۳۹۵)، محمدی، حسن‌خانی و امید (۱۳۹۶) از منظر همکاری دانشگاه‌ها با نشریات پژوهشی همسوست. این همسویی حاکی از ترغیب دانشگاهیان به انتشار مقالات از کارهای پژوهشی و در مقابل، تمایل نداشتن حوزه‌های علمیه به انتشار آثار پژوهشی است.

نویسندگان فعال در فصلنامه فرهنگ رضوی از نظر جنسیت در چه وضعیتی قرار دارند؟

نتایج پژوهش از منظر جنسیت پژوهشگرانی که مقالات خود را در فصلنامه فرهنگ رضوی منتشر کرده‌اند، نشان داد که ۷۵ درصد از پژوهشگران مرد هستند. همین موضوع حاکی از همکاری محدود خانم‌ها در انتشار مقالات است. نتایج این پژوهش در این زمینه هم‌راستا با پژوهش‌های معرفت و همکاران (۱۳۹۳)، اکبری و عابدی (۱۳۹۵) و محمدی و همکاران (۱۳۹۶) است. معرفت و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی که در نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی داشتند به این نتیجه رسیدند که میزان مشارکت خانم‌ها در تدوین مقالات نشریه مذکور تنها ۹/۶ درصد است. اکبری و عابدی (۱۳۹۵) در پژوهش دیگری که بر روی نشریه دوفصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام انجام دادند به نتیجه مشابهی رسیدند

و مشخص شد که خانم‌ها تنها در ۱۶/۷ درصد از مقالات مشارکت داشته‌اند. همچنین محمدی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی که در نشریه فصلنامه تربیت اسلامی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که خانم‌ها تنها در ۲۲/۷ درصد مقالات مشارکت داشته‌اند. این نتایج حاکی است در نشریاتی که در حوزه‌های اسلامی فعالیت دارند نقش آقایان پررنگ‌تر است.

نویسندگان فعال در فصلنامه فرهنگ رضوی از نظر رشته علمی در چه وضعیتی قرار دارند؟

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در ۳۲ شماره نشریه، ۲۲۹ مقاله منتشر شده و همکاری ۳۵۱ پژوهشگر، پژوهشگرانی از ۹۶ رشته علمی همکاری داشته‌اند. در این میان پژوهشگرانی از رشته علوم قرآن و حدیث به تنهایی با ۱۰۳ عنوان همکاری رتبه نخست را کسب کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که حدود ۲۹ درصد از پژوهشگران در این رشته تحصیل کرده‌اند و با نشریه همکاری دارند. رتبه دوم رشته‌های علمی به رشته زبان و ادبیات عرب اختصاص یافته که ۳۴ بار (حدود ۱۰ درصد) در مقالات به عنوان رشته علمی پژوهشگران تکرار شده است. همچنین نتایج نشان داد که پژوهشگرانی از ۴۵ رشته علمی تنها یک‌بار در مقابل نام پژوهشگران تکرار شده است. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که حدود ۹۲ درصد رشته‌های علمی که در نشریه به عنوان رشته علمی پژوهشگران ذکر شده، کمتر از ۱۰ بار تکرار شده است. نتایج ذکر شده در این بخش نشان می‌دهد که به‌رغم ارتباط موضوعی فراوان در تعداد زیادی از رشته‌های علمی، مشارکت محدودی در تعداد زیادی از رشته‌های علمی با نشریه وجود دارد. در بین این رشته‌های علمی، شاهد وجود رشته‌هایی مانند مدیریت اماکن متبرکه مذهبی، مدیریت فرهنگی، معارف اسلامی و علوم سیاسی، دین‌پژوهی، دانش اجتماعی مسلمین، تعلیم و تربیت اسلامی، اندیشه سیاسی، تاریخ ایران دوره اسلامی، تاریخ تشیع، فرق تشیع و نظایر این‌ها هستیم که مشارکت بسیار محدودی (کمتر از ۲ پژوهشگر) با نشریه دارند. این موضوع حاکی از شناخت کم نشریه در رشته‌های علمی مرتبط است.

مقالات منتشر شده در فصلنامه فرهنگ رضوی از چه روش‌های پژوهشی بهره می‌گیرند؟

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که روش پژوهش سندی توصیفی تحلیلی با حدود ۸۴ درصد، پرکاربردترین روش پژوهشی استفاده شده در مقالات است. با توجه به مفید بودن روش‌های پژوهشی دیگری مانند تحلیل گفتمان، تحلیل محتوای کمی، تحلیل محتوای کیفی، روش کتابخانه‌ای و روش تاریخی به نظر می‌رسد که کمتر مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته است. از این‌رو لازم است تنوع روش‌شناسی‌ها در پذیرش و انتشار مقالات بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا نتایج حاصل از پژوهش‌ها به لحاظ کیفی از وضعیت بهتری برخوردار شود. مطالعه محمدی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که روش کتابخانه‌ای با ۸۰/۸ درصد مقالات فصلنامه تربیت اسلامی پرکاربردترین روش بوده است. این موضوع حاکی است نتایج پژوهش حاضر همسو با نتایج پژوهش مذکور نیست. شاید یکی از دلایل ناهم‌سویی روش‌های پژوهش مرتبط با حوزه‌های موضوعی تحت پوشش دو نشریه مذکور باشد.

نویسندگان در فصلنامه فرهنگ رضوی به چه میزان با یکدیگر همکاری دارند؟

نتایج این پژوهش حاکی است احسان نامدار جویمی، سیدمهدی ویسه، علی‌رضا نادریان لایین، ولی محمد درینی، محمد تابان و اصغر طهماسبی بلداجی با مرکزیت درجه بالای ۷ به‌عنوان نویسندگان کلیدی نشریه محسوب می‌شوند. به این معنی که پژوهشگران مذکور بیشترین همکاری را با دیگر پژوهشگران در تدوین مقالات داشته‌اند. همچنین خلیل بیگزاده و اسماعیل صادقی با مرکزیت بینیت بالای ۱۸ به‌عنوان نویسندگانی محسوب می‌شوند که توانایی زیادی برای انتقال دانش در شبکه پژوهشگران دارند؛ به این معنی است که پژوهشگران مذکور و دیگر پژوهشگرانی که دارای مرکزیت بینیت بالایی هستند، باید مورد توجه نشریه قرار گیرند تا ارتباط بیشتری را بتوانند با بقیه پژوهشگران برقرار کنند. همچنین پژوهشگرانی مانند بیگزاده، صادقی، شاهرخی شهرکی، آقاخانی

بیژنی، خوانساری، صغیان، رحیمی زنگنه، الماسی، احمدی و کیانی با مرکزیت نزدیکی بالا نیز باید مورد توجه نشریه قرار گیرند؛ زیرا این پژوهشگران از مشهورترین پژوهشگران فعال در شبکه هم‌تألیفی پژوهشگران فصلنامه فرهنگ رضوی هستند. نتایج این پژوهش در یک راستا با نتایج پژوهش میرحق جو لنگرودی (۱۳۹۲) قرار ندارد؛ زیرا آن‌ها در نشریه مطالعات قرآنی به این نتیجه رسیدند که بیش از ۵۰ درصد پژوهشگران در آن نشریه تک‌نویسنده هستند. این در حالی است که بیش از ۶۵ درصد مقالات فصلنامه فرهنگ رضوی دارای بیش از دو نویسنده هستند. این موضوع حاکی از همکاری مناسب پژوهشگران در انتشار مقالات در نشریه است. همچنین نتایج پژوهش اکبری و عابدی (۱۳۹۵) نشان داد که حدود ۶۴ درصد مقالات در نشریه فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام بیش از دو نویسنده دارند و پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۶) در فصلنامه تربیت اسلامی نشان داد که حدود ۵۸ درصد مقالات دارای بیش از دو نویسنده هستند. این نتایج حاکی از همسویی نتایج این پژوهش در این زمینه با سایر نشریات ذکر شده در پژوهش‌های مشابه است.

رشته‌های علمی چگونه با یکدیگر در تولید مقالات فصلنامه فرهنگ رضوی همکاری دارند؟

یافته‌های پژوهش نشانگر نحوه ارتباط بین رشته‌های علمی در نشریه فصلنامه فرهنگ رضوی است. نتایج نشانگر این است که رشته‌هایی که مرکزیت درجه بالایی دارند، از محبوب‌ترین رشته‌های علمی در شبکه همکاری بین رشته‌های علمی هستند. در این رابطه می‌توان به رشته‌های علوم تربیتی، روابط بین‌الملل، مطالعات برنامه‌درسی، فلسفه، مترجمی زبان عربی اشاره کرد. رشته‌های علمی که دارای مرکزیت بینیت بالایی هستند، به‌عنوان رشته‌هایی که توان برقراری ارتباط بین رشته‌های علمی دیگر را برقرار می‌کنند، می‌توانند اهمیت بالایی داشته باشند. از جمله این رشته‌های علمی می‌توان به علوم تربیتی، مطالعات برنامه‌درسی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، فقه و حقوق خصوصی، روابط بین‌الملل، علوم و معارف حدیث اشاره کرد. علاوه بر این، رشته‌های

علمی که دارای مرکزیت نزدیکی بالایی هستند، نشان‌دهنده میزان شهرت رشته علمی است؛ بنابراین رشته‌هایی مانند علوم تربیتی، مطالعات برنامه‌درسی، برنامه‌ریزی درسی، برق، روابط بین‌الملل، فلسفه، فقه و حقوق خصوصی، علوم سیاسی، ارتباطات و بین‌الملل و تاریخ اسلام جزو رشته‌های برگزیده و مشهور در شبکه همکاری رشته‌های علمی فصلنامه فرهنگ رضوی هستند. در کل سه معیار مرکزیت بینیت، مرکزیت نزدیکی و مرکزیت درجه روابط بین رشته‌های علمی و اهمیت رشته‌های علمی را در برقراری روابط بین رشته‌های علمی نشان می‌دهد.

سازمان‌ها در تولید مقالات علمی چگونه با یکدیگر همکاری دارند؟

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که دانشگاه علوم و معارف قرآن، دانشگاه تبریز، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات از جمله سازمان‌های محبوب در ایجاد شبکه همکاری میان مؤسسات حامی تدوین مقالات منتشر شده در فصلنامه فرهنگ رضوی هستند. همچنین دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه علوم و معارف قرآن، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، دانشگاه رازی، دانشگاه تبریز و نظایر این‌ها به دلیل داشتن بیشترین میزان مرکزیت بینت جزو سازمان‌هایی هستند که به‌عنوان سازمان‌های واسط میان سازمان‌های دیگر پیوند برقرار می‌کنند. همچنین مؤسساتی نظیر دانشگاه علوم و معارف قرآن، دانشگاه رازی، دانشگاه قرآن و حدیث تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دانشگاه فرهنگیان مشهد و دانشگاه تبریز از جمله مشهورترین سازمان‌های حامی در شبکه همکاری میان مؤسسات علمی فصلنامه فرهنگ رضوی هستند. این سازمان‌ها نقش مهمی را در تولید و انتشار مقالات در فصلنامه فرهنگ رضوی ایفا می‌کنند.

روابط بین کلیدواژگان استفاده شده در مقالات چگونه است؟

در پاسخ به این پرسش، از کلیدواژگان معرفی شده در بخش کلیدواژه‌های مقالات استفاده

شد. با توجه به تنوع کلیدواژگان و عدم بهره‌گیری از اصطلاح‌نامه در انتخاب کلیدواژه‌ها این تنوع گسترش بیشتری را نشان می‌دهد. نتایج حاصل شده در این پژوهش نشان داد، موضوعات امام سجاد (علیه السلام)، مشهد، معناشناسی، سرمایه‌نمادین ایرانی اسلامی، امام رضا (علیه السلام)، تبلیغ دینی، احتجاج، سادات، دوره افشاریه و گردشگری مذهبی از محبوب‌ترین کلیدواژه‌های استفاده شده در مقالات فصلنامه فرهنگ رضوی است. کلیدواژه‌های امام سجاد (علیه السلام)، سرمایه‌نمادین ایرانی اسلامی، مشهد، معناشناسی، امام رضا (علیه السلام)، احتجاج، روش‌شناسی استدلال‌های قرآنی، عصمت، سادات و هجرت نیز به دلیل داشتن بیشترین میزان مرکزیت نزدیکی از کلیدواژه‌های برگزیده شبکه هم‌خدادی کلیدواژگان مقالات فصلنامه فرهنگ رضوی است. موضوعات امام سجاد (علیه السلام)، سرمایه‌نمادین ایرانی اسلامی، حدوث، مشهد، معناشناسی، احتجاج، روش‌شناسی استدلال‌های قرآنی، تشیع، فنون بلاغی و سادات نیز به دلیل داشتن میزان مرکزیت بینیت جزو اثرگذارترین اصطلاحات در شبکه هم‌خدادی کلیدواژگان مقاله‌های فصلنامه فرهنگ رضوی است.

نتایج پژوهش نشان داد که شبکه همکاری بین پژوهشگران و سازمان‌ها و نیز رشته‌های علمی به طور طبیعی در نشریه شکل گرفته است و در مقایسه با مطالعات مشابه در نشریات دیگری که به لحاظ موضوعی شبیه به پژوهش حاضر بودند، وضعیت تقریباً مشابهی حاکم است. همچنین از نظر همکاری پژوهشگران و مقالات بیش از یک نویسنده نیز وضعیت مشابهی را در نشریه شاهد هستیم. از نظر همکاری رشته‌های علمی متنوع در این پژوهش شاهد بودیم به‌رغم تنوع بالای رشته‌های علمی مختلف و مرتبط با حوزه فعالیت نشریه، همکاری محدودی بین آن‌ها و نشریه وجود دارد. در این زمینه، پیشنهادهای مختلفی ارائه شد که می‌تواند در بهینه‌سازی این روابط مؤثر باشد. همچنین درباره همکاری سازمان‌هایی که به لحاظ موضوعی با حوزه‌های فعالیت نشریه مرتبط بودند وضعیت مشابهی مشاهده شد. به نظر می‌رسد این دو حوزه نیازمند تلاش بیشتر از طرف نشریه برای اطلاع‌رسانی و ارتقای روابط با سازمان‌های مذکور است. علاوه بر این، ارتباط ضعیفی بین حوزه‌های علمی و نشریه وجود دارد که این موضوع نیز نیازمند بازنگری است. از منظر حوزه‌های موضوعی مقالات و روش‌های پژوهش مورد استفاده در

مقالات نیز مشاهده شد که به‌رغم وجود تنوع در این موارد، مقالات به موضوع‌های خاص و بهره‌گیری از روش‌های پژوهش محدود هستند. از این رو پیشنهاد شده تا تنوع روش‌ها و حوزه‌های موضوعی در نشریه مورد توجه مسئولان نشریه قرار گیرد. با توجه به نتایج این پژوهش تلاش شده است تا پیشنهادهایی کاربردی برای ارتقای وضعیت موجود فصلنامه فرهنگ رضوی ارائه شود. در این زمینه ابتدا نتیجه حاصل شده و سپس پیشنهادهای کاربردی ارائه شده است:

با توجه به عدم وابستگی نویسندگان به فصلنامه فرهنگ رضوی به نظر می‌رسد که نویسندگان کمتر توانسته‌اند با نشریه ارتباط برقرار کنند. این موضوع می‌تواند ناشی از نبود تمرکز موضوعی فعالیت نویسندگان و ناآشنایی با محورهای موضوعی فعالیت نشریه و اشراف محدود آن‌ها به موضوع‌های مرتبط با فرهنگ رضوی یا همکاری با نشریات دیگر در موضوع فرهنگ رضوی باشد. با بررسی ابتدایی به عمل آمده مشخص شد که نشریه دیگری که تمرکز موضوعی بر فرهنگ رضوی داشته باشد در کشور وجود ندارد، ولی نشریات دیگر غیرهسته در این حوزه وجود دارند که آثار مرتبط با فرهنگ رضوی را منتشر می‌کنند. این موضوع سبب ایجاد رقابت بین نشریات می‌شود و فصلنامه فرهنگ رضوی باید در این موضوع تأمل بیشتری داشته باشد. از این رو، پیشنهاد می‌شود برای آگاه‌سازی پژوهشگران با نشریه به‌طور عام و نیز آگاه‌سازی پژوهشگران هسته حوزه فرهنگ رضوی و جلب مشارکت بیشتر آن‌ها اقدام‌های عملی انجام شود. این موضوع می‌تواند از طریق ارائه پژوهانه یا انتخاب مقالات برتر نشریه و نظایر این‌ها انجام گیرد. همچنین به‌منظور اطلاع‌رسانی به پژوهشگران هسته، لازم است نشریه فهرستی از این پژوهشگران را داشته باشد و در گروهی ایمیلی یا از طریق سایر شبکه‌های اجتماعی با آن‌ها ارتباط برقرار کند. به‌عنوان مثال، شماره‌های جدید منتشر شده نشریه را آگاهی‌رسانی کند.

با توجه به همکاری ضعیف بسیاری از سازمان‌های مرتبط با حوزه‌های پوشش موضوعی فصلنامه فرهنگ رضوی، به‌نظر می‌رسد آگاهی‌رسانی‌های مکرر در فواصل زمانی مختلف به بهانه‌های مختلف می‌تواند اثرگذاری مناسبی در همکاری سازمان‌های مرتبط با نشریه داشته باشد. پیشنهاد می‌شود نشریه، موفقیت‌ها و نیز حوزه‌های موضوعی آن در

سازمان‌های مرتبط معرفی شود.

با توجه به همکاری مناسب دانشگاه‌ها و مشارکت بیشتر اعضای هیئت علمی استادیار و دانشیار و دانشجویان دکترا با نشریه و در مقابل همکاری بسیار ضعیف اعضای علمی، طلاب و حوزه‌های علمیه، پیشنهاد می‌شود نشریه به شیوه‌های مختلف و معمول که در بندهای دیگر نیز به برخی از آن‌ها اشاره شد، اقدام به جلب مشارکت بیشتر پژوهشگران حوزه‌های علمیه نماید.

- با توجه به مشارکت ضعیف خانم‌ها در تدوین مقالات در فصلنامه فرهنگ رضوی به نظر می‌رسد که جلب مشارکت فعال خانم‌ها در جهت پژوهش‌های مرتبط با حوزه موضوعی نشریه می‌تواند باعث افزایش همکاری آن‌ها در انجام پژوهش‌های مرتبط و انتشار نتایج پژوهش‌ها در نشریه شود. از این رو، با توجه به اشتغال به تحصیل بودن بیشتر خانم‌ها در دانشگاه‌ها در رشته‌های علمی مرتبط که در پاسخ به ۵ پرسش این پژوهش به آن‌ها اشاره شده و نیز جلب مشارکت طلاب خانم در حوزه‌های علمیه و نیز در پژوهشگاه‌های کشور می‌توان به افزایش این میزان مشارکت کمک کرد.

با توجه به مشارکت محدود تعداد زیادی از رشته‌های علمی با فصلنامه فرهنگ رضوی، به نظر می‌رسد که نشریه در بین رشته‌های علمی مرتبط با حوزه‌های موضوعی نشریه کمتر شناخته شده است. از این رو، به نظر می‌رسد فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و جلب مشارکت که در پیشنهاد‌های دیگر به آن‌ها اشاره شده، می‌تواند معطوف به اکثریت این رشته‌های علمی شود.

با توجه به محدود بودن روش پژوهش مورد استفاده در بیش از ۹۰ درصد مقالات، به نظر می‌رسد تنوع روش‌های پژوهشی در پذیرش و انتشار مقالات نشریه باید بیشتر مورد توجه داوران، سردبیر و دیگر مسئولان نشریه قرار گیرد. بدیهی است روش‌هایی مانند تحلیل گفتمان، تحلیل محتوای کمی، تحلیل محتوای کیفی، روش کتابخانه‌ای و روش تاریخی می‌تواند مورد توجه باشد.

با توجه به شناسایی پژوهشگران با مرکزیت درجه، مرکزیت بینیت و مرکزیت نزدیکی بالا در این پژوهش، لازم است مسئولان نشریه توجه بیشتری به این پژوهشگران و جلب مشارکت و همکاری آن‌ها با دیگر پژوهشگران و انتشار آثار آن‌ها داشته باشند.

با توجه به شناسایی رشته‌های علمی مهم در برقراری روابط بین سایر رشته‌های علمی، مسئولان نشریه می‌توانند با شناسایی این رشته‌ها، با توجه به اهمیت‌شان، در توسعه همکاری‌ها بین رشته‌های علمی برای تدوین مقالات استفاده کنند. این موضوع کمک می‌کند تا همکاری‌ها بین رشته‌های علمی مرتبط بیشتر مورد توجه قرار گیرد و آثار با کیفیت بیشتری با بهره‌گیری از توان این رشته‌های علمی تولید شود.

نگاهی به اصطلاح‌ها و شبکه اصطلاحی حاصل شده از مقالات منتشر شده در فصلنامه فرهنگ رضوی دامنه موضوعی فعالیت نشریه را نشان می‌دهد. مسئولان نشریه می‌توانند با بررسی این نتایج برای توزیع و گسترش موضوعات و مقالات در شماره‌های آتی نشریه و نیز سیاست‌گذاری برای دریافت مقالات تصمیم بگیرند.

منابع و مآخذ

- اسدی، سعید؛ آقاملایی، فائزه و ملکوتی خواه، فهیمه. (۱۳۹۴). «بررسی هم‌نویسندگی پژوهشگران دانشگاه‌های تهران و حوزه علمیه قم طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۲». فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۴۵ (۴). صص: ۴۹۳-۵۱۴.
- اصنافی، امیررضا. (۱۳۹۳). «میزان مقالات تولیدشده با عنوان «شیعه» در پایگاه «وب آو ساینس» طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۷۴». ره‌آورد نور. ش. ۷. صص: ۵۸-۶۱.
- افضل‌پور، حدیثه؛ جمالی مهموثی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). «میزان تخصص‌گرایی مجله‌های علمی-پژوهشی علم اطلاعات و دانش‌شناسی فارسی بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱». تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی. ۲۰ (۳). صص: ۳۹۷-۴۲۱.
- اکبری، علی‌الله؛ عابدی، احمد. (۱۳۹۵). «تحلیل استنادی و ترسیم شبکه هم‌تألیفی مجله مطالعات تاریخی جهان اسلام». مطالعات تاریخی جهان اسلام. ۴ (۷). صص: ۷-۳۰.
- تیرگر، آرام؛ آقاری، زهرا؛ فرحزاده آلان، داود. (۱۳۹۶). «بررسی میزان بهره‌گیری از قرآن و نهج البلاغه در مقالات علمی-پژوهشی فارسی در دانشگاه‌های علوم پزشکی». دین و سلامت. ۲۵ (۲). صص: ۶۸-۷۶.
- تیرگر، آرام؛ حبیبزاده، یاسمن؛ آقاری، زهرا. (۱۳۹۵). «پایش تولیدات علمی علوم پزشکی از منظر بهره‌گیری از قرآن کریم». طب و تزکیه. ۲۵ (۳). صص: ۱۲۹-۱۳۶.
- حاضری، افسانه؛ مکیزاده، فاطمه؛ بیک خورمیری، فرزانه. (۱۳۹۵). «تحلیل هم‌اژگانی مقالات مستخرج از پایانامه‌های کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی». پژوهشنامه علم‌سنجی. ۲۰ (۲). صص: ۴۹-۶۲.
- خاصه، علی‌اکبر؛ صادقی، سعید؛ عزتی، ابراهیم؛ غفاری، سعید. (۱۳۹۵). «بررسی جایگاه مطالعات قرآنی در تولید علم جهانی با استفاده از فنون علم‌سنجی». مطالعات قرآنی. ۷ (۲۸). صص: ۴۷-۶۹.
- خاکپور، حسین؛ محمودی، مرضیه؛ سعیدی گراغانی، منصوره. (۱۳۹۳). «نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا (علیه‌السلام) بر جامعه شیعه». فرهنگ رضوی. ۲ (۸). صص: ۳۱-۵۶.
- خدایانه، تهمینه. (۱۳۹۶). «نگاشت شبکه‌های هم‌تألیفی بروندادهای علمی حوزه قرآنی در پایگاه‌های اطلاعاتی وب‌آوساینس و اسکوپوس». پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز. تبریز.
- راجمنی، اکرم؛ نوکارتیزی، محسن؛ شریف، عاطفه. (۱۳۹۷). «وضعیت کمی تولید پایان‌نامه‌ها و رساله‌های حوزه علوم انسانی با رویکرد اسلامی در دانشگاه فردوسی مشهد طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۹۳». پژوهشنامه علم‌سنجی. ۴ (۲). صص: ۱۶۱-۱۸۳.
- زنگی‌شبه، الهه؛ سهیلی، فرامرز؛ احمدی، حمید. (۱۳۹۳). «تحلیل استنادی و هم‌نویسندگی پژوهشگران حوزه اسلام و علوم قرآنی در وبگاه علوم میان سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ و ترسیم ساختار علمی این حوزه». پژوهشنامه علم‌سنجی. ۱۱ (۱). صص: ۶۳-۸۰.
- شرفی، علی؛ شقاقی، علی؛ پاشنگ، محمدرضا. (۱۳۹۸). «تحلیل علم‌سنجی تولیدات علمی در حوزه تمدن اسلامی». علوم و فنون مدیریت اطلاعات. ۵ (۳). صص: ۳۳-۶۵.
- علینژاد چمازکتی، فاطمه؛ میرحقیقو لنگرودی، سعیده. (۱۳۹۷). «مصورسازی شبکه همکاری علمی پژوهشگران فصلنامه مدیریت سلامت با رویکرد علم‌سنجی: ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶». مدیریت سلامت. ۲۱ (۷۴). صص: ۳۵-۵۰.
- قاضی‌زاده، حمید؛ سهیلی، فرامرز؛ خاصه، علی‌اکبر. (۱۳۹۷). «ترسیم ساختار دانش در پژوهش‌های علوم قرآن و حدیث ایران با استفاده از تحلیل هم‌اژگانی». پژوهشنامه علم‌سنجی. ۴ (۲). صص: ۱۰۱-۱۲۲.

- قصابیان، اعظم. (۱۳۹۶). «تحلیل مقالات مرتبط با علوم اسلامی در نشریات فارسی ایران با رویکرد مطالعات میان‌رشته‌گی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علم‌سنجی. دانشگاه یزد. یزد.
- کریمی، رضا. (۱۳۸۹). «بررسی تحلیلی انتشارات علمی تولیدشده در حوزه اسلام پایگاه (Web of science)». سفینه. ۲۸(۷)، صص: ۱۲۸-۱۵۰.
- محمدی، مهدی؛ حسن‌خانی، معصومه؛ امید، معصومه. (۱۳۹۶). «تحلیل محتوای مقاله‌های دوفصلنامه «تربیت اسلامی» در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴». تربیت اسلامی. ۱۲(۲۴)، صص: ۱۵۱-۱۶۷.
- معرفت، رحمان؛ صابری، مریم؛ عضدی، مرضیه. (۱۳۹۳). «بررسی ضریب همکاری و میزان مشارکت نویسندگان مقالات مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی در پنج سال اخیر (بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳)». مطالعات فقه و حقوق اسلامی. ۶(۱۱)، صص: ۲۵۷-۲۷۰.
- موسوی چلک، افشین؛ سهیلی، فرامرز؛ خاصه، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). «رابطه بین نفوذ اجتماعی و بهره‌وری و کارایی در شبکه اجتماعی هم‌نویسندگی پژوهشگران علوم قرآن و حدیث ایران». کتابداری و اطلاع‌رسانی. ۲۰(۳)، صص: ۵۰-۷۴.
- میرحقیق‌جولنگرودی، سعیده. (۱۳۹۲). «تحلیل علم‌سنجی مجله «مطالعات قرآنی»». مطالعات قرآنی. ۴(۱۶)، صص: ۱۴۱-۱۵۵.
- نقشه جامع علمی کشور. (۱۳۹۰). تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نویخت، یونس. (۱۳۹۸). «مطالعه علم‌سنجی تولیدات علمی پژوهشنامه مالیات». مطالعات دانش‌شناسی. ۵(۱۸)، صص: ۳۳-۵۴.
- وصفی، محمدرضا؛ محمدیان، سجاد؛ بامیر، موسی. (۱۳۹۳). «تحلیل ساختار فکری و متن‌کاوی بروندهای علمی حوزه علوم سیاسی، با موضوع اسلام». پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۴(۱)، صص: ۱۲۳-۱۴۰.
- Altalib, H. H., Elzamzamy, K., Fattah, M., Ali, S. S., & Awaad, R. (2019). Mapping global Muslim mental health research: analysis of trends in the English literature from 2000 to 2015. *Global Mental Health*, 6.
- Husain, S., Zafar, M., & Ullah, R. (2020). Ramadan and public health: a bibliometric analysis of top cited articles from 2004 to 2019. *Journal of infection and public health*, 280-275 ,(2)13
- Noori, R., & Zare Farashbandi, F. (2012). Evaluating the Performance of Muslim Researchers in Publishing Holy Quran Related Articles in Medical Sciences in Scopus Databases. *Quran and Medicine*, 112-108 ,(4)1
- Sadeghian, N. (2018). Qur'anic Studies based on Web of Science. *International Journal of Information Science and Management (IJISM)*, 89-79 ,(2)16.
- Şenel, E. (2018). Health and Religions: a bibliometric analysis of health literature related to Abrahamic Religions between 1975 and 2017. *Journal of religion and health*, 2012-1996 ,(5)57
- Şenel, E., & Demir, E. (2018). Bibliometric and scientometric analysis of the articles published in the journal of religion and health between 1975 and 2016. *Journal of religion and health*, 1482-1473 ,(4)57



بررسی گفتمان القایی در فرایند مناظره

امام رضا (علیه السلام) با علمای ادیان

دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۷

ناهید نصیحت^۱، رضوان باغبانی^۲

چکیده

در دوران امام رضا (علیه السلام)، به دلیل تحولات فرهنگی سیاسی جامعه، گفتمان‌های گوناگونی سربرآوردند که هر کدام از آن‌ها به دفاع از ایدئولوژی خود پرداختند. در این میان، مناظراتی بین امام رضا (علیه السلام) و بزرگان ادیان شکل گرفت. امام در میدان نبرد اندیشه حق و باطل، تلاش می‌کند با استدلال‌های عقلی و نقلی به اثبات حقانیت اسلام بپردازد. نوشتار پیش‌رو، به روش توصیفی تحلیلی و با هدف تبیین راهبردهای امام در ارتقای فکری جامعه به واکاوی مناظره ایشان و روند شکل‌گیری معنا در آن می‌پردازد و در این مسیر، از رویکرد نشانه‌معناشناسی استفاده می‌کند؛ رویکردی که در یک فرایند پویا و جهت‌مند، به دنبال نفوذ به عمق معانی نهفته در چارچوب گفتمان است و کارکردهای آن را تبیین می‌کند. همچنین، نشانه‌معناشناسی به‌عنوان ابزاری علمی، امکان تحلیل روشمند متون را فراهم می‌آورد. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه معنا می‌تواند از رای القا به تولید برسد و نظام گفتمانی خاصی به‌وجود آورد. یافته‌ها نشان می‌دهد که راهبردهای القایی استدلال و اقناع‌سازی، از جمله راهبردهای تعاملی است که در مناظره‌ها استفاده می‌شود. امام طی این فرایندهای مجابی، بر اساس قدرتی که از درون ایشان می‌جوشد، به تولید کلام می‌پردازد. در نتیجه این تولید، گستره کلام افزایش می‌یابد و کنشگر مقابل به شناخت می‌رسد. پس از رسیدن به این شناخت است که کنشگران (جاثلیق، رأس الجالوت، هیربد اکبر و عمران صابی) تسلیم می‌شوند و حقانیت اسلام به اثبات می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌معناشناسی، نظام گفتمانی، گفتمان القایی، مناظرات امام رضا (علیه السلام).

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول): n.nasihat@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان: r.baghbani@cfu.ac.ir

۱. مقدمه

از جمله نظریه‌های تحلیل گفتمان، نشانه معناسناسی است که در آن زنجیره نشانه‌ها برای شکل‌گیری، تغییر و توسعه معناست. نظریه‌پردازان نشانه معناسناسی معتقدند که کشف معنا از طریق بررسی رابطه بین صورت محتوا (دال و مدلول) و ساختارهای جزئی‌تر و کلی‌تر صورت می‌گیرد؛ یعنی با نشانه معناسناسی گفتمانی روبه‌رو هستیم که از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا عبور و فرایند معناسازی را از کارکرد و تولید تا دریافت معنا بررسی می‌کند. این چنین، علاوه بر اینکه کارکردهای مختلف هر متن مشخص می‌شود، لایه‌های معنایی آن نیز خود را نشان می‌دهد (نصیحت و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۶). این رویکرد با در نظر گرفتن نشانه‌ها در ارتباطی خاص و چندگونه با یکدیگر در نظامی فرایندی که منجر به تولید معنا، پویایی و تکثر آن می‌شود، مطالعه نشانه را از حصر روابط تقابلی، جدا و بررسی معنا را از شکل مکانیکی و منجمد خود رها می‌سازد؛ بدین ترتیب نقش مهمی در ارائه الگوهای منسجم و نظام‌مند در مطالعه متون ایفا کرده است (آیتی و اکبری، ۱۳۹۵: ۲). در این رویکرد با فرایندی پویا و جهت‌مند روبه‌رو هستیم که به سازوکارهای نشانه و سازه‌های معنایی می‌پردازد. مناظرات امام رضا (علیه السلام) به عنوان متن گفتمانی تعاملی، قابلیت بررسی با این رهیافت نو در نقد ادبی را دارد؛ زیرا مناظرات جزئی از ادبیات دینی به شمار می‌رود و ادبیات دینی هم یکی از حوزه‌هایی است که با تولید معنا ارتباط دارد. نشانه معناسناسی این امکان را فراهم می‌کند تا با تحلیل ساختار مناظرات که یک گفتمان مبتنی بر تعامل است، فرایند تولید و دریافت معنا کشف شود.

در دوره امام رضا (علیه السلام) برخورد کلامی گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌ها صورتی عیان به خود گرفت. به گونه‌ای که می‌توان از آن به عنوان عصر مناظره و احتجاج و روپارویی عملیاتی گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌ها در جهان اسلام یاد کرد. در این میان رسالت امام برجسته و مهم بود. ایشان به عنوان امام عصر، این وظیفه را برای خود متصور بود تا برای پاسداری از کیان جامعه اسلامی افزون بر اثبات ناراستی گفتمان‌های رقیب، مبانی و بنیادهای گفتمان هویت ناب شیعی و اسلامی را نیز تبیین کند (میراحمدی و رضائی‌پناه، ۱۳۹۵:

۷۶). امام برای این اهداف، با فرایند کنشی مجابی به ارائه استنادات عقلی و نقلی می‌پردازد. در واقع، با رقیبان خود در بستری مبتنی بر عقلانیت بی طرفانه تعامل می‌کند و با استدلال‌های دین‌ورزانه و منطقی، ارزنده‌ترین دفاع از عقیده و حقانیت اسلام را به نمایش می‌گذارد. این چنین امام موفق می‌شود به شیوه‌ای هوشمندانه طرف مقابل خود را متقاعد سازد.

در این مقاله، با هدف تحلیل گفتمان امام رضا (علیه السلام) و تبیین راهبردهای ایشان در ارتقای فکری جامعه، ساخت‌های بنیادین روند شکل‌گیری معنا در مناظرات ایشان با بزرگان ادیان و ویژگی‌های نشانه‌معناشناختی فرایند گفتمانی آن‌ها و کارکردهای کنشی حاکم بررسی می‌شود. این جستار به روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد نشانه‌معناشناسانه، در پی دریافت پاسخ برای این سؤال است که چگونه معنا می‌تواند از ورای القا به تولید برسد و نظام گفتمانی خاصی به وجود آورد. فرض ما بر این است که در فرایند کنشی مناظره، نظام گفتمانی القایی با رویکرد تعاملی و استدلالی، مناظره را شکل می‌دهد و شیوه القایی مجابی هم از شیوه‌های مهم تولید و رسیدن به معنا در متن است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعدد، مهم و ارزشمندی در باب مناظرات امام رضا (علیه السلام) و محورها و ابعاد گوناگون آن از جمله سیاسی، فرهنگی، تربیتی، علمی و تاریخی به تحریر درآمده است. پژوهش‌های گران‌سنگی که به بُعد ادبی این مناظره‌ها به‌عنوان محور اصلی بحث پرداخته، عبارت است از:

خزعلی و انصاری‌نیا (۱۳۹۶) در مقاله خود با رویکرد تحلیل گفتمان بر پایه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژیک ون‌دایک، به تحلیل تطبیقی مناظره امام رضا (علیه السلام) و جاثلیق در اثبات نبوت پیامبر می‌پردازند. نگارندگان به این نتیجه می‌رسند که امام از دلالت‌های معنایی و زبانی مثل جمله اسمیه، ارجاع ضمیر غایب، ادوات تأکید و استفهام و ربط و فعل

ماضی برای اثرگذاری در مخاطب و اقناع وی و خنثی کردن استدلال او بهره می‌برد. رحیمی زنگنه و بیگ‌زاده (۱۳۹۷) به بازنمایی جلوه‌های پایداری مانند نهضت فکری علیه ناآگاهی، شجاعت در رویارویی با منکران، آزاداندیشی، دادگری، شکیبایی، پناه دادن به مظلومان و شهادت‌طلبی مبتنی بر آگاهی بخشی در مناظره‌های امام رضا (علیه السلام) در سروده‌های رضوی صفارزاده و موسوی گرمارودی پرداخته و نشان داده‌اند که امام، کارآمدترین استراتژی فرهنگی را در پاسداری از حریم دین در برابر ناآگاهی‌های مدعیان برگزیده است. در زمینه نشانه‌معناشناسی هم نورسیده و پوربایرام (۱۳۹۹) انواع نظام‌های گفتمانی کنشی، عاطفی و تنش‌ی و شگردهای پردازش مفهوم، انتقال پیام و ارتباط با مخاطب را در متن دعای باران ارزیابی کرده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که چگونه امام با استفاده از این نظام‌ها به تبیین حقانیت ولایت خود و خاندان مطهر می‌پردازد و گفتمان ولایت را هژمونیک می‌سازد. البته این پژوهش‌های ارزشمند، رویکرد نشانه‌معناشناسی و گفتمان مناظرات را با هم در محور بررسی خود قرار نداده‌اند. در این مقاله تلاش می‌شود به منظور تبیین راهبردهای امام رضا (علیه السلام) در ارتقای فکری جامعه، گفتمان ایشان در مناظره با بزرگان ادیان بر محور نشانه‌معناشناسی مطالعه شود؛ محوری که تاکنون در عرصه قلم‌فرسایی محققان در مناظرات امام، قرار نگرفته و به نشانه‌معناشناسی ادبی گفتمان تعاملی امام پرداخته نشده است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. کنش محوری و شوش محوری در نظام‌های گفتمانی

گفتمان‌ها ما را با دو نوع حضور مواجه می‌سازند: حضور کنشی و کاربرد محور و دیگری حضوری غیرکنشی و شوش محور (شعیری، ۱۳۹۵: ۸۹). حضور کنشی، گفتمان روایی را می‌سازد. نظریه پردازان معتقدند که در گفتمان‌های روایی و کنش محور با هسته مرکزی مواجه‌ایم که «کنش» نامیده می‌شود؛ کنشی که در خدمت تغییر وضعیت کنشگران و تغییر معناست و «هدف اصلی آن تغییر وضعیت اولیه یا نابسامان به وضعیت ثانویه یا

سامان‌یافته است» (داودی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۸۳). در گفتمان کنشی، رفتار کنشگران بر محور منطق و برنامه صورت می‌گیرد؛ زیرا گفتمانی «برنامه‌مدار است که بر رابطه بین دو کنشگر و برنامه از قبل تعیین شده دلالت می‌کند. یکی از دو طرف موظف به پیروی و هماهنگی خود با برنامه‌ای است که به او داده می‌شود» (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸: ۱۷). گفتمان، ما را با کنش‌گزاری مواجه می‌سازد که در موقعیتی برتر نسبت به کنشگر قرار دارد و می‌تواند او را وادار به انجام کنش کند (شعیری، ۱۳۹۵: ۲۵). در این نوع نظام‌روایی، کنشگران می‌خواهند معنای نامطلوب و ناقص حیات را به معنای مطلوب و کامل تغییر دهند. علاوه بر کنشگر و کنش، گفتمان کنشی بر تصاحب ابژه ارزشی متمرکز است. در حقیقت کنشگران در این گفتمان‌های روایی به دنبال دستیابی به ابژه‌های ارزشی هستند. این حرکت «در انتهای جریان باعث تغییر موقعیت کنشگر خواهد شد» (شیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۷)؛ اما گفتمانی که با حضور شوش محور شکل می‌گیرد و در آن «شوش همانند هسته مرکزی است که پیرامون آن عوامل شوشی قرار دارند» (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰)، دیگر به دنبال دستیابی به ارزش نیست که نظام کنشی را بسازد؛ بلکه گفتمان عاطفی، احساسی یا زیبایی‌شناختی را به وجود می‌آورد. گفتمانی که «تأثرات، هیجانات، احساسات و ادراک‌هایی در ساختار معنایی آن مطرح است که تغییر، تابع آن‌هاست» (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۴۴). در واقع، شوش ما را با مسئله پدیدارشناسی حضور مواجه می‌سازد. «شکل حضور سوژه در تجربه بدنی و گونه‌های حسی مختلف، در فرایند تولید معنا تأثیر بسزایی دارد» (تقوی فردود، ۱۳۹۷: ۲۷۵). این حضور بر مبنای شوش است. حضوری است که شوشگر با دنیای بیرون از خود دارد؛ یعنی «تن‌وارگی (حضور پدیداری تن) که هر لحظه خود را در معرض تجربه زیستن می‌یابد و هر بار دنیایی را در اصل پدیداری خود تجربه می‌کند. شوش یعنی احساس خود را با دنیا در هم آمیخته یافتن و برای ثبت و اعلام این حضور مهیا بودن» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۶۳)؛ یعنی شوشگر حضور خود را در موقعیت خویش بشناسد و برای دریافت دیگری هم آماده شود. بنابراین، شوش ما را با وضعیت چندلایه‌ای مواجه می‌سازد که عبارت است از: «ارتباط با دنیای بیرون، تمایز حضور با توجه به تغییر وضعیت، حضور خود را با حضور دیگری پیوند دادن،

متوجه احساس حضور خود شدن، احساس حضور خود را برجسته نمودن و برجستگی حضور را گفتمانی نمودن» (همان: ۹۱). البته ناگفته نماند که شیوه ارائه تولید معنا و محتوا در گفتمان‌ها متفاوت است؛ ممکن است گفتمانی با شرایط شناختی و روایی یا با وضعیت حضور عاطفی و حسی ادراکی به تولید معنا برسد. باید به این نکته توجه کرد که گفتمان، عملی تعاملی است و می‌تواند موجب تحقق گونه‌های گفتمانی اعم از عاطفی و شناختی شود؛ یعنی گفتمان می‌تواند «القا کننده گونه شناختی و احساسی باشد و ترکیبی کنشی عاطفی به خود گیرد» (سیدان، ۱۳۹۵: ۲۰۲). بنابراین، نمی‌توان گفت یک نظام گفتمانی به صورت مطلق عاطفی است و در آن حضور کنشی وجود ندارد یا نظامی روایی است که حضور عاطفی و حسی ادراکی در آن دیده نمی‌شود.

۲-۳. نظام گفتمانی کنشی القایی

گفتمان‌ها در مسیر شکل‌گیری خود از بسترهای نشانه‌معنایی متفاوت و گوناگونی عبور می‌کنند. گفتمان می‌تواند تقابلی، تعاملی، چالشی، هم‌آمیخته، پیوسته، باز، فشاره‌ای، گستره‌ای و ... عمل کند (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۳). گفتمان روایی، گفتمانی تعاملی است که در آن «سه موضوع کنش، ارزش و تغییر بسیار اهمیت دارد» (Dumezil, 1988: 22). سه‌گانه‌ای که ارکان اصلی گفتمان‌های کنش‌محور را شکل می‌دهند. نظام گفتمانی کنشی تجویزی و کنشی القایی دو نوع این گفتمان‌های روایی است. در تجویزی، رفتار کنشگران نه بر اساس احساس و عاطفه که بر محور منطق و برنامه صورت می‌گیرد؛ این نظام، نظامی هوشمند است؛ زیرا کنشگر بر اساس نقشه و برنامه‌ای از قبل تعیین شده وارد عمل می‌گردد. در حقیقت کنشگران در این گفتمان‌های روایی به دنبال دستیابی به ابژه‌های ارزشی هستند. «تصاحب ابژه ما را در وضعیت گفتمانی اتصال و انفعال قرار می‌دهد. کنشگران یا به دنبال تصاحب ابژه ارزشی هستند و یا صاحب آن هستند و بر اساس فرایندی کنشی و نیروی بیرونی آن را از دست می‌دهند» (شعیری، ۱۳۹۵: ۲۰). بنابراین پیوست و گسست از ابژه و نیز تغییر و تحول از وضعی به وضع دیگر از شاخص‌های مهم گفتمان تجویزی است.

نوع دیگر نظام روایی کنش‌محور، گفتمان القایی یا مجابی است. مجاب نمودن ابزاری شناختی است که بسیاری از گفتمان‌ها از آن سود می‌جویند. عملی است که می‌تواند از شیوه‌های گوناگونی بهره‌برد. هر گفتمان قادر به پرورش و ارائه این شیوه‌هاست. وسوسه، تهدید، ترس، تحریک و اغوا از شیوه‌های مجاب‌سازی است (شعیری، ۱۳۸۵: ۶۴-۶۵). یکی از دو طرف باید طرف دیگر را به اجرای کنش متقاعد کند (همان، ۱۳۸۸: ۱۸). در این نظام، رابطه موازی است و هر دو کنشگر، یک موقعیت دارند و بین آن‌ها رابطه تعاملی برقرار می‌گردد (همان، ۱۳۹۵: ۳۰). در این ارتباط موازی و تعاملی، فقط یکی می‌تواند با تأثیر بر دیگری، توانش او را به نحوی تغییر دهد و او را به انجام یا تغییر کنش مد نظر متقاعد کند. در واقع، یک نظام تعاملی مبتنی بر باور است (نصیحت و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۱).

آنچه در این نوع روایت تعیین‌کننده است، «قدرت مجاب‌سازی یا القاست. در این حالت، قدرت استدلال و تأثیرگذاری امری مهم جلوه می‌کند و می‌توان آن را نظامی شناختی نامید؛ زیرا تفکر، اندیشه و منطق استدلالی می‌تواند باوری را تغییر داده و باور دیگری را جایگزین آن کند» (شعیری، ۱۳۹۵: ۳۰-۳۱). تنها جریان مجابی و زورآزمایی استدلالی است که سبب برتری و پیروزی یکی بر دیگری می‌گردد (همان: ۱۳). به نوعی بررسی قدرت استدلال کنشگران در برابر یکدیگر است و هر یک به روشی چون تحریک، تشویق، تهدید و ... می‌کوشد تا کنشی را به انجام برساند و در انتها به تولید معنا منجر شود (خدادادی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۰). در گفتمان‌های کنش‌محور القایی، گاهی زبان منطق به تنهایی تأثیرگذار نیست؛ احساس و عاطفه هم با شگردهای خاصی در کنار منطق و استدلال قرار می‌گیرد تا گفته‌پرداز، طرف مقابل خود را به انجام کنش یا تغییر باور سوق دهد. این نوع روایت «یا بر اساس کاربرد شناختی زبان و قدرت استدلال منطقی آن تحقق می‌یابد و یا بر اساس استفاده از حربه تأثیر بر هیجان و عواطف» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۲). سوگند خوردن، تعارف، اقناع، اعتمادسازی و ... القاهایی است که کنشگر از آن‌ها استفاده می‌کند تا با تأثیرگذاری بر عواطف طرف مقابل، اطمینان وی را جلب کند و اهداف گفتمانی خود را تحقق بخشد. نمودار نظام روایی القایی به این صورت ترسیم می‌شود (همان: ۳۲):

عملیات القایی ← فرایند کنشی ← گسست یا پیوست با ابژه ارزشی ← ارزیابی نهایی

نمودار نظام گفتمانی القایی یا مجابی

۳-۳. مناظره و اهمیت آن در دوران امام رضا (علیه السلام)

حیات امام رضا (علیه السلام) دوران نشاط علمی، تضارب آرا و دیدگاه‌ها میان فریق گوناگون درون اسلام و نیز افزایش ارتباطات فرهنگی با دیگر جوامع است. مأمون، خلیفه عباسی هم با درخواست از رومیان برای ارسال آثار فلاسفه یونانی و امر به ترجمه آن‌ها به افزایش فضای نقد و گفت‌وگو کمک کرد؛ چه از حیث گفت‌وگوی درون تمدنی و چه ارتباط جهان اسلام با سایر ملل (مجیدی، ۱۳۹۲: ۱۰). در عصر امام رضا (علیه السلام)، بحث‌های اعتقادی و کلامی به اوج خود رسید و مناظره‌های علمی رونقی مضاعف یافت. از این رو، آن حضرت که دانش خود را از اجداد بزرگوارش به ارث برده بود و سرچشمه جوشانی از علم در سینه داشت، افزون بر توجه دادن جامعه اسلامی به معارف و حیانی با استفاده از عقل به عنوان ابزاری کارآمد در مباحث کلامی، به پاسخگویی به شبهه‌ها و انحراف‌های فکری و عقیدتی پرداخت (مصلاهی پور و سلیمی، ۱۳۹۲: ۹۲). مأمون که غرضی جز خدشه‌دار کردن مقام علمی و مذهبی امام نداشت، بارها این مجالس را ترتیب داد تا شخصیت دینی و علمی امام را در نظر پیروان و مکاتب دیگر تخریب کند (یاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۸)؛ اما امام از این گفتمان، به عنوان ابزاری رسانه‌ای با رویکرد استدلالی برای تولید قدرت نرم در مقابله با حکومت عباسی و اثبات حقانیت اسلام استفاده کرد.

در واقع در میدان رقابت سیاسی ظریف و زیرکانه میان امام و مأمون عباسی، بهره‌گیری از جایگاه مناظرات و گفت‌وگوهای علمی میان علمای ادیان با امام جایگاه ویژه‌ای داشت. این مناظرات به محملی برای پیاده‌سازی طرح ضد توطئه‌ای حضرت، شناساندن جایگاه علمی و معرفتی امام و شایستگی ایشان برای کسب مقام خلافت بدل شد (جمال زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۰) و امام با هوشیاری و اغتنام فرصت، طرح مأمون را خنثی کرد؛ زیرا موضع‌گیری امام درباره توحید و امامت در سطح بالای جامعه منتشر شد و به گوش

همگان رسید (یاری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۹). حضرت در این چالش‌ها بسیاری از شبهات مخالفان دین اسلام را پاسخ داد و توطئه‌های پنهانی آنان را آشکار و نور حقیقی دین را بر همگان هویدا کرد (رحیمی زنگنه و بیگزاده، ۱۳۹۷: ۲۰۱). همچنین، با استفاده از این مجلس که در آن زمان بی نظیر بود و اخبارش به سراسر کشورهای اسلامی پخش می‌شد، رسالت بزرگ خویش را برای کورکردن خطوط انحرافی ضد اسلام که با نقل دانش‌های بیگانگان به محیط اسلام راه یافته بود، انجام داد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۶۶). در حقیقت، امام به‌عنوان ولیعهد حکومت زمان که از مقام امامت برخوردار بود، با گفتمان خود ثابت کرد که به مخالفان آزادی بیان می‌دهد و با سعه صدر و منطق در برابر آنان سخن می‌گوید. ایشان تهدید دستگاه خلافت را به فرصت تبدیل کرد و با رویکرد مناظره، استبداد فکری و فرهنگی را به چالش کشید و توانست با منطق، استدلال‌های غنی و آگاهی از همه مکاتب، مدعیان را مجاب و تسلیم کند. علاوه بر این، از مخالفان سرسخت اسلام، مدافعانی ساخت که در برابر هجوم افکار ضد اسلامی با قدرت ایستادند. البته در کنار اهداف سیاسی مأمون «نمی‌توان منکر این واقعیت شد که تلاش مأمون برای حضور امام رضا (علیه السلام) در مناظره‌های گوناگون با نمایندگان سایر فرقه و مسالک درون اسلام و مناظره با نمایندگان سایر ادیان فرصت مناسبی فراهم آورد تا بُعد علمی امامت امام رضا (علیه السلام) ابعاد جهانی به خود گیرد» (مجیدی، ۱۳۹۲: ۱۱).

۴. بیکره اصلی بحث

۴-۱. گفتمان القایی؛ راهبرد مشترک امام و مخالفان برای پیوست با ابژه

بسیاری از کنش‌ها با اتکا به زبان و قدرت متقاعدسازی آن در دنیا تحقق می‌یابد (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۰). مناظره هم به‌عنوان کنشی تعاملی و گفت‌وگو محور، به زبان به‌عنوان رکن اصلی مناظره و قدرت اقناع آن متکی است. امام رضا (علیه السلام) بر حسب رسالت خویش که باید مردم را به سوی حق و اسلام هدایت کند، با تصمیم مناظره از جانب مأمون موافقت

می‌کند و بر آن می‌شود که طی فرایندی منطقی و مستدل چنان گفت‌وگو کند که بتواند حقانیت شرع مقدس اسلام را به اثبات برساند. در واقع، اثبات حقانیت اسلام، ابژه ارزشی است که بر اساس برنامه شناختی مجابی از جانب امام ترسیم شده و صورت می‌گیرد. امام و بزرگان ادیان به عنوان طرفین مناظره، کنشگرانی‌اند که در این گفتمان القایی در برابر هم قرار دارند. دو کنشگر، در ظاهر در یک موقعیت هستند و رابطه‌ای افقی بین آن‌ها شکل گرفته است. همان‌طور که پیش از این گفته شد، در این نوع گفتمان، قدرت استدلال مهم است. در این مناظره‌ها «نقطه آغاز و پایان بحث، مشخص و از انسجام و نظم منطقی افتناع‌کننده‌ای برخوردار است. طوری که امام طرف مناظره را کاملاً از حیث استدلال‌ها تخلیه و قانع می‌کند و جای تردید برای وی باقی نمی‌گذارد» (مجیدی، ۱۳۹۲: ۲۹). این انسجام علاوه بر گفت‌وگوها و استدلال‌های نقلی، در استدلال‌ها و استنادهای عقلی هم خود را نشان می‌دهد. به هر ترتیب، امام در این کنش با ارائه استدلال‌ها موفق می‌شود طرف مقابل خود را متقاعد کند. در حقیقت، کنش مناظره نتیجه تعامل مجابی است. در این فرایند مجابی، امام بر اساس قدرتی که از درون او می‌جوشد، به تولید کلام می‌پردازد. در نتیجه این تولید، گستره کلام افزایش می‌یابد و کنشگر مقابل به شناخت می‌رسد.

۴-۲. مناظره با «جاثلیق» در باب توحید و اثبات حقانیت اسلام

مناظره با انفصال از ابژه آغاز می‌شود. بر اساس رابطه تعاملی و جریان القایی، کنشگران به دنبال کسب ابژه و پیوست با آن هستند. امام رضا (علیه السلام) با استفاده از راهبرد القایی استدلال و منطق، فرایند کنشی مناظره را آغاز می‌کند. البته انگیزه در اینجا اهمیت خاصی دارد. امام از شرافت اسلام دفاع می‌کند و کنش خود را همسوی این شرافت و در مقابل تصویر دانشمندان مخالف آغاز می‌کند. در مجلسی که بزرگ‌ترین دانشمندان مسیح و یهود حضور دارند، ابتدا جاثلیق، پیشوای مسیحی و دانشمند بزرگ نصارا آغاز می‌کند و خطاب به مأمون می‌گوید که نمی‌تواند با شخصی مناظره کند که به قرآن استناد می‌جوید: «كَيْفَ أَحَاجُّ رَجُلًا يَحْتَجُّ عَلَيَّ بِكِتَابِ أَنَا مُنْكَرُهُ وَ نَبِيٌّ لَا أُوْمِنُ بِهِ» (ابن

بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۱، ۱۴۱). امام در پاسخ به جاثلیق، راهبرد تعاملی خود را پرسشی آغاز می‌کند که آیا با استناد به انجیل، به حقانیت اسلام اقرار خواهد کرد: «يَا نَصْرَانِي فَاِنْ اَخْتَجَجْتُ عَلَيْكَ بِاِنْجِيلِكَ اَتَقْرُبُ بِهِ» (همان). جاثلیق هم در پاسخ امام می‌گوید: «هَلْ اُقَدِرُ عَلٰی رَفْعِ مَا نَطَقَ بِهِ الْاِنْجِيلُ نَعَمْ وَاللّٰهِ اَقْرُبُ بِهِ عَلٰی رَغْمِ اَنْفِي» (همان). امام در اینجا برای رسیدن به ابژه اقرار می‌گیرد. ابژه، خود را در اینجا مطرح می‌کند که عبارت است از «اقرار به حقانیت اسلام». جاثلیق می‌پذیرد که وصال به ابژه توسط امام و شکست خود را اعتراف کند. در واقع راهبرد القایی امام، اقرار و اقناع است؛ راهبردی که سایه تردید را برمی‌چیند. در این تعامل، گویی با یک نظام و منطق شناختی روبه‌رویم و «منطق شناختی کلام، مبتنی بر محاسبه ذهنیات فرد درباره چیزی است» (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۴۵). طرفین ذهنیت یکدیگر را بازخوانی می‌کنند و بر همین اساس است که جاثلیق از امام می‌خواهد که به قرآن استناد نکند و امام هم از او می‌خواهد که بر اساس استنادات انجیل، به حقانیت اسلام اعتراف کند. امام بر اساس برنامه ذهنی که دارد، می‌خواهد ابژه را به دست آورد. ایشان در فرایند کنشی مناظره، توانش بالقوه خود را با رهبردهای القایی استدلالی به فعلیت می‌رساند. طرفین مناظره از توانش علمی برخوردارند و امام هم بر اساس آگاهی و تسلطی که بر انجیل دارد، از امکان مساوی استفاده می‌کند تا کنشگر مقابل را متقاعد سازد.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره اقرار به نبوت عیسی و وجود نام پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت و امت ایشان و اقرار به پیامبری ایشان در سفر سوم انجیل همچنان ادامه می‌یابد تا آنجا که امام تأکید می‌کند همه استدلال‌های مبتنی بر رسالت پیامبر اسلام، بر اساس سخنان عیسی است و جاثلیق هم تأیید می‌کند. سپس امام می‌فرماید که در صورت انکار این امر، گویی عیسی را انکار کرده است: «هَذَا قَوْلُ عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ فَاِنْ كَذَّبْتَ بِمَا يَنْطِقُ بِهِ الْاِنْجِيلُ فَقَدْ كَذَّبْتَ مُوسَى وَعَيْسَى وَمَتَّى اُنْكَرْتَ هَذَا الذُّكْرَ وَجَبَ عَلَيْكَ الْقَتْلُ لِاَنَّكَ تَكُونُ قَدْ كَفَرْتَ بِرَبِّكَ وَنَبِيِّكَ وَبِكِتَابِكَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۱، ۱۴۲). جاثلیق هم از موضع خود عقب‌نشینی و به صحت سخن امام اعتراف کرد: «أَأُنْكِرُ مَا قَدَّ بَانَ لِي فِي الْاِنْجِيلِ وَاِنِّي لَمُقَرَّبٌ بِهِ» (همان) و امام هم حاضران را بر اقرار وی شاهد گرفت: «قَالَ

الرِّضَا أَشْهَدُوا عَلَيَّ إِقْرَارِهِ» (همان).

امام در مرحله دوم مناظره فرمود هر چه می‌خواهی پرس: «یا جاثلیق، سَلْ عَمَّا بَعْدَا لَكَ وَاسْمَعِ الْجَوَابَ» (همان). جاثلیق مرحله دوم مناظره را با پرسش درباره حواریون و علمای انجیل آغاز می‌کند: «أَخْبِرْنِي عَنْ حَوَارِيِّ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ كَمْ كَانَ عِدَّتُهُمْ وَعَنْ عُلَمَاءِ الْإِنْجِيلِ كَمْ كَانُوا» (همان). امام بخشی از پاسخ را با القای قسم همراه می‌کند تا با استفاده از این تأثیرگذاری فرایند متقاعدسازی خود را تضمین کند؛ زیرا قسم خوردن «راهی برای بیمه کردن گفته‌پرداز است. طوری که راه حرکت به جلو را برای او گشوده و حرکت او را در مسیر تحقق کنش تضمین می‌کند. با استفاده از این شگرد، گفته‌پرداز در مخاطب خود ایجاد اطمینان و اعتماد او را به برنامه خود جلب می‌کند (شعیری، ۱۳۹۵: ۳۳). ادامه پاسخ امام مبنی بر زیر سؤال بردن عبادت مسیح چنین است: «وَ اللَّهُ إِنَّا لَنُؤْمِنُ بِعِيسَى الَّذِي آمَنَ بِمُحَمَّدٍ وَ مَا نَنْقُمُ عَلَيَّ عِيسَاكُمْ شَيْئًا إِلَّا ضَعْفَهُ وَ قَلَّةَ صِيَامِهِ وَ صَلَاتِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴۳) جاثلیق: «أَفْسَدْتَ وَ اللَّهُ عِلْمَكَ وَ ضَعَفْتَ أَمْرَكَ وَ مَا كُنْتَ ظَنَنْتُ إِلَّا أَنَّكَ أَعْلَمُ أَهْلَ الْإِسْلَامِ» (همان). امام: «وَ كَيْفَ ذَلِكَ؟» (همان). جاثلیق: «مِنْ قَوْلِكَ أَنَّ عِيسَى كَانَ ضَعِيفًا قَلِيلَ الصِّيَامِ قَلِيلَ الصَّلَاةِ وَ مَا أَفْطَرَ عِيسَى يَوْمًا قَطُّ وَ لَا نَامَ بَلِيلًا قَطُّ وَ مَا زَالَ صَائِمَ الدَّهْرِ وَ قَائِمَ اللَّيْلِ» (همان). امام راهبرد القایی را به اینجا می‌کشاند و در ظاهر اشکالی به عبادت عیسی (علیه السلام) وارد می‌کند تا از جاثلیق به وحدانیت خدا اعتراف گیرد. به همین خاطر پرسش خود را مطرح می‌کند که با سکوت جاثلیق همراه است و جاثلیق نمی‌تواند پاسخ بدهد که عبادت مسیح اگر برای خدا نیست، پس برای کیست: «فَلِمَنْ كَانَ يَصُومُ وَيُصَلِّي؟ فَخَرِسَ الْجَاثِلِيُّ وَ انْقَطَعَ» (همان). این دومین شکست جاثلیق است که او را از ابژه دور می‌کند. امام هم با این ترفند هوشمندانه طی یک فرایند القایی، به اتصال به ابژه می‌رسد و دانشمند مسیحی را تسلیم می‌کند.

در مرحله سوم مناظره، امام درباره زنده کردن مردگان و شفای بیماران توسط عیسی، ایسع، حزقیل، پیامبر و موسی با استناد به انجیل و تورات سخن گفتند و فرمودند که تو نمی‌توانی این حقایق را انکار کنی؛ حقایقی که در همه کتاب‌ها وجود دارد: «كُلُّ شَيْءٍ ذَكَرْتَهُ لَكَ مِنْ هَذَا لَا تَقْدِرُ عَلَيَّ دَفْعِهِ لِأَنَّ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الرَّبُّورَ وَ الْفُرْقَانَ قَدْ

نَطَقَتْ بِهِ فَإِنْ كَانَ كُلُّ مَنْ أَحْيَا الْمَوْتَى وَأَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَالْمَجَانِينَ يَتَّخِذُ رَبًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاتَّخِذْهُ هُوَلَاءِ كُلَّهُمْ أَرْبَابًا» (همان، ج ۱: ۱۴۵). سومین شکست جاثلیق در اینجا رقم می‌خورد و امام هم موفق به اثبات توحید و حقانیت اسلام می‌شود. امام طی سه مرحله مناظره در فرایند تعاملی اقرار نهایی را به توحید از دانشمند مسیحی می‌گیرد: «الْقَوْلُ قَوْلِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (همان). پرسش و پاسخ‌ها ادامه می‌یابد و بعد از استدلال‌های امام، جاثلیق توانش علمی برای ادامه کنش ندارد و کنش را به پایان می‌رساند و به توانمندی امام اعتراف می‌کند: «لَيْسَ أَلَيْكَ غَيْرِي فَلَا وَحَقَّ الْمَسِيحِ مَا ظَنَنْتُ أَنْ فِي عُلَمَاءِ الْمُسْلِمِينَ مِثْلَكَ» (همان، ج ۱: ۱۴۷). به این ترتیب امام به ابژه دست می‌یابد که البته این دستیابی، نتیجه گفتمان امام و القاپذیری کنشگر مقابل است. این تعریف و اقرار جاثلیق نشان می‌دهد که امام قدرت اقناع مخالف را داشت و «مخالفان امام کاملاً قانع می‌شدند و برخی از آن‌ها نیز هدایت یافتند؛ زیرا زمینه هدایت در آنان بود» (مصلاهی پور و سلیمی، ۱۳۹۲: ۹۷). علاوه بر این، جاثلیق در اینجا به عنوان گفته‌پرداز برای اثبات صداقت خود، از راهبرد سوگند هم استفاده می‌کند تا اعتماد کنشگر مقابل را جلب کند.

۴-۳. مناظره با «رأس الجالوت» در باب توحید و اثبات نبوت عیسی و پیامبر اسلام

القای شناختی راه‌های متفاوتی دارد مثل «تعارف». در فرهنگ اسلامی «تعارف» گونه‌ای از القاست که می‌تواند علاوه بر کارکرد ارتباطی، آداب و رسوم و معاشرت دارای کارکرد مجابی نیز باشد. با این تعارف، القاگر نوعی انگیزه در القاشونده ایجاد می‌کند (شعبیری، ۱۳۹۵: ۳۳). امام در مناظره با «رأس الجالوت» دانشمند و بزرگ یهود، با این تعارف، تصویر خوشایند از دیگری ارائه می‌دهد و او را تشویق می‌کند تا شایسته جایگاه خود رفتار کند. ایشان «طرف مقابل را مختار می‌کند که شروع کننده سؤال باشد؛ یعنی شخص به صورت حق به جانب شروع کننده نباشد» (روحی برندق، ۱۳۹۶: ۲۳). این تعارف و حق انتخاب، اقتدار علمی امام و شخصیت الهی ایشان را نشان می‌دهد و این اقتدار موجب می‌شود تا امام از روح بلند و آزادگی علمی والایی برخوردار باشد. بر اثر این روح علمی، در سراسر مناظره از هر گونه امر ناشایست و ناروا پیراسته و به همه ارزش‌ها و فضیلت‌های

زیبا آراسته بود؛ نه جدلی در کار بود، نه حيله و مخاصمه و هياهو، نه لغزش و غفلت، و نه هیچ امر نادرست دیگر (مصلاهی پور و سلیمی، ۱۳۹۲: ۹۵). به همین خاطر در مناظره با رأس الجالوت حق انتخاب می‌دهد. رأس الجالوت هم آغاز می‌کند و در تصور خود، توانش امام را محدود می‌کند. در واقع او می‌خواهد یکی از راهبردهای امام را که استدلال با قرآن است، از ایشان بگیرد. از این‌رو، توانش علمی خود و امام را به تورات، انجیل، زبور داود، صحف ابراهیم و موسی محدود می‌کند: «تَسْأَلْنِي أَوْ أَسْأَلُكَ فَقَالَ بَلْ أَسْأَلُكَ وَ لَسْتُ أَقْبَلُ مِنْكَ حُجَّةً إِلَّا مِنَ التَّوْرَةِ أَوْ مِنَ الْإِنْجِيلِ أَوْ مِنْ زَبُورِ دَاوُدَ أَوْ بِمَا فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴۷). البته امام هم با اطمینان از توانش علمی خود، با این پیشنهاد موافقت و از راهبرد القایی اعتمادسازی برای انجام فرایند کنشی خود استفاده می‌کند: «لَا تَقْبَلُ مِنِّي حُجَّةً إِلَّا بِمَا تَنْطَلِقُ بِهِ التَّوْرَةُ عَلَى لِسَانِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ الْإِنْجِيلُ عَلَى لِسَانِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ الزَّبُورُ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ» (همان). این پذیرش امام در باب استناد به کتاب‌های آسمانی نشان می‌دهد که «حضرت بر کتب اهل کتاب از خود آن‌ها بیشتر احاطه دارد و این یکی از لازمه‌های مناظره است» (روحی برندق، ۱۳۹۶: ۲۲). ایشان حتی برای اینکه از مغالطه طرف مناظره جلوگیری کند، با کتاب‌ها و معیارهای مورد پذیرش آن‌ها استدلال می‌فرماید (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۰).

پرسش و پاسخ درباره اثبات نبوت رسول اسلام و نبوت عیسی آغاز می‌شود. رأس الجالوت در گفتمان القایی امام، در کنار استدلال‌های ایشان، از تورات استدلال می‌خواهد: «أَحَبُّ أَنْ تَصْحَحَهُ إِلَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۴۸). امام تعامل خود را ادامه می‌دهد تا نشانه ابتدایی شکست دانشمند یهودی آشکار می‌شود. امام وارد نقطه کانونی گفتمان می‌شود و علت پیامبری موسی بن عمران را می‌پرسد: «مَا الْحُجَّةُ عَلَيَّ أَنْ مُوسَى تَبَيَّنَتْ نُبُوَّتُهُ» (همان، ج ۱: ۱۴۹). رأس الجالوت معجزات و خارق عادات را علت پذیرش نبوت موسی می‌داند: «أَنَّهُ جَاءَ بِمَا لَا يَقْدِرُ الْخَلْقُ عَلَى مِثْلِهِ...» (همان). امام هم می‌پرسد که چرا با وجود معجزات عیسی، نبوت ایشان را نمی‌پذیرند: «فَمَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْإِقْرَارِ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ قَدْ كَانَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ يُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ يَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ ثُمَّ يَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ...» (همان). رأس الجالوت، ندیدن معجزات عیسی را علت

ایمان نیاوردن به ایشان می‌داند. امام هم اعتراف می‌گیرد که آن‌ها معجزات موسی را هم ندیده‌اند و به تواتر به آن‌ها رسیده است: «أَرَأَيْتَ مَا جَاءَ بِهِ مُوسَى مِنَ الْآيَاتِ شَاهِدَتُهُ أَلَيْسَ إِنَّمَا جَاءَتْ الْأَخْبَارُ مِنْ ثِقَاتٍ أَصْحَابِ مُوسَى أَنَّهُ فَعَلَ ذَلِكَ قَالَ بَلَى قَالَ فَكَذَلِكَ أَيْضاً أَتَتْكُمْ الْأَخْبَارُ الْمُتَوَاتِرَةُ بِمَا فَعَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَكَيْفَ صَدَّقْتُمْ بِمُوسَى وَلَمْ تُصَدِّقُوا بِعِيسَى» (همان، ج ۱: ۱۵۰). در اینجا دانشمند یهودی از پاسخ امام بازمی‌ماند و نمی‌تواند کنش را ادامه دهد: «فَلَمْ يُجِزْ جَوَاباً» (همان). در واقع، با فرایند کنشی که امام ترتیب داده بود، دانشمند یهودی به انفصال از ابژه می‌رسد و امام به هدف گفتمانی خود دست می‌یابد.

در بخش دوم مناظره، امام سخن را برای اثبات پیامبر ادامه می‌دهد و باز هم رأس الجالوت سکوت می‌کند: «كَذَلِكَ أَمْرُ مُحَمَّدٍ وَمَا جَاءَ بِهِ وَأَمْرُ كُلِّ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّهُ كَانَ يَتِيمًا فَقِيرًا رَاعِيًا أَجِيرًا لَمْ يَتَعَلَّمْ كِتَابًا وَلَمْ يَخْتَلِفْ إِلَى مُعَلِّمٍ ثُمَّ جَاءَ بِالْقُرْآنِ الَّذِي فِيهِ قِصَصُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَخْبَارُهُمْ حَرْفًا حَرْفًا وَأَخْبَارُ مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ كَانَ يُخْبِرُهُمْ بِأَسْرَارِهِمْ وَمَا يَعْمَلُونَ فِي بُيُوتِهِمْ وَجَاءَ بِآيَاتٍ كَثِيرَةٍ لَا تُحْصَى.. فَلَمْ يُجِزْ جَوَاباً» (همان)؛ زیرا امام به شیوه‌های مختلفی استدلال می‌کند. نخست، به دلیل نقلی استدلال می‌فرماید و سپس به دلیل عقلی یعنی مسئله اعجاز، متوسل می‌شود. بزرگ یهود نیز ناچار می‌شود هر دو را بپذیرد و در برابر آن تسلیم گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۶). آنچه مهم است، اینکه در فرایند متقاعدسازی باید در گفته‌یاب نسبت به باور قبلی تردید ایجاد نمود و باور جدیدی را در او تحقق بخشید (شعیری، ۱۳۸۵: ۲۴). امام هم با استناد به کتب آسمانی و ادله عقلی، منطقی و نقلی و نیز به کمک مبانی حریف، عقاید رأس الجالوت را باطل می‌کند و باور وی را به چالش می‌کشد و تلاش می‌کند تا باور جدید را جایگزین نماید. در این تعامل، امام با همین استدلال‌های عقلی و منطقی، نبوت عیسی را به اثبات می‌رساند و به پیوست با ابژه می‌رسد.

امام پس از مناظره با دانشمند یهود، از بزرگ زردشتیان درباره علت پیامبری زردشت می‌پرسد. او هم مثل رأس الجالوت، خارق عادات را گواه مدعای خود می‌داند. امام در گفتمان خود، همچون دانشمند یهودی با هیربداکبر رفتار می‌کند. او در برابر

استدلال‌های امام سکوت می‌کند و از پاسخ باز می‌ماند: «أَحْبِرْنِي عَنْ زُرْدَهْشَتِ الَّذِي تَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ مَا حَجَّتْكَ عَلَى نُبُوتِهِ قَالَ إِنَّهُ أَتَى بِمَا لَمْ يَأْتِنَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَلَكِنَّ الْأَخْبَارَ مِنْ أَسْلَافِنَا وَرَدَّتْ عَلَيْنَا بِأَنَّهُ أَحَلَّ لَنَا مَا لَمْ يُحِلَّهُ غَيْرُهُ فَاتَّبَعْنَاهُ قَالَ أَفَلَيْسَ إِنَّمَا أَتَيْتُكُمْ الْأَخْبَارَ فَاتَّبَعْتُمُوهُ قَالَ بَلَى قَالَ فَكَذَلِكَ سَائِرُ الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ أَتَتْهُمْ الْأَخْبَارُ بِمَا أَتَى بِهِ النَّبِيُّونَ وَأَتَى بِهِ مُوسَى وَعِيسَى وَمُحَمَّدٌ صَ فَمَا عُدْرَتُكُمْ فِي تَزْكِ الْإِفْرَارِ لَهُمْ إِذْ كُنْتُمْ إِنَّمَا أَفْرَزْتُمْ بَرَزْدَهْشَتَ مِنْ قِبَلِ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ بِأَنَّهُ جَاءَ بِمَا لَمْ يَجِئْ بِهِ غَيْرُهُ فَانْقَطَعَ الْهَرَبُذُ مَكَانَهُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۰).

۴-۴. مناظره با عمران صابی در باب توحید

امام بخش اصلی گفتمان تعاملی خود را با عمران صابی، دانشمند مادی‌گرا آغاز می‌کند. البته امام با توانایی که در القاسازی و اقناع‌سازی دارد و با توجه به سه موفقیت پیشین و دسترسی به ابژه، مخالفان اسلام را به تعامل می‌طلبد. عمران صابی اعلام آمادگی می‌کند تا امام او را به ارزشی که خود صابی مد نظر دارد و آن اثبات حقانیت اسلام است، برساند. گویی در این مناظره رویکرد ارزشی مشترک است. امام می‌خواهد عمران را به پیوست با ابژه برساند و عمران هم همین را می‌خواهد و به دنبال مقابله منفی یا اثبات نظر خود نیست. گویی تشنه معارف است و می‌گوید: «من به کوفه، بصره، شام و الجزیره رفته‌ام و با علمای علم عقاید روبه‌رو شده‌ام، ولی کسی را نیافته‌ام که برای من ثابت کند خداوند یگانه است و قائم به وحدانیت خویش است. آیا اجازه می‌دهی همین مسئله را با تو در میان بگذارم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۰). امام علیه السلام فرمود به شرط رعایت انصاف، پرس: «سَلْ يَا عَمْرَانُ وَعَلَيْكَ بِالنَّصْفَةِ وَإِيَّاكَ وَالْخَطْلَ وَالْجَوْرَ» (همان). عمران خود به بحران ارزشی که دچار است، اعتراف می‌کند و می‌خواهد تا امام او را از این بحران نجات دهد: «وَ اللَّهُ يَا سَيِّدِي مَا أُرِيدُ إِلَّا أَنْ تُثَبِّتَ لِي شَيْئًا أَتَعَلَّقُ بِهِ فَلَا أُجْوِزُهُ» (همان).

پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره اثبات ذات و وحدانیت خدا و خلقت موجودات است. عمران از امام می‌خواهد که از نخستین وجود در جهان هستی و مخلوقاتش با او سخن بگوید.

اینکه می‌فرماید: «سل عما بدا لک ...» اولاً احاطه امام را نشان می‌دهد؛ ثانیاً فرصت را به حریف می‌دهد نه به خودش. بر خلاف این روش متداول که شخص، شروع کننده سخن باشد تا در احتجاج و مناظره فرصت طلبی کند و از این راه بتواند طرف مقابل را مغلوب کند. حضرت در اینجا با روش درست اخلاقی پیش می‌رود (روحی برندق، ۱۳۹۶: ۱۸). امام می‌فرماید اکنون که سؤال کردی، بادقت گوش کن: «سَأَلْتَ فَافْهَمْ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۱). امام توضیح می‌دهد و از عمران می‌پرسد که می‌فهمد: «أَفْهِمْتَ يَا عِمْرَانُ» (همان، ج ۱: ۱۵۲). وی هم اعتراف می‌کند. امام وقتی با عمران مناظره می‌نمود، آن قدر ارتباط دوسویه بود که عمران پیوسته توضیحات بیشتری از امام می‌خواست و امام، سرچشمه فیاض علم، او را بهره‌مند می‌ساخت. تا جایی که امام پرسید: مطالب را خوب درک کردی؟ (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۵). البته امام در طول مناظره عمران را با نام کوچک خطاب می‌کند تا طی فرایند کنشی از فضای عاطفی هم بهره گیرد و این چنین تأثیر عمیق‌تری بر کنشگر مقابل نهد و به ابژه دست یابد. گفت‌وگوها همچنان ادامه دارد. حضرت شروع به اثبات وجود خدا می‌کند و حدود ۱۴ مرحله پیش می‌رود. ضمن این استدلال‌ها، حضرت بهترین مثال را برای وحدت شخصی و رابطه با جهان می‌زند. از اینجا معلوم می‌شود که عمران کاملاً مستعد بود که حضرت این‌گونه با ایشان احتجاج کرده است (روحی برندق، ۱۳۹۶: ۲۶). در این گفتمان القایی امام ظرفیت بالای عمران را می‌بیند. به همین خاطر، به ذکر دلایل عقلی می‌پردازد.

عمران چنان از سرچشمه فیض امام بهره می‌گیرد که حاضر نیست امام برای نماز برود و اعلام می‌کند که اکنون قلبش آماده پذیرش است: «يَا سَيِّدِي لَا تَقْطَعْ عَلَيَّ مَسْأَلَتِي فَقَدْ رَقَّ قَلْبِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۳). امام با تعطیل کردن مجلس مناظره هنگام اذان، پایبندی و عنایت به احکام را نشان می‌دهد. در اینجا نشانه‌های اتصال به ابژه، خود را نمایان می‌کند. امام بعد از نماز از عمران می‌خواهد سوالاتش را ادامه دهد. ایشان از راهبرد استدلالی خود در گفتمان القایی استفاده کرده است. در کنش خود از گفتارهای منطقی و مستدل برای رسیدن به ابژه و تسلیم کردن کنشگر مقابل بهره می‌برد. پاسخ صابی به سؤال امام مبنی بر درک مسائل، نشان می‌دهد که وصال با ابژه رخ داده و کنش

امام به نتیجه رسیده است: «أَفْهِمْتَ يَا عِمْرَانُ قَالَ نَعَمْ يَا سَيِّدِي قَدْ فَهِمْتُ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى مَا وَصَفْتَ وَوَحَّدْتَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمَبْعُوثُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ ثُمَّ خَرَّ سَاجِدًا نَحْوَ الْقِبْلَةِ وَأَسْلَمَ» (همان، ج ۱: ۱۵۷). عمران در میان تعجب حاضران به وحدانیت خدا اعتراف می‌کند و به رسالت پیامبر شهادت می‌دهد و تسلیم می‌شود. عبارت نشان می‌دهد که فرایند کنشی ابتدا از سوی عمران صابی، ارزیابی و تأیید شده است؛ زیرا به وحدانیت خدا اعتراف می‌کند. البته در اینجا شکست مأمون نیز کاملاً آشکار می‌شود؛ زیرا او مناظره را برای شکست امام ترتیب داده بود که امام بر خلاف رویکرد مأمون توانست کنش را ادامه دهد و به نتیجه مطلوب خود برساند. در واقع، ایشان تهدید را به یک فرصت تبدیل نمود.

پس از پایان مناظره و اتمام جلسه، امام یکی از خادمان را صدا زد و فرمود: «به سراغ عمران صابی برو و او را نزد من آور» (همان: ۱۵۸). امام هدایایی به او عطا کرد و کنار خود نشانده. این رفتار امام از نمونه‌های شیوه حق‌مداری حضرت است که از عمران صابی پس از ایمان آوردن و مسلمان شدن تفقد و دلجویی می‌کند. امام از این مسئله شادمان گشته و از او سپاس‌گزاری می‌کند (رجبی و مطهری، ۱۳۹۴: ۸۸). در واقع، در اینجا که پایان کنش است، مرحله ارزیابی تحقق می‌یابد. امام، مأمون و فضل بن سهل کنش را ارزیابی و هدایایی به عمران عطا می‌کنند: «هنگامی که عمران آمد، امام عليه السلام به او خوش آمد گفت و لباس فاخر و مرکبی به او هدیه داد و ده هزار درهم نیز به عنوان جایزه به او مرحمت فرمود. سپس دستور داد شام را حاضر کردند و ... از آن به بعد، عمران مدافع سرسخت اسلام شد، به طوری که علمای مذاهب مختلف نزد او می‌آمدند ... مأمون نیز ۱۰ هزار درهم جایزه برای او فرستاد. فضل بن سهل نیز اموال و مرکبی برای او ارسال داشت» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۸).

در فرایند مناظرات امام با صاحبان ادیان، این جریان مجابی و استدلالی باعث می‌شود که یکی بر دیگری پیروز گردد. در واقع «تنها جریان مجابی و زورآزمایی استدلالی است که سبب برتری و پیروزی یکی بر دیگری می‌گردد. بنابراین چنین نظام گفت‌وگویی را می‌توان نظامی شناختی نامید؛ چون تفکر، اندیشه و منطق استدلالی می‌تواند باوری را تغییر داده

و باور دیگری را جایگزین آن کند» (شعیری، ۱۳۹۵: ۳۱). تفکر توحید و اسلام در این مناظره جای تفکر غیردینی و غیراسلامی دانشمندان را گرفت و باور آن‌ها را به باور و اعتقاد دینی اسلامی تغییر داد.

از سوی دیگر، مناظره به نوعی فعالیت متقاعدسازی است. گویی امام مخاطب را به فعالیت شناختی وامی‌دارد. فعالیتی که دارای دو بعد است و در این جریان «باید به دو ابزار مهم تأثیرگذاری شناختی مجابی و تفسیری اشاره نمود. در مجابی عامل اصلی و مؤثر همان گفته‌پرداز است و در تفسیری هم گفته‌یاب» (شعیری، ۱۳۸۵: ۶۴). در بُعد تفسیری، مخاطب به عنوان گفته‌یاب با راهبردهای امام درمی‌یابد که استدلالش صحیح نیست و مسیر او نادرست است. در بعد مجابی هم امام باید مخاطب را متقاعد کند. با این فعالیت‌ها و تولیدات زبانی که توسط امام صورت می‌گیرد، کلام گسترش می‌یابد. امام هم با این گستردگی کلامی باور مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این فرایند، طرف مناظره به اسلام می‌گراید و متقاعد می‌شود.

۵. نتیجه

مناظره به عنوان کنشی تعاملی و گفت‌وگو محور به زبان به‌عنوان رکن اصلی مناظره و قدرت اقناع آن متکی است. علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بر حسب رسالت خویش که باید مردم را به سوی حق و اسلام هدایت کند، با تصمیم مناظره از جانب مأمون موافقت می‌کند و بر آن می‌شود که با استفاده از این ابزار رسانه‌ای حقانیت شرع مقدس اسلام را به اثبات برساند. در واقع، اثبات حقانیت اسلام، ابژه ارزشی است که بر اساس برنامه شناختی مجابی از جانب امام ترسیم شده و صورت می‌گیرد. امام رضا (علیه السلام) و بزرگان ادیان در این گفتمان القایی در برابر هم و در ظاهر در یک موقعیت هستند و رابطه‌ای افقی بین آن‌ها شکل گرفته است. در این فرایند متقاعدسازی گویی امام مخاطب را به فعالیت شناختی وامی‌دارد. فعالیتی که دارای دو بُعد است؛ در بعد تفسیری، مخاطب به عنوان گفته‌یاب با راهبردهای امام درمی‌یابد که استدلالش صحیح نیست و مسیر او نادرست است. در

بُعد مجابی هم امام باید مخاطب را متقاعد کند. با این فعالیت‌ها و تولیدات زبانی که توسط امام صورت می‌گیرد، کلام گسترش می‌یابد. امام هم با این گستردگی کلامی باور مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این فرایند، طرف مناظره به اسلام می‌گردد و متقاعد می‌شود. در فرایند مناظره، این جریان مجابی و متقاعدسازی باعث می‌شود که امام بر دیگران پیروز شود و باور آن‌ها را به باور و اعتقاد دینی اسلامی تغییر دهد. در واقع، توحید در این مناظره‌ها جای تفکر غیردینی و غیراسلامی دانشمندان را می‌گیرد.

منابع و مأخذ

- آیتی، اکرم؛ اکبری، نجمه. (۱۳۹۵). «تحلیل نشانه - معنانشناختی احساس حسادت در داستان طلب آموزش اثر صادق هدایت». جستارهای زبانی. دوره ۷. ش ۲. صص: ۱-۱۷.
- ابراهیمی، امید؛ محمدی، دل‌آرام. (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی مناظره بر اساس الگوی مناظرات امام رضا (علیه السلام)». فرهنگ رضوی. س ۶. ش ۲۱. صص: ۱۷۳-۱۹۸.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا. الجزء الأول. قم: منشورات الشریف الرضی.
- تقوی فردود، زهرا. (۱۳۹۷). «پدیدارشناسی حضور سوژه و نقش گونه‌های حسی در ادراک ابژه». جستارهای زبانی. س ۹. ش ۴. صص: ۲۷۱-۲۹۴.
- جمال‌زاده، ناصر؛ کیانی مجاهد، حامد؛ حکیمی، محمد. (۱۳۹۸). «قدرت نرم در سیره رضوی». فرهنگ رضوی. س ۷. ش ۲۸. صص: ۱۸۷-۲۱۷.
- خدادادی، فضل‌الله؛ قاسم‌زاده، سیدعلی. (۱۳۹۷). «رویکرد گفتمان‌کنشی القابی در ادبیات داستانی». جستارهای زبانی. س ۹. ش ۶. صص: ۲۵-۴۷.
- خراسانی، فهیمه؛ غلامحسین‌زاده، غلامحسین؛ شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «بررسی نظام گفتمانی شوشی در داستان سیاوش». پژوهش‌های ادبی. س ۱۲. ش ۴۸. صص: ۳۵-۵۴.
- خزعلی، انسیه؛ انصاری‌نیا، زری. (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان ادیان در مناظره امام رضا با علمای دین مسیح و یهود». فرهنگ رضوی. س ۵. ش ۱۹. صص: ۷۳-۱۰۳.
- داودی مقدم، فریده. (۱۳۹۳). «تحلیل نشانه معنانشناسی گفتمان در قصه یوسف». آموزه‌های قرآنی. ش ۲۰. صص: ۱۷۵-۱۹۲.
- رجبی، فاطمه؛ مطهری، اعظم. (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی مناظرات امام رضا (علیه السلام)». پژوهش‌های کلامی - اعتقادی. س ۵. ش ۱۹. صص: ۸۱-۹۸.
- رحیمی زنگنه، ابراهیم؛ بیگ‌زاده، خلیل. (۱۳۹۷). «جلوه‌های پایداری در مناظره‌های امام رضا (علیه السلام) و سروده‌های صفارزاده و گرمارودی». فرهنگ رضوی. س ۶. ش ۲۱. صص: ۱۹۹-۲۲۲.
- روحی برندق، کاوس. (۱۳۹۶). «اخلاق و مهارت‌های مناظره در مناظره‌های امام رضا». فرهنگ رضوی. س ۵. ش ۱۸. صص: ۷-۳۵.
- سیدان، الهام. (۱۳۹۵). «بررسی نقش گسست و پیوست در زنجیره گفتمانی غزل‌های رباعی حافظ: رویکرد نشانه - معنانشناسی». جستارهای زبانی. س ۷. ش ۴. صص: ۱۹۵-۲۱۶.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه - معنانشناختی گفتمان. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۸). مبانی معنانشناسی نوین. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۹۵). نشانه معنانشناسی ادبیات، نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شعیری، حمیدرضا؛ وفایی، ترانه. (۱۳۸۸). راهی به نشانه - معنانشناسی سیال: با بررسی موردی «ققنوس» نیما. تهران: علمی و فرهنگی.
- شبیری، قهرمان؛ نظری، نجمه؛ بهرامی‌پور، نوشین. (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمانی کارکرد طنز در باب اول گلستان سعدی؛ رویکرد

- نشانه-معناشناسی». جستارهای زبانی. س ۹. ش ۱. صص: ۱۳۹-۱۵۹.
- مجیدی، حسن. (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (علیه السلام)». فرهنگ رضوی. س ۱. ش ۲. صص: ۹-۳۹.
- مصلائی پور، عباس؛ سلیمی، مریم. (۱۳۹۲). «اصول مناظره و آزاداندیشی با تکیه بر مناظره‌های امام رضا (علیه السلام)». فرهنگ رضوی. س ۱. ش ۳. صص: ۸۷-۱۱۴.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۸). *مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر*. چاپ دوم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- میراحمدی، منصور؛ رضائی پناه، امیر. (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان مناظره‌ها و مجادله‌های حضرت رضا (علیه السلام) با دگرهای گفتمانی». فرهنگ رضوی. س ۴. ش ۱۴. صص: ۷۵-۹۶.
- نصیحت، ناهید؛ باغبانی، رضوان؛ سیاوشی، صابره. (۱۴۰۰). «شکل‌گیری معنا و دستیابی به ارزش در داستان سلیمان نبی و ملکه سبا». جستارهای زبانی. س ۱۲. ش ۱. صص: ۸۱-۱۰۷.
- نورسیده، علی اکبر؛ پوریایرام الوارس، رقیه. (۱۳۹۹). «تحلیل نشانه-معناشناسانه نظام گفتمان امام رضا (علیه السلام) پژوهش موردی: دعای طلب باران». فرهنگ رضوی. س ۸. ش ۲۹. صص: ۳۵-۵۸.
- یاری، سیاوش؛ اکبرنژاد، مهدی؛ صالحی، پیمان. (۱۳۹۷). «بررسی ابزارها، آداب، زمینه‌ها و تکنیک‌های تبلیغ در فرهنگ رضوی». فرهنگ رضوی. س ۶. ش ۲۱. صص: ۱۱۳-۱۴۸.
- Dumezil, G. (1988). *Manipulatoire*. Paris: Editions de Minuit.



سبک‌شناسی آوایی قصیده «تائیه» دعبل خزاعی

در مدح امام رضا (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام)

دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۴
اکرم‌رضایی^۱، محمد غفوری فر^۲، علیرضا حسینی^۳

چکیده

سبک‌شناسی می‌کوشد تا از طریق مطالعه ساختار متن و تجزیه و تحلیل عناصر آن، جنبه‌های ادبی، زیبایی‌شناسی و عاطفی ورای متن را کشف کند. یکی از مهم‌ترین موضوعات قابل بررسی در سبک‌شناسی، سبک‌شناسی آوایی یا موسیقایی اثر ادبی است که افزون بر تشریح واحدهای آوایی (صدا و آهنگ) در یک موقعیت زبانی، به کشف واکنش‌های روحی و عاطفی آفریننده اثر کمک می‌کند. از جمله متونی که شایستگی بررسی و تحلیل سبک‌شناسانه را دارد، قصیده «تائیه» مشهور به «مدارس آیات» دعبل خزاعی است که آن را در محضر امام رضا (علیه السلام) و در مدح آن امام همام و اهل بیت (علیهم السلام) سرود. دعبل از برجسته‌ترین شاعران متعهد شیعی است که آوازه شجاعت و ظلم‌ستیزی‌اش زبانزد همگان بوده و سوزوگداز وی در مصیبت‌های اهل بیت (علیهم السلام) در تک‌تک ابیات این قصیده موج می‌زند. این پژوهش، با رویکرد سبک‌شناسی توصیفی و روش توصیفی تحلیلی، به تبیین نمودهای برجسته سبک‌شناسی آوایی این قصیده پرداخته و نقش آن را در ارتباط با اهداف و اندیشه شاعر بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در سطح آوایی هر یک از عناصر آوایی، موسیقی بیرونی (وزن عروضی)، موسیقی کناری، موسیقی درونی (واج آریایی، تکرار، جناس، ردالعجز الی صدر)، موسیقی معنوی (تضاد، مقابله و مراعات نظیر) علاوه بر زیبایی و مجذوب ساختن مخاطب به موسیقی قصیده، امکان درک و فهم معانی را نیز برای او فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی آوایی، دعبل خزاعی، قصیده تائیه، مدح امام رضا (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام).

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه کوثر بجنورد: AkramRezaei@gmail.com

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کوثر بجنورد (نویسنده مسئول): m.ghafourifar65@kub.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کوثر بجنورد: ar.hosseini@kub.ac.ir

۱. مقدمه

سبک‌شناسی، یکی از دانش‌هایی است که در سدهٔ اخیر، مورد توجه ویژهٔ ادیبان و سخنوران قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که از آن به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی آثار ادبی و تبیین و بررسی ویژگی‌ها و صفات سبکی اثر ادبی یاد می‌شود. سبک‌شناسی، زمینه را برای تعیین مهارت و توانایی ادبی نویسندهٔ اثر و میزان اثرگذاری وی بر مخاطب فراهم می‌کند تا بتوان برای بیان نظر و ارائهٔ دیدگاهی نسبتاً صحیح دربارهٔ صاحب اثر گامی مؤثر برداشت. سبک، روش خاصی است که شاعر و نویسنده برای تبیین مفاهیم در اثر خود از آن بهره جسته است؛ در این زمینه، شناخت عناصر سبک‌ساز، چه از نظر زبانی و ادبی و چه از نظر مضمون‌های فکری خالق اثر، در انعکاس ذهن خلاق شاعر یا نویسنده و توانایی وی در آفرینش اثر، نقش بسزایی دارد. یکی از موضوعات مهمی که در سبک‌شناسی اثر ادبی مورد توجه قرار می‌گیرد، بررسی و تحلیل قلمروهای آوایی زبان متن و به دیگر سخن سبک‌شناسی آوایی است. «سبک‌شناسی آوایی، ارزش و نحوهٔ کاربرد آوها و تأثیرات زیبایی‌شناسیک و نقش عمدهٔ آن‌ها را در سبک سخن، مطالعه و بررسی می‌کند و نتایج روشن و دقیقی در تحلیل و بررسی موسیقی شعر و یا نثر ادبی و همچنین سبک ادبی صاحب اثر ارائه می‌دهد» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۴۳).

از جمله متونی که شایستگی بررسی و تحلیل سبک‌شناسی را دارد، قصیدهٔ تائیه مشهور به «مدارس آیات» دعبل خزاعی است؛ دعبل خزاعی از برجسته‌ترین شاعران متعهد شیعی است که آوازهٔ شجاعت و ظلم‌ستیزی اش زبانزد است؛ وی با ذوق و مهارت خاصی، شعر را وسیله‌ای در خدمت عقیده و مذهب خود قرار داد و به بیان مظلومیت‌های ائمه (علیهم‌السلام) و مدح و مرثیه‌سرایی ایشان پرداخت و از میان جنایات بنی‌امیه و بنی‌عباس در حق اهل بیت (علیهم‌السلام) و هجو آن ظالمان باز نایستاد. این شاعر متعهد و ملتزم آستان علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) است و چه بسا اولین کسی است که در ادبیات عرب در مقام امام علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) شعر سروده است. قصیدهٔ تائیه یا «مدارس آیات» مشهورترین و بلندترین شعر دعبل خزاعی است که از نظر بافت کلامی و صنایع لفظی و معنوی و ادبی در نهایت

زیبایی و قوت است و از نظر محتوا، غنی و اندیشمندانه و عالمانه است. او این قصیده را در محضر امام رضا (علیه السلام) و در مدح و منقبت آن حضرت و اهل بیت عصمت و طهارت سرود و وقتی به این بیت رسید:

إِذَا وَتَرُوا مَدَوَا الْاِوتَارِ مَنَقِبَاتٍ^۱ أَكْفَا عَنِ الْاِوتَارِ مَنَقِبَاتٍ^۱

امام رضا (علیه السلام) به شدت گریست (الاصفهانی، ۱۹۹۴ م، ج ۲۰: ۳۱۳). گفتنی است که این قصیده علاوه بر اهمیتی که از لحاظ ادبی، تاریخی، اعتقادی و... دارد، از منظر تشیع دارای دو نکته برجسته است: یکی اینکه امام رضا (علیه السلام) ضمن دو بیتی که به قصیده دعبل اضافه فرمود، از شهادت و دفن خود در طوس خبر می‌دهد و به ظهور حضرت حجت (علیه السلام) اشاره می‌کند. دیگر اینکه دعبل به صراحت سخن از خروج امام قائم (علیه السلام) به میان می‌آورد (امینی، ۱۹۷۷ م، ج ۲۰: ۳۵۵).

به لحاظ اهمیت قصیده مذکور در تبیین بسیاری از رخداد‌های تاریخ اسلام و تشیع، نگارنده می‌کوشد با تجزیه و تحلیل سبک‌شناسی آوایی این قصیده، فهم و درک دقیق‌تری از این شاهکار شعری به دستداران ادب ارائه دهد و با بیان زیبایی‌ها و ارزش‌های آن، شناخت جدیدی از زمینه‌های عاطفی، احساسی، فکری و اندیشه‌های پنهان این شاعر به دست آید.

۱-۲. سؤالات پژوهش

در این پژوهش، سعی بر این است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- قصیده تائیه چه ویژگی‌های سبکی برجسته آوایی دارد؟

- پیوند و ارتباط عناصر آوایی با معنی و مضامین قصیده تائیه چگونه است؟

۱. وقتی اهل بیت مورد ستم واقع می‌شوند، دستان‌شان را برای دفاع از خود دراز می‌کنند، حال آنکه خود از انتقام‌جویی بیزارند.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در زمینه آثار دعبل خزاعی به جهت اهمیت و جایگاه شیعی وی، برای دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) پژوهش‌های بسیار زیادی صورت گرفته است، به گونه‌ای که هر یک از آن‌ها بنا به اهتمام ویژه پدیدآورندگانشان به جنبه خاصی از این آثار او اختصاص دارد که به‌طور اجمالی به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته آن اشاره می‌شود:

پایان نامه با عنوان «بررسی سبک‌شناسی فخریات دعبل خزاعی و کمیت بن زید اسدی» به قلم سید محمد قوامی (۱۳۹۶) که به تحلیل سبک‌شناسی فخریات دعبل و کمیت در سطح زبانی، لغوی و فکری می‌پردازد. در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی قصیده تائیه دعبل از رهگذر واکاو اندیشه، ساختار موسیقایی، تعبیر و تصاویر هنری» محمد جنتی فر و سوده مرادیان (۱۳۹۶) به‌طور اجمال به بررسی این قصیده بی بدیل علوی از نظر ساختار موسیقایی، مضمون و محتوای شعری و هم از بعد تصویری و زیورهای زیبایی‌بینی و بدیعی مورد تحلیل قرار می‌دهد. در مقاله دیگری با عنوان «بررسی تطبیقی دو قصیده تائیه دعبل خزاعی و طلائع بن رزیک در مدح اهل بیت (علیهم السلام)» سید مهدی مسبوق و اعظم دریادل (۱۳۹۱)، مضمون و ساختار دو قصیده تائیه دعبل و طلائع بن رزیک را در سایه ادبیات تطبیقی مورد بررسی قرار داده و به اشتراکات و افتراقات دو قصیده از نظر واژگان، صور خیال و موسیقایی پرداخته‌اند. مقاله دیگر با عنوان «سبک‌شناسی قصاید فخری و دعبل خزاعی» مهرداد آقایی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی اشعار فخری دعبل خزاعی از رهگذر کاوش در سه سطح زبانی، ادبی و فکری و نقد سبک‌شناسانه آن اقدام نموده‌اند و همچنین در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی تطبیقی سبک شناختی رثای اهل بیت (علیهم السلام) در شعر دعبل و وحشی بافقی» پویا دیوسالار (۱۳۹۴) به بیان وجه مشترک هر دو شعر در پرداختن به موضوع کربلا و شهادت امام حسین (علیه السلام) و مباحث پیرامون آن می‌پردازد و سعی شده است ضمن پرداختن به مرثیه و انواع آن، وجوه اشتراک و افتراق دو شاعر را در بهره‌گیری از عنصرهای مورد استفاده در مرثیه شیعی و خاصه رثای امام حسین (علیه السلام) مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

با مطالعه در منابع به دست آمده روشن می‌شود بنا به اهتمام ویژه پدیدآورندگانشان، به‌رغم تلاش‌هایی که در زمینه شرح و تفسیر و تبیین جزئی عناصر بلاغی این قصیده شده است، اما پژوهشی در زمینه سبک‌شناسی آوایی این قصیده صورت نگرفته است. در نتیجه ضرورت توجه به اشعار این شاعر برجسته و تحلیل و بررسی سبک‌شناسی آن سبب شد تا مقاله‌ای با این محتوا نوشته شود و زمینه درک بهتر و عمیق‌تری از این اثر ادبی دعبل خزاعی فراهم گردد.

۲. سبک‌شناسی آوایی

واژه «الأسلوبیه» (سبک‌شناسی)، معادل لفظ «stylistics»، اصطلاح جدیدی در دوره معاصر است که به بررسی سبک زبان می‌پردازد و در حقیقت امتداد زبان و سبک است. بر اساس گفته «عبدالله المسدی» این کلمه از دو بخش تشکیل شده است: «اسلوب (style و ویه tics) بنابراین واژه سبک دارای مدلولی انسانی، شخصی و نسبی است و پسوند ویه (شناسی) به بُعد علمی اختصاص دارد؛ به همین دلیل، الأسلوبیه (سبک‌شناسی) به‌طور طبیعی، در جست‌وجوی پایه‌های علمی برای دانش سبک است» (المسدی، ۱۹۸۲: ۳۴). سبک‌شناسی در تلاش است تا متن ادبی را از ساختارهای بیرونی و شرایط آن، رهایی بخشد و شیوه‌ای جایگزین و دانشی منظم و دقیق ارائه دهد که هدف از آن تحلیل متن ادبی و جست‌وجوی ویژه ابعاد زیبایی و هنری آن است (ابوالعدوس، ۲۰۰۷: ۳۵). از جمله مسائلی که باعث ایجاد اختلاف در سبک‌های مختلف می‌شود، «سبک‌شناسی آوایی» (phonostylistics) یا موسیقایی آن است که بر زیبایی و تأثیرگذاری یک نوشتار می‌افزاید (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

سبک‌شناسی آوایی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در سده‌های اخیر توجه بسیار زیادی از جانب پژوهشگران و زبان‌شناسان به آن شده است. تحلیل سبک آوایی متون، به فهم طبیعت و کشف زیبایی‌های آن کمک می‌کند و افزون بر آن، به کشف واکنش‌های روحی و عاطفی که آفریننده اثر سبب شده که آواها و موسیقی‌های خاصی را برگزینند،

کمک می‌کند و «بر همگان مبرهن است که صوت، جلوگاه احساسات درونی است و این انفعال، طبیعتاً سبب تنوع صوت و آوا می‌شود» (الرافعی، ۱۹۹۷: ۱۶۹)، به دیگر سخن، «احساسات و عواطف درونی مبدع اثر، سبب شده که او بتواند از اصوات و الفاظی خاص برای ایجاد موسیقی و تأثیرگذاری هر چه بیشتر متن خود بر خواننده بهره گیرد» (رفیق احمد صالح، ۲۰۰۳: ۴).

سبک‌شناسی آوایی، نحوه کاربرد واحدهای آوایی (صدا و آهنگ) در یک موقعیت زبانی و نیز کارکرد بیانی آواهای زبان را بررسی می‌کند و می‌توان از خلال بررسی سطح آوایی، به عملکرد ادیب یا آفریننده اثر حکم کرد؛ «زیرا در علم آواشناسی، امکانات و عناصر بیانی مهمی یافت می‌شود که آواها، آهنگ‌ها، انبوهی و گستردگی آن‌ها، استمرار و تکرارشان، فاصله صامت‌ها، تکرار، کمی صوتی همگی در بردارنده توان بیانی جذابی هستند» (فضل، ۱۹۹۸: ۲۵). که به انتقال مفاهیم به صورتی هنرمندانه کمک شایانی می‌نمایند. برخی از نویسندگان هم سطوح آوایی کلام را به موسیقی درونی، موسیقی بیرونی و موسیقی معنوی تقسیم می‌کنند. موسیقی بیرونی و کناری از بررسی وزن و قافیه و ردیف در شعر معلوم می‌شود و موسیقی درونی متن به وسیله صنایع بدیع لفظی از قبیل سجع (متوازی، متوازن، مطرف و...)، انواع جناس (ناقص، اشتقاق و...)، انواع تکرار (یک لفظ، یک حرف، یک صدا)، اتباع، ردالعجز علی الصدر، و موسیقی درونی نیز به وسیله تضاد و مقابله و... مورد بررسی قرار می‌گیرد.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

۳. سبک‌شناسی آوایی قصیده «تائیه»

از ویژگی‌های سبکی قصیده «تائیه» دعبل خزاعی، مؤلفه‌های موسیقی آن است؛ زیرا هر کدام از کلمات و عبارات آهنگی ویژه داشته و همساز و هماهنگ با اندیشه و عاطفه شاعر است. به طور کلی می‌توان گفت کارکرد عنصر آوایی در این قصیده، اغلب القاگر دیدگاه و نگرش دعبل در برابر پیشامدها و نیز بیانگر احساسات وی است.

۳-۱. موسیقی بیرونی

موسیقی بیرونی بر اساس کشش هجاها و تکیه‌ها، همان وزن عروضی است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۵۱). وزن مهم‌ترین عامل سازنده شعر است که باعث ایجاد لذت موسیقایی در مخاطب می‌شود، به عبارت دیگر می‌توان بیان داست اصلی‌ترین تأثیراتی که وزن در شعر می‌گذارد عبارت است از: «۱. لذت موسیقایی به وجود می‌آورد و این در طبیعت آدمی است که خواه‌ناخواه از آن لذت می‌برد. ۲. میزان ضربه‌ها و جنبش‌ها را منظم می‌کند. ۳. به کلمات خاص هر شعر تأکید می‌بخشد و امتیازی از نظر کشش کلمات ایجاد می‌کند» (همان: ۴۹). برگزیدن وزن شعری مناسب، یاور سراینده در انتقال بهتر اندیشه و عواطف شاعرانه است. در واقع بحر و قافیه‌ای که شاعر برمی‌گزیند، در اندیشه شاعر اثر دارد.

دعبل خزاعی هم مانند بسیاری از شعرا به دلیل دل‌بستگی به شعر قدما، نوآوری در شکل و ساختار شعر نداشته و قصیده «تائیه» خود را در بحر طویل سروده است؛ «بحر طویل پرکاربردترین بحر شعر عرب است و در سرودن اشعار با موضوعاتی مانند حماسه، مفاخره، مدح، داستان، رثا، اعتذار، عتاب و جز آن به کار می‌رود» (حسنی، ۱۹۸۹: ۴۴) و وزن عروضی آن فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن است؛ وزنی طبیعی و آهنگین که «مناسب رثا، مدح و فخر است» (اسماعیل، ۱۹۷۴: ۳۷۷).

بحر طویل به دلیل داشتن مقاطع و بندهای طولانی و نغمه‌های آرام با عاطفه‌ای ملایم و آمیخته با تأمل، زمینه مستعدی را فراهم کرده تا دعبل، عشق و الایش به اهل بیت (علیهم‌السلام) و غم و اندوه خود به مصیبت‌های علویان و حسرت و اندوه بر فقدان آن‌ها را در این بحر بیان کند. وی در انتخاب بحر، تصادفی عمل نکرده است؛ بلکه چون هنرمندی ماهر وزنی را که با موضوع، متناسب و با عواطف حزن و اندوه همخوانی دارد، برگزیده است و آنجا که شاعر به شدت احساس غربت و دل‌تنگی می‌کند کلام را به درازا می‌کشاند و بر تفعيله‌ها می‌افزاید.

انتخاب بحر طویل که دارای موسیقی آرام، متین و نیز امتداد نفس و قابلیت تفصیل

سخن است، برای موضوعاتی چون استبدادستیزی، بیان حال مظلومان و رثا، نشانه ذوق سلیم و توانایی دعبل است.

مدارِسُ آیاتٍ خلتٍ من تلاوَةٍ و منزل وحيٍ مُقفرِ العَرَصات

U-U / U--- / U-U / U --U-U / U--- / U-- / U-U-

فعلول مفاعیلن فعولن مفاعلن فعول مفاعیلن فعول مفاعل

شاعر به یاری تفعیله‌های بلند این بحر، به راحتی توانسته غم و ناراحتی‌هایش را درون آن بگنجانند؛ چراکه «موسیقی و بحر شعری مناسب با حالات درونی شاعر تغییر می‌کند» (انیس، ۱۹۵۲: ۱۷۴)

۳-۲. موسیقی کناری

قافیه از مهم‌ترین عناصر شعر عربی است که علاوه بر تنظیم ایقاع شعری، در انتقال احساسات نهفته و معانی لطیف و دور از ذهن که واژه‌های بیت قادر به بیان آن‌ها نیست، مؤثر است (سلطانی رنانی، ۱۳۸۵: ۱۶) و در تأثیر موسیقایی شعر نقش بسیار مهمی دارد. شاعر می‌تواند با آوردن کلمات آهنگین و همسان، کلامش را دل‌نشین و مخاطب را برای شنیدن اشعارش برانگیزاند، به طوری که هنگام مقایسه دو قالب شعری یکسان مثلاً دو قصیده یا دو غزل که حتی وزن عروضی یکسان دارند، ولی از نظر قافیه متفاوت‌اند، به اهمیت آن به خوبی پی می‌بریم. حرکت حرف روی، دو نوع مطلقه و مقیده است. منظور از مقیده آن است که حرف روی ساکن و به حرف وصل نپیوندد و منظور از مطلقه آن است که حرف روی متحرک یا به حرف وصل پیوندد (الرازی، بی‌تا: ۲۶۹). دعبل در این قصیده از قافیه مطلقه با حرف روی «تاء» متحرک مکسوره بهره می‌گیرد.

نَوَائِحُ عُمْمِ اللَّفْظِ وَ النَّطَقَاتِ	تَجَاوُزْنَ بِالْإِزْنَانِ وَ الرَّفْرَاتِ
أَسَارَى هَوَى مَاضٍ وَ آخِرَاتِ	يُحْبِرْنَ بِالْأَنْفَاسِ عَن سِرِّ أَنْفُسِ
عَلَى النَّاسِ مِنْ نَقْصٍ وَ طَوْلِ شَتَاتِ	أَلَمْ تَرَ لِلْإِيَامِ مَا جَرَّ جَوْرَهَا
ت.....

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷: ۳۹)

از ویژگی حرف «ت» شدت و فخامت است که با موضوعی جدی چون رثا تناسب دارد و از سوی دیگر حرکت حرف تاء در این قصیده، کسره است که «با عواطف لطیف، نرم و شکننده همخوانی دارد» (ابو ریشه، ۱۹۹۰: ۸۲). دعبل با انتخاب حرف روی «تاء» مکسوره که به اقتضای وزن شعری، هنگام تلفظ اشباع شده و به صورت مصوت «ای» تلفظ می‌گردد، به تبیین حالات روحی و روانی خود می‌پردازد. حرکت کسره از لحاظ موقعیتی، پایین کرسی قرار می‌گیرد و رو به سوی پایین دارد که در اینجا گویی شاعر ریزش اشک‌هایی را به نمایش می‌گذارد که در فراق ممدوح از چشمان ریزان است. دعبل با آوردن «الف» مدی پیش از حرف روی که جزو ساختار قافیه به شمار می‌آید، بر طول موج‌ها و ضرب‌آهنگ قافیه می‌افزاید. آهنگی که این حرف مد در موسیقی ابیات ایجاد می‌کند در واقع تلاش شاعر برای رهایی از غم و اندوه درونی وی است که از دل‌تنگی پنهان وی نشئت می‌گیرد و بر زیبایی و ارزش موسیقایی آن می‌افزاید. صداهای کشیده و مد غالباً با نفس غم‌زده و رنجور و تحت فشار، سازگاری دارد و شاعر با کشیدن صداها در تلاش است از غم دل‌تنگی خود بکاهد و از این طریق به تخلیه روانی و هیجانی خود بپردازد. با انتخاب بحر طویل، شاعر توانسته است قافیه پایانی خود را با یکی از حروف صدادار (الف) همراه سازد؛ چون کلمه قافیه در این قصیده از تفعلیه «مفاعِلن» تشکیل شده که دارای الف تأسیس است. از اجتماع این حرف با حرف مدّ «الف» آوای کشیده‌ای در تمامی ابیات قصیده به وجود می‌آید و تکرار حروف مدّ در تمامی این قافیه‌ها می‌تواند بیانگر این باشد که شاعر به نحوی می‌خواهد توجه مخاطب را به حالت و احساسات درونی خود جلب کند.

۳-۳. موسیقی درونی

قلمرو موسیقی شعر، مهم‌ترین قلمرو موسیقی است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۵۱) و از انسجام، لحن، ریتم و وزن حاصل می‌گردد (المازنی، ۱۹۹۰: ۶۷) موسیقی درونی که عبارت است از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۵۱). تکرار واژگان و جمله، تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها و چیدمان حروف و دلالت‌های لفظی آن، جناس، سجع، لزوم مالایلم و رد العجز علی الصدر (تصدیر) از انواع موسیقی درونی است. در بررسی موسیقی درونی قصیده «تائیه» به بررسی مواردی پرداخته می‌شود که نمود سبکی برجسته‌ای دارد.

۳-۳-۱. نظم آهنگ درونی (موسیقی ناشی از چیدمان حروف)

نظم آهنگ درونی، همان انعکاس احساسات و عواطف درونی خالق اثر است که در نظم زبانی اثر مؤثر است؛ نظمی که در قالب انتخاب دقیق کلمات، حروف متمایز و سبک بیان آن‌ها تجلی می‌یابد و خالق اثر را به انتخاب حروف و کلماتی که با فضای اثر و معنای آن هماهنگ باشد، وادار می‌نماید (کتانه، ۱۹۹۹: ۱۶۸). زبان‌شناسان بر این باورند که هر آوایی، این ویژگی را دارد که معانی و دلالت خاصی را القا کند؛ علاوه بر این، از مؤلفه‌های خاص زیبایی‌شناسی نیز برخوردار باشد. بنابراین قبل از هر چیز، آگاهی از انواع آواها ضروری به نظر می‌رسد؛ آواها را بر مبنای مخرج‌ها به دو دسته تقسیم می‌کنند: الف. آواهای مجهور و مهموس. ب. آواهای شدید و رخوت (انیس، ۱۹۷۳: ۲۰).

الف. آواهای مجهور و مهموس

-آواهای واک‌دار (اصوات مجهوره): این آواها متعدد و از کمیت قابل ملاحظه‌ای در زبان برخوردارند و غالباً بر این باورند که چنین آواهایی را می‌توان در این قبیل حروف یافت: «ب، ج، د، ر، ز، ض، ظ، ع، غ، ل، م، ن» برخی حروف «الف، و، ی» را و برخی دیگر «ا، ط، ق» را نیز به آن ملحق دانسته‌اند (بشر، ۱۹۷۱: ۱۱۰). از ویژگی آواهای واک‌دار (مجهوره)،

کثرت‌شان در هر زبان است. تأمین شکل موسیقایی هر زبان از اهداف و کارکردهای اصلی این حروف است (انیس، ۱۹۷۳: ۲۱).

- آواهای بی‌واک (اصوات مهموسه): اصوات مهموسه از جمله آواهایی است که همراه با نَفَس، خارج می‌شود و هنگام ادا تارهای صوتی مرتعش نمی‌شود (همان: ۲۹). تعداد این حروف را ۱۲ حرف برشمرده‌اند که عبارت است از: «ت، ث، ح، خ، ک، ش، ص، س، ط، ف، ق، ه» (ابن جنی، ۱۹۹۰: ۶۸).

ب. آواهای شدید و رخوه

- آواهای سنگین (اصوات شدید) این آواها که به‌صورت دفعی یا انفجاری، ادا می‌شود، نتیجه حبس هوا در خارج از ریه‌هاست و ادای آن همراه با آزادی صوت و رهایی از فشار است. از اصلی‌ترین حروفی که این‌گونه ادا می‌شود، عبارت است از: «ب، ت، د، ج، ط، ض، ک، ق، ا» (سعران، بی‌تا: ۱۵۳).

- آواهای سبک (اصوات رخوه): آوای سبک یا سست، برخلاف آوای سنگین هنگام خروج، نیازی به فشار ندارد؛ بلکه کوچک‌ترین منفذی نیز می‌تواند مخرجی مناسب برای ادای آن باشد. از نشانه‌های این حروف پدید آمدن نوعی صفیر یا صدایی خفیف هنگام تلفظ است. این حروف عبارت است از: «ف، ث، ذ، ظ، ز، س، ش، ص، خ، غ، ح، ه» (همان). منتقدان عرب با روابط پوشیده و نهانی میان لفظ و معنا و نیز با توانایی آهنگ‌ها و آواها بر دلالت معنا، آشنا بودند و هماهنگی و تناسب لفظ و معنا را در شعر و نثر شرط می‌دانستند؛ به‌طوری‌که لفظ نرم و ظریف برای معنای ظریف و لفظ پرصلابت و فصیح برای معنای قوی و متین به کار می‌رود. زبان عربی همچون موسیقی، دارای الفاظ بسیاری است که آواها و صداهای آن از معانی حکایت می‌کند (غریب، ۱۳۷۸: ۱۵).

نقش آواها و به‌دیگر سخن، نظم آهنگ درونی حروف و ترتیب واژگانی قصیده «مدراس آیات» دارای کارکرد زیبایی‌شناختی و موسیقی اعجاز آمیزی است که کاملاً با موضوع و معانی مد نظر شاعر هماهنگی دارد؛ فراوانی و بسامد نظم آهنگ درونی در این قصیده بدین شرح است:

جدول شماره (۱) فراوانی تکرار حروف در قصیده «تائیه»

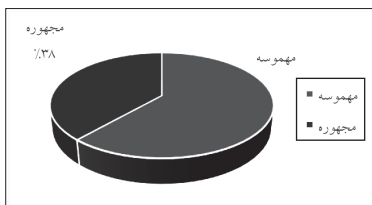
ردیف	حروف	تکرار	ردیف	حروف	تکرار	ردیف	حروف	تکرار	ردیف	حروف	تکرار
۱	الف	۶۳۹	۸	د	۱۱۰	۱۵	ض	۳۴	۲۲	ک	۷۴
۲	ب	۱۹۹	۹	ذ	۳۲	۱۶	ط	۳۵	۲۳	ل	۳۹۳
۳	ت	۲۹۴	۱۰	ر	۲۳۳	۱۷	ظ	۷	۲۴	م	۳۲۳
۴	ث	۱۵	۱۱	ز	۳۹	۱۸	ع	۱۲۳	۲۵	ن	۲۴۹
۵	ج	۶۸	۱۲	س	۹۸	۱۹	غ	۳۲	۲۶	و	۲۹۳
۶	ح	۸۷	۱۳	ش	۴۵	۲۰	ف	۱۵۳	۲۷	هـ	۱۷۲
۷	خ	۴۴	۱۴	ص	۳۹	۲۱	ق	۹۶	۲۸	ی	۲۳۶

چنانکه در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، حروف جهر چون «لام» و «نون» و «میم» و «راء» نسبت به حروف همس چون «تاء، حاء، یاء، هاء، کاف» حضور بیشتری در ساختمان واژگان دارد و پس از حرف مدی «الف» از بیشترین بسامد برخوردار است. این حروف با صفت جهری خود، در شدت و تحکیم پیام‌ها جلوه خاص دارد.

تکرار حروف لین «الف و یاء» با آوای طویل خود در این موضوع برجستگی خاصی دارد و بر امتداد و طول آه کشیدن‌های دعبل دلالت دارد. صداهای کشیده و مد با نفس غم‌زده و رنجور او مرتبط است که از این طریق می‌خواهد از غم و اندوه پنهانی خود بکاهد.

جدول و نمودار شماره (۲)

بسامد فراوانی اصوات مجهوره و مهموسه



بسامد فراوانی اصوات مجهوره و مهموسه

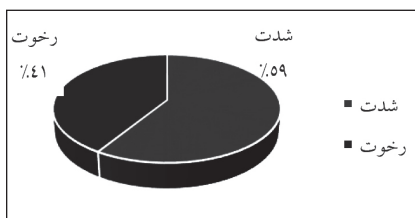
اصوات	تعداد	درصد
مجهوره	۱۸۴۲	۶۱/۵۲
مهموسه	۱۱۵۲	۳۸/۴۷
مجموع	۲۹۹۴	۱۰۰

بر اساس جدول و نمودار شماره ۲، بسامد بالای آواهای مهموسه یا آهنگ نهانی حروف از جمله ویژگی‌هایی است که در این قصیده برای مخاطب بسیار جلب توجه می‌نماید،

البته شاید سؤال شود، چگونه می‌توان بسامد اصوات مهموسه بیشتر باشد، درحالی که بر اساس جدول، بسامد آوای مهجوره بیشتر است؟ در پاسخ باید گفت که بر اساس عقیده زبان‌شناسان، «در متون معیار، نسبت حضور آوهای مجهوره ۸۰ درصد یا بیشتر و نسبت حضور آوهای مهموسه ۲۰ درصد یا کمتر است» (انیس، ۱۹۵۲: ۳۰) و «اگر متنی از این مقیاس، فراتر باشد، به عبارت دیگر این مقیاس در آن رعایت نشده باشد، دارای دلالت و معنای خاصی است» (طرابلسی، ۱۹۸۱: ۵۵). بنابراین مقیاسی را که بر اساس آن در تحلیل خود بهره جستیم، نسبت حضور آوای «همس» و «جهر» در کلام معیار و میزان تجاوزشان از این مقیاس است؛ زیرا تجاوز از زبان معیار، نشانگر سبک و سیاق خاص و همچنین دارای فراهنجاری و انحراف از زبان معیار است. کاربرد زیاد آوهای مهموس مرتب با ساختار قصیده و بیانگر حالت درونی و احساسی دعبل است؛ به عبارت دیگر، دعبل موسیقی شعر خود را با تصاویر شعری و آوای درونی اش متناسب ساخته است؛ زیرا او برای بیان ناراحتی‌ها، غم و اندوه خویش از آوهای مهموس بهره برده است، عدم لرزش تارهای صوتی در حروف مهموس باعث می‌شود که این حروف بدون هیچ‌گونه صفیری، به صورت نرم‌تر و نجوا گونه ادا شود.

جدول و نمودار شماره (۳)

نمودار بسامد فراوانی اصوات شدت و رخوت



بسامد فراوانی اصوات شدت و رخوت

اصوات	تعداد	درصد
شدت	۱۰۹۰	۵۸/۸۲
رخوت	۷۶۳	۴۱/۱۷
مجموع	۱۸۵۳	۱۰۰

دعبل در به کار بردن صداهاى شدت و انفجاری در سرودن این قصیده اهتمام ورزیده، زیرا این اصوات مناسب سرودن موضوعاتی چون رثا و مدح است؛ شاعر با به‌کارگیری این حروف، حزن و اندوه و رنج محبوس در سینه خود را بیرون می‌ریزد، کاربرد حرف «تاء» که از حروف شدت است و حرف روی قصیده نیز به شمار می‌رود، با بسامد ۲۹۴ مرتبه خود دلیلی بر این ادعاست.

۳-۳-۲. تکرار

زبان برای نشان دادن و عینیت بخشیدن به عواطف شدید، شگردها و ویژگی‌های خاص خود را دارد از جمله این شگردها، تکرار است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۲۱). تکرار می‌تواند بُعدی روان‌شناسانه نیز داشته باشد و از نفس و باطن شخص حکایت کند. تکرار باعث ایجاد نوعی توازن و هماهنگی در کلام می‌شود و که به‌طور ذاتی و البته پنهان در عبارت موجود است. (ملائکه، ۲۰۰۰: ۲۷۷).

اسلوب تکرار، یکی از ویژگی‌های سبک‌شناسی برجسته در قصیده «تائیه» است. دعبل در قصیده خود از اسلوب تکرار و موسیقی زیبا و دل‌نشین آن به‌منظور اهمیت معنا و به‌قصد تأکید و ایجاد وحدت بین مطالب بهره گرفته است؛ علاوه بر آن، نقش اساسی و مهم پدیده تکرار در آفرینش زیبایی و موسیقی شگفت‌آور قصیده غیرقابل انکار است. در ادامه به بررسی انواع تکرار و نمونه‌هایی از آن در قصیده «تائیه» می‌پردازیم.

- تکرار حروف

تکرار حرف بدان معناست که یک حرف در چندین واژه تکرار شود، خواه در ابتدا، وسط یا پایان آن که باعث ارتباط بیشتر بین لفظ و معنا می‌گردد و بی‌شک انسجام برخی از حروف و تکرار آن در داخل متن ادبی باعث جلب توجه بیشتر خواننده می‌شود (علی سید، ۱۹۸۷: ۱۴) می‌توان گفت تکرار حروف و اصوات دارای دو مزیت است؛ یکی خاصیت سمعی و شنوایی که به ویژگی صوتی حروف باز می‌گردد و دیگری خاصیت فکری آن که به معنا و تصویر ناشی از صفات صوتی حروف مربوط است. دعبل با بهره‌گیری از تکرار حروف و اصوات برای به تصویر کشیدن معانی بهره می‌گیرد. در نتیجه معنا و عاطفه و احساسات نیز تقویت می‌شود و قدرت تأثیر گذاری بیشتری خواهد داشت. در ادامه به نمونه‌هایی از تکرار حروف اشاره می‌شود.

- حرف «میم»

وَلَوْ قَلَدُوا الْمُوصَى إِلَيْهِ زَمَامَهَا لَزُمَتْ بِهِمْ أُمُونَ مِنَ الْعَثَرَاتِ^۱

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷ق: ۴۰)

حرف «میم» از حروف جهوری است و این حرف از نظر دانشمندان علم آواشناسی معاصر «از حروف شفوی است» (بشر، ۱۹۷۱: ۸۹)؛ زیرا «دولب به هنگام تلفظ این حروف بر روی هم بسته می‌شود» (ابن منظور، ۱۹۷۱، ج ۲۴: ۲۳۶) در تولید حرف «میم» ابتدا هوا از حنجره می‌گذرد و تارهای صوتی را مرتعش می‌کند، هنگامی که هوا از مجرای خود به دهان رسید، نرم کام پایین می‌آید و مجرای دهان را می‌بندد، هوا وارد فضای بینی می‌شود و در موقع خروج هوا از فضای بینی لبها کاملاً بسته است (انیس، ۱۹۷۳: ۴۴) و این حرف متضمن معنای غم و اندوه است (مفتاح، ۱۹۸۲: ۶۲).

در این بیت، تکرار ۸ مرتبه حرف «میم» و نحوه چینش آن، نوعی موسیقی را ایجاد کرده که گوش‌ها بدان تمایل می‌یابد. با نگرش در ماهیت کیفی تلفظ حرف «میم» که بر اثر فشردن کامل لب‌ها روی هم و سپس باز کردن آن‌ها حاصل می‌شود، خود نوعی استحکام، فشردگی و قدرت را القا می‌کند که این استحکام و فشردگی در واژه «لزمت» به آسانی قابل تشخیص است و مؤید این مطلب است که در صورت التزام و همراهی مردم با وصی پیامبر و امام علی (علیه السلام) از این قدرت و استحکام برخوردار می‌شدند. در اینجا فعل «لزمت» به معنای «شدت» نیز متضمن معنای التزام و پابندی است و برای تأکید بیشتر مفهوم همراهی و بیعت با حضرت علی (علیه السلام)، با حرف لام مؤکد نیز شده است؛ افزون بر آن، دعبل با حرف «لوا» بیت را آغاز کرده که متضمن معنای تمنا و آرزوست، یعنی ای کاش مردم به آن حضرت پشت نکرده و بیعت شکنی نمی‌کردند و زمامداری ایشان را با ناهلان معاوضه نمی‌کردند تا از گزند دشمنان و معاندان و بداندیشان در امان می‌ماندند ولی افسوس این آرزوی محالی است که شاعر با یادآوری آن مخاطب را به فضای حزن‌انگیز و مالا مال از غم و اندوه و حسرت، منتقل می‌کند.

۱. اگر امور خلافت را به فردی وامی‌نهادند که مورد سفارش پیامبر بود هرآینه امورشان قوام می‌یافت و ایمن از لغزش‌ها بود.

- حرف مد «الف»

تَجَاوَبْنَ بِالْأَرْنَانِ وَالزَّفْرَاتِ نَوَائِحُ عُجْمُ اللَّفْظِ وَالنَّطَقَاتِ

(دعبل خزاعی ۱۴۱۷ق : ۴۰)

در این بیت، شاعر ۵ بار حرف مد «الف» را تکرار کرده است. یکی از مدلول‌های اصوات مدّ، ایجاد فرصتی برای بیان شدت اندوه و فریاد است. دعبل در این بیت با تکرار حرف مد «الف» در صدد رها ساختن ناراحتی و حزن درونی خویش است تا از این طریق غصه‌های خود را که گلوگیر شده است، بیان کند.

- حرف «راء»

رَزَايَا أَرْتَنَا حُصْرَةَ الْاَفِقِ حُمْرَةً وَرَدَّتْ أَجَاأَ طَعْمَ كُلِّ فِرَاتٍ ۲

(همان: ۴۱)

در این بیت حرف «راء» ۶ بار و حرف «جیم» نیز هر کدام ۲ بار تکرار شده است. همان‌گونه که پیش از این بیان شد این اصوات، جزو اصوات مجهوره هستند (أنیس، ۱۹۷۳ : ۷۵-۶۵) طنین این اصوات و تعدد در تکرار آن‌ها و همچنین هم‌نشینی آن‌ها، نشان‌دهنده تأکید و اصرار به یادآوری مصیبت‌هایی است که بر اهل بیت (علیهم‌السلام) وارد شده و این مصیبت‌ها به قدری عظیم و سخت است که رنگ افق را به سرخی مبدل می‌سازد و طعم گوارای هر رودی را به تلخی.

دلالت آوایی که از اصوات مجهور این بیت برمی‌آید، با مفهوم و معنای آن تناسب دارد. تکرار صوت «راء» بیانگر حادثه‌ای مکرر است؛ چراکه خاصیت صوتی حرف «راء» بر تکرار یک پدیده دلالت دارد و در حالت تلفظ آن، کناره‌های زبان به لثه به‌طور متوالی و سریع برخورد می‌کند و با تولید صدایی خاص، حرکت پی‌درپی و سریع واقعه لرزیدن را به خوبی

۱. نوحه‌گران گنگ و گویا با ناله‌ها و آه‌های سوزان خود به گفتگو با یکدیگر پرداختند.
۲. مصیبت‌هایی که سبزی شفق را گلگون نمود و هر آب گوارایی را تلخ و ناگوار ساخت.

مجسم می‌کند (بیاتی، ۲۰۰۷: ۱۵)؛ بنابراین تکرار این حرف که بر تحرک و تکرار دلالت دارد، این پیام را می‌رساند که مصیبت‌های وارد شده از سوی حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس پیوسته تداوم داشته است.

- حرف «دال»

فان جحدوا كان العَدِيرُ شهيدَه و بدرٌ واحدٌ شامخُ الهَضْبَاتِ^۱

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷ق: ۴۱)

در این بیت واج «د» که از «حروف انفجاری» است و بر صلابت و شدت دلالت دارد؛ گویی از صخره‌ای سخت برمی‌آید (عباس، ۱۹۹۸: ۶۶) ۵ مرتبه تکرار شده و فضای موسیقایی مناسبی فراهم آورده است که با فضای معنوی بیت که دلالت بر تحدی و استدلال و به مبارزه‌طلبی دارد، تناسب کاملی برقرار کرده است.

- حروف «طاء» و «تاء»

افاطم! لو خَلَّتِ الحَسِينِ مَجْدَلَا وقد مات عطشاناً بِشَطِّ فِرَاتِ

ان للطمِ الخَدُّ، فاطمُ، عنده وأجريت دمع العين في الوَجَنَاتِ^۲

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷ق: ۴۱)

در این دو بیت، حرف «طاء» ۵ بار و حرف «تاء» ۶ بار تکرار شده است. این حروف از اصوات مهموس و شدت است و به‌خوبی با فضای معنوی بیت که دلالت بر حزن و اندوه می‌کند، تناسب دارد. شاعر در چینش حروف اییات قصیده به‌گونه‌ای عمل کرده که اگر معانی به موسیقی قوی نیازمند باشد، از حروف با طنین بالا بهره برده و معانی را تقویت می‌کند و اگر چنانچه نیازمند آرامش و نرمی باشد، الفاظی را به کار گرفته که دارای ویژگی

۱. اگر حق مسلم او را انکار کنند، غدیر خم گواه آن است و بدر، احد با کوه‌های فرازمنند خود شاهد بر اوست.
۲. ای فاطمه اگر می‌دید که حسینت چگونه بر خاک افتاده و با لب‌تشنه بر کنار فرات جان داده است. هر آینه به‌صورت خود می‌نواختی و سیلاب اشک بر گونه‌هایت روان می‌ساختی.

همس است و ریتمی آرام ایجاد می‌کند.

شاعر در این بیت با صدای آرام، از درد و اندوهی که فضای قلبش را آکنده ساخته، تعبیر می‌کند و با دلی شکسته و صدایی گرفته حضرت فاطمه (علیها السلام) را صدا می‌زند و برای حسین شهیدش نوحه‌سرایی می‌کند و او را به شیون و ناله فرامی‌خواند، لذا درد و اندوه پنهانی و بغض فروخورده خود را با این اصوات که دارای ویژگی شدت است، ادا می‌کند.

- حرف «فاء»

تُوْفُوْا عِطَاشًا بِالْفِرَاتِ، فليتنى تُؤْفِيْتُ فيهم قبلَ حينِ وَفَاتي^۱

(همان: ۴۲)

حرف «فاء» بر ضعف و سستی دلالت دارد (عباس، ۱۹۹۸: ۱۳۲) و از حروف نافته به شمار می‌آید؛ بدین معنا که هنگام تلفظ این واج، آوا منتشر و پراکنده می‌شود (ابن جنی، ۱۹۹۰: ۲۵۹). تکرار این حرف مهموس و هم‌نشینی آن با حرف «تاء» که شش مرتبه تکرار شده و از اصوات شدید مهموس است، با فضای عاطفی بیت و مفهوم آن تناسب دارد. تکرار حرف فاء و حرف «تاء» که در ایجاد آن تارهای صوتی حرکت نمی‌کند و نمی‌لرزد بلکه هوا، مجرای حلق و دهان را می‌گیرد و حبس می‌شود تا اینکه با برخورد زبان با دندان‌های پیش بالایی خارج می‌شود و ناگهان جدا می‌شود و صدای انفجاری شنیده می‌شود، از حزن و اندوه شاعر برای شهدای لب‌تشنه کربلا حکایت دارد.

- تکرار واژه

واژه یکی از عناصری است که سبک‌شناسان بر آن تأکید بسیاری می‌کنند؛ از نظر آنان واژه، عنصری بنیادین و اساسی در شعر یا نثر است و توالی آهنگین و معنادار واژه‌ها، شعری یا نثر ادبی را پدید می‌آورد. تکرار لفظ در اثنای متن ادبی، از چند جهت اهمیت دارد. نخست

۱. آنان در کنار فرات لب‌تشنه جان باختند. ای کاش من نیز در میان ایشان جان می‌سپردم.

ارزش موسیقایی آن است؛ یعنی با تکرار لفظ، ریتم و آهنگی در متن حاصل می‌شود که لذت شنیداری آن را دوچندان می‌کند، دوم؛ ارزش فنی آن است؛ «زیرا تکرار لفظ در مقاطع مختلف متن، انسجامی به آن می‌دهد که بنای آن را محکم‌تر می‌سازد» (الخوالده، ۲۰۰۶: ۹۳-۹۴) و سوم؛ ارزش معنایی و ایدئولوژیک آن است؛ زیرا «شاعر یا نویسنده با تکرار، اصرار بر اندیشه‌ای می‌کند که به آن توجه خاصی دارد» (ابن ادريس، ۱۹۹۷: ۲۸).

اسلوب تکرار واژه، یکی دیگر از پدیده‌های سبک‌شناسی برجسته در قصیده «تائیه» است. دعبل با استفاده از این شیوه در قصیده خود، ضمن تأکید بر اندیشه‌ها و باورها، واژگان را به گونه‌ای تکرار می‌کند که علاوه بر بالا بردن سطح موسیقایی کلام و خوش‌آهنگ کردن آن، بر اثربخشی سخن خود نیز می‌افزاید. به نمونه‌هایی از تکرار واژه در این قصیده توجه کنید:

-واژه «دیار»

ديار علي والحسين و جعفر	وَ حَمْرَةَ وَالسَّجَادِ ذِي الثَّنَاتِ
ديارٌ لعبدالله و الفضل صنوه	نَجِي رَسُولِ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ
ديارٌ عفاها جورٌ كل منابذ	و لَمْ تَعْفُ لِلآيَامِ وَالسَّنَوَاتِ ^۱

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷ق: ۴۰-۴۱)

موسیقی به کار رفته در بافت اشعار، بخشی از آن بافت را تشکیل می‌دهد و حامل معنا و مفهوم ویژه‌ای است که با تکرار کلمات، موسیقی بی‌نظیری ایجاد می‌شود که معنا را کاملاً بی‌نظیر می‌گرداند. در این ابیات، واژه «دیار» تکرار شده است و این تکرار بیانگر آن است که این سرزمین از آن اهل بیت (علیهم السلام) بوده که خالی و متروک مانده و گذر روزها و سال‌ها کهنه‌شان نکرده است؛ بلکه از ظلم و جور ستمگران به این وضعیت درآمده است.

۱. خانه‌های علی، حسین، جعفر بن ابیطالب، حمزه سید الشهداء و امام زین‌العابدین که پینه‌ها بر جبین داشت. خانه‌های عبدالله بن عباس و برادرش فضل، خانه‌های علی که همراز رسول خدا بود. خانه‌هایی که دست تطاول دشمنان محو و نابودش ساخت و نه گذشت ایام و روزگار.

-واژه «قبر»

قَبْرٌ بِكُوفَانٍ، وَاخْرَى بِطَبِيبَةٍ وَاخْرَى بِفَحٍّ نَالَهَا صَلَوَاتِي
 وَقَبْرٌ بَارِضِ الْجَوْزِ جَانِ مَحَلُّهُ وَقَبْرٌ بِبَاخْمَرِي، لَدَى الْعُرْبَاتِ
 وَقَبْرٌ بِبَغْدَادٍ لِنَفْسِ زَكِيٍّ نَصَمَتْهَا الرَّحْمَنُ فِي الْعُرْفَاتِ^۱

(همان: ۴۲)

ابیات فوق با واژه «قبر» به صیغه جمع کثرت آغاز شده و در ابیات پیاپی، یا خود لفظ به صورت مفرد «قبر» تکرار شده است یا ضمیری که به آن برمی گردد. در ابتدا «قبر» به کوفه که سنگرگاه تشیع و محل شهادت امام علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و خانواده و یاران ایشان است، اضافه شده و سپس واژه قبر را به مدینه منور «طیبه» اضافه کرده که قبور مقدسی چون امام حسن (علیه السلام)، امام سجاد (علیه السلام)، امام محمدباقر (علیه السلام) و امام جعفر صادق (علیه السلام) در آن قرار دارد؛ در ادامه با تکرار واژه قبر و اضافه آن به «فح» که نام وادی در مکه است، قبور امامزادگان در آنجا واقع شده است و سپس قبر واقع در منطقه «جوزجان» که قبر یحیی بن یزید در آنجاست و همچنین قبری که در «باخمر» که ابراهیم بن عبدالله در آن واقع است و در پایان واژه قبر را به بغداد اضافه می کند که قبر امام موسی کاظم (علیه السلام) و امام محمد جواد (علیه السلام) در آن مکان است. با اندکی درنگ، مشخص می شود که دلیل با تکرار واژه قبر اولاً در پی استخراج مفهوم و دلالت های تاریخی و مذهبی است که یک به یک چون خاطرات زنده ای پیش چشم خواننده به تصویر می کشد و ثانیاً به تبیین پیام حزن انگیز و اندوهناک می پردازد و قلب هر شیعه دل سوخته ای را به درد می آورد.

- منازل

منازل وحي الله ينزل بينها علي احمد المذكور في السورات

۱. قبرهایی در کوفه و مدینه است و قبرهایی در ناحیه فح باشد که درود من بر جمله ایشان باد. و مویه کن بر قبری دیگری که در سرزمین جوزجان و قبری در باخمر است. قبری در بغداد از صاحب نفس زکیه است خدای رحمان جان پاکش را با غرفه های بهشتی احاطه کند.

و لِلصَّوْمِ وَ التَّطَهِّيرِ وَ الْحَسَنَاتِ	مَنَازِلُ كَانَتْ لِلصَّلَاةِ وَ لِلتَّقَى
مِنْ اللّهِ بِالتَّسْلِيمِ وَ الصَّلَاةِ	مَنَازِلُ جِبْرِيلِ الْأَمِينِ يَجْلُهَا
سَبِيلَ رَشَادٍ وَاضِحِ الطَّرِيقَاتِ	مَنَازِلُ وَحَى اللّهِ وَ مَعْدِنِ عِلْمِهِ
فَتَوْمَنُ مِنْهُمْ زَلَّةَ الْعَثَرَاتِ ^۱	مَنَازِلُ قَوْمٍ يَهْتَدِي بِهَدَاهِمُ

(همان: ۴۰-۴۱)

(این‌ها آثار خانه‌های متروک کسانی است که مردم با نور هدایت‌شان راه می‌یافتند و لغزش و کثری از آنان دور بود.)

در این ابیات، آنچه توجه خواننده و شنونده را به خود جالب می‌کند، تکرار ۵ مرتبه واژه «منازل» است؛ این تکرار، ضمن کمک به ساختار اثر و محوریت مفهوم رثا و مدح، فضای موسیقایی زیبایی برای القای هر چه بهتر مفهوم مد نظر شاعر، مهیا ساخته و با فضای کلی متن و حالت احساسی موجود در قصیده هماهنگ است.

دعبل برای تسکین درد فراق و جدایی از دوستان متوسل به تکرار می‌شود تا هم احساسات درونی خود را بیان کند و هم خوانندگان و شنوندگان را تحت تأثیر قرار دهد و با صادقانه‌ترین احساس، حسرت و سوز و گداز ناشی از فقدان محبوبان را به تصویر کشد، علاوه بر دلالت آوایی و ارزش موسیقایی این تکرار، اختلاف صوتی برآمده از تکرار این واژه با الفاظ هم‌جوار خود که تکرار نشده‌اند، باعث برجستگی بیشتر این واژه و توجه بیشتر به آن می‌شود.

- آل رسول الله

و آل رسول الله تَدْمَى نُحُورَهُمْ و آل زیاد آمنوا السَّرَّاتِ

۱. این خانه‌های ویران و متروک جایگاه نزول وحی الهی بر احمد، موعود کتب آسمانی بود.

خانه‌هایی که در آن نماز، تقوا، روزه، پاکی و خوبی‌ها بود.

خانه‌هایی که مهبط جبرئیل امین بود؛ آن پیام‌آور وحی الهی که از جانب خدا با سلام و برکت‌ها بر پیامبر نازل می‌شد.

آن خانه‌ها محل نزول وحی خدا، گنجینه علم او و راه روشن هدایت بود.

وَأَلِ رَسُولِ اللَّهِ تُسْبِي حَرِيمُهُمْ وَأَلِ زِيَادٍ رِيَّةَ الْحَجَلَاتِ
وَأَلِ رَسُولِ اللَّهِ نُحْفَ جُسُومُهُمْ وَأَلِ زِيَادٍ غَلْظَ الْقَصْرَاتِ^۱

(همان: ۴۴-۴۵)

تکرار پیاپی عبارت «آل رسول الله» علاوه بر ایجاد نوعی موسیقی درونی و توازن در کلام دعبل، باعث جلب توجه مخاطب نیز شده و با فضای کلی متن و عاطفه و احساس شاعر که محبت و تعلق خاطر به این خاندان است، هماهنگ است. در مقابل با تکرار متقابل واژه «آل زیاد»، برجستگی و امتیاز آل رسول ﷺ بر آل زیاد نمایان تر می‌گردد و تنفر و انزجار مخاطب نسبت به قاتلان و حرمت شکنان را بر می‌انگیزد.

— هُم

هُم مَنَعُوا الْآبَاءَ عَنِ اخْتِاقِهِمْ وَ هُم تَرَكَوا الْآبْنَاءَ رَهْنَ شَتَاتِ
و هُم عَدَلُوها عَنِ وَصِيِّ مُحَمَّد فَبِيعْتُهُمْ جَاءَتْ عَلَيَّ الْعَدْرَاتِ
هُم نَقَضُوا عَهْدَ الْكِتَابِ وَ فَرَضَهُ وَ مُحْكَمَهُ بِالزُّورِ وَ الشُّبُهَاتِ^۲

(همان: ۴۳)

دعبل با تکرار واژه «هُم» اشاره به سوز و گداز و حزن و اندوه عمیق خود برای اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌پردازد. تکرار این واژه به عنوان ابزاری هنری، دلتنگی شاعر را، به گوش مخاطب گوشزد می‌کند و علاوه بر دلالت معنوی، موسیقی دل‌نشین و گوش‌نوازی را در واحدهای صوتی ایجاد می‌کند که باعث زیباتر شدن ابیات می‌شود.

۱. اهل بیت پیامبر ﷺ خون از گلوبشان می‌ریزد و آل زیاد در خانه‌های مجلل آرام گرفته‌اند. خاندان پیامبر نوامیس‌شان به اسارت و غربت می‌رود و خاندان زیاد در کاشانه‌های خود ایمن هستند.
اهل بیت رسول با بدن‌های لاغر و نحیف باشند و خاندان زیاد با گردنی ستر.
۲. آنان پدران را از حقوق مسلم خویش بازداشتند و فرزندان‌شان را آواره و سرگردان ساختند.
و آنان بودند که زمام امور خلافت را از کف هدایتگر علی (وصی محمد) گرفتند و با تکیه بر خدعه و نیرنگ از مردم بیعت گرفتند.
اینان بودند که عهد قرآن و واجباتش را نقض کردند و محکمتش را با دروغ و تشکیک درآمیختند.

۳-۳-۳. رد العجز علی الصدر

یکی از انواع تکرار واژه، صنعت «رد العجز علی الصدر» است. «رد العجز علی الصدر» یا «تصدیر» کلامی است که میان صدر و عجز آن رابطه غالباً لفظی و احیاناً معنوی برقرار است (ابن ابی الإصبع المصری، ۱۳۳۶: ۱۳۸). که جمله را به سوی انسجام و نیز هماهنگی در موسیقی سوق می‌دهد، یعنی دو لفظ متجانس (از هر نوع جناسی) در بیت بدین صورت بیابند که یکی در آخر بیت باشد و دیگری در صدر، وسط یا آخر مصرع اول یا اول مصرع دوم بیاید (تفتازانی، ۱۳۸۵: ۴۴۶). هنگامی که شاعر از این ابزار بلاغی استفاده می‌کند، می‌خواهد بر یک معنی معین تأکید کند یا مخاطب را از اهمیت آن معنی آگاه سازد. با این نوع تکرار کلمه در ابتدا و انتها، معنی در ذهن مخاطب به خوبی قدرت حدس زدن و پیش‌بینی کردن پیدا می‌کند که به واسطه آن موسیقی داخلی به سطح درجه عالی می‌رسد (القرزوبنی، ۱۴۲۵ق: ۳۳۰). دعبل از این آرایه بهره می‌جوید به گونه‌ای که در صدر برخی عبارات کلماتی به کار می‌گیرد و با تکرار آن در اجزای عبارت، نوعی ارتباط و انسجام برقرار می‌کند تا علاوه بر تأکید معنا، موسیقی دلنشینی را به کلام بیفزاید. نمونه‌هایی از آن را در قصیده «تائیه» بررسی می‌کنیم.

عَلَى الْعِرْصَاتِ الْخَالِيَاتِ مِنَ الْمَهَا سَلَامٌ شَجَّ صَبَّ عَلَى الْعِرْصَاتِ^۱

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷ق: ۳۸)

ملاحظه می‌شود که تکرار هر یک از واژگان متجانس در ابتدا و انتهای بیت، هم معنای مد نظر را تقویت و تأکید می‌کند و هم لفظ را برجسته و متمایز می‌سازد؛ برای مثال تکرار «علی العرصات» در ابتدای مصرع اول و در انتهای مصرع دوم تأکید شاعر بر مفهوم عرصه‌های خالی و دیار به‌جا مانده و فقدان محبوبان را نشان می‌دهد.

تَرَاثُ بِلَا قُرْبَى وَ مُلْكٌ بِلَا هُدَى وَ حَكْمٌ بِلَا شُورَى، بَغَيْرِ هُدَاةٍ^۲

(همان: ۳۹)

۱. سلام این عاشق محزون بر آن عرصه‌های خالی از ماهرویان باد، سلام مردی اندوهگین و عاشق.
۲. اگر استحقاق مقام خلافت جز به دلیل خویشاوندی و قرابت محمّد ثابت نمی‌شد، پس بنی هاشم در خویشی و نسبت با پیامبر از دیگران پیش‌تر و به خلافت شایسته‌ترند.

در این بیت همان‌طور که مشاهده می‌شود واژه «هدی» و «هداه» در پایان دو مصراع دارای آرایه جناس و نشانه تأکید بر هدایت مردم توسط اهل بیت (علیهم‌السلام) است؛ چراکه کشتی نجات بدون هدایت ایشان به سر منزل مقصود نمی‌رسد.

تُؤَفِّوْا عِطَاشًا بِالْفِرَاتِ، فَلِيْتَنِي وَوُفِيْتُ فِيهِمْ قَبْلَ حَيْنِ وَفَاتِي^۱

(همان: ۴۲)

در این بیت، دعبل با تکرار کلمات «توفوا، توفیت، وفاتی» که همگی از ریشه «وفی» مشتق شده، آهنگ و موسیقی درونی بر اثر آرایه «رد العجز الی الصدر» ایجاد کرده است؛ به این ترتیب که شاعر کلمه «توفوا» را در مصرع اول یعنی «صدر» آورده و یکی از مشتقات آن را در آغاز و دیگری را در پایان مصرع دوم «عجز» تکرار کرده است. یکی از مهم‌ترین عوامل زیبایی‌شناسی این فن، ایجاد وحدت در شعر است و از آنجا که این قصیده، از ابتدا تا انتها حول محور «رثا» می‌چرخد، بنابراین به وحدت هرچه بیشتر این قصیده کمک کرده است.

تَخَيَّرَ تَهُمْ رُشْدًا لِأَمْرِي، فَإِنَّهُمْ عَلَيَّ كَلِّ خَيْرَةَ الْخَيْرَاتِ^۲

(همان: ۴۳)

شایان ذکر است آوردن چند واژه متجانس «تخیرت‌هم، خیره، الخیرات» در این بیت، افزون بر این که دارای جناس اشتقاق است، آرایه رد العجز الی الصدر را نیز دارد که بر زیبایی آن افزوده و از لحاظ موسیقایی، به این بیت جلوه‌ای خاص بخشیده است؛ همچنین از لحاظ مفهومی، انتخاب اهل بیت (علیهم‌السلام) برای هدایت و رهبری مردم را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۳-۳-۴. جناس

جناس، به شباهت داشتن دو واژه در گفتار گفته می‌شود که در معنا با یکدیگر اختلاف

۱. آنان در کنار فرات لب‌تشنه جان باختند. ای کاش من نیز در میان ایشان جان می‌سپردم.
۲. آنان را برای هدایت خویش برگزیده‌ام، چراکه در هر حال بهترین برگزیدگان‌اند.

دارند و آن یا تام است که دو کلمه در تعداد، نوع، شکل و ترتیب حروف با هم متفق هستند؛ و یا این که غیر تام هستند. زمانی که آن دو کلمه در یکی از موارد چهارگانه با هم اختلاف داشته باشند. (القرزوبنی، ۱۴۲۵: ۳۲۳). جناس از یک‌سو، باعث توافق، انسجام و هارمونی کلام می‌شود و از سوی دیگر، به خاطر همگونی کلمات متجانس، باعث ایجاد موسیقی‌ای می‌شود که گوش از شنیدن آن لذت می‌برد (الجنیدی، ۱۹۵۴: ۲۹). تأثیر جناس در موسیقی شعر بر هیچ کس مخفی نیست؛ زیرا نقش مثبتی را در آهنگین کردن آوای شعر و رساندن آن به سطوح بالای هنری ایفا می‌کند. از عوامل مهم سبک‌ساز شعر دعبل خزاعی، کاربرد بسیار زیاد وی از جناس اشتقاقی است؛ شاعر با استفاده از جناس، نوعی سبک موسیقی زیبا و طنین‌انداز ایجاد می‌کند که هر شنونده‌ای را مجذوب خود می‌سازد. در قصیده «تائیه» آنچه بیش از پیش جلوه‌گری می‌کند، بهره‌مندی شاعر از جناس اشتقاق است که نشانه‌توانایی بی‌نظیر او در شناخت ابعاد مختلف واژه است. این آرایه سبب ایجاد نوعی هماهنگی و تناسب میان کلمات و عبارات قصیده شده است. در ادامه به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم.

فکَم حَسْرَاتٍ هَا جَهَا بِمُحَسَّرٍ وقوفی یوم الجمع من عرفات^۱

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷ق: ۴۳)

دو واژه «حسرات، محسر» که دارای جناس اشتقاق هستند، بر آلام ورنج‌ها و حسرت‌های شاعر درباره آل رسول (علیهم السلام) تأکید می‌کند.

قلیلَةُ زُوَارٍ سَوَى بَعْضِ زَوْرٍ من الضبع والعقبان والرخمات^۲

(همان: ۴۳)

دو واژه «زوار، زور» از نوع جناس اشتقاق هستند؛ شاعر به آوردن جناس توسل‌جسته تا از خلال آن توجه مخاطب را به خانه‌های اهل بیت (علیهم السلام) که خالی از زائر و یاورند و جز

۱. آن‌گاه که در وادی محسر در اجتماع عرفاتیان ایستادم حسرت و اندوهی عمیق از نهادم برآمد.

۲. زائران ایشان اندک‌اند به اضافه تعدادی از کفتارها و عقابان و کرکس‌ها

درندگان و پرندگان شکاری زائری ندارند جلب کند و عظمت مصیبت‌های وارده بر آنان را بیان نماید.

منازل قوم بهتدی بهداهم فتؤمن منهم زلة العثرات^۱

(همان: ۴۰)

در دو واژه «بیهتدی، هدی» جناس وجود دارد و واژه دوم، تأکید واژه نخست است. دعبیل راه هدایت مردم و در امان ماندن از انحراف و لغزش را توسل به امامان و رهنمودهای ایشان می‌داند و با آوردن واژه‌های متجانس، بر این مفهوم تأکید می‌ورزد.

وَلَمْ تَكُ إِلَّا مِحْنَةً كَسَفْتَهُمْ بَدَعَوَى صَلَالٍ مِنْ هَنٍ وَهَنَاتٍ^۲

(همان: ۳۹)

تکرار واژه «هنات» که به صورت «هن» و بدون فاصله هم موسیقی زیبایی به آن بخشیده و هم معنا را تأکید کرده است.

تُؤَفِّوْا عِطَاشًا بِالْفِرَاتِ، فَلَیْتَنی تُؤَفِّیْتُ فِیْهِمْ قَبْلَ حَیْنِ وَفَاتِی^۳

(همان: ۴۲)

در این بیت دعبیل با آوردن واژه‌های متجانس و تکرار حروف ریشه‌ای «تؤفّفوا، توفّیتُ، وفاتی»، انسجام و درهم تنیدگی کلام را بیشتر کرده و موسیقی دلنشینی به وجود آورده تا به خواننده یادآوری کند که در آموزه‌های اسلامی شهادت با افتخار، آرزوی هر مؤمنی است.

فکمْ تری للایام ما جرّ جورها علی الناس من نقص طول شتات^۴

(همان: ۳۹)

۱. این‌ها آثار خانه‌های متروک کسانی است که مردم با نور هدایت‌شان راه می‌یافتند و لغزش و کزی از آنان دور بود.
 ۲. و این آزمایشی بود که پرده از چهره آنان و ادعای دروغین و زشت و ناپسندشان برگرفت.
 ۳. آنان در کنار فرات لب‌تشنه جان باختند. ای کاش من نیز در میان ایشان جان می‌سپردم.
 ۴. آیا نمی‌بینی که روزگار با شکستن پیمان‌ها و پراکندن جمعیت‌ها، سختی و ستم خود را بر مردم طولانی کرده است.

جناس بین دو واژه «جرّ» و «جوّر» وجود دارد که اولی به معنای «امتدّ» و واژه دوم به معنای «ظلم» است. در این ابیات، شاعر با آوردن جناس اشتقاق در مجاورت هم، اوج هنرنمایی در کلام خود را با حفظ مفاهیم عمیق نشان داده است، آنچنان که موسیقی درونی‌ای در عبارت به گوش می‌رسد که بر جان و دل می‌نشیند و به خوبی توانسته مضامین شعری را با چاشنی موسیقی درآمیزد و موسیقی حاصل از جناس را ابزاری مؤثر برای جذب خواننده به شنیدن شعر رثا قرار دهد.

۳-۴. موسیقی معنوی

همه ارتباط‌های پنهانی عناصر یک بیت یا مصرع و از سوی دیگر، همه عناصر معنوی یک واحد هنری، اجزای موسیقی معنوی آن هستند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۳۹۳) و انواع تناسب، هماهنگی، انسجام، تعادل و امثال آن‌ها را در برمی‌گیرد؛ یعنی عوامل و اسباب ایجاد وحدت و انسجام غیر صوتی را شامل می‌شود؛ بدین ترتیب، تناسب تصویر و محتوا، لفظ و معنا، آهنگ و معنا، و آرایه‌های بدیع معنوی را که مولد و تقویت‌کننده تناسب و هماهنگی اجزای شعرند، در برمی‌گیرد. آرایه‌هایی چون مراعات‌النظیر، طباق، مقابله و... از این نوع موسیقی به شمار می‌روند. یکی از ویژگی‌های برجسته سبک‌ساز قصیده، کاربرد پربسامد آرایه‌های تضاد، مقابله و مراعات‌النظیر در جای جای قصیده است که افزون بر ایجاد توازن آوایی باعث انسجام و وحدت فکری نیز شده است.

۳-۴-۱. تضاد یا طباق

تضاد یکی از اقسام بدیع معنوی است که منجر به شکل‌گیری نوعی موسیقی پنهان در کلام می‌شود و به این شکل است که کلمه‌ای به همراه ضدّ و مخالفش در کلام بیان شود که می‌تواند بین دو اسم، فعل، حرف و یا بین دو کلمه مختلف از آن‌ها پیش آید (تبرماسین، ۲۰۰۳: ۲۳۰).

استفاده از صنعت تضاد در قصیده «تائیه»، نسبتاً چشمگیر و تناسب و زیبایی متناظری

به کلام بخشیده است و سبب تبیین برخی حقایق به مخاطب می‌شود. دعبل با آوردن اضداد، بر موسیقی درونی ابیات افزوده و توازن و تناسب ملموسی بین جملات و عبارات ایجاد کرده که ذوق و اشتیاق را در مخاطب افزوده و خستگی را زدوده است. پیش از اینکه نمونه‌های از انواع تضاد را در قصیده «تائبه» پردازیم به انواع کلمات متضاد به کار رفته در آن اشاره می‌کنیم.

جدول شماره (۴) تضاد بین دو اسم

حبّ_بغض	۱۰	النور_الظلمات	۷	ماضی_آت	۴	الوصال_الغربة
نحف_غَلَط	۱۱	اللیل_الغدوة	۸	ضلال_هدایة	۵	الکفر_الاسلام
المصفی_القذی	۱۲	موتی_حیاتی	۹	النعمۃ_النقمة	۶	حق_باطل

جدول شماره (۵) تضاد بین دو فعل و اسم

تضاد بین فعل و اسم		تضاد بین دو فعل	
تضییء_الظلمات	۱	أروح_أغدو	۱
طلع_غروب	۲	قزب_أخر	۲
یحبون_وغرات	۳	لاینوا_أضمروا	۳

نمونه‌هایی از تضاد به کار رفته در قصیده «تائبه»:

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَيُجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النِّقْمَاتِ^۱

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷ق: ۴۵)

دعبل با آوردن کلمات متضاد «حق، باطل» و «النعماء، النقمات» تصویری از زیبایی‌ها و زشتی‌ها پیش روی خواننده ترسیم می‌کند و موسیقی دلنشینی به ابیات می‌بخشد. همچنین تناسب معنوی بین حق و النعماء و باطل و النقمات، قابل ملاحظه است.

۱. در میان ما، حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌کند و بر نعمت‌ها و نعمت‌ها جزا می‌دهد.

سوی حُبِّ اَبْنَاءِ النَّبِيِّ وَرَهْطِهِ

وَبُغْضِ بَنِي الزَّرْقَاءِ وَالْعَبَلَاتِ^۱

(همان: ۳۹)

در این بیت تقابل معنایی بین واژگان «حب، بغض» و «ابناء النبی، بنی الزرقاء» بستری مناسب برای انتقال و تداعی مفهوم دوستی و محبت آل رسول ﷺ و بغض و کینه نسبت به دشمنان آن‌ها فراهم نموده است. ملاحظه می‌شود که این تضاد، تأثیر معنایی و موسیقایی بیت را دوچندان می‌کند و مخاطب را به سوی معنا سوق می‌دهد؛ زیرا این حماسه در حقیقت تقابل و رویارویی قهرمانان و ضدقهرمانان را تداعی می‌کند.

فَلَوْلَا الَّذِي أَرَجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْغِدِ قَطَعَ قَلْبِي إِتْرَهُمْ حَسْرَاتِ^۲

(همان: ۴۵)

در این بیت تضاد میان واژگان «الیوم» و «اغد» بر استمرار بدون وقفه و همیشگی حسرت دعبل بر فقدان اهل بیت (علیهم السلام) دلالت دارد که لحظه‌ای از آن فارغ نمی‌شود.

وَمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَحَانَ غُرُوبُهَا وَبِاللَّيْلِ أَبْكِيهِمْ وَبِالْغَدَاةِ^۳

(همان: ۴۴)

در این بیت دو تضاد وجود دارد، اولی بین واژگان «طلعت» و «غروبها» که بر گریه و شیون دائمی و همیشگی بر ائمه (علیهم السلام) دلالت دارد و دومی بین واژگان «اللیل» و «الغدوات» که بیانگر آه و حسرت مدام شاعر است.

هُمُ نَقَضُوا عَهْدَ الْكِتَابِ وَفَرَضَهُ وَمَحْكَمَهُ بِالزُّورِ وَالشُّبُهَاتِ^۴

(همان: ۳۹)

بین واژگان «محکم، الزور، الشبهات» نوعی تضاد و یا طباق وجود دارد و از لحاظ معنایی

۱. جز با محبت فرزندان پیامبر و خاندانش و دشمن داشتن بنی مروان و بنی امیه

۲. اگر نبود آنچه امروز و فردایم بدان امیدوارم هر آینه دلم از حسرت و اندوه پاره پاره می‌گشت.

۳. زمانی که خورشید طلوع می‌کند تا آن‌گاه که غروبش فرا می‌رسد در شبانگهان و سپیده‌دمان پیوسته می‌گریم.

۴. اینان بودند که عهد قرآن و واجباتش را نقض کردند و محکمتش را با دروغ و تشکیک درآمیختند.

دشمنان اهل بیت علیهم السلام آیات محکمت را که امامت را حق ائمه می دانند نقض کرده و به جای آن شبهات باطل و احادیث دروغ را جایگزین کلام حق کرده و حق ایشان را غصب نمودند.

فَإِنْ قُلْتَ عَرَفًا أَنْكَرُوهُ بِمُنْكَرٍ وَعَطَّوْا عَلَيَّ التَّحْقِيقَ بِالشُّبُهَاتِ^۱

(همان: ۴۵)

در این بیت، دوتضاد بین واژگان «عرف» و «منکر»، و «التحقیق» و «الشبهات» وجود دارد که مخالفان سخنان معروف و درست شاعر را بد شمرده و با شبهه می آمیزند. شایان ذکر است که گاه آوردن بیش از یک طباق و آمیخته شدن آن با دیگر عناصر موسیقایی به شعر دعبل جلوه ای خاص بخشیده است. صنعت طباق و تضاد در سطح وسیعی از گفتمان دعبل، تناسب و زیبایی خاصی به کلام وی بخشیده است، اما تأثیر کاربرد این آرایه به بعد زیبایی شناختی کلام او ختم نمی شود؛ بلکه از سوی دیگر برای تفهیم برخی حقایق به خواننده و برای استمرار و دوام از آن سود جسته است که شمول و فراگیری مفهوم را می رساند. چه بسا گاهی اوقات به مقایسه بین ویژگی های امامان معصوم علیهم السلام و دشمنان ایشان می پردازد و از این طریق توجه مخاطب را به ویژگی ها و کمالات ائمه علیهم السلام جلب می نماید. بهره گیری گسترده شاعر از صنعت تضاد، علاوه بر افزودن موسیقی هنری، نشان دهنده موضع و دیدگاه او در زندگی است که رنج ها و آلام خود را در آینه آن منعکس می کند.

۳-۴-۲. مقابله

«مقابله» عبارت است از «ذکر دو یا چند کلمه ی غیر متضاد و باهم و سپس، ذکر کلمات متضاد آن ها، به ترتیبی که اول آمده است» (تفتازانی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۶۷). مقابله ابزاری است که به وسیله آن می توان تصاویر متضاد را در قالبی زیبا و آهنگی موزون به تصویر

۱. هرگاه سخنی نیک گفتم، بدخواهان با حرف های ناروا به انکارم برخاستند و حقیقت را با سخنان گزاف و شبهه انگیز پوشاندند.

کشید. در این تقابل‌ها که از تجمیع دو لفظ یا عبارت با دو معنای متضاد در کلام حاصل می‌شود؛ موسیقی برخاسته، از طریق شنیدن قابل درک نیست بلکه بر فکر و وجدان آدمی تأثیر می‌گذارد و سپس اثر آن بر حواس ظاهر می‌شود.

در قصیده «تائیه» نیز اسلوب مقابله حضوری چشمگیر دارد و دعبل بدون تکلف، این نوع موسیقی درونی را به کار می‌برد. اکنون به نمونه‌هایی از صنعت مقابله و اینکه چگونه در موسیقی قصیده «تائیه» مؤثر واقع شده است، اشاره می‌کنیم.

وَأَلِ رَسُولِ اللَّهِ نُحْفٌ جُسُومُهُمْ وَأَلِ زِيَادٍ غَلْظُ الْقَصْرَاتِ^۱

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷ق: ۴۵)

در این بیت تصویری است از بدن‌های ضعیف و نحیف اهل بیت (علیهم السلام) که از حق خود محروم شده و در نهایت سختی و مصیبت قرار گرفته‌اند و در مقابل آن تصویر خاندان زیاد که از رفاه و خوش‌گذرانی زیاد، گردن‌های خود را کلفت کرده‌اند.

نَجَى لَجَبْرِيلِ الْاَمِينِ، وَاَنْتُمْ عَكُوفَ عَلِي الْعَزْزِيِّ مَعَا وَمَنَاة^۲

(همان: ۴۰)

در این بیت دعبل به ویژگی حضرت علی (علیه السلام) اشاره می‌کند و در تصویر مقابل وثنی‌های مشرک که ملازم با بت‌های عزّی و منات هستند را به تصویر می‌کشد. به عبارت دیگر دو جبهه که در افکار و دیدگاه مخالف یکدیگرند؛ یعنی مکتب امام علی (علیه السلام) که علم و ایمان و جان‌فشانی اساس آن است و مکتب مشرکان را به تصویر می‌کشد. شاعر با استفاده از صنعت تقابل و در مقابل هم قراردادن این دو جبهه به تنویر افکار و ترجیح مکتب امام بر مشرکان می‌پردازد.

۱. اهل بیت رسول با بدن‌های لاغر و نحیف باشند و خاندان زیاد با گردن‌ها ستبر.

۲. هنگامی که شما توطئه‌گران سقیفه، شب و روز و بی‌وقفه بت‌های عزّی و منات را می‌پرستیدید او همراز جبرئیل بود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی و تحلیل بازتاب سبک‌شناسی آوایی قصیده مدارس آیات دعبل خزاعی با رویکرد سبک‌شناسی توصیفی پرداخته و نتایج حاصل از آن بدین شرح است:

- بررسی سطح آوایی قصیده در چهار حوزه موسیقی بیرونی، موسیقی کناری (قافیه)، موسیقی درونی (واج آرایبی)، تکرار (حروف، واژگان) و موسیقی معنوی (تضاد، مقابله، مراعات النظیر) بیانگر نقش عمده‌ای سطح آوایی است که منجر به پیدایش سبک شاعر می‌گردد.

- از نظر موسیقی بیرونی، دعبل خزاعی با سرودن قصیده در بحر طویل که دارای مقاطع و بندهای طولانی است زمینه‌ای را میسر ساخت تا عشق و الایش به اهل بیت (علیهم‌السلام) و غم و اندوه خود درباره علویان و حسرت بر فقدان آن‌ها را با این بحر عروضی بیان نماید. انتخاب این بحر که دارای موسیقی آرام، متین و ویژگی‌های امتداد نفس و تفصیل سخن است، برای موضوعاتی چون استبدادستیزی، بیان حال مظلومان و رثا متناسب و نشانه ذوق سلیم و توانایی شاعر است.

- در حوزه موسیقی کناری، شاعر با انتخاب قافیه مناسب و حرف روی «تاء» که دارای ویژگی شدت و فخامت و متناسب با مضمون رثاست، بغض و دل‌تنگی ۳۰ ساله خویش را بشکند و با آوردن «الف مدّی» پیش از حرف روی و امتداد صدا در تلاش است تا از غم و دل‌تنگی خود بکاهد و توجه مخاطب را به حالت نفسی خود جلب نماید.

- در حوزه موسیقی درونی، نظمی که در انتخاب دقیق کلمات، حروف و نحوه چینش آن‌ها به کار رفته و کاربرد پرسامد تکرار و جناس (جناس اشتقاق) و رد العجز علی الصدر، گذشته از غنای موسیقی درونی، به ایجاد نوعی وحدت فکری انجامیده که دارای برجستگی سبکی است. این تناسب میان موسیقی و مفهوم مد نظر حضرت، سبب هارمونی چشمگیری در قصیده شده و بر انسجام متن افزوده است.

- در حوزه موسیقی معنوی آنچه نمود برجسته‌ای دارد، وجود آرایه‌هایی چون طباق،

مقابله و مراعات‌النظیر است که دو مورد اخیر بسامد بسیار بالایی در قصیده داشته و به آن وجهه سبکی داده است؛ این تقابل‌ها، باعث تفهیم برخی حقایق، تداعی معنا در ذهن مخاطب و ایجاد ذوق و اشتیاق در وی می‌گردد و با بیان برخی ویژگی‌های متقابل خاندان پیامبر ﷺ و آل زیاد به برجسته‌سازی صفات و ویژگی‌های اهل بیت پیامبر ﷺ پرداخته و خواننده را ترغیب می‌کند تا از بین دو طرف متقابل دست به گزینش بزند.

منابع و مأخذ

- آقائی، مهرداد؛ عباس زاده، فاضل؛ قوامی خانقاه، سید مهدی. (۱۳۹۹). «سبک‌شناسی قصاید فخری دعبل خزاعی». فصلنامه پژوهش‌نامه نقد ادبی و سبک‌شناسی. ۱۱(۳): ۳۰-۳۰.
- ابن ابی الاصبغ المصری، عبدالعظیم بن عبدالواحد. (۲۰۰۸م). بدیع القرآن. به تحقیق محمدشرف حفنی. قاهره: مکتبه نهضه.
- ابن ادریس، عمر خلیفه. (۱۹۹۷م). البنية الإيقاعية فی شعر البحتری «دراسة نقدية تحليلية». رسالة دكتوراه. مصر: جامعة الإسكندرية.
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان. (۱۹۹۰م). الخصائص. بغداد: دار الشؤون الثقافية.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۹۷۱م). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابوالعدوس، یوسف. (۲۰۰۷م). الاسلوبیة، الرویة و التطبيق. عمان: دار المیسرة للنشر و التوزیع للطباعة.
- ابوریسه، عبدالقادر. (۱۹۹۰م). مدخل الی تحلیل النص. الطبعة الرابعة. عمان: دار الفکر.
- اسماعیل، عزالدین. (۱۹۷۴م). الاسس الجمالیة فی النقد الادبی. الطبعة الثالثة. بیروت: دار الفکر العربی.
- الاصفهانی، ابوالفرج. (۱۹۹۴م). الأغانی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- امینی، شیخ عبدالحسین. (۱۹۷۷م). الغدير فی الكتاب والسنة والادب. بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزیع.
- انیس، ابراهیم. (۱۹۵۲م). موسیقی الشّعر. الطبعة الثانية. مصر: مطبعة لجنة البیان العربی.
- _____ . (۱۹۷۳م). الاصوات اللغویة. مصر: دارالمعارف.
- بشر، کمال. (۱۹۷۱م). دراسات فی علم اللغة. الطبعة الثانية. مصر: دارالمعارف.
- بیاتی، حمیدسنا. (۲۰۰۷م). التنغیم فی القرآن الکریم دراسة صوتیه. بغداد: مرکز احياء التراث العلمی العربی.
- تبرماسین، عبدالرحمن. (۲۰۰۳م). البنية الإيقاعية للقصيدة المعاصرة فی الجزائر. الجزیره: دارالفجر للنشر و التوزیع.
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۳۸۵). مختصر المعانی. چاپ دوم. قم: اسماعیلیان.
- جنتی‌فر، محمد. مرادیان، سوده. (۱۳۹۶). «بازخوانی قصیده تائیه دعبل از رهگذر واکاوی اندیشه، ساختار موسیقایی، تعبیر و تصاویر هنری». فصلنامه مطالعات متون اسلامی. ۲(۴). صص: ۱۴۳-۱۷۴.
- الجندی، علی. (۱۹۵۴م). فن الجناس. القاهرة: دارالفکر العربی.
- حسنی، عبدالجلیل یوسف. (۱۹۸۹م). موسیقی الشعر العربی. القاهرة: الهيئة العامة للكتاب.
- الخوالده، فتیح. (۲۰۰۶م). تحلیل الخطاب الشعری. عمان: المركز الثقافي العربی.
- دعبل بن علی الخزاعی. (۱۴۱۷ق). دیوان. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- دیو سالاز، پویان. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی سبک شناختی رثای اهل بیت (علیهم‌السلام) در شعر دعبل و وحشی بافقی». کنفرانس بین المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن. گرگان: موسسه فرهنگي نسیم موعده. صص: ۱۲۴-۱۴۲.
- الرازی، شمس الدین محمد. (بی‌تا). المعجم فی معاییر الأشعار العجم. بازنویسی بهروز ثروتیان. تهران: تمثال.
- الرفاعی، مصطفی صادق. (۱۹۹۷م). اعجاز القرآن و البلاغه النبویة. القاهرة: دار المنار.
- رفیق احمد صالح، معین. (۲۰۰۳م). «دراسة اسلوبیة فی سورة مريم». رسالة الماجستير. نابلس: جامعة النجاح الوطنية.
- سمران، محمود. (بی‌تا). علم اللغة للمقدمة للفارسی العربی. بیروت: دار النهضة للطباعة والنشر.
- سلطانی زانی، مهدی. (۱۳۸۵). «درآمدی بر ابعاد اعجازی و زیبایی شناختی نظام‌نگ قرآن». پژوهش‌های قرآنی. ش ۴۵.

صص: ۲۰۶-۲۲۵.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۴). موسیقی شعر. چاپ هشتم. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). کلیات سبک‌شناسی. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوس.
- الطرابلسی، محمد الهادی. (۱۹۸۱م). خصائص الأسلوب فی شوقیات. تونس: منشورات الجامعة التونسية.
- عباس، حسن. (۱۹۹۸م). خصائص الحروف العربية ومعانیها. دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- علی سید، عزالدین. (۱۹۷۸م). التکریر بین المثیر و التاثیر. چاپ دوم. بیروت: عالم الكتب.
- غریب، رز. (۱۳۷۸). نقد بر مبنای زیبایی‌شناسی و تأثیر آن در نقد ادبی. ترجمه نجمه رجائی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۵). سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: نشر سخن.
- فضل، صلاح. (۱۹۹۸م). علم الأسلوب و مبادئه و اجرائاته. القاهرة: دار الشروق.
- القزوی، أبي المعالي. (۱۴۲۵ق). الإيضاح فی علوم البلاغة. شرح و تعلیق و تنقیح: محمد عبد المنعم الخفاجی. ط ۴. بیروت: دارالكتاب البناني.
- قوامی خانقاه، سید محمد. (۱۳۹۵). «بررسی سبک‌شناسی فخریات کمیت بن زید اسدی - دعبل خزاعی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- کنانة، فتحی احمد. (۱۹۹۹م). «دراسة الاسلوبية فی شعر ابی الفراس الهمدانی». رسالة الماجيستر. جامعة النجاح الوطنية. الفلسطین.
- المازنی، عبدالقادر. (۱۹۹۰م). الشعر غاياته و وسائله، بتحقیق فايز الترحینی. الطبعة الثانية. بیروت: دار الفكر اللبناني.
- مسبوق، سید مهدی؛ دریا دل موحد، اعظم. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی دو قصیده تائیه دعبل و طلائع بن رزیک در مدح اهل بیت». مجله ادب عربی. ۳ (۴). صص: ۲۲۳-۲۴۶.
- المسدی، عبدالسلام. (۱۹۸۲م). الاسلوب و الاسلوبية. الطبعة الثانية. بیروت: دارالعربية للكتاب.
- مفتاح، محمد. (۱۹۸۲م). فی سیماء الشعر القديم دراسة نظرية و تطبيقية. المغرب: دارالثقافة.
- الملائكة، نازک. (۲۰۰۰م). قضايا الشعر المعاصر. بیروت: دارالعلم للملایین.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۴). وزن و قافیه شعر فارسی. تهران: مرکز چاپ جهاد دانشگاهی.



الگوی پیوست‌نگاری فرهنگی مراکز تجاری و

تفریحی با تأکید بر هویت ایرانی اسلامی؛ مشهدمال^۱

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۱

سید محمد حسینی^۲، رخشاد حجازی^۳، سید علی جوزی^۴، سید محمود هاشمی^۵

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حوزه فرهنگی یکی از اصلی‌ترین اهداف انقلاب اسلامی و سرلوحه انقلاب بود. جاری کردن فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه و اداره و زندگی، از مهم‌ترین اصول در سیاست‌گذاری فرهنگی از سوی بزرگان انقلاب به ویژه امام خمینی (ره) بود. علاوه بر این، در دوره‌های بعد به‌ویژه در سال‌های اخیر به دلیل پشت سر گذاشتن شرایط اضطرار در سایر حوزه‌ها، حوزه فرهنگی از سوی بزرگان نظام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. از طرفی بازارها از دیرباز، نقش اساسی در هویت‌بخشی فرهنگی، ملی و بومی به شهرهای ایرانی اسلامی بر عهده داشته‌اند، اما با تحول این فضاهای تجاری و شکل‌گیری مجتمع‌های تجاری مدرن و به خصوص مگامال‌ها، نگرانی‌های جدی درباره تأثیرات این فضاها بر هویت فرهنگی جامعه به وجود آمده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی تحلیلی است. در این پژوهش، پیوست‌نگاری فرهنگی پروژه مشهدمال، بر مبنای ماتریس فازی، پیشنهاد شده است. در ساختن ماتریس ارزیابی، فعالیت‌های اصلی طرح در فاز بهره‌برداری و نیز شاخص‌های مهم فرهنگی که از این فعالیت‌ها تأثیر می‌پذیرند با استفاده از روش دلفی فازی، تعیین و اهمیت هر اثر به صورت اعداد فازی مثلثی برآورد می‌شود. در نهایت با استفاده از نرم‌افزار ونسیم (VENSIM) روشی عملیاتی برای ارزیابی فرهنگی و اجتماعی مال‌ها ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: پیوست‌نگاری فرهنگی، هویت ایرانی اسلامی، مجتمع‌های تجاری چندمنظوره (مال‌ها)، ماتریس فازی، نرم‌افزار ونسیم.

۱. این مقاله بر گرفته از رساله دکتری با عنوان «ارائه الگوی ارزیابی اثرات اجتماعی مراکز تجاری و تفریحی با رویکرد ایرانی اسلامی در شهرهای زیارتی، مشهدمال» است.
۲. دانشجوی دکتری گروه محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران: smhosaini1357@yahoo.com
۳. استادیار گروه محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول): rokhsad.h99@yahoo.com
۴. استاد گروه محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران: sajozi@yahoo.com
۵. استادیار گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران: hashemi_2986@yahoo.com

مقدمه

تا چند دهه پیش، توجه اصلی در پروژه‌های توسعه معمولاً معطوف به ملاحظات اقتصادی بود. دیدگاه حاکم این بود که پول می‌تواند هرگونه آثار منفی پروژه‌ها را جبران کند. لذا نگرانی چندانی از پیامدهای اجتماعی و فرهنگی وجود نداشت. در این دیدگاه توجه به اجتماع محلی و نظام همسایگی در حداقل ممکن بود. لذا به شبکه‌های اجتماعی که پایه‌های اصلی تأمین‌کننده حمایت برای مردم در مقابل سختی‌ها و استرس‌ها بود، توجهی صورت نمی‌گرفت. اصطلاح SIA^۱ برای اولین بار اوایل دهه ۱۹۷۰ به کار رفت، ولی راهنماها و اصول آن سال ۱۹۹۴ تدوین شد. اگر بتوان در فرایند تصمیم‌گیری کارگزاران توسعه، ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی را دخیل دانست، در آن صورت می‌توان بهتر تصمیم‌گیری کرد. به علاوه با پیش‌بینی و مدیریت کردن تأثیرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از پروژه، مزایای اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی فراوانی نصیب مردم و اجتماع محلی خواهد شد. نباید از یاد برد که پیامدهای پیش‌بینی نشده پروژه‌های توسعه می‌تواند منافع و مزایای این پروژه‌ها را به شدت کاهش دهد. از همین جاست که ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی اهمیت می‌یابد (هومین فر، ۱۳۹۲: ۱).

مهم‌ترین هدف پیوست فرهنگی، ایجاد زمینه و شرایطی است که در آن ضمن اجرای مطلوب طرح‌های اقتصادی، ارزش‌ها و میراث فرهنگی ملی و بومی نیز حفظ شود. پیوست فرهنگی در واقع مجرای است که از طریق آن، پیشرفت کشور بدون آسیب رساندن به هویت فرهنگی و بومی و بدون تغییر ارزش‌های فرهنگی و دینی انجام می‌شود؛ گرچه جهت‌گیری پیوست فرهنگی به سمت حفظ ارزش‌ها و میراث فرهنگی است. در همان حال، زمینه‌ساز اجرای موفق و صحیح طرح‌های عمرانی نیز خواهد بود (بنیانیان، ۱۳۸۷: ۲). پیوست فرهنگی عبارت است از فرایند تعیین، پیش‌بینی، ارزیابی، آگاه‌سازی و مدیریت پیامدهای مثبت و منفی و تأثیرات احتمالی اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ها و اجرای طرح‌های جاری یا پیشنهاد شده بر نظام هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه در درون

1. Social Impact Assessment

یک نظام فرهنگی و نیز بر زندگی، نهادها و الگوهای فرهنگی درون آن نظام. پیوست فرهنگی با هدف مدیریت تأثیرات فرهنگی مثبت و منفی ناشی از تدوین یک سیاست و قانون یا یک برنامه و اجرای طرح توسعه‌ای انجام می‌شود (قادری، ۱۳۹۲: ۹۱).

برای شناخت صحیح و جامع ابعاد و مختصات پیوست‌های فرهنگی، باید به فلسفه وجودی آن توجه نکرد. پیوست فرهنگی برای طرح‌ها و پروژه‌های مختلف اجرایی با این پیش‌بینی مطرح شده است که هر طرح و پروژه فنی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و مانند آن در ذات خود با فرهنگ جامعه تعامل دارد. لذا با درک آثار و نیازمندی‌های فرهنگی، این نوع طرح‌ها و پروژه‌ها را باید مبتنی بر یک نظام علمی، اولویت‌گذاری و از طرح‌ها و پروژه‌هایی شروع کرد که بیشترین تعامل فرهنگی را در بر دارد و در شناخت این آثار متقابل از چند بُعد به موضوع توجه کرد (بنیانیان، ۱۳۸۷: ۱).

این مقاله به دنبال این است که با توجه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی مشهد مقدس به‌عنوان مهم‌ترین شهر زیارتی کشور، با مطالعه روند ساخت و ساز مراکز تجاری و رفاهی بزرگ (مال‌ها)، الگویی ارائه دهد که در آن با تأکید بر هویت ایرانی اسلامی، آثار فرهنگی مشهدمال به‌طور دقیق و منطقی، ارزیابی شود. به‌عبارت دیگر آثار مشهدمال بر هویت ایرانی اسلامی مشهد مقدس ارزیابی قرار خواهد شد تا میزان آثار فرهنگی مجتمع تجاری مشهدمال مشخص شود.

بیان مسئله و ضرورت

کلان‌شهر مشهد، علاوه بر جنبه زیارتی، با داشتن جاذبه‌های منحصر به فرد فرهنگی، تاریخی، علمی، پزشکی، تجاری و قابلیت‌های موجود در زمینه گردشگری، سالانه گردشگران زیادی را به خود جلب می‌کند. همچنین مشهد امروزه به‌عنوان یکی از قطب‌های مهم و سرآمد گردشگری در ایران تعداد بسیار زیادی از زائران و گردشگران را در خود جای می‌دهد؛ والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن

جامعه است؛ بنابراین صیانت از فرهنگ اسلامی، يك ضرورت است. جریان‌سازی فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی، از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که در فرصت‌های موجود در گردشگری دینی و سفرهای زیارتی و از جمله سفر زیارتی مشهد مقدس قابل اجرا و البته نتیجه‌بخش است (کشاورز و دلبری، ۱۳۹۶: ۵۳). اقلام مورد نیاز هر خانواده معمولاً به دو شکل عمده یا خرده خریداری می‌شود و مراکز عرضه اقلام مورد نیاز نیز به شکل سنتی و به صورت مغازه‌های اطراف خانه و مراکز فروش عمده در میادین است؛ اما اخیراً و خصوصاً در دو دهه اخیر فروشگاه‌هایی به نام «مال» با تقلید از الگوی آمریکایی با نام‌های مختلف، شکل و سبک خارجی ایجاد شده که هم به عنوان گردشگاه قلمداد می‌شوند و هم بسیاری از خانواده‌ها کالای مورد نیاز خود را از این گونه اماکن تهیه می‌کنند (ابهری، ۱۳۹۶)؛ هرچند مال‌سازی با رویکرد چندمنظوره با توجه به پیچیدگی زندگی شهری برای خانوار برخی مزایا را به دنبال دارد. از جمله اینکه امکان خرید اقتصادی را فراهم می‌کند، امکان نظارت نهاد‌های مسئول بر قیمت‌ها بیشتر فراهم می‌شود، خانواده امکانی برای تفریح کردن و دور هم جمع شدن را پیدا می‌کنند و احتمالاً در خروج ارز از کشور و مسافرت‌هایی که به قصد خرید کالا در خارج از کشور انجام می‌شود نیز موثر است؛ اما درکنار این، تجاری‌سازی بی‌رویه، بستری برای افزایش کالاهای غیرضرور وارداتی فراهم خواهد کرد و خواه‌ناخواه الگوی مصرف و انگاره‌های فرهنگی، جوانان را به سوی خرید کالای خارجی هدایت می‌کند. نگاهی به معماری بسیاری از این مجتمع‌ها نشان می‌دهد معماری آن‌ها از برخی مجتمع‌های مشابه در دبی یا ترکیه الگوبرداری شده است. به تبع آن، بیشتر فضای آن‌ها به بوتیک‌هایی اختصاص یافته که میزبان برندهای لوکس خارجی است. حال اگر ما می‌خواهیم اقتصاد مقاومتی را از زاویه تشویق مردم به خرید کالاهای ایرانی ترویج کنیم با این شیوه تجاری‌سازی در تناقض است (عبدی، ۱۳۹۴: ۴).

جدول ۱: تعداد مال‌ها در شهرهای کشور

شهر	تعداد	شهر	تعداد
تهران	۶۵	کرمانشاه	۸
مشهد	۱۲۷	قم	۲
تبریز	۱۲	یزد	۲
کرج	۱۷	اهواز	۲
شیراز	۱۶	انزلی	۲
اصفهان	۱۵	بم	۱
کیش	۶	اراک	۱
کرمان	۳	یاسوج	۱

منبع: مجله عصر ساختمان، ۱۳۹۶

بررسی آمارهای موجود حاکی از آن است که بیش از ۲۶۰ واحد مال در کل کشور یا در دست ساخت بوده یا به‌تازگی مراحل ساخت آن به پایان رسیده است. توزیع و فراوانی ساخت مال‌ها در کشور (جدول ۱) نشان می‌دهد برخلاف تصورات، به جای تهران، این مشهد است که در صدر شهرهای مال‌خیز و مال‌ساز کشور قرار گرفته است، به طوری که آمار ساخت و ساز این‌گونه بازارهای چند منظوره در شهری که پایتخت معنوی کشور است و قاعدتاً باید چهره‌ای زیارتی به جای سیاحتی داشته باشد، عجیب به نظر می‌رسد (عبدی، ۱۳۹۴: ۴).

اهمیت پیوست‌نگاری فرهنگی به‌عنوان یکی از عناصر مهم و اساسی مهندسی فرهنگی، آن‌گاه آشکار شد که مقام معظم رهبری در ۱۹ آذرماه ۱۳۹۲، بر انجام آن تأکید و بیان کردند: «[اینکه] ما گفتم مسائل اقتصادی و مسائل گوناگون مهم پیوست فرهنگی داشته باشد، معنای آن این است که یک حرکت اساسی که در زمینه اقتصاد، در زمینه سیاست، در زمینه سازندگی، در زمینه فناوری، تولید، پیشرفت علم می‌خواهیم انجام بدهیم، ملتفت

لوازم فرهنگی آن باشیم. گاهی اوقات انسان در یک کاری وارد می‌شود، یک کار اقتصادی انجام می‌دهد، [اما] لوازم آن و تبعات فرهنگی آن را توجه ندارد. بله، کار کار بزرگی است؛ کار اقتصادی بزرگی است، منتها بر آن مترتب می‌شود لوازمی و تبعاتی که برای کشور ضرر دارد؛ فرهنگ این جور است. باید در همهٔ مسائل آن نکتهٔ فرهنگی را در نظر داشت و نگذاریم که این از یاد برود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). چنانکه از بیانات مقام معظم رهبری و ادبیات ایشان استنباط می‌شود، مفهوم پیوست فرهنگی عبارت است از ارزیابی آثار و پیامدهای فرهنگی اجرای طرح‌های مهم در حوزه‌ها و نظام‌های مهم جامعه، تدوین سیاست‌ها و راهکارهایی برای کاهش آثار و پیامدهای آسیب‌زای اجرای این گونه طرح‌ها، تقویت آثار و پیامدهای مثبت آن، استفادهٔ بهینه از فرصت‌های فرهنگی که اجرای این طرح‌ها ایجاد می‌کنند و چگونگی مدیریت چالش‌ها، تهدیدها و موانعی که این طرح‌ها در طول اجرا برای فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی ایجاد می‌کنند (جوکار، ۱۳۹۸: ۱). شایان ذکر است که بی‌توجهی به ابعاد فرهنگی و اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی، در کشور ما در تعارض آشکار با اهداف متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز قرار می‌گیرد؛ چراکه اساسا هدف اصلی انقلاب اسلامی گسترش و حاکمیت ارزش و فرهنگ اسلامی است. لذا رصد آثار و پیامدهای فرهنگی طرح‌ها، لوایح، تصمیمات و مصوبات، پروژه‌ها و اقدامات در دستگاه‌ها و قوای سه‌گانه و بخش خصوصی و توجه به اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم موارد ذکر شده در جامعه، مسئله‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (درخشان، ۱۳۹۴: ۲۳).

پیشینه پژوهش

پیوست فرهنگی در کشور، موضوع جدیدی است و در این خصوص به‌ویژه در مراکز تجاری و تفریحی، مطالعات زیادی انجام نگرفته است. در ذیل به برخی از مطالعات انجام شده در کشور که عمدتاً موضوعات کلی و تعیین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی بوده است، اشاره می‌شود. شایان ذکر است در خصوص ارزیابی آثار فرهنگی، پژوهش‌های خارجی بیشتر با رویکرد اجتماعی صورت گرفته است. عامل هلالی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای

با عنوان «الزامات فرهنگی و اجتماعی پروژه‌های تجاری و مگامال‌ها» که توسط دبیرخانه پیوست فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد به چاپ رسیده، بررسی پیامدهای مگامال‌ها و مجتمع‌های تجاری و راهبردهای مقابله با این پیامدها در ادبیات نظری را به‌عنوان هدف نهایی در نظر گرفته است. بدین منظور ابتدا مبانی نظری پیامدهای این مراکز در ایران و خارج تجزیه و تحلیل و سپس تجارب نمونه‌های داخلی و خارجی واکاوی شد تا بتوان از این دو بند پیامدهای مجتمع‌های تجاری را درک کرد. سپس طرح بالادست این پژوهش که شاخص‌های شورای راهبری پیوست فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد است، تحلیل شد تا بتوان با استفاده از شاخص‌های آن به ارائه راهبردهای اولیه برای مجتمع‌های تجاری در چهارچوب آن شاخص‌ها در ادبیات نظری دست یافت. در ادامه برای اقدامات میدانی، الگوهای رفتاری در پروژه‌های شهری بررسی شد تا بتوان از آن تجارب در اقدامات میدانی استفاده کرد. در نتیجه از مبانی نظری به دست آمده در تعیین محورهای مصاحبه، پرسشنامه و اقدامات میدانی استفاده شده است. خروجی این بخش چهارچوب اولیه پژوهش است تا بتوان با استفاده از آن به اقدامات میدانی و تحلیل‌های کمی و کیفی پرداخت و راهبردهای اولیه برای مجتمع‌های تجاری را در ادبیات نظری استخراج کرد.

قادری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» ضمن بررسی تعاریف و اهداف پیوست فرهنگی، شاخص‌های اصلی برای این ارزیابی از نظریه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت استخراج شد. در ادامه، شاخص‌های مذکور در ارزیابی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های شهری بررسی شد. سپس تفاوت پیوست فرهنگی و ارزیابی تأثیرات فرهنگی در ادبیات جهان با یکدیگر مقایسه شد. در بخش پایانی نیز به منظور تسهیل کار پژوهشگران حوزه پیوست فرهنگی، الگوی عملیاتی ارزیابی تأثیر فرهنگی بر اساس الگوی جهانی آن توضیح داده شده است.

ستوده‌فر و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارائه الگوی تدوین پیوست فرهنگی پروژه‌های عمرانی در کلان‌شهر اصفهان» با هدف شناسایی شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌ها، به‌منظور ارائه الگوی تدوین پیوست فرهنگی پروژه‌های عمرانی شهر اصفهان تحقیق کرده‌اند. در این راستا از روش تحلیل محتوای کیفی در بخش کیفی و روش تحلیل عاملی

تأییدی و اکتشافی در بخش کمی برای تحلیل داده‌ها استفاده کرده‌اند. آن‌ها بر اساس یافته‌ها، ابعاد پیوست فرهنگی پروژه‌های عمرانی شهر اصفهان را ذیل هشت موضوع اصلی دسته‌بندی کرده‌اند: روابط اجتماعی (تنوع قومی و گروهی و تعاملات اجتماعی)، خلاقیت (زیرساخت‌های شهری نوآورانه)، آینده‌نگری (شهر آینده و شهر هوشمند)، هویت (هویت ایرانی، هویت اسلامی، هویت انقلابی و مزیت رقابتی شهر اصفهان (گردشگری)، امنیت (امنیت فیزیکی، و امنیت ذهنی)، عدالت، جذابیت (عناصر طبیعی و عناصر غیرطبیعی) و نمادها و نشانه‌ها (تأثیر عناصر عینی و الهام‌پذیری از فرهنگ غالب).

در خشان و طغیانی (۱۳۹۴) در مطالعه خودشان با عنوان «روش‌شناسی تهیه ارزیابی فرهنگی اجتماعی برای طرح‌های اقتصادی» با طراحی و پیشنهاد شاخص‌های فرهنگی اجتماعی بومی، زمینه‌ای را برای محاسبه و وزن‌دهی و برآوردسازی آثار فرهنگی و اجتماعی طرح‌ها ارائه می‌دهند. نتایج به دست آمده حاکی است که برخی پروژه‌های اقتصادی که در ارزیابی توجیه اقتصادی ندارند در مجموع با آثار فرهنگی و اجتماعی، توجیه اجرایی نخواهند داشت.

رستمی و وجدانی درستکار (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «ارزیابی اثرات اجتماعی مجتمع تجاری تیراژه واقع در لبه محله باغ فیض در منطقه ۵ تهران» که با دیدی انتقادی و واقع‌بینانه و مشارکتی متمرکز شده است، به شناسایی اثرات مثبت و منفی طرح اقدام نمودند. روش مطالعه بر اثرات پس از اجرا متمرکز و با استفاده از شیوه مطالعه اسناد فرادست، مشاهده میدانی، پیمایش، تحلیل نهادی و پرسشنامه، به دنبال دستیابی به هدف اصلی خود مبنی بر شناسایی اثرات مثبت و منفی طرح بر حیات شهروندان این محله و منطقه در تهران است. از بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد اصلیت‌ترین مسائل حاصل از پروژه مذکور افزایش ترافیک و میزان آلودگی هوا و شلوغی محدوده است که از طریق راه‌های تعدیلی چون استفاده بیشتر از وسایل حمل‌ونقل عمومی و محدودیت ورود وسایل نقلیه شخصی به محدوده قابل کنترل است.

استیو^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیق خود با عنوان «انطباق ارزیابی اثرات اجتماعی برای رسیدگی به اثرات و خطرات حقوق بشری در یک پروژه» نشان داده‌اند که چگونه ارزیابی اثرات اجتماعی می‌تواند به‌عنوان ابزار شناسایی، تجزیه و تحلیل و مدیریت بحران‌های اجتماعی و حقوق بشر هنگامی که با برنامه مدیریت پروژه یکپارچه می‌شود به کار گرفته شود. بدین منظور به‌طور خاص، ابزارهایی را ارائه داده‌اند تا مسائل مربوط به حقوق بشر را به‌طور نظام‌مند در متن جامعه بررسی کنند. آنان مجموعه‌ای از معیارها را برای ارزیابی اهمیت تأثیرات اجتماعی منفی به‌عنوان مبنایی برای تعیین خطرات اجتماعی و اولویت‌بندی اقدامات مدیریتی ارائه داده‌اند. در این مقاله عوامل اجتماعی که بر رابطه بین فعالیت‌های پروژه و اثرات اجتماعی و حقوق بشری با تجربه جوامع آسیب‌دیده تأثیر می‌گذارد عبارت است از: نگرش نسبت به فعالیت‌های پروژه، ارتباط با بافت جغرافیایی (هویت محلی و وابستگی به معیشت مبتنی بر منابع طبیعی) و نگرش طرفین پروژه. ارزیابی تأثیرات اجتماعی در این مقاله شامل چهار مرحله: ۱. پیش‌بینی تغییرات اجتماعی و تأثیرات که ممکن است از هر پروژه ناشی شود ۲. تعیین اهمیت تغییرات پیش‌بینی شده ۳. برآورد نتایج پیش‌بینی شده ۴. ایجاد اولویت برای اقدام است. مؤلفه‌های چهارچوب اجتماعی عبارت است از: محیط زندگی، ظرفیت‌های مردم (توانایی و آزادی‌ها)، جامعه و حوزه سیاسی، دارایی و فعالیت‌های معیشتی، فرهنگ و مذهب، زیرساخت‌ها و خدمات، مسکن و کسب‌وکار و زمین و منابع طبیعی.

مبانی نظری تحقیق

تأثیر فرهنگی

مفهوم تأثیر فرهنگی به پیامدهای هر نوع اقدام یا سیاست جمعی یا خصوصی افراد انسانی گفته می‌شود که تا اندازه زیادی بر ارزش‌ها، هنجارها، باورها، کردارها، نهادها، سبک زندگی، کار، جامعه‌پذیری و سازمان‌دهی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Sagnia, 2004:7).

1. Esteves

ارزیابی تأثیر فرهنگی (پیوست فرهنگی) (CIA)

مفهوم ارزیابی تأثیر فرهنگی (Cultural Impact Assessment) به معنای ارزیابی تأثیرات طرحی بر باورها، ارزش‌ها یا عملکرد و دیگر مؤلفه‌های فرهنگی جمعیت خاصی است که طرح یا برنامه‌ای قرار است برای آن‌ها اجرا شود (قادری، ۱۳۹۲: ۸۹). در زمینه ارزیابی آثار فرهنگی به صورت بین‌المللی فعالیت‌های ویژه صورت نگرفته است، زیرا شاخص‌ها و ملاک‌های فرهنگی در هر کشور یا منطقه متفاوت است و نمی‌توان نسخه‌ای کلی برای همه کشورهای ارائه کرد، اما در سال‌های گذشته در ذیل مطالعات فرهنگی در هر کشور، الزاماتی نیز برای طرح‌های اقتصادی طراحی و تدوین شده است که استفاده از آن‌ها به صورت عمومی توجیه منطقی ندارد و طراحی بومی این شاخص‌ها لازم و ضروری است (درخشان، ۱۳۹۴: ۲۲).

ارزیابی تأثیر فرهنگی و اجتماعی در سطح بین‌الملل

دو اقدام مهم و تأثیرگذار در سطح بین‌المللی، زمینه ظهور ارزیابی تأثیر فرهنگی را فراهم کرد: ۱. تأسیس سازمان جدیدی در سال ۱۹۸۰ در ایالت متحده آمریکا که مؤسسات مربوط به ارزیابی‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فناورانه، بهداشتی و ... را شامل می‌شد. در حقیقت، این سازمان زمینه ظهور ارزیابی تأثیر فرهنگی را فراهم کرد. ۲. در اجلاس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲، موضوع تأثیرات محیطی اقدامات توسعه‌ای به عنوان ابزار مناسبی برای توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفت و از آنجا که لازمه تهیه گزارش‌های مربوط به ارزیابی تأثیرات زیست محیطی، بهره‌گیری از علوم انسانی و تجربی بود، به تدریج بررسی مؤلفه‌های اجتماعی، هنگام انجام ارزیابی‌های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفت که در نهایت، موجب شد اصول و دستورالعمل‌های معینی درباره ارزیابی تأثیر اجتماعی تدوین شود. این مسئله گام دومی برای تدوین اصولی برای ارزیابی تأثیر فرهنگی بود که در سومین همایش سالانه بین‌المللی تنوع فرهنگی در سال ۲۰۰۲ انجام گردید (Sagnia, 2004:7).

اهداف پیوست فرهنگی

هدف اصلی ارزیابی تأثیر فرهنگی یا پیوست‌نگاری فرهنگی عبارت است از:

۱. شناخت هویت و دامنه منابع فرهنگی و تاریخی ارزشمند و مهم؛
 ۲. شناسایی میزان تأثیرپذیری این منابع از اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها؛
 ۳. ارائه راهکاری مناسب برای جلوگیری از ایجاد تغییرات نامناسب فرهنگی و حفظ تنوع فرهنگی.
- با اجرای پیوست فرهنگی، سازمان‌ها و مؤسسات و کارگزاران طرح‌های عمرانی و اقتصادی در قبال تأثیرات فرهنگی طرح‌ها مسئول هستند و اقدامات لازم برای کاهش یا جبران تأثیرات مذکور را باید انجام دهند (بنیان، ۱۳۸۷: ۲).

رابطه ارزیابی آثار محیط زیستی با ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی

یک پروژه را می‌توان در یک تقسیم‌بندی دارای سه نوع تأثیر دانست: تأثیرات اقتصادی، تأثیرات اجتماعی و تأثیرات محیط زیستی. پس از آنکه بر اساس قانون سیاست ملی محیط زیست (NEPA) در سال ۱۹۶۹، ارزیابی پیامدهای محیط زیستی جزء کلیدی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی محیط زیست در آمریکا شد، در سال‌های اخیر برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران به ضرورت بررسی بهتر نتایج اجتماعی پروژه‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها پی برده‌اند. در پاسخ به این نیاز، گروهی از متخصصان علوم اجتماعی، کمیته‌ای بین‌سازمانی تشکیل دادند و برای ارزیابی اثرات اجتماعی (SIA^۱)، اصول راهنمایی تحت قوانین NEPA ایجاد کردند. به‌وسیله ارزیابی آثار اجتماعی می‌توان نتایج عملکرد فردی و گروهی جمعیت‌های انسانی را معنا کرد و تأثیر این عملکرد را بر روش زندگی، کار، تفریح و ارتباطات آنان با یکدیگر شناخت. ارزیابی پیامدهای اجتماعی شامل آثار فرهنگی نیز می‌شود که می‌تواند در بایدها، ارزش‌ها و باورهای جوامع انسانی تغییراتی ایجاد کند.

1. Social Impact Assessment

طبق قوانین NEPA، بنگاه‌ها قبل از هر عملیات مهمی که بر کیفیت محیط زیست انسانی تأثیر می‌گذارد باید گزارش ارزیابی پیامدهای محیط زیستی را تهیه کنند. در تهیه این گزارش استفاده از موضوعات اجتماعی بسیار ضروری است. تأثیرات اجتماعی علاوه بر تأثیرات بر فرهنگ که موضوع مطالعه ما در این پژوهش است، شامل تأثیرات بر سبک زندگی، تأثیرات بر جماعت‌ها، تأثیرات بر کیفیت زندگی و تأثیرات بر سلامت می‌شود. تأثیرات فرهنگی را ذیل تأثیرات اجتماعی با عنوان تأثیرات اجتماعی-فرهنگی (Assessment Cultural-Socio) نیز مورد مطالعه قرار می‌دهند. ارزیابی تأثیرات فرهنگی در بردارنده اطلاعاتی درباره رفتارها و باورهایی است که در ارتباط با یک ویژگی فرهنگی، نژادی یا گروهی شکل می‌گیرند و به وجود می‌آیند (صنایع گلدوز، ۱۳۸۷: ۳۶).

مراکز تجاری و تفریحی (مال)

شاپینگ مال^۱ اصولاً به مجموعه‌ای از مغازه‌های خرده‌فروشی، رستوران‌ها، استودیوهای عکاسی، سالن‌های آرایشی و کسب و کارهای دیگر مراکز خرید گفته می‌شود. امروزه برای جذب و وفادارسازی مشتریان علاوه بر مغازه‌ها و فروشگاه‌ها، خدمات و امکانات تفریحی نیز در این مراکز در نظر گرفته شده است. امکانات تفریحی می‌تواند شامل شهربازی، سینما، مراکز ورزشی و مانند آن باشد. وجود رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها و فست‌فودها نقش مهمی در جذابیت این مراکز داشته است. از دیگر ویژگی‌های یک مرکز خرید می‌توان به داشتن مکان‌هایی از قبیل کیوسک، فست‌فود و پارکینگ اشاره کرد. کیوسک‌ها غرفه‌هایی واقع در راهروهای مراکز خرید است که خدمات و محصولات کوچک در آن‌ها به فروش می‌رسد. مفهوم اصلی در شاپینگ مال بر سه عنصر کلیدی: ۱. خرید یک مرحله‌ای در عرصه و اعیان بزرگ، ۲. پارکینگ بزرگ، ۳. قیمت پایین، هر روزه استوار است (Marc Dupius, 1396:3).

1. shopping mall

هویت ایرانی اسلامی

هویت در اصطلاح مجموعه‌ای از علایم آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه، اهلیتی از اهلیت دیگر یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود که محتوا و مظهر این ظرف به مقتضای هر جامعه و ملت متفاوت و بیانگر نوعی وحدت، اتحاد، هم‌شکلی، تداوم، استمرار، یکپارچگی و عدم تفرقه است (آتشین‌بار، ۱۳۸۸: ۴۷).

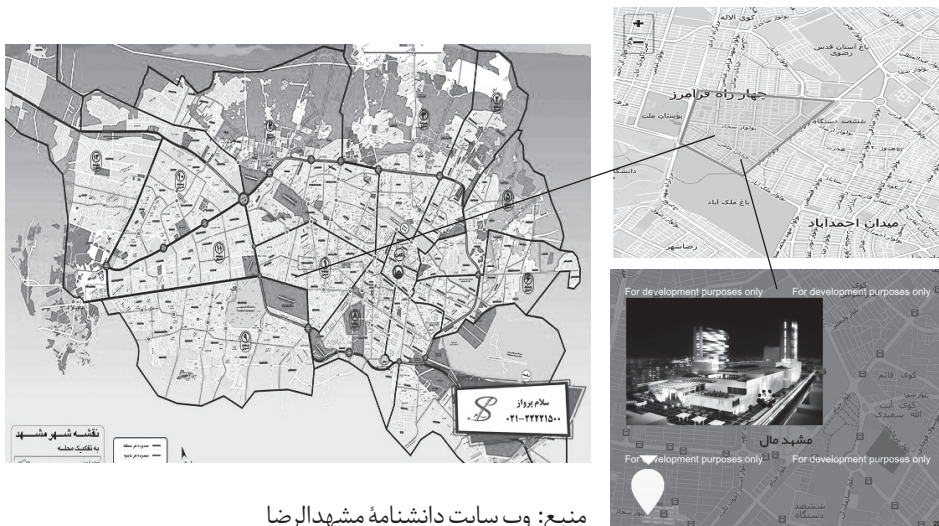
هویت ایرانی اسلامی مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح کشور است که مؤلفه‌های گوناگونی چون ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی و اجتماعی دارد. هویت ایرانی اسلامی در مرتبه نخست لایه‌ای از هویت ملی ایرانی دارد که طی فرایندی لایه‌ایدئولوژیکی فراملی اسلامی بر آن کشیده شده است و به تدریج با هم امتزاج یافته‌اند به طوری که از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر هستند (قربانی، ۱۳۸۳: ۶۳). رهبر معظم انقلاب، هویت ملی ایرانی را هویتی تلفیقی و متشکل از دو بعد ایرانی‌ت و اسلامیت می‌دانند (اکبری، ۱۳۹۹: ۵۲).

رویکرد سیستمی به موضوعات فرهنگی و اجتماعی

پرداختن به موضوعات فرهنگی و اجتماعی با رویکرد سیستمی و نظام‌مند کمتر مورد توجه پژوهشگران و متولیان فرهنگی جامعه بوده است. نمود این کم‌توجهی را می‌توان در نبود آمار و اطلاعات منسجم و یکپارچه در حوزه‌های فرهنگی مشاهده کرد؛ چنانکه این آمارها در حوزه‌های دیگر مثلاً اقتصادی به صورت دقیق وجود داشته و مرتب از سوی نهادهای رسمی (مرکز آمار و بانک مرکزی) به روز رسانی می‌شود. دسترسی به آنها نیز به سهولت برای محققان و پژوهشگران امکان‌پذیر است. نبود این گونه اطلاعات، کار را برای محققان و به تبع آن مدیران جامعه در پرداختن سیستمی به مقولات اجتماعی و فرهنگی دشوار کرده است (فردوسی جهرمی، ۱۳۹۶: ۷۳).

مواد و روش پژوهش

شکل ۱: موقعیت مجتمع تجاری رفاهی مشهدمال



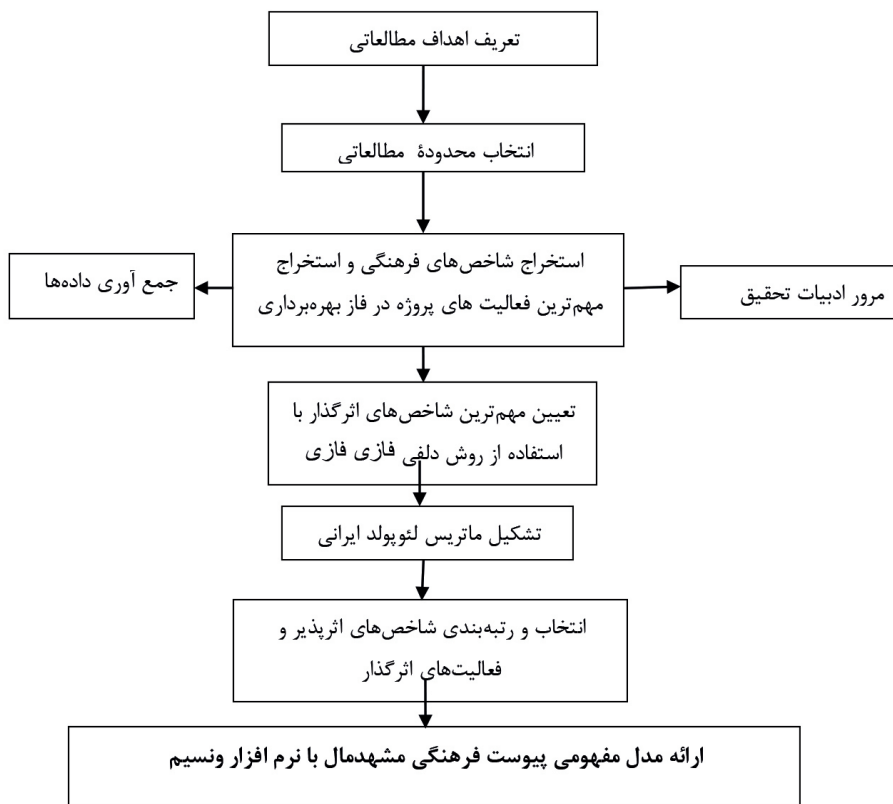
منبع: وب سایت دانشنامه مشهدالرضا

عملیات احداث پروژه مشارکتی مشهدمال در زمینی به مساحت عرصه ۷۸ هزار متر مربع با زیربنای حدود ۵۷ هزار متر مربع با کاربری تجاری (مال) و برج دفاتر تجاری و هتل و پارکینگ بسیار فراوان و بیش از ضابطه مجاز شهرداری با تاسیس شرکت ستاره تابناک هشتم توس سال ۱۳۹۰ آغاز شده است. مدت زمان اجرای این پروژه پنج سال و نیم پیش‌بینی شده و شامل فضای تجاری، هتل و برج اقامتی و اداری، فضای تأسیساتی و پارکینگ است که علاوه بر فضای تجاری، ۲۳ طبقه هتل و ۱۷ طبقه فضای اداری نیز در حاشیه بولوار خیام احداث خواهد شد. محله سجاد از آن محله‌های قدیمی و مرفه شهر مشهد است (کاظمی، ۱۳۹۴: ۱).

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش توصیفی و پیمایشی است. به‌منظور دستیابی به اهداف پیش‌روی مقاله، در گام اول با بررسی‌های جامع کتابخانه‌ای و ارزیابی نتایج مطالعات گذشته مرتبط، تعدادی از شاخص‌های مؤثر برای فرایند ارزیابی آثار فرهنگی، شناسایی و استخراج شد. در گام بعدی با بهره‌گیری از روش دلفی فازی

در میان کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه پیوست فرهنگی، از بین این عوامل، مهم‌ترین شاخص‌های اثرگذار در فرایند پیوست‌نگاری فرهنگی شناسایی شد. در گام نهایی با بهره‌گیری از این شاخص‌ها و تشکیل ماتریس ارزیابی آثار فرهنگی در فاز بهره‌برداری، میزان اثرگذاری هر کدام از فعالیت‌های مجتمع تجاری مشهدمال بر زیرشاخص‌های استخراجی از فرایند دلفی فازی، مشخص شد. در شکل ۲ شمای کلی فرایند تحقیق به تصویر کشیده شده است.

شکل ۲: شمای کلی از روند تحقیق



منبع: نگارندگان

برای دستیابی به اهداف تحقیق و رسیدن به الگوی پیوست فرهنگی، از ابزارهای تحقیق

شامل مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و به‌کارگیری روش‌ها و تکنیک‌های آماری و نرم‌افزاری متناسب، بهره‌گرفته شده است. در آغاز ارزیابی آثار فرهنگی یا پیوست‌نگاری فرهنگی، ابتدا باید لیستی از شاخص‌های فرهنگی و نیز فعالیت‌های تأثیرگذار مجتمع‌های تجاری و رفاهی در فاز بهره‌برداری تهیه شود. از روش دلفی فازی به‌عنوان یک روش علمی به‌منظور غربالگری و تعیین بااهمیت‌ترین شاخص‌های تأثیرات اجتماعی و فرهنگی مرکز تجاری و تفریحی مشهدمال، استفاده شده است. سپس ماتریس لئوپولد ایرانی شامل فعالیت‌ها و زیرشاخص‌هاست تشکیل می‌گردد و در اختیار کارشناسان و خبرگان قرار می‌گیرد تا تکمیل کنند.

جامعه آماری

در این پژوهش به علت ماهیت تکنیک‌ها، روش نمونه‌گیری از نوع غیراحتمالی است. بنابراین از تکنیک نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شده است. در این تکنیک، خبرگی پاسخ‌دهندگان ملاک انتخاب بوده است که ۱۵ نفر انتخاب شده‌اند. ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد و ۲۰ درصد زن بوده‌اند. بیشترین فراوانی پاسخ‌دهندگان مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال بوده است و کمترین فراوانی مربوط به ۴۰ تا ۵۰ سال بوده که تنها ۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان را تشکیل داده‌اند. بیشترین پاسخ‌دهندگان دارای سابقه کاری بین ۱۰ تا ۱۵ سال بوده‌اند و کمترین فراوانی مربوط به سابقه کار بیشتر از ۱۵ سال با ۲۰ درصد بوده و بیشترین پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات دکترا ۷۰ درصد و کمترین فراوانی مربوط به تحصیلات کارشناسی ارشد ۳۰ درصد بوده است.

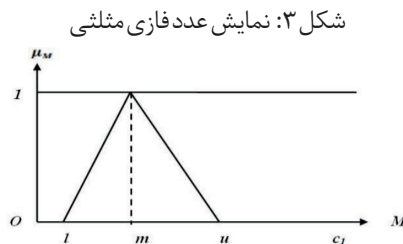
اعداد فازی

اعداد فازی نوعی خاص از مجموعه‌های فازی هستند. بنابراین با درک مفهوم مجموعه فازی می‌توان اعداد فازی را به‌سادگی ساخت. در منطق کلاسیک هر عدد یک مقدار

قطعی و مشخص است، اما در منطق فازی هر عدد مقداری تقریبی است. انواع مختلفی از اعداد فازی مثل اعداد فازی مثلثی، ذوزنقه‌ای و نمایی وجود دارد که در این پژوهش از اعداد مثلثی فازی استفاده می‌شود. عدد فازی مثلثی، یک عدد فازی است که با سه عدد حقیقی به صورت $(u, m, F=I)$ نمایش داده می‌شود. کران بالا که با u نشان داده می‌شود بیشینه مقادیری است که عدد فازی F می‌تواند اختیار کند. کران پایین که با l نشان داده می‌شود کمینه مقادیری است که عدد فازی F می‌تواند اختیار کند. مقدار m محتمل‌ترین مقدار یک عدد فازی است. درجه عضویت فازی یا تابع عضویت یک عدد فازی مثلثی به صورت زیر است (کوره‌پزان دزفولی، ۱۳۸۴: ۱۲).

$$\mu\left(\frac{x}{M}\right) = \begin{cases} \cdot & x < l \\ \frac{x-l}{m-l} & l \leq x \leq m \\ \frac{u-x}{u-m} & m \leq x \leq u \\ \cdot & x > u \end{cases} \quad \text{رابطه ۱}$$

عدد فازی مثلثی $(u, m, F=I)$ در فضای هندسی به صورت زیر نمایش داده می‌شود.



رویکرد دلفی فازی

روش دلفی برای نخستین بار توسط دالکی و هلمر در سال ۱۹۶۳ ارائه شد. این تکنیک یک فرایند قوی مبتنی بر ساختار ارتباطی گروهی است که در مواردی که دانشی ناکامل و نامطمئن در دسترس باشد، با هدف دستیابی به اجماع گروهی در بین خبرگان استفاده می‌شود (Keeney, 2001: 196). مزیت روش دلفی فازی در توجه

به هر یک از نظرات و یکپارچه کردن آن‌ها برای دستیابی توافق گروهی است (2: 2008 Kuo). به منظور فازی‌سازی نظرات خبرگان از اعداد فازی استفاده می‌شود. اعداد فازی، مجموعه‌های فازی هستند که در مواجهه با عدم قطعیت درباره یک پدیده به همراه داده‌های عددی تعریف می‌شود. بنابراین در این پژوهش از روش دلفی فازی به منظور تعیین و دستیابی به اهمیت شاخص‌ها استفاده شده است. این روش ترکیبی از روش دلفی و نظریه مجموعه‌های فازی است که توسط ایشیکاوا و همکاران ارائه شد (7: Bouzon, 20016).

گام‌های روش دلفی فازی

گام اول: شناسایی زیرشاخص‌های پژوهش با استفاده از مرور جامع مبانی نظری پژوهش بدین صورت که ابتدا شاخص‌های مهم فرهنگی و اجتماعی با بررسی مطالعات و مبانی نظری، تعداد ۳۰ زیرشاخص فرهنگی و اجتماعی در قالب ۶ بُعد هویت، عدالت، امنیت و آرامش، طبیعت و زیبایی، ارتباطات اجتماعی و رضایت‌مندی به دست آمد. در این مقاله تأکید بر هویت و زیرشاخص‌های آن است. شاخص هویت با ۹ زیرشاخص بررسی شد.

گام دوم: گردآوری نظرات خبرگان. در این مرحله، زیرشاخص‌های هویت در اختیار ۱۵ نفر از خبرگان و کارشناسان قرار گرفت و از خبرگان درخواست شد تا با استفاده از متغیرهای کلامی کاملاً بی‌اهمیت، خیلی بی‌اهمیت، بی‌اهمیت، اهمیت متوسط، بااهمیت، خیلی بااهمیت و کاملاً بااهمیت، مطابق جدول ۲، مهم‌ترین زیرشاخص‌ها را با وارد کردن گدهای ۱ تا ۷ مشخص کنند.

جدول ۲: اعداد فازی مثلثی متناظر با متغیرهای کلامی

کد	متغیرهای کلامی	U	M	L
۱	کاملابی اهمیت	۰٫۱	۰	۰
۲	خیلی کم اهمیت	۰٫۳	۰٫۱	۰
۳	کم اهمیت	۰٫۵	۰٫۳	۰٫۱
۴	متوسط	۰٫۷۵	۰٫۵	۰٫۳
۵	با اهمیت	۰٫۹	۰٫۷۵	۰٫۵
۶	خیلی با اهمیت	۱	۰٫۹	۰٫۷۵
۷	کاملاً با اهمیت	۱	۱	۰٫۹

گام سوم: تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی. در این مرحله متغیرهای کلامی با توجه به جدول ۲ به صورت اعداد فازی مثلثی تعریف شد.

گام چهارم: تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی. سپس در این مرحله، به جای هر متغیر کلامی که طبق نظر خبرگان به دست آمد، اعداد فازی قرار داده شد و عملیات میانگین گیری و فازی زدایی انجام گردید.

تأیید یا رد شاخص‌های مؤثر در ارزیابی آثار

در این مطالعه از روش دلفی فازی برای یافتن نظرات خبرگان نسبت به یک معیار یا شاخص استفاده شده است. فرض بر این است که ارزش معیار z از نگاه خبره شماره i از میان n خبره $(a_{ij}, b_{ij}, c_{ij}) = \tilde{r}_{ij}$ است که مقدار z برابر با $z=1, 2, \dots, m$ و میزان i برابر با $i=1, 2, \dots, n$ است. بدین ترتیب ارزش فازی معیار z از رابطه زیر محاسبه می‌شود که برابر $(a_j, b_j, c_j) = \tilde{r}_{ij}$ است.

$$a_j = \min\{a_{ij}\}$$

$$b_j = \sum \frac{b_{ij}}{n}$$

$$c_j = \max\{c_{ij}\}$$

برای دی‌فازی سازی نیز از رابطه زیر استفاده شده است.

$$S_j = \frac{(a_j + b_j + c_j)}{3} \quad j = 1, 2, \dots, m$$

در نهایت برای استخراج شاخص های مد نظر، حدی را برای قبول یا عدم قبول آن شاخص، در نظر گرفته شده است. در این مطالعه با توجه به قانون ۳۰-۷۰، مرز قابل قبول بودن معیار در حدود هفت ۷ است. اگر مقدار دی‌فازی شده عدد فازی مثلی با توجه به نظر خبرگان نزدیک به ۰/۷ یا بالاتر از آن باشد، به عنوان شاخص قابل قبول، پذیرش شده و در غیر این صورت مورد قبول واقع نمی شود (صمدی میارکلائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۶).

ماتریس لئوپولد اصلاح شده یا ایرانی

ماتریس لئوپولد اولین بار توسط لئوپولد در سال ۱۹۷۱ برای تجزیه و تحلیل آثار محیط زیستی ارائه شد. سپس ماتریس لئوپولد توسط دکتر مخدوم با توجه به شرایط بومی ایران، بازسازی و اصلاح شد و به عنوان ماتریس لئوپولد ایرانی مورد استفاده کارشناسان ایرانی در زمینه ارزیابی قرار گرفت. از عمده ترین مزایای این ماتریس، می توان به جمع بندی آثار منفی و مثبت پروژه در دو مرحله اجرا و پیاده سازی و بهره برداری اشاره کرد. همچنین ساختار ساده و قابلیت اجرای ارزیابی چند معیاری از مزایای این رویکرد به شمار می رود. در این روش، ماتریسی تشکیل می شود که ریز فعالیت های پروژه در مراحل اجرا و پیاده سازی و بهره برداری، در ستون های آن و فاکتورهای مختلف محیط زیست در سطری های آن قرار می گیرد (ولی زاده و شکری، ۱۳۹۴: ۲۵۲). در این پژوهش ماتریس لئوپولد ایرانی که شامل فعالیت ها و زیرشاخص هاست، تشکیل شد (جدول ۳) و در اختیار کارشناسان و

خبرگان قرار گرفت تا تکمیل کنند.

جدول ۳: ماتریس ارزیابی اثرات مشهود بر شاخص‌های فرهنگی

فعالیت‌ها	زیر شاخص‌ها														
	گردشگران خارجی	هتل‌های مدرن	محل احداث مجتمع تجاری	عروضه کالاهای با برندهای خارجی	مجموعه‌ی آبی مدرن	شهر بازاری مدرن	تیلیات تجاری نامتعارف	رفتار فرودشندگان	نوع پوشش فرودشندگان	مسجد و نمازخانه مدرن و محل	معماری مدرن	کالاهای لوکس گران قیمت	رستوران‌های لوکس	وسایل سرگرمی مدرن	امان‌های مدرن
تأمین ارزش‌های اخلاقی															
تأمین رفتارهای دینی															
تناسب با تاریخ															
تناسب با پیشینه‌ی فرهنگی و تمدنی															
نشانه‌شناسی دینی															
حفظ یا افزایش محوریت حرم و زیارت															
نشانه‌شناسی فرهنگ عمومی															
احساس تعلق به امت اسلامی															
نشانه‌شناسی انقلاب اسلامی															
میانگین فازی															

تدوین مدل مفهومی با رویکرد سیستمی و نرم افزار ونسیم^۱

پیش‌نیاز استفاده از رویکردهای سیستمی، آشنایی با روش‌های کمی مدیریت و به‌کارگیری آن‌هاست. استفاده از روش‌های کمی نیز نیازمند به‌کارگیری داده‌ها و اطلاعات کمی در این حوزه است. از آنجا که مباحث فرهنگی و اجتماعی کمتر مورد توجه مدیران و کارگزاران کشور بوده، آمار و اطلاعات موثقی در این خصوص تولید نشده است. حال آنکه این آمار

1. VENSIM

در حوزه‌های دیگر مانند اقتصاد به دقت تولید شده و مورد استفاده می‌گیرد (فردوسی جهرمی، ۱۳۹۶: ۳۳). بعد از شناسایی و تدوین فعالیت‌های مراکز تجاری و تفریحی و نیز شناسایی و تدوین زیرشاخص‌های فرهنگی، در این بخش به دنبال شناسایی نحوه اثرگذاری فعالیت‌ها بر زیرشاخص در سیستم مورد مطالعه هستیم. مدلی که در این بخش ارائه می‌شود بر مبنای اصول پویایی‌شناسی سیستم تهیه شده است. مقاله‌ای نیز در این خصوص با عنوان *System dynamic simulation A new method in social impact assessment (SIA)* توسط Shobeir Karami و همکاران در سال ۲۰۱۷ تهیه شده است که تلاش دارد به‌منظور پیش‌بینی آثار اجتماعی پروژه‌های توسعه، ابزارهای شبیه‌سازی تأثیرات اجتماعی را معرفی نماید، زیرا از آنجا که پاسخ بسیاری از سؤالات اجتماعی با روش‌ها و تکنیک‌های معمول دشوار است از این‌رو پژوهشگران سعی کرده‌اند ابزارهای شبیه‌سازی کامپیوتری را به‌منظور اثربخشی SIAS توسعه دهند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در مقایسه با روش‌های سنتی ارزیابی آثار اجتماعی سدها، شبیه‌سازی سیستمی دینامیک می‌تواند داده‌های کمی و کیفی را از منابع مختلف ادغام نماید و ارزیابی اثربخش و پویا از تأثیرات اجتماعی فراهم کند. هدف از این مقاله معرفی سیستم شبیه‌سازی دینامیکی سیستم (SD) به عنوان یک روش پیشنهادی جدید در توسعه فیزیکی بزرگ است (کرمی، ۲۰۱۷: ۲۶).

یافته‌های پژوهش

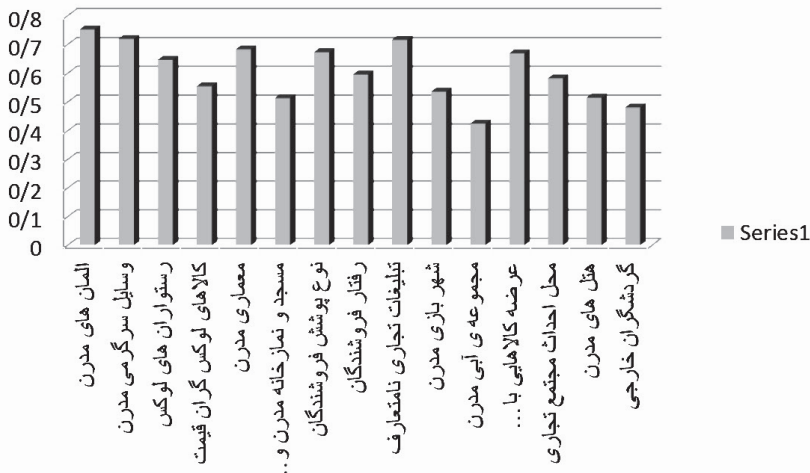
طبق روش دلفی فازی، بررسی نظرات کارشناسان و خبرگان در این مطالعه حاکی از آن بود که از بین ۹ زیرشاخص در نظر گرفته شده، ۸ شاخص با توجه به اصل ۳۰-۷۰ به‌عنوان زیرشاخص‌های مؤثر در ارزیابی تعیین شد. سپس ماتریس لئوپولد ایرانی که شامل فعالیت‌های مهم مشهودمال در قسمت ستون‌ها و زیرشاخص‌های هویت در قسمت سطرهاست، تشکیل شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: ماتریس لئوپولد دیفازی شده نظرات خبرگان

شاخص ها	فعالیت ها	المان های مدرن	وسایل سرگرمی مدرن	رستوران های لوکس	کالا های لوکس گران قیمت	معماری مدرن	مسجد و نمازخانه مدرن و مجلل	نوع پوشش فرودشنندگان	رفتار فرودشنندگان	تبلیغات تجاری نامتعارف	شهر بازی مدرن	مجموعه ی آبی مدرن	عرضه کالا هایی با برندهای خارجی	محل احداث مجتمع تجاری	هتل های مدرن	گردشگران خارجی
		هویت	تأمین ارزش های اخلاقی	0.907	0.889	0.72	0.59	0.77	0.61	0.92	0.85	0.9	0.65	0.41	0.74	0.61
	تأمین رفتارهای دینی	0.89	0.833	0.76	0.59	0.78	0.67	0.92	0.82	0.861	0.67	0.45	0.64	0.52	0.59	0.65
	تناسب با پیشه ی فرهنگی و تمدنی	0.748	0.753	0.55	0.6	0.59	0.42	0.57	0.56	0.655	0.56	0.37	0.55	0.71	0.48	0.53
	نشانه شناسی دینی	0.683	0.62	0.62	0.56	0.67	0.51	0.33	0.29	0.546	0.59	0.43	0.39	0.59	0.39	0.28
	حفظ یا افزایش محوریت حرم و زیارت	0.724	0.67	0.62	0.65	0.65	0.68	0.68	0.68	0.681	0.38	0.68	0.5	0.46	0.68	0.68
	نشانه شناسی فرهنگ عمومی	0.691	0.644	0.66	0.47	0.65	0.39	0.7	0.43	0.681	0.44	0.31	1.47	0.72	0.43	0.28
	احساس تعلق به امت اسلامی	0.68	0.702	0.64	0.5	0.67	0.41	0.71	0.63	0.71	0.59	0.45	0.52	0.57	0.52	0.43
	نشانه شناسی انقلاب اسلامی	0.7	0.65	0.6	0.47	0.67	0.43	0.57	0.51	0.701	0.43	0.3	0.54	0.49	0.46	0.4
	میانگین قطعی	0.753	0.72	0.65	0.56	0.68	0.51	0.67	0.6	0.717	0.54	0.43	0.67	0.58	0.52	0.48

در جدول ۴، میانگین قطعی ستون‌ها نشان دهنده میزان اثرگذاری هر یک از فعالیت های مشهودال بر زیرشاخص های هویت است.

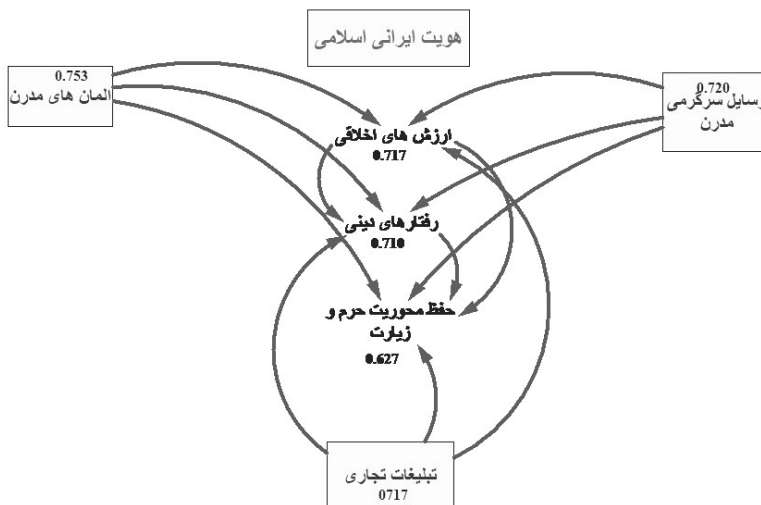
شکل ۴: میزان اثرگذاری فعالیت‌ها بر زیرشاخص های هویت



از بین فعالیت‌های مجتمع تجاری رفاهی مشهودال مطابق شکل ۴، المان‌های مدرن با امتیاز ۰/۷۵۳ و وسایل سرگرمی مدرن با امتیاز ۰/۷۲۰ و نیز تبلیغات تجاری با امتیاز

۰/۷۱۷، بیشترین اثرگذاری را بر شاخص‌های فرهنگی داشته‌اند و به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار می‌گیرند. همچنین فعالیت‌های «گردشگران خارجی» و «هتل‌های مدرن» و «مجموعه‌های ورزشی مدرن»، کمترین اثرگذاری را بر زیرشاخص‌های هویت دارند.

شکل ۵: مدل سیستمی پیوست‌نگاری فرهنگی مراکز تجاری و تفریحی با تأکید بر هویت ایرانی اسلامی



نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، ارائه یک الگوی جامع برای پیوست فرهنگی با تأکید بر هویت ایرانی اسلامی است. همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد تاکنون در کشور، روش نظام‌مند و جامعی برای پیوست فرهنگی ارائه نشده است. اکثر مطالعاتی که در زمینه پیوست فرهنگی در کشور انجام پذیرفته است، به صورت مقطعی و سفارشی انجام گرفته و همه محققان از روش‌های مختلفی چون SWOT و مطالعات میدانی و ... استفاده کرده‌اند که به نتایج کاربردی منجر نشده است. ضمن اینکه دیدگاه اکثر مطالعات انجام شده، بیشتر ارزیابی اثرات اجتماعی است و به مسائل فرهنگی جامعه اسلامی توجه نکرده‌اند.

از طرفی، مجتمع‌های تجاری بزرگ و چندمنظوره، چندسالی است که به‌صورت قارچ‌گونه در کشور در حال رشد است و اثرات اجتماعی و فرهنگی، به‌ویژه اثرات فرهنگی مخربی در جامعه به بار آورده است که لزوم تهیه پیوست فرهنگی این مراکز تجاری، به‌شدت در کشور احساس می‌شود. این پژوهش برای اولین بار، الگویی ارائه می‌دهد تا بتوان به‌صورت جامع، مراکز تجاری بزرگ همچون مشهدمال را ارزیابی فرهنگی کرد.

مراکز تجاری و تفریحی بزرگ یا مال‌ها و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها، تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته است و محققان جامعه‌شناسی به‌ویژه در ایران توجه چندانی به این امر نداشتند. در دهه‌های اخیر، در مراکز خرید چرخشی فرهنگی اتفاق افتاده است؛ به این معنا که این مراکز فقط کارکرد اقتصادی و رفع مایحتاج روزمره ندارند، بلکه کارکردی فرهنگی نیز یافته‌اند. مطالعه مقالات و پایان‌نامه‌های انجام‌شده در زمینه ارزیابی اثرات فرهنگی (پیوست‌نگاری فرهنگی) در داخل کشور نشان می‌دهد که هنوز مدل جامع و نظام‌مندی برای پروژه‌های مال‌سازی، تدوین نشده و تحقیقات موجود درباره تأثیرات فرهنگی چنین پروژه‌هایی محدود است. از این رو این مقاله بر ارائه الگوی ارزیابی اثرات فرهنگی مال‌ها تأکید و با استفاده از روش دلفی فازی و نیز استفاده از روش ماتریس لئوپولد ایرانی، الگویی مناسب را برای پیوست فرهنگی مشهدمال تدوین می‌نماید. فرایند کلی اجرای تحقیق به شرح ذیل است:

در ابتدا با توجه به اهداف تحقیق، از طریق جست‌وجو در مقالات و منابع معتبر علمی و همچنین بحث و تبادل نظر با خبرگان، شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی مراکز تجاری و رفاهی یا مگامال‌ها، شناسایی گردید. همچنین از طریق جست‌وجو در سایت‌های مشاوره ساختمان و نیز مطالعات میدانی برخی از مراکز تجاری بزرگ در مشهد مقدس، فعالیت‌های این مراکز در فاز بهره‌برداری نیز شناسایی گردید. سپس از تکنیک دلفی فازی به‌منظور تأیید و غربالگری زیرشاخص‌های هویت ایرانی اسلامی، استفاده شده است. پس از آن، به‌منظور تکمیل اطلاعات از ماتریس لئوپولد ایرانی استفاده شده که بر اساس طیف لیکرت هفت‌گزینه‌ای با مقیاس فاصله‌ای ۱ تا ۷ تهیه شده است. پس از نهایی شدن آثار، میزان اثرپذیری زیرشاخص‌ها و نیز میزان اثرگذاری فعالیت‌های مجتمع

تجاری، مشخص شد. در ادامه با استفاده از نرم افزار سیستمی ونسیم (Vensim)، مدل مفهومی برای ارزیابی اثرات فرهنگی مشهدمال، تدوین گردید. بر اساس مطالب فوق، می توان مدل مفهومی (شکل ۵) را به عنوان الگوی پیوست‌نگاری فرهنگی برای مراکز تجاری و تفریحی بزرگ (مال‌ها) با تأکید بر هویت ایرانی اسلامی در نظر گرفت.

همان گونه که در شکل ۵ مشاهده می‌گردد مهم‌ترین زیرشاخص‌های هویت که از فعالیت‌های مرکز تجاری و تفریحی مشهدمال بیشترین اثرپذیری را دارند عبارت است از: ارزش‌های اخلاقی، رفتارهای دینی و حفظ محوریت حرم و زیارت. همچنین مهم‌ترین فعالیت‌های مشهدمال در فاز بهره‌برداری که بر زیرشاخص‌های هویت اثر می‌گذارد عبارت است از: المان‌های مدرن، وسایل سرگرمی مدرن و تبلیغات تجاری مدرن. در مدل مفهومی پیوست‌نگاری فرهنگی، ارتباط بین زیرشاخص‌های اثرپذیر و فعالیت‌های اثرگذار مشخص شده است.

به عنوان مثال از جمله فعالیت‌هایی که بر زیرشاخص‌های هویت اثر زیادی دارد، المان‌های مدرن به کار رفته در مرکز تجاری و تفریحی است. المان‌های شهری ترکیبی هستند از پیکره‌ها، احجام و اشکال هندسی، پرتره‌ها، فریم‌ها و به طور کلی هر چیزی که جنبه زیبایی و تزیینی برای شهر داشته باشد. این المان‌های شهری در گروه مبلمان و تجهیزات شهری بوده و در قدم اول بعد از جلب کردن توجه مشاهده‌کنندگان، ذهن آن‌ها را درگیر خود می‌کند. اصلی‌ترین دلیل استفاده از المان شهری کمک به زیبایی و جذابیت‌های بصری است. در عین حال این المان‌های مدرن می‌توانند پیغام‌های مختلفی برای مشاهده‌کنندگان داشته باشند. به عنوان مثال، استفاده از مجسمه‌هایی با موضوعات فرهنگی و دینی، می‌تواند ذهن بازدیدکنندگان را به سوی این موضوعات بیشتر جلب کند و ارتقای هویت ایرانی اسلامی را به همراه داشته باشد.

از دیگر فعالیت‌هایی که بر زیرشاخص‌های هویت اثر زیادی دارد، وسایل سرگرمی مدرنی است که در مرکز تجاری و تفریحی وجود دارد. وسایل سرگرمی مدرن هم مانند المان‌های مدرن، هم می‌توانند آثار مثبت و منفی داشته باشند. مراکز خرید بزرگ، وجه

جدایی ناپذیر زندگی‌های امروزی است؛ مراکز و مال‌هایی با دکوراسیونی جدید و جذب‌کننده که صرفاً دیگر تجاری نیستند و طبقات تفریحی فرهنگی را نیز به خود اختصاص داده‌اند؛ همین امکانات زمینه‌گذاران اوقات فراغت در این مکان‌ها را چشمگیر کرده است. مراجعه‌کنندگان به بهانه خرید، تفریح یا حتی گذراندن ساعاتی از زمان بیکاری خود، در این مراکز به گشت و گذار می‌پردازند. ابزارها و وسایل سرگرمی مدرنی که در این مراکز به چشم می‌خورد، می‌تواند زمینه‌ارتقای هویت ایرانی اسلامی را فراهم نموده یا برعکس در صورتی که این وسایل سرگرمی چه از نظر ظاهری و چه از نظر نوع بازی، موضوعات غیر فرهنگی و غیر دینی را به مردم منتقل کند، می‌تواند هویت ایرانی اسلامی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و از مسیر اصلی خود منحرف نماید. پس با توجه به مدل مفهومی ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از کارکردهای مراکز تجاری از جمله وسایل سرگرمی مدرن، در یک سیستم پویا، اگر به‌درستی مدیریت نشوند می‌تواند آثار مخربی در طول زمان، بر فرهنگ و ارزش‌های دینی به‌ویژه در شهرهای زیارتی داشته باشند.

فعالیت مهم دیگری که بر زیرشاخص‌های هویت بسیار اثرگذار است، تبلیغات تجاری است. امروزه تبلیغات تجاری بخشی از زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها شده به نحوی که ارتباط با این تبلیغات اجتناب‌ناپذیر است. وجود تلویزیون در همه خانه‌ها و به تبع آن مشاهده تبلیغات تجاری آن، تبلیغات محیطی در خیابان‌ها، معابر و ایستگاه‌ها و مراکز تجاری و نیز سایر تبلیغاتی که محسوس یا نامحسوس به افراد منتقل می‌شود، گریز از تبلیغ را در جامعه مدرن امروزی غیرممکن ساخته است. با توجه به آسیب‌های موجود در تبلیغات در کنار مزایای آن و اینکه حذف این موضوع از زندگی انسان غیرممکن است، لزوم مدیریت تأثیرات آن بیش از پیش نمایان می‌شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- آتشین بار، محمد. (۱۳۸۸). «تداوم هویت در منظر شهری». باغ نظر. ش ۱۲. صص: ۴۵-۵۶.
- اکبری، عسگر. (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب». فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۸۳. صص: ۴۵-۶۳.
- بنیانیان، حسن. (۱۳۸۷). «پیوست فرهنگی؛ کلید رفع مظلومیت فرهنگ و احیاء تمدن اسلامی». مجله پگاه حوزه. شماره ۲۳۱. صص: ۴-۷.
- درخشان، مرتضی. طغیانی، مهدی (۱۳۹۴). «روش‌شناسی تهیه ارزیابی فرهنگی اجتماعی برای طرح‌های اقتصادی». فصلنامه راهبرد فرهنگ. سال هشتم. بهار ۱۳۹۴. شماره ۲۹. صص: ۷-۳۶.
- رستمی، زهرا؛ وجدانی دستکار، نازنین. (۱۳۹۴). «ارزیابی اثرات اجتماعی پروژه مجتمع تجاری تیرازه بر ساکنین منطقه ۵ شهرداری تهران». کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری. تبریز.
- ستوده‌فر، مهدی؛ دوازه امامی، حمید؛ اعتباریان، اکبر. (۱۳۹۸). «ارائه الگوی تدوین پیوست فرهنگی پروژه‌های عمرانی در کلانشهر اصفهان». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. شماره ۳۶. صص: ۴۷-۶۲.
- صمدی میارکلانی، حسین؛ صمدی میارکلانی، حمزه؛ بسطامی، مسعود. (۱۳۹۶). «به کارگیری روش دلفی فازی و فرآیند تحلیل سلسله مراتب گروهی فازی در شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های موثر بر توسعه کارآفرینی سازمانی». دو فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی. شماره ۱۱. صص: ۶۱-۷۴.
- صنایع گلدوز، سروناز. (۱۳۸۷). «ارزیابی اثرات اجتماعی». نشریه علمی محیط و توسعه. شماره ۲. صص: ۳۵-۴۲.
- قادری، صلاح‌الدین. (۱۳۹۲). «شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: عملیاتی کردن این شاخص‌ها برای انجام پژوهش‌های میدانی». دو فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. شماره ۴. صص: ۸۵-۱۰۸.
- قربانی، قدرت‌الله. (۱۳۸۳). «هویت ملی از دیدگاه شهید مطهری». مطالعات ملی. سال پنجم. شماره ۱۸. صص: ۶۳-۸۶.
- کشاورز، رضا؛ دلبری، سید مهدی. (۱۳۹۶). «مطالعه تأثیرات فرهنگی و اجتماعی زیارت امام رضا (علیه السلام) در تبادل و ارتقای فرهنگی جوامع مسلمان». فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ رضوی. دوره ۵. شماره ۱۸. صص: ۳۷-۶۲.
- کوره‌پزان دزفولی، امین. (۱۳۸۷). اصول تئوری مجموعه‌های فازی و کاربرد آن در مدل‌سازی مسایل مهندسی آب. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- مافی، عزت‌الله؛ سقایی، مهدی. (۱۳۸۸). «کاربرد مدل MS-SWOT در تحلیل مدیریت گردشگری مطالعه موردی: کلانشهر مشهد». دو فصلنامه جغرافیا و توسعه. دوره ۷. شماره ۱۴. صص: ۲۷-۵۰.
- ولی‌زاده، سهیل؛ شکری، زینب. (۱۳۹۴). «بررسی کاربرد ماتریس لئوپولد ایرانی در ارزیابی اثرات محیط زیستی (EIA) گزینه‌های مدیریت پسماند جامد در شهر بیرجند». فصلنامه سلامت و محیط. سال هشتم. شماره ۲. صص: ۲۴۹-۲۶۲.

منابع اینترنتی

- ابهری، مجید. (۱۳۹۶). «اثرات منفی و رفتاری مال‌ها». <https://khabardena.ir>. کد خبر: ۲۲۳۶۱. ۱۳۹۶/۶/۲۵. تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۷/۸.
- اکبری، حسین. (۱۳۹۶). «بحران آسیب‌های اجتماعی در مشهد». پایگاه اینترنتی روزنامه دنیای اقتصاد به نشانی: <https://donya-e-eqtesad.com>. بهمن ۱۳۹۶. شماره خبر ۳۳۴۳۹۱۴. تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۷/۸.
- جوکار، علیقلی. (۱۳۹۸). «پیوست‌نگاری فرهنگی و اهمیت آن. شورای عالی انقلاب فرهنگی». کد خبر ۶۳۶۷. تاریخ نشر: ۱۳۹۹/۵/۲۳. <https://sccr.ir>. تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۵/۲۳.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی. <https://farsi.khamenei.ir>. تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۵/۲۳.
- عبدی، بیژن. (۱۳۹۴). «مال‌سازی؛ چالش اقتصاد مقاومتی». کد خبر ۷۸۵۳۸. تاریخ نشر: ۱۳۹۴/۲/۲۸. iraneeconomist.com. تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۵/۲۳.
- عصر ساختمان. (۱۳۹۶). پایگاه اطلاع‌رسانی صنعت ساختمان. کد خبر: ۴۲۵۶۷. تاریخ نشر: ۱۳۹۶/۱۱/۷. <http://asresakhteman.com>. تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۵/۲۳.
- فردوسی جهرمی، علی. (۱۳۹۶). «شناخت آثار تبلیغات تجاری کالاها و خدمات بر سبک زندگی و الگوی مصرف و ارائه راهکارها». طرح پژوهشی شورای عالی انقلاب فرهنگی. پایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی. <https://sccr.ir>. تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۵/۴.
- کاظمی، یونس. (۱۳۹۴). «شهر مشهد چه نیازی به مشهدمال دارد؟». کد خبر ۲۶۴۲۹۰. پایگاه خبری تحلیلی «پارس». <https://www.parsnews.com>. تاریخ نشر: ۱۳۹۴/۱/۱۲. تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۵/۲۳.
- هومین فر، الهام. (۱۳۹۲). «ارزیابی اثرات اجتماعی چیست؟». پرتال فرهنگی راسخون. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۰/۶/۵.

منابع لاتین

- Bouzon, M. (2016). *Identification and analysis of reverse logistics barriers using fuzzy Delphi method and AHP*. Resources, Conservation and Recycling, 197-182.
- Campbell, L. K. (2016, August). *A social assessment of urban parkland: Analyzing park use and meaning to inform management and resilience planning*. Environmental Science & Policy. Volume 62, pp. 44-34.
- Johnston, K. A. (2018, July 30). *The role of time and social churn in impact assessment: An engagement-based model*. Volume 71, pp. 109-102.
- Keeney, S. (2001). *A critical review of the Delphi technique as a research*. International Journal of Nursing Studies, 200-195.
- Kuo, Y.-F. (2008). *Constructing performance appraisal indicators for mobility of the service industries using Fuzzy Delphi Method*. Expert Systems with Applications,

1939-1930.

- Marc Dupuis, N. P. (1996). *Business distance and global retailing: a model for analysis of key success/failure factors*. International Journal of Retail & Distribution Management .

- Sagnia, B. K. (2004). *framework for cultural impact assessment*. International. Network for Cultural Diversity.



حکمرانی؛ گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی

در اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۵

روح الله صفریان^۱، امیر مسعود شهرام نیا^۲، سید جواد امام جمعه زاده^۳

چکیده

امام رضا (علیه السلام) در دوره خاصی از نظر فکری و اجتماعی به سر می بردند. ایشان تحت شرایطی پیشنهاد منصب ولایت عهدی از طرف مامون را می پذیرند و سعی دارند جامعه را با راهبردهایی منطقی در مسیر حقیقی دین اسلام هدایت کنند. هدف اصلی این مقاله این است که چهار چوب تحلیلی چهار مرحله‌ای اسپرینگز بر راهبردهای امام رضا (علیه السلام) در آن دوره برای هدایت مردم و تمشیت امور را بازسازی کند. بر این اساس، ابتدا به ارزیابی چشم‌انداز ایشان از مشکلات و وضعیت آن روز جامعه اسلامی می پردازد. سپس بی‌نظمی و ناهنجاری‌های جامعه را از نظر آن امام ریشه‌یابی می‌کند. همچنین جامعه مطلوب و راه حل امام رضا (علیه السلام) برای رسیدن به آن را مطالعه می‌کند. از نظر امام رضا (علیه السلام) مهم‌ترین مشکل و بی‌نظمی آن روز جامعه اسلامی، انحراف در وجوه گوناگون از دین اسلام است. ایشان راه حل مشکلات را پیاده کردن یک ساختار اجتماعی و سیاسی خاص در چهار چوب اسلام می‌داند که در قالب امروزی آن ایجاد نوعی حکمرانی مطلوب است. البته ایشان قبل از ولایت عهدی، بیشتر حوزه اجتماعی حکمرانی را دنبال و پس از آن به تمام ابعاد توجه می‌کند. تحقق این حکمرانی هم در قالب گفت‌وگو در تمام ارکان اجتماعی است. آن امام بزرگوار از این طریق و با اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی و به عبارتی با ایجاد سرمایه اجتماعی بسیاری از اهداف خود را تحقق می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، گفت‌وگو، سرمایه اجتماعی، سیاسی.

۱. دکترای علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول): Rooholla.safar@yahoo.com

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: Javad@ase.ui.ac.ir

مقدمه

یکی از منازعات اصلی در اداره امور عمومی و مدیریت توسعه، نقش و جایگاه حداکثری دولت و کنش منفعلانه نیروهای اجتماعی و یا برعکس است. در دوره‌های مختلف و با تغییر و تحول فکری و فنی در عرصه جهانی از یک طرف و تجارب ناموفق جهانی در غالب شدن هر کدام از آن‌ها از طرف دیگر، موازنه‌سازی بین این دو دیدگاه مطرح می‌شود و چهارچوب راهبری امور در قالبی اجتماعی و با نقش همه نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد، چنانکه بر رویکردی تأکید می‌شود که هم دولت کارآمد و راهبر و هم نهادهای فراگیر اجتماعی را در ساختارش جای داده باشد (عجم‌اوغلو و رایبسنون، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بر مبنای این همراهی دولت و جامعه و نقش همزمان آن‌ها در مدیریت امور، نهادهای بین‌المللی مقوله حکمرانی خوب را مطرح می‌کنند.

در نظام حکمرانی فرایند تصمیم‌سازی در فضای اجتماعی و ساختاری انجام می‌شود؛ به عبارتی، در شکل دادن به سیاست‌ها و استراتژی‌های کلی همه نیروها با هم مشارکت و تعامل ساختاری دارند (Guga, 2015: 8). مشارکت اجتماعی از طریق شبکه‌ها و انجمن‌ها صورت می‌گیرد و به‌نوعی محصول نظام حکمرانی جامعه همکار و دولت کارآمد است. در این نظام اگرچه تنوعات و پیچدگی‌ها فراوان است، اما از طریق ساختارها و سنت‌های پیش‌بینی شده تعامل، گفت‌وگو و مذاکره صورت می‌گیرد و در نهایت هم توافق نهادینه شده در طراحی راهبردها ایجاد می‌شود. در اسلام و مشخصاً قرآن کریم هم به حکمرانی با لفظ حکم اشاره شده است و به کیفیت، ماهیت و حتی ساختار حکمرانی و ثقل آن (امامت و ولایت) می‌پردازد. در تعالیم قرآنی اشاره شده است در نظام حکمرانی اسلامی آحاد جامعه در اداره امور نقش و مشارکت گسترده‌ای دارند. هدف اصلی این نظام حکمرانی، قرار گرفتن انسان‌ها در مسیر کمال و سعادت است (ص، ۲۶؛ آل عمران، ۱۰۴). برقراری این نظام برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه حتی در دورانی هم که قدرت سیاسی در دست نداشتند، مهم‌ترین راهبرد است. البته با استقرار حکومت اسلامی، سازه‌های اجتماعی و سیاسی این حکمرانی، بروز عینی و همه‌جانبه پیدا می‌کند (جمال‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۱). با توجه به شرایط جامعه در پیشرفت زمینه‌های فلسفی و فکری و نیز وجود انواع انحرافات،

امام رضا (علیه السلام) برای ایجاد جامعه‌ای توحیدمحور و از بین بردن انحرافات چه در دوره قبل و چه در دوره پس از ولایت‌عهدی به ایجاد نوعی ساختار اجتماعی و سیاسی (حکمرانی) می‌اندیشند که این حکمرانی در دوره قبل از ولایت‌عهدی بیشتر جنبه اجتماعی و پس از آن به تمامی جنبه‌ها سرایت می‌کند. بنیان این حکمرانی با گفت‌وگو و همکاری اجتماعی شکل می‌گیرد. حتی مناظراتی که امام با مکاتب و فرقه‌های منحرفی داشتند در غایت به چنین سرانجامی می‌رسید و از حالت تعارضی و تقابلی دوری می‌جست. امام رضا (علیه السلام) در نهایت با گفت‌وگو و مناظراتی که در این دوره در لایه‌های مختلف شکل می‌دهند، نوعی اعتماد، شبکه‌سازی و سرمایه اجتماعی را راهبری می‌کنند که در تحقق اهداف مد نظر امام (علیه السلام) راهگشاست.

بنابراین مسئله اصلی این تحقیق این است که راهبرد اصلی امام رضا (علیه السلام) برای غلبه بر انحرافات در جامعه اسلامی بر چه اساسی شکل می‌گیرد؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که راهبرد امام رضا (علیه السلام) برای غلبه بر انحرافات موجود بر پایه نوعی ساختار اجتماعی و سیاسی (حکمرانی) شکل می‌گیرد که با گفت‌وگو و بین ارکان گوناگون اجتماعی و ایجاد سرمایه اجتماعی در جامعه سامان‌دهی می‌شود. بنابراین این مقاله با روش تحلیلی (بازسازی چهار چوب تحلیلی اسپرینگز) و توصیفی و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی راهبرد کلی امام رضا (علیه السلام) برای غلبه بر انحرافات و مشکلات جامعه آن روز می‌پردازد. این راهبرد بر اساس سازمان‌دهی یک نظام حکمرانی با دولتی راهبر و جامعه‌ای گفت‌وگومحور تنظیم می‌شود که به ایجاد سرمایه اجتماعی و در نهایت سعادت همگانی منجر خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

در موضوع این مقاله آثار پژوهشی پیدا می‌شود که هر چند غیرمستقیم با آن ارتباط پیدا می‌کند، اما ساختار و کلیت این آثار و حتی راهبرد آن‌ها با مقاله پیش رو متفاوت است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

جمال زاده و همکاران (۱۳۹۸) و محمدرضا حاتمی و همکاران (۱۳۹۷) در مقالاتی برخی از مهم‌ترین مولفه‌های حکومت مطلوب از نظر ایشان را بررسی کرده‌اند در حالی که مقاله پیش رو، علاوه بر مولفه‌های سیاسی، به ساختار اجتماعی و نیز ارتباط ارکان اجتماعی با یکدیگر و دولت می‌پردازد. نجفی و همکاران (۱۳۹۷)، فقط به حقیقت امامت و شکل آرمانی حکومت شیعه می‌پردازند. لنگرودی و همکاران (۱۳۹۷) به وحدت و اتحاد بین مسلمانان پرداخته‌اند و بیشتر موضوع اتحاد در لایه‌های پایین اجتماعی مد نظر است، اما مقاله حاضر موضوع اتحاد و هماهنگی بین تمام ارکان اجتماعی را بررسی می‌کند. محور اصلی پژوهش سروری مجد (۱۳۹۵) مولفه‌های اصلی تعاملات اجتماعی است. بدیهی است این اثر پژوهشی به دور رکن تعاملات سیاسی و اجتماعی و کارکرد آن در سیره امام رضا (علیه السلام) می‌پردازد. اسماعیل زاده و همکاران (۱۳۹۵) به تقریب مذاهب تنها به‌عنوان یکی از راهبردهای امام رضا (علیه السلام) در حکمرانی مطلوب پرداخته‌اند. درخشه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی فقط به عناصر آرمانی در اندیشه و سیره سیاسی امام (علیه السلام) می‌پردازند و راهبرد اجتماعی ایشان را مد نظر قرار نمی‌دهند. امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۳) به تعدادی از مواضع و راهکارهای امام (علیه السلام) در برابر برخی مسائل جامعه آن روز می‌پردازند، در حالی که مقاله پیش رو ساختار اجتماعی سیاسی خاص امام رضا (علیه السلام) در قبال مشکلات آن روز جامعه اسلامی را بررسی می‌کند.

۲. چهار چوب مفهومی

حکمرانی

«حکمرانی» ترجمه‌ای از واژه یونانی «کوبرنا» به معنای سکاندار قایق یا کشتی بود که ظاهراً اولین بار به‌عنوان استعاره توسط افلاطون به مفهوم رهبری به کار رفت. افلاطون این واژه را به‌منظور تبیین کم و کیف یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی معنای راندن، حکمرانی کردن یا رهبری را به خود گرفت (سلطانی نژاد،

۱۳۹۶: ۸۲). بر این اساس، حکمرانی به مثابه عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت تلقی می‌شود. در عصر جدید نهادهای تخصصی و مشورتی سازمان ملل متحد، حکمرانی را مجموعه اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور می‌دانند و همچنین فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت کرده و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (UN-HABITAT, 2012:5).

بر این پایه حکمرانی در حقیقت تعامل میان ساختار، فرایند و سنت که بر اعمال و رابطه قدرت در مجموعه‌های نهادی و اجتماعی دلالت دارد و مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت‌ها در جهت منافع مردم یا همه شهروندان، رأی‌دهندگان و کارکنان مستتر است (Plumptre, 1999:3). جوهره حکمرانی به روابط اجزای درون حکومت و بخش‌های غیرحکومتی اشاره دارد (Kaufmann, 2010:4). موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری در این‌باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و چه هنگام به‌دست آورد (Sapru, 2006:308).

گفت‌وگو

گفت‌وگو ابزاری است که در زندگی روزمره انسان‌ها و جامعه کاربرد دارد و ارتباطات بر اساس آن شکل می‌گیرد. بنابراین به عنوان مقوله اجتماعی و جامعه‌شناختی تعبیر می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۲۲). گفت‌وگو با یاری خرد، اراده خام مردم را به اراده جمعی و یگانه شده تبدیل می‌کند (بور دو، ۱۳۷۸: ۲۱۱). با گفت‌وگو امکان درک، تفاهم و شناخت متقابل فراهم و پس از درک و تفاهم و شناخت متقابل شرایط برای مبادله فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به نحوی مولد و سازنده بین طرفین آماده می‌شود (موثقی، ۱۳۸۶: ۱۹۶).

سرمایه اجتماعی

نظریه سرمایه اجتماعی به هانی فن^۱ باز می‌گردد، اما ابداع و ابتکار سرمایه اجتماعی را در حوزه مشارکت مدنی و عملکرد نهادی به رابرت پونتام^۲ نسبت می‌دهند. سرمایه اجتماعی از نظر پونتام جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد است که با تسهیل همکاری، هماهنگی و گفت‌وگو در میان اعضای جامعه، آن‌ها را قادر می‌سازد تا اهداف مشترک‌شان را به‌طور کارآمدی دنبال کنند (Putnam, 2001:123). این تعریف دو جزء برای سرمایه اجتماعی تعیین می‌کند: ۱. پیوند عینی میان افراد ۲. این پیوند دوجانبه مورد اعتماد و مستلزم احساس مثبت است (Paxton, 1999:93). با افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه، احساس مثبت و اعتماد در سه سطح فردی، گروهی و کلان فراهم می‌شود (Bourdieu, 1985: 284). از دید ولکاک، سرمایه اجتماعی در بردارنده اطلاعات، اعتماد و هنجارهای متقابل است که در شبکه‌های اجتماعی و تعاملات یک فرد وجود دارد و رسیدن به اهداف را تسهیل می‌کند (Woolcock, 1988:153).

۳. چهارچوب نظری (حکمرانی مطلوب؛ گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی)

در الگوی حکمرانی مطلوب، دو بخش سازمان‌دهی شده است. در بخش اول، ساختار شکلی و کلی نیروهای اجتماعی ترسیم شده است. در بخش دوم، ماهیت دولت و نظام سیاسی ارائه می‌شود. بخش اول در حقیقت بر مبنای شراکت و همسازی نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد. تعادل بخشی بین ارزش‌های متنوع و گرایش‌های متفاوت و از بین بردن جنبه‌های ناسازگار در عرصه اجتماعی ماهیت اصلی این بخش از الگو است (2016: 52). این بخش، نظام حکمرانی از طریق گفت‌وگو و با شبکه‌سازی، موازنه‌سازی بین تعارضات و الگوهای متفاوت اجتماعی زمینه را برای ایجاد سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند و بر کارکرد و ماهیت نظام حکمرانی تاثیرگذار است.

1. Hani Fan
2. Robert Pontam

تحولات فکری و فنی ناشی از روند جهانی شدن عرصه برای تعاملات و گفت‌وگو بین بخش‌های گوناگون گشوده و نوعی تمرکززدایی در تمام امور شکل می‌دهد. در این دوره ارتباطات و گفت‌وگوها به صورت شبکه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و فرایندهای ارتباطی در سطح ملی و جهانی و به‌طور همه‌جانبه شکل می‌گیرد (بور، ۱۳۹۷: ۲۳). این ارتباطات نهادی در سطوح مختلف (دولت-دولت، دولت-جامعه، جامعه-جامعه، دولت-نظام بین الملل و جامعه-نظام بین الملل) شکل می‌گیرد. در نظام حکمرانی مطلوب گفت‌وگو در قالب انتقادی و عقلانی و به شکل سراسری جریان دارد و ترتیبات سیاسی و راهبری نظام اجتماعی با تعاملی چندجانبه، درک متقابل، اجماع فرهنگی و حتی توافق دربارهٔ موارد خاص ایجاد می‌شود و شرایط زندگی بشر از طریق کنش جمعی بهبود می‌یابد (1: 2018 Binder). نقش دولت در این چهارچوب تسهیل و سازمان‌دهی جامعه است به نحوی که منابع و امکانات بهینه تخصیص یابد و بی‌طرفانه مکانیسم‌های حل منازعه را برقرار و صلح و مسالمت و گفت‌وگو را به‌صورتی مولد و سازنده بین افراد و اقشار مختلف جامعه ایجاد و از آن محافظت و پاسداری کنند (موتقی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

در نظام حکمرانی مطلوب، سیاست‌گذاری از طریق تعامل و گفت‌وگو انجام می‌پذیرد و حکومت‌ها به همکاری با بازیگران خارج از کنترل سلسله‌مراتبی‌شان وابسته می‌شوند و یک الگوی نسبتاً پایدار سیاست‌گذاری و هماهنگی به وجود می‌آورند (310: 2012 Kazantsev). از این رو حکمرانی در قالب مطلوب و ایده‌آل آن بر ماهیت متکثر قدرت و تکثیر آن میان سطوح دولتی و غیردولتی، تشویق و ترغیب تمرکززدایی از دولت و اتکای روزافزون بر اشکال گوناگون مشورت و مشارکت شهروندان تکیه دارد. در این معنا، حکمرانی از رهگذر نگرشی جدید و متفاوت به مسئله محدود ساختن قدرت سنتی و ایجاد تغییر در آن برای نیل به مدل‌های متنوع تصمیم‌گیری جمعی می‌پردازد. دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که ناکارآمدی نسبی دولت‌ها در انجام یک‌جانبه امور موجب ایجاد و بسط این مفهوم شده است. بنابراین با جداسازی میان بخش‌های مختلف دولت و نیز ایجاد تمایز میان بخش خصوصی و بخش دولتی و بخش دولتی و جامعه مدنی از سوی دیگر سعی در تغییر ساختار سنتی و عمودی قدرت می‌شود و نقش و تأثیرگذاری نهادهای

موازی دولت در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها افزایش پیدا می‌کند. قدرت مشروع از طریق مشارکت، گفت‌وگو و مناظره نهادها و نیروهای متنوع در سطوح مختلف به دست می‌آید (UN-HABITAT, 2012:6-7). دولت هم نقشی تسهیل‌کننده و راهبر دارد. بنابراین حکمرانی اگرچه صورتی سیاسی دارد، اما ماهیتی اجتماعی و متکثر و در تعامل و گفت‌وگو به دست می‌آید.

با توجه به ساختارها و شبکه‌های شکل گرفته در نظام حکمرانی در سطوح خرد، میانی و کلان تعاملات، همکاری و اعتماد میان افراد گسترده می‌شود. به عبارتی هرچه در جامعه مشارکت مدنی، تعداد انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های مردم‌نهاد بیشتر شود زمینه گفت‌وگو و تعامل گسترش می‌یابد و به موازات آن سرمایه اجتماعی نیز تقویت می‌شود (van der Kroon, 2002: 9). دولت به جامعه مدنی و گفت‌وگوهای شکل گرفته در نهادهای آن نیاز دارد تا سیاست‌های خود را مشروعیت ببخشد. تشکل‌های جامعه مدنی نیز نیازمند نهادهایی هستند که پشتوانه‌ای قوی را برای حفظ حقوق فردی، حاکمیت قانون، تکثرگرایی و زمینه‌سازی در جهت فراهم آوردن بسترهای مناسب اقتصادی به وجود می‌آورد.

گفت‌وگو در سطح فردی و خرد هم موجب همکاری و هماهنگی می‌شود و کسب سود و مزیت متقابل را در پی دارد و این به پیش‌بینی رفتارهای اجتماعی منجر می‌شود و در جهت گسترش سرمایه اجتماعی عمل می‌کند (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۵)، اما گفت‌وگو در سطح دولت، اجماع‌نخبگان در ترسیم استراتژی‌های کلان و راهبری توسعه را در پی دارد و دولت‌پی‌درپی به اصلاح و پالایش فرایندهای سیاست‌گذاری می‌پردازد و این فرایند موجب کارآمدی دولت می‌شود. به عبارتی در قالب نظام حکمرانی مطلوب سیاست‌گذاری مؤثر نیازمند همکاری، هماهنگی و مشارکت در درون و فراتر از مرزهای سازمانی حکومت است؛ امری که مستلزم تعاملات گسترده بین بازیگرانی است که غالباً پیش‌زمینه‌ها و ترجیحات ارزشی کاملاً متفاوتی دارند (Pierre Peters, 2012: 45).

با توجه به نکات مورد اشاره باید گفت هر چند حکمرانی مطلوب به عنوان یک مقوله

در عصر جدید توسط نهادهای بین‌المللی مطرح می‌شود، اما ماهیت و اصول حکمرانی مطلوب و ساختار اجتماعی برآمده از آن با موازین و تعالیم اسلامی مطابقت دارد. از آنجا که الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی با ابتنا بر خدامحوری و حفظ کرامت انسانی و در نظرگرفتن ارزش‌های دینی در برنامه‌ریزی و نیز با ارائه سیاست‌های منطقی مبتنی بر وحی در سیاست‌گذاری امور اجتماعی در تلاش برای تامین سعادت دنیوی و اخروی است (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۰؛ رضایی، ۱۳۹۲: ۱۱۰). بر این اساس و با مراجعه به منابع اسلامی و سیره و روش حکومتی پیامبر اسلام و همچنین امام علی (علیه السلام) نوعی حکمرانی اسلامی با ساختاری مردم‌گرا سازمان‌دهی می‌شود که بر مولفه‌هایی مانند حق‌طلبی، قانون‌گرایی، فسادستیزی، رفق و مدارا، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، مشارکت، اثربخشی و پاسخگویی استوار است که این ماهیت و ساختار زمینه را برای ارتباطات اجتماعی و مشارکت سیاسی و در نهایت ایجاد سرمایه اجتماعی در مسیر از پیش تعیین شده فراهم می‌کند (درخشه، ۱۳۹۷: ۱-۲۸). بنابراین در حکمرانی اسلامی و در آیات قرآنی بر حضور مردم در صحنه سیاسی و حمایت از رهبر جامعه اسلامی تاکید شده است (انفال، ۶۴). در این ساختار، ارتباط و همدلی بین این دو بخش تعالی دنیوی و اخروی را در پی دارد. هر چند نقش حاکم و حکومت با دو وجه عدالت و علم‌راهبردی و تعیین‌کننده است (قادری، ۱۳۸۹: ۴۵؛ آل عمران، ۳۴ و ۳۳؛ انعام، ۹۰). بر اساس همین منشا راهبرد امام رضا (علیه السلام) در برابر انحرافات جامعه اسلامی پیش‌بینی نوعی حکمرانی است که ساختار اجتماعی و ماهیت سیاسی مذکور را در خود جای داده است.

۴. چهارچوب تحلیلی

نظریه بحران اسپرینگز چهار مرحله دارد که هر مرحله بر مرحله قبلی بنیان نهاده می‌شود. مرحله اول، شناسایی بحران‌ها و شکست‌های جامعه است. مرحله دوم ریشه‌یابی علل است. مرحله سوم نظریه به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی می‌پردازد و آرمان‌شهر مجسم می‌شود. در مرحله چهارم با توجه به اقدامات انجام شده در مراحل قبلی به ارائه درمان

وراه حل می‌پردازد (اسپیرینگز، ۱۳۷۰: ۳۸-۴۵ و ۲۳۵). در بخش پنجم این مقاله سیاست و سیره امام رضا علیه السلام در مواجهه با جامعه عصر خویش بر اساس چهار چوب تحلیلی مذکور بازسازی می‌شود. بدین ترتیب ابتدا وضعیت و مشکلات جامعه از نگاه امام رضا علیه السلام بررسی می‌شود. بر این پایه، به ریشه‌یابی مشکلات توسط ایشان پرداخته می‌شود. سپس با این مبنا بدیل مطلوب مد نظر ایشان ارائه می‌شود. در نهایت هم راهکارهای امام رضا علیه السلام برای رسیدن به این وضعیت تحلیل می‌شود.

۵. تبیین الگوی حکمرانی مطلوب در اندیشه و سیره امام رضا علیه السلام بر اساس نظریه بحران اسپیرینگز

۵-۱. مشاهده و شناسایی مشکلات جامعه اسلامی

دوره امام رضا علیه السلام (۱۴۷-۲۰۳ ق) یکی از دوره‌های پرتنش سیاسی و فرهنگی است. مدت امامت امام هشتم حدود ۲۰ سال بود که می‌توان آن را به سه بخش جداگانه تقسیم کرد: ۱۰ سال اول امامت آن حضرت مصادف با زمامداری هارون الرشید است، پنج سال بعد از آن همزمان با خلافت امین بود و پنج سال آخر امامت آن امام بزرگوار با خلافت مأمون و تسلط او بر قلمرو اسلامی آن روز مصادف است. بدین ترتیب امام رضا علیه السلام با سه خلیفه عباسی هم‌عصر بودند. اوضاع سیاسی و خلافت عباسی در دوره امام رضا علیه السلام با آشفتگی‌های فراوانی همراه است. در طول این ۲۰ سال قیام‌های علوی و غیرعلوی زیادی ضد حاکمیت عباسیان صورت گرفت که در نهایت حکومت عباسی موفق به سرکوبی این قیام‌ها شد (طبری، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۵۲۸۰). از دلایل دیگر، اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی نزع بر سر تصاحب قدرت در میان خود بنی عباس است. به‌خصوص می‌توان به درگیری بین امین و مأمون بر سر قدرت اشاره کرد. این درگیری‌ها و تعارضات نمی‌توانست با اخلاق و اصول اجتماعی مد نظر امام رضا علیه السلام تناسب داشته باشد. امام در مجموع مردم را از تفرقه و جدایی بر حذر می‌داشت و از نظر ایشان در صورت نزع و

افتراق، سخت‌ترین عذاب‌ها در انتظار آنان است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۲۳۰، ح ۲۷). در این دوره، موج فکری و فرهنگی بیگانه‌ای بر جامعه اسلامی چیره شده بود که در قالب بحث‌های فلسفی و تردیدبرانگیز نسبت به مبادی خداشناسی، با خود کفر و الحاد به ارمغان می‌آورد. همچنین شاهد گرم شدن بازار اهل نص و اهل رأی هستیم. اهل نص به سنت نبوی و اسناد و نصوص دینی تکیه می‌کردند و اهل رأی، اجتهاد را در مقابل نص قرار می‌دادند. جریان خوارج نیز در این دوره فعال بود و در مقابلش، جریان مرجئه قرار داشت. در مقابل جریان اهل حدیث هم، جریان معتزله به ارائه تفکراتش می‌پرداخت. حتی فراتر از این دوگانه‌های کلامی، انشعابات در میان شیعیان نیز به وجود آمده بود و جریاناتی مانند زیدیه و فطحیه در جامعه فعالیت داشتند. جریان بسیار خطرناک و مرموز غلات نیز در این دوره فعال بود و جامعه را به تفکرات شیعی بدبین می‌کرد. از سوی دیگر، افکار الحادی هم از آن سوی مرزهای سرزمین‌های اسلامی در جامعه رواج پیدا کرده بود. در چنین شرایطی، فردی به‌عنوان خلیفه بر جامعه تسلط دارد که افزون بر فریبکاری، شخصی علاقه‌مند به مباحث فکری با گرایش معتزلی است (رفاعی، ۱۳۴۶ق، ج ۱: ۳۷۵). امام رضا (علیه السلام) در برابر این جریان‌ها هم با تکیه بر مبانی و اصول موضع‌گیری می‌کند و با رهیافتی اجتماعی سعی در تبیین اسلام حقیقی دارد.

عرفی‌سازی سیاست از راهبردهای اصلی دوره مامون است که در این دوره امام رضا (علیه السلام) در برابر آن جهت‌گیری می‌کند و سعی در ارائه صحیح و حقیقی از ماهیت سیاست دارد (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۶). فرمانروایان اموی و عباسی از نظر عقیدتی و منش عملی، با مبانی دین اسلام تعارض و ستیز داشتند. همان اسلامی که با نامش بر مردم حکم می‌راندند. مردم نیز به موجب تسلط حکومت، اسلام را همان‌گونه می‌فهمیدند که اجرایش را در متن زندگی خویش مشاهده می‌کردند. پیامد این اوضاع، انحراف روزافزون و گسترده از خط صحیح اسلام بود که دیگر مقابله با آن آسان نبود. بر این اساس، امام رضا (علیه السلام) اصل و مبانی حکومت و کارکرد نظام اجتماعی را در قالب زمامداری ائمه و امامان معصوم می‌بیند و نظام غیر از امام معصوم را نظامی منحرف و ناکارآمد می‌داند. در این باره ایشان می‌فرمایند: به‌راستی امامت زمام دین، مایه نظام مسلمین، صلاح دنیا و عزتمندی

مؤمنان است. همانا امامت ریشهٔ اسلام بالنده و شاخهٔ بلند آن است. کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و فراوانی غنایم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف کشور، به وسیله امام انجام می‌گیرد. امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌کند و حدود الهی را بر پا داشته و از دین خدا دفاع می‌کند و با بیان حکمت‌آمیز و اندرزهای نیکو و دلیل‌های رسا، مردم را به سوی پروردگار خویش دعوت می‌کند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۸۴).

به‌رغم تمام مواردی که گفته شد وجود آزادی و آسایش نسبی دهه آخر و نیز علم دوستی که به‌خصوص در زمان مامون شکل گرفته بود و همچنین شرایط مساعد و مناسب سیاسی و فرهنگی در این دوره که در صورت اتحاد بین شیعیان و جمع شدن زیر پرچم اصیل امامت، می‌توانست به‌عنوان نقطهٔ اوج و عطفی مهم و حتی عصری طلایی برای شیعه امامی مطرح شود و آثار گران‌بهایی از خود به‌جا بگذارد (اکبری، ۱۳۹۰: ۴-۵). لذا امام رضا (علیه السلام) در این فضا و با سرگرم دیدن حکمرانان، فرصت کوتاهی را به‌دست آورد تا وظیفهٔ خود را برای آگاه کردن مردم ایفا نماید. امام با شگرد ویژهٔ خود، نفوذ گسترده‌ای بین مردم پیدا کرد و حتی نوشته‌هایش در شرق و غرب سرزمین‌های اسلامی منتشر شد.

۵-۲. ریشه‌یابی بحران‌ها و مشکلات جامعه

در این دوره بازار مکاتب گوناگون فکری، فلسفی و کلامی داغ است و گسترش فیزیکی، جغرافیایی و فکری جامعه زمینه را بیشتر برای بروز مشکلات فراهم می‌کند. از این‌رو مهم‌ترین مشکل انحراف از مبانی اصیل اسلامی و عرفی‌سازی قدرت سیاسی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۳۶۳). این مشکل دلایل مختلفی داشت که یکی از دلایل آن انحرافات عقیدتی در نهضت ترجمه بود. برخی از آثاری که ترجمه می‌شد، با افکار و مبانی اسلامی تعارض داشت و موجب شبهاتی در میان مسلمانان و همچنین باعث تفرقه می‌شد. ظهور فرقه‌های مختلف همانند قطعیه، واقفیه، بشریه، اسماعیلیه، غلات، مفوضه، معتزله، اهل حدیث، اهل جبر، قائلین به تناسخ و زنادقه که خود بار مشکلات را

بیشتر می‌کرد (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵-۲۳).

از مهم‌ترین مشکلات این دوره انحراف از سنت نبوی است. به‌عنوان نمونه مأمون دستور داد تا حضرت رضا (علیه السلام) نماز عید را بخوانند. امام رضا (علیه السلام) ابتدا نپذیرفتند، ولی چون مأمون اصرار کرد ایشان فرمودند به شرطی نماز می‌خوانند که اجازه دهند به شیوه رسول خدا ﷺ و علی (علیه السلام) نماز بخوانند (مفید، ۱۳۷۸: ۲۵۶). این جمله نشان می‌دهد که در این دوره از آن سنت اصیل تا چه حد انحراف به وجود آمده است. یکی دیگر از انحرافات به وجود آمده در این دوره تحریف احادیث است و احادیث جعلی فراوانی نشر پیدا می‌کند. در این دوره شایعات و دروغ‌پراکنی فراوانی علیه اهل بیت رواج پیدا می‌کند. از دیگر مشکلات این دوره فریب و نیرنگ حکومت است. این مشکل بیشتر زمان خلافت مأمون وجود داشت (جهانگیر فیض آبادی و فرخی، ۱۳۹۵: ۱۸). پایه‌های مشروعیت سیاسی خلافت در این دوره هم بر اساس نظریه‌های مشروعیت در دوره خلافت راشدین و هم نظریه‌های برساختی است، یکی از تدابیر اصلی امام رضا (علیه السلام) نقد این پایه‌ها و دفاع از مبانی و اصول شیعه است (میرحسینی، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۹۵).

یکی از آفات مهم اجتماعی و سیاسی جامعه در این دوره رخنه کردن رذایل اخلاقی است. امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: ما اهل بیتی هستیم که حتی وعده خود به شخصی را دین خود می‌بینیم (یعنی اگر قول و وعده‌ای شخصی دادیم) ملتزم هستیم که مانند دین و بدهی آن را ادا کنیم، همچنان که پیامبر چنین کردند (قمی، ۱۳۷۷: ۹۲۹). از دیگر مشکلات اجتماعی در این دوره، ظلم و پایمال کردن حقوق و کرامت افراد و بی‌عدالتی است. به‌ویژه اینکه این رفتار به انحای مختلف از ناحیه نظام حکمرانی رخ می‌دهد. امام رضا (علیه السلام) به شیوه‌های مختلف سکوت، فشار و مقابله، پرده از ظلم‌های مأمون کنار می‌زدند تا به درد سادات و علویان رسیدگی و آن‌ها را از ریشه‌کن شدن حفظ کنند. امام می‌فرمایند: به‌کارگیری عدل و احسان عامل پایداری نعمت‌هاست (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۴).

امام رضا (علیه السلام) در این دوره با مشی میانه و بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر، انحرافات و اشکالات سیاسی را بدون هیچ ملاحظه‌ای تذکر می‌دهند. امام با اصول و

مبانی حقیقی اسلام و مذهب شیعه سعی داشتند که بر انواع انحرافات غلبه کنند. بنابراین هدف امام چه قبل و چه بعد از ولایت‌عهدی این است که از طریق گفت‌وگو با مردم و مناظره با جریانات مختلف فکری و فلسفی انحرافات را از بین ببرند و مردم را در مسیر اصلی و حقیقی اسلام هدایت کنند (درخشه، ۱۳۹۲: ۱۱).

می‌توان گفت از نظر امام رضا علیه السلام مهم‌ترین مشکل جامعه در این دوره، انحراف از حقیقت اسلام است و برای حل این مسئله یک ساختار اجتماعی و سیاسی مطلوب با یک ماهیت هدفمند و راهبردی در نظر می‌گیرند و از لحاظ ماهوی بر این اصل کلی تاکید دارند که کاربست حقیقی سیاست اسلامی تامین سعادت جامعه و افراد است. لذا نباید با نادرست پنداشتن هدف سیاست در تامین قدرت از هر ابزاری برای نیل به آن بهره برد. بنابراین در این دوره انواع انحرافات فکری و عقیدتی و مشکلات و بحران‌های اجتماعی، سیاسی در جامعه اسلامی گسترش پیدا می‌کند که مهم‌ترین عامل آن از نظر امام رضا علیه السلام اولاً در نظام و ساخت حکومت بنی عباس به‌ویژه در روش حکومتداری دوره مامون بیشتر مشاهده می‌شود. ثانیاً شرایط فرهنگی و اخلاقی به‌گونه‌ای است که جامعه به تدریج از مبانی و اصول اولیه اسلامی دور می‌شود.

۵-۳. حکمرانی مطلوب در سیره و اندیشه امام رضا علیه السلام:

در واقع سیاست و حکومت در دیدگاه امام رضا علیه السلام همان ادامه جریان بشر به‌سوی خیر، سعادت و فضیلت به‌شمار می‌رود و ابزاری است که زمینه را برای اهداف متعالی فراهم می‌کند (حاتمی، ۱۳۹۸: ۲۰۲). البته عرصه سیاسی در یک زمینه اجتماعی هم‌دل و هماهنگ به شرایط تعالی و تعادل می‌رسد. نظام حکمرانی در اندیشه امام رضا علیه السلام دارای دو بخش اجتماعی و سیاسی است که با همکاری تمامی نیروهای اجتماعی و نیز به‌وسیله حکومتی که دارای ماهیتی هدفمند و سعادت‌گرا است شکل می‌گیرد.

۵-۳-۱. حکمرانی در اندیشه امام رضا (علیه السلام):

تشکیل حکومت اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی دین اسلام در هدایت مردم به سعادت حقیقی است. بر این پایه در نظام حکمرانی اسلامی و شیعی حاکم عالم و عادل ترین فرد است. چنانکه مبنای اندیشه سیاسی امام رضا (علیه السلام) هم مانند پدران بزرگوارش باور به تشکیل حکومت مطلقه دینی بر پایه حاکمیت الهی و نفی حاکمیت خاندانی، قبیله‌ای و قومی است. بر این اساس، سیاست در اندیشه امام رضا (علیه السلام) همان ادامه جریان بشریت به سوی خیر، فضیلت و سعادت است و پیروی از طریق اهل بیت همان ادامه جریان بشر به سوی خیر و سعادت است که تنها راه نجات و رستگاری و غلبه بر انحرافات جامعه است (درخشه، ۱۳۹۲: ۸۷).

هدف حکمرانی اجرای حدود الهی است. از نظر ایشان اگر حاکمی از اجرای حدود الهی سرباز بزند، مستحق عذاب الهی است. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: اگر چیزی از پیش خود آوردم یا در حکم خدا تغییر و دگرگونی کردم، شایسته این مقام نبوده، خود را مستحق کیفر نموده‌ام و من به خدا پناه می‌برم از خشم او (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۱). بنابراین از نظر امام رضا (علیه السلام) حکومت زور و زور دنیا نیست، بلکه مسئولیتی الهی است که مبنایش حفظ اسلام، عدالت، استکبارستیزی، آزادی و کرامت انسان هاست. امام رضا (علیه السلام) در حقیقت سعی در بنیان نهادن یک آرمان شهر اسلامی دارد که بر اساس تعالیم قرآنی و آموزه‌های نبوی راهبری می‌شود و در مسیر تحقق آموزه‌های اسلامی، جاری کردن شریعت الهی و سنت و سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) حرکت می‌کند و زایل کننده تمام انحرافات است که بدون شک به سعادت بشری رهنمون می‌شود. بنابراین در آرمان شهر مد نظر امام (علیه السلام) نوعی حکمرانی شکل می‌گیرد که علاوه بر بخش حکومت (نظام سیاسی)، اجزایی دیگر وجود دارد و نظام سیاسی دارای ماهیت و ساختاری است که موجب نوعی توسعه و تعامل اجتماعی می‌شود. از نظر امام رضا (علیه السلام) انسان برای تحقق اهداف خود نیازمند ارتباط با سایر افراد است تا بتواند به نتایج مطلوب مد نظر خویش دست یابد و این خواسته جز با وحدت و یکدلی تحقق نمی‌یابد. بدین ترتیب، مدل حکمرانی مد نظر امام رضا (علیه السلام) در قالبی اجتماعی و درگفت‌وگو و تعامل با دیگران به دست می‌آید. بنابراین

امام رضا علیه السلام در آگاه‌سازی تمامی اقشار مردم درباره واقعیت حکومت مامون و مقایسه آن با حکومت اصیل اسلامی می‌کوشد (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۹). بر این اساس، از نظر امام رضا علیه السلام بنای حکمرانی از سه جزء اساسی تشکیل می‌شود. بنیان حکومت اسلامی بر اصل توحید و ایمان به خداوند یکتا قرار گرفته است و جزء بعدی که امام است، باید احکام الهی را جاری سازد و امام از طرف خداوند مامور برای اجرای قواعد الهی است و هر چند مشروعیت امام از طرف خداوند است، اما با حمایت مردمی جنبه عملیاتی پیدا می‌کند و این فرامین و قواعد الهی هم برای رستگاری مردم است (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ۳۶؛ فرمی‌پنی فراهانی، ۱۳۹۳: ۷۳).

۵-۳-۲. اجزای نظام حکمرانی در اندیشه امام رضا علیه السلام:

الف. توحید

بنیادی‌ترین اصل در منظومه جهان‌بینی امام رضا علیه السلام توحید است. توحید پایه معرفت خداوند است. امام رضا علیه السلام شرط رهایی از عذاب الهی را توحید و شرط توحید را قبول ولایت و امامت می‌داند. خداوند متعال برترین حاکم و ولی این جهان است و همه پدیده‌ها در سایه قرب او معنا پیدا می‌کند. در چنین حکومتی حاکم مسئول است و دیگر به دید منفعت‌طلبانه به حکومت نظر نمی‌افکند و حکومت و دیعه‌ای الهی است و همه چیز صبغه الهی پیدا می‌کند (نقیه، ۱۳۹۱: ۷۱).

ب. امام معصوم

اندیشه سیاسی شیعه بر حاکمیت امام معصوم سامان یافته و فقط با حاکمیت اوست که امور سامان می‌یابد و امت راه صلاح و سعادت را می‌پیماید. امام رضا علیه السلام با معرفی جایگاه و مقام امام معصوم بر انتصابی و عصمت بودن آن تأکید می‌کند. امامت در عین اینکه زعامت دینی و دنیوی مردم را برعهده دارد از همه حیث شایسته‌ترین فرد برای تصدی حکومت است (درخشه، ۱۳۹۴: ۱۹). آنان جانشینان رسول خدا هستند و در هر زمانی امر

امامت استوار است و هیچ‌گاه هستی خالی از حجت نیست. چنانکه در روایتی به نقل از محمد بن اسماعیل، امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: هرکه بدون امامی بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۶۶۸). از نظر امام رضا (علیه السلام) امام موهبتی از جانب خدا برای مردم است؛ زیرا عقول مردم توان انتخاب امام را ندارد (طبرسی، ۱۴۳۰ق، ج ۲: ۴۳۳). بر این مبنا، حرکت صحیح و واقعی بر اساس سنت و روش پیامبر و امیرالمومنین (علیه السلام) است. در حقیقت با این مختصات که امام رضا (علیه السلام) برای امام معصوم برمی‌شمرد، حکومت عباسیان را به چالش می‌کشد و به‌نوعی حکمرانی مد نظر ایشان را هم می‌توان در این قالب گنجانند. از مجموع روایات امام رضا (علیه السلام) درباره شئون امام این‌طور برداشت می‌شود که اجرای حدود و احکام الهی، پاسداری از جامعه اسلامی در برابر هجوم بیگانگان، تقسیم سرمایه‌های عمومی میان افراد جامعه، ایجاد وحدت و انسجام میان اقشار جامعه، حمایت از مظلومان، حفظ دین از تحریف و دستبرد بدعت‌گذاران و کج‌اندیشان از شئون و وظایف امامت است. بدیهی است ابزار تحقق این شرطها، قدرت اجرایی و سیاسی است. بر این اساس، مقام امامت در عین ارتباط و پیوستگی با حوزه الهی و وحیانی به مسائل سیاسی و اجتماعی بی‌اعتنا نیست و امور را به نحوی تدبیر می‌کند که کاربست قدرت در راستای تحقق اهداف اساسی به بهترین شکل پیاده‌سازی شود (جمال‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۸۷).

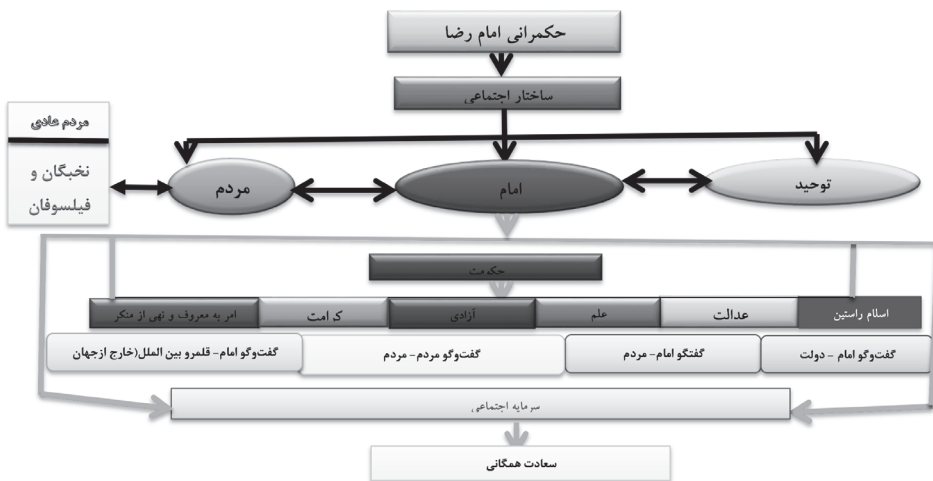
ج: مردم

منصب عالی امامت و انجام وظایف و مسئولیت‌های آن نیازمند بیعت و استقبال مردمی نیست. به دیگر سخن، مشروعیت آن به مقبولیت عمومی نیاز ندارد؛ زیرا مشروعیت و حقانیت‌اش را از خدا به‌دست می‌آورد. پس امام همواره حق و مشروع است، خواه همه مردم او را به امامت قبول داشته و با وی بیعت کرده باشند، خواه حتی یک نفر هم به او ایمان نیاورده باشد (حسینی فر، ۱۳۹۵: ۱۵۵)، اما اساساً آنچه را که خداوند به‌عنوان امام و اولی الامر برای مردم قرار داده است، قطعاً اقبال مردمی نیز در پی دارد، کما اینکه در زندگی امام رضا (علیه السلام) بارها استقبال مردم از ایشان در تاریخ به ثبت رسیده است، از جمله

استقبال بی نظیر مردم نیشابور از ایشان که هزاران نفر آماده و قلم به دست منتظر قدم ایشان بودند و همچنین نماز باران و عید فطر (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۴۱). لذا دوره حیات امام هشتم (علیه السلام) اوج گیری گرایش مردم به اهل بیت (علیهم السلام) و گسترش پایگاه های مردمی این خاندان است. امام از پایگاه شایسته مردمی برخوردار است و در همان شهر که مامون با زور حکومت می کرد او مورد قبول همه مردم بود و بر دل ها حکومت می کرد، چنانکه مامون را مجبور به پیشنهاد ولایت عهدی می کند.

بر این اساس، ساختار سیاسی و ماهیت الهی آن در دین اسلام و مذهب تشیع و به موازات آن سیره امام رضا (علیه السلام) دارای ابعاد فراتر از خلافت (دولت) است و در کنار آن اضلاع اجتماعی دیگری وجود دارد که در این ساختار (حکمرانی) وجه غالب و ماهیت اصلی و همچنین هدف راهبردی آن از طریق گفت و گو بین تمام سطوح اجتماعی قابل تحقق است که البته این ارتباطات همه جانبه به پویایی اجتماعی و در نهایت شکل گیری سرمایه اجتماعی منجر می شود.

ساختار حکمرانی گفت و گو محور امام رضا (علیه السلام)



۵-۴. ارائه راه حل

حکمرانی مطلوب در اندیشه و سیره امام رضا (علیه السلام) و به نوعی تحقق جامعه مد نظر ایشان به دو فرایند به هم پیوسته وابسته است: ۱. گفت‌وگو بین ارکان اجتماعی ۲. از طریق گفت‌وگو سرمایه اجتماعی ایجاد می‌شود که این خود جامعه را در مسیر تحقق اهداف قرار می‌دهد.

۵-۴-۱. گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی در سیره و اندیشه امام رضا (علیه السلام)

همان‌طور که گفته شد امام رضا (علیه السلام) برای انسان حق آزادی و اندیشه قائل است و در همین چهار چوب به کنش سیاسی و اجتماعی تمام آحاد مردم جامعه می‌اندیشد. از نظر ایشان دیگران هم حق دارند آزادانه فکر کنند و هر چه خواستند، بگویند و این را گامی مثبت و مقدماتی در ایجاد ارتباط و گفت‌وگو در جامعه و بین نیروهای اجتماعی می‌دانند که زمینه را برای توسعه نظام اجتماعی و گسترش سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند.

۵-۴-۲. گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی در سطح دولت (خلافت)

باتوجه به سیره امام رضا (علیه السلام) و سایر ائمه، حتی در سخت‌ترین شرایط، حق امامت و ولایت خود را کتمان نکرده و در هر فرصت و شرایطی آن را به حکام وقت یادآوری می‌کنند و این حرف که ائمه از سیاست و مسائل حکومت دوری می‌کنند، عین بی‌اطلاعی از روش و راهبرد امامان است، زیرا ائمه هیچ‌گاه از حق خود چشم‌پوشی نکردند و همواره به مسائل دینی و سیاسی اجتماعی اهمیت می‌دادند و نبودن حکومت به دست ایشان دلیلی بر بی‌توجهی به سیاست یا مدارا با خلفای وقت نبوده؛ زیرا شیعه، امامت را بالفعل می‌داند نه بالاستحقاق، در حالی که به‌درستی معلوم است پیشوایان، امکان تأسیس حکومت نیافتند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۷۵).

امام رضا (علیه السلام) با شرط دخالت نکردن در وظایفی که به‌طور متعارف بر عهده ولایت عهد بوده است، ساختار ولایت‌عهدی را عوض کرد و آن‌گاه آن را پذیرفت. این پیشنهاد را

می‌پذیرم، مشروط بر اینکه کسی را نصب و عزل نکنم و سیره و روشی را بر هم نزنم و فقط در این کار مشاوره‌ای از دور داشته باشم (کارخانه، ۱۳۹۲: ۱۶۴). مامون هم برای کسب مشروعیت و سرکوب شورش علویان و در برابر خاندان عباسیان به آن امام نیاز داشت، پیشنهادهای ایشان را پذیرفت، اما در عین حال بیشترین مواضع سیاسی امام رضا علیه السلام در دوره مامون و در دوره ولایت عهدی اتخاذ شده است. گفت‌وگو بین امام و اعضای دستگاه خلافت و همچنین کوششی که ایشان انجام می‌داد تا بین اعضای دستگاه خلافت تعامل و گفت‌وگو در جهت خدمت به مردم فراهم شود، دوگزاره اصلی و راهبردی امام در این بخش است.

امام در گفت‌وگو با مامون، این نکته را متذکر می‌شود که مسائل داخلی جهان اسلام در وضعیت مناسبی قرار ندارد و اولویت خلیفه درگام اول باید سامان بخشیدن به امور داخلی باشد و از اعتماد به افراد ناشایست اجتناب شود و از وی به خاطر غفلت و بی‌اطلاعی انتقاد می‌کردند (درخشه، ۱۳۹۲: ۲۸). امام همچنین درباره نقش حیاتی کارگزاران نظام اسلامی به مأمون تذکر می‌دادند. درباره امت محمد و فرمانروایی که بر ایشان داری از خدا بترس، زیرا کارهای آنان را تباه کردی و کار را به دست کسانی سپردی که به غیر حکم خداوند بلندمرتبه دآوری می‌کنند و خود در این سرزمین ماندگار شده و خانه هجرت و محل فرو آمدن وحی را ترک کردی و بر مهاجران و انصار با نبود تو ستم می‌رود و سوگند و پیمان هیچ مؤمنی را نگاه نمی‌دارند و روزگار بر مظلومان به‌سختی می‌گذرد و آنان برای زندگی به هزینه‌ای دسترسی ندارند و کسی را نمی‌یابند که نزد او از اوضاعی که دارند شکایت کنند (کلینی، ۱۳۸۱: ج ۵: ۱۱۱). امام همچنین مامون را به برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت دعوت می‌کند و تأکید دارد این مایه خشنودی و خوشحالی یک حاکم اسلامی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱: ۴۹: ۱۶۵). ایشان همچنین یادآوری می‌کند که هر فردی از کارگزار با مردمان تحت قلمرو خویش برادر هستند و از این منظر باید با آنان به برابری و برادری رفتار کند و در هر چیزی که برابری در آن رواست (کلینی، ۱۳۸۱: ج ۱: ۴۱۲). به‌طور کلی امام رضا علیه السلام در گفت‌وگوهایش با مامون چنین ویژگی‌هایی را در انتخاب مدیران شایسته برشمرد: ۱. دانش ۲. مهارت ۳. خودمفهومی (وجدان کاری، امانتداری، عدالت،

سلامت نفس) ۴. ویژگی‌های رفتاری (تواضع، وظیفه‌شناسی، فضایل اخلاقی، ساده زیستی) ۵. انگیزه (قرب الهی) (شاه علی و دوالی، ۱۳۹۶: ۲۴۸-۲۲۴). امام همچنین بیشتر کارگزاران را به اتحاد و هماهنگی در خدمت به مردم توصیه می‌کند و ناهماهنگی و افتراق آنان را از این هدف دور خواهد کرد (صحیفه الرضا، ۱۴۰۶: ق: ۳۹۴). از نظر امام رضا (علیه السلام) حکومتی که بین اجزا و ارکان آن ناهماهنگی و عدم افتراق باشد، در رسیدن به اهداف و تدبیر حکومت عاجز می‌ماند و این به فروپاشی و سستی پایه‌های حکومت منجر می‌شود.

بنابراین پذیرش ولایت عهدی توسط امام رضا (علیه السلام)، در حقیقت بازگشت ائمه به سیاست بود و زمینه را برای مطرح شدن بیشتر گروه‌های شیعی در فضای سیاسی و اجتماعی و ارتباط با دیگر گروه‌های اجتماعی فراهم می‌کند. از طرف دیگر، امام رضا (علیه السلام) با حضور در ساختار قدرت، رسالت تعلیم سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و هدایتگری خود را از نزدیک‌ترین فاصله به حاکمیت آغاز کرد. در حقیقت، این کار به آن حضرت این امکان را می‌داد که به جای تمرکز بر اصلاح کنشگران و تلاش برای به‌سازی خلیقات فردی و جمعی آنان، آموزگاری اخلاق را از اصلاح و ترمیم حاکمیت و نسبت آن با مردم آغاز کند و اینکه با رعایت اخلاق می‌توان به کنش سیاسی و به مدیریت جامعه پرداخت.

آن حضرت ضمن توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و به‌نوعی تکیه بر قاعده مصلحت و همچنین تاکید بر مبانی اسلامی در تعامل با مردم، به آنان می‌آموزد که مدل و الگوی دینی در رابطه بین حاکم و مردم آن است که او دنبال می‌کند نه آنکه در رفتار مامون به چشم می‌آید. با این سیره در حقیقت تفاوت فاحش میان سبک حکمرانی اهل بیت (علیهم السلام) با سبک سیاست‌ورزی بنی عباس را بیان می‌کند. امام رضا (علیه السلام) با بیان این سخنان مدل جدیدی در نسبت میان حاکمیت و دین در انداخته و مسئولیت اصلی حاکمیت را پاسداری از اصالت دین معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ۱۸۳). از این‌رو، ایشان با دو هدف به گفت‌وگو و مباحثه در سطح دستگاه خلافت عباسی و کارگزاران حکومتی مبادرت می‌نمودند: ۱. ارشاد خلیفه و کارگزاران حکومتی در جهت برقراری مسیر صحیح توأم با انصاف و عدالت. ۲. هماهنگی و تعامل بین کارگزاران در بخش‌های مختلف به جهت آنکه امور حکومتی و خدمت‌رسانی به مردم با سرعت و سهولت انجام گیرد. بنابراین آن حضرت در

سطح نظام خلافت و روش حکومتداری در پی اصلاح بینش عمومی نسبت به قدرت و سیاست و تبیین دقیق آن در اسلام است.

۵-۴-۳. گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی بین امام رضا (علیه السلام) و جامعه

پس از رحلت رسول صلی الله علیه و آله و با توسعه سرزمین‌های اسلامی، مسلمانان به فرقه‌های گوناگون تقسیم شدند و به تدریج انحراف‌هایی در عقاید آن‌ها پدیدار شد. در دوره امام رضا (علیه السلام) که این موضوع بیشتر اوج گرفته و عقاید برخی از این نحله‌ها به شدت در جهت انحراف جامعه بود، امام سعی می‌کرد با مدارا با آنان برخورد کند و از نیروی منطوق و استدلالی قوی برای مقابله با این جریان‌ها برخوردار باشند (غنوی، ۱۳۹۵: ۱۶). بنابراین در این شرایط امام رضا (علیه السلام) در دو بخش به اصلاحات فکری و دینی پرداختند: ۱. رد عقاید باطل و منحرف ۲. بیان افکار و عقاید صحیح و اصولی در جامعه آن روز و در گفت‌وگو با مردم عادی یا مناظره با صاحبان فرق و نحله‌های گوناگون فکری.

بر این اساس، امام رضا (علیه السلام) از هر فرصتی برای برای ایجاد رابطه قوی میان خود و مردم استفاده می‌کند. از مهاجرت و گذار از شهرها برای تبلیغ، تثبیت و گسترش تشیع و امامت بهره‌گیری می‌کند و تهدید را به پیشرفت و فرصت تبدیل می‌سازد. ارتباط امام رضا (علیه السلام) با مردم چنان قوی بود که حضرت در نزد مامون از فعالیت خویش در مدینه یاد می‌کند و می‌فرماید: به خدا قسم وقتی در مدینه بودم سوار بر مرکب خویش می‌شدم و میان کوچه و بازار رفت و آمد می‌کردم و وقتی اهالی مدینه و دیگران حاجات و نیازهای خود را از من درخواست می‌کردند، آن را برآورده می‌ساختم. آن‌ها مثل عمو و خویشاوندان من بودند، نامه‌های مرا در شهر می‌پذیرفتند و سفارش‌های من را رد نمی‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۴۴). امام رضا (علیه السلام) برای بصیرت‌افزایی و گسترش فرهنگ اسلامی جلسات علمی زیادی را تشکیل دادند. خانه او معمولاً پر از مردم بود و از موارد گوناگون به خصوص در حوزه احکام اسلامی می‌پرسیدند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۳). علاوه بر آن جلسات خصوصی برای شیعیان و یاران خود داشتند و این جلسات در خلوت شب صورت می‌گرفت. امام شاگردان خود را به حضور می‌طلبیدند و مطالبی را با آن‌ها در میان می‌گذاشتند و به تدریج

شاگردانی عالم و دانشمندی را تربیت کردند که این شاگردان هم خود در توسعه و نشر دین اسلام و اصول آن نقش بی بدیلی داشتند.

بنابراین امام رضا (علیه السلام) برای تبیین و ترویج اصول اساسی دین اسلام در سطح عمومی و جامعه در برخورد با مردم عادی به گفت‌وگو می‌پرداختند و در مرحله بعد هم با سران و اندیشمندان فرق و نحله‌های گوناگون به مناظره و گفت‌وگو آن هم با آداب و رسوم خاص خود و نیز با تسلط به مبانی و علوم مختلف می‌پرداختند و به زودی طرف مقابل را مجبور به پذیرش حرف حق می‌کردند. چنانکه شیخ صدوق می‌فرماید مامون اندیشمندان سطح بالای هر فرقه را در مقابل امام قرار می‌داد تا حجت آن حضرت را به وسیله آنان از اعتبار بپردازد و این به جهت حسد او نسبت به امام و منزلت علمی و اجتماعی او بود، اما هیچ کس با آن حضرت روبه‌رو نمی‌شود جز آنکه به فضل او اقرار کرده و به آنچه از طرف امام علیه او اقامه می‌شد ملتزم می‌شدند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۲). در عصری که علوم و فرهنگ‌های گوناگون رواج داشت، امام رضا (علیه السلام) چون خورشیدی فروزان توانست در عرصه فرهنگی بتابد و به تبلیغ اسلام اصیل بپردازد. چنانکه از اقدامات مهم امام در این دوره توسعه همه‌جانبه علوم است. در زمینه برخی از این علوم مانند طب و فقه کتاب مستقلی به نام «طب الرضا» و «فقه الرضا» منسوب به ایشان وجود دارد. در زمینه تفسیر قرآن کتابی از احادیث تفسیری ایشان به نام امام رضا (علیه السلام) تدوین شده که حاکی از توجه آن به تفسیر قرآن و گسترش آن است. بنابراین تمام اهتمام امام در این دوره از طریق گفت‌وگو و مناظره بر نشر و گسترش و همچنین نهادینه کردن مذهب تشیع در سطح جامعه و از بین بردن تمام انحرافات است (کریمی و دیمه کار، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

بر این اساس، می‌توان گفت پذیرش ولایت عهدی از سوی امام رضا (علیه السلام)، دین را از یک مسئله حاشیه‌ای به متن قدرت و سیاست برد. این راهبرد به آن حضرت کمک می‌کرد تا بتواند اصلاح جامعه و نیز دینی ساختن آن را از سرچشمه با ارتباط صحیح، صمیمی و همه‌جانبه با مردم دنبال کند. در حقیقت او مواعظ خود را از معطوف بودن به کنشگران خرد بالاتر برده و با اصلاح ساختار قدرت تلاش دارد تا افراد و شهروندان جامعه را اصلاح کند. یکی از قواعد اصیل اسلامی که امام درباره مردم و اصلاح آن به کار می‌برد، مقوله

امر به معروف و نهی از منکر و دور کردن آحاد جامعه از انحراف و لغزش است. بنابراین در این بخش هم راهبرد کلی امام در اعتمادسازی و همکاری اجتماعی در دو قالب می‌گنجد:

۱. با ارتباط صمیمی با مردم عادی سعی در هدایت آنان به مبانی دین اسلام به دور از انحرافات دارد.
۲. مناظره با افراد خاص و دانشمندان در جهت آشکار کردن انحراف آنان با شیوه‌های مخصوص خودشان. بنابراین از پیامدهای ولایت‌عهدی امام این بود که جامعه اسلامی دریافت که چه کسانی شایسته هستند و مأمون با عمل خود بر این حقیقت اعتراف کرد. امام در شهرهای مختلفی از بلاد اسلام با مردم روبه‌رو می‌شدند و مسلمانان که در آن روزگاران با نبودن وسایل ارتباط جمعی از بسیاری از آگاهی‌ها محروم بودند، ایشان را ملاقات و حق را مشاهده کردند. آشنایی بسیاری از متفکران و دانشمندان مختلف که در مرو با امام به مناظره و بحث نشستند و اثبات عظمت علمی امام و شکست مأمون و خنثی شدن توطئه‌هایش برای تحقیر امام را باید از آثار مثبت سیاست امام در بطن جامعه تلقی کرد که در جهت حفظ اتحاد جامعه اسلامی بر گرد حقانیت اسلام در برابر هجمه‌های گسترده فکری و اعتقادی دشمنان اسلام موثر بود.

۵-۴- گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی در نواحی خارج از قلمرو اسلام

امام رضا علیه السلام از موقعیت کم‌نظیر و اثرگذار دوره ولایت‌عهدی پیش از آنکه به جنبه اجرایی و قدرت سیاسی توجه داشته باشند، آن را بیشترین و بهترین فرصت بهره‌برداری در هدایت معنوی مردم قرار دادند. در این فرصت ایشان سعی کرد با سفر به ایران و تمام سرزمین‌های اسلامی و همجوار اصول اعتقادی اسلام و تشیع را بیان کنند. امام رضا علیه السلام در این دوره در پایه‌گذاری و گسترش اندیشه کلامی مسلمانان و تشیع بسیار موفق بودند و به پاسخگویی به سوالات مسلمانان و غیرمسلمانان در امور گوناگون می‌پردازند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷).

بر این پایه، موضوعی که امام در مناظراتش به آن توجه کرد و باعث تزلزل شدید پایه‌های حکومت عباسی شد تقریب مذاهب بود. در این دوره، خلفا به بحث‌های فرقه‌ای دامن می‌زد که امام رضا علیه السلام در جهت عکس آن‌ها عمل می‌کرد و به خاطر احاطه بر اصول

تمام ادیان می‌توانست در جهت تقریب مذاهب عمل کند. در کنار آن امام رضا (علیه السلام) به تربیت شاگردانی اقدام کرد و این شاگردان با برپایی و شرکت در مناظرات علمی که حضور رهبران مذهبی و ادیان‌های مختلف دینی برگزار می‌شد به تبیین مواضع کلامی اسلام و اهل بیت ع می‌پردازند. شاگردان امام به واسطه اینکه علم و دانش‌شان برگرفته از ایشان بود، قدرت و تاثیرگذاری فراوانی بر نخبگان و مردم شهرهای مختلف داشتند که در تاریخ، جایگاه آنان در ترویج دین و معرفی معارف اسلام در بسیاری از نقاط بسیار مهم قلمداد می‌شود.

یکی دیگر از ابزارهایی که در دوران اهل بیت از ظرفیت آنان استفاده شد، شعر و همچنین نقش پررنگ شعرا در بین مردم است. نام دعبل بن علی خزاعی برای همه عاشقان امام رضا (علیه السلام) شناخته شده است. همراهی این یار وفادار با اهل بیت او را شاعری برجسته و سفیری برای ترویج سیر و سلوک ائمه معصومین و همچنین نشر معارف ناب اسلامی تبدیل کرده است. همچنین دستاورد دیپلماسی قوی امام رضا (علیه السلام) بسترسازی برای انتقال مرکزیت شیعه از سرزمین حجاز به ایران بود. امام با اینکه به صورت رسمی در هیچ مسئله‌ای دخالت نمی‌کنند، اما بنا بر اصل امر به معروف و نهی از منکر بسیاری از انحرافات و اشکالات را گوشزد می‌کند و همین موضوع موجب گسترش تعالیم اصیل دین اسلام در سراسر جهان آن روزگار شد، اما امام رضا (علیه السلام) در جهت تعامل و ارتباط با دیگر ملت‌ها و ادیان اصولی به کار می‌گیرند که این اصول موجب نزدیکی ملت‌ها به معارف اسلامی و نیز اعتماد و اطمینان آنان به معارف اسلامی می‌شود که عبارت است از:

پذیرش شاگرد از طرف امام بدون هیچ محدودیت قومی و دینی.

از بین بردن هرگونه امتیاز طبقاتی و هر نوع برتری جویی فردی و اجتماعی (دلبری و زحمتکش، ۱۳۹۶: ۴۲).

انجام مناظره در فضایی آرام و به دور از تنش و تسلط امام به امور گوناگون شرایط را برای جذب دیگر اقوام فراهم می‌کند.

حضرت مسئله برابری و عدالت اجتماعی را از ضروری ترین مسائل در حفظ و تحقق تقریب مذاهب مطرح می کند و اعلام کردند که عدالت لازمه توحید است (اسماعیل زاده امامقلی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

از نظر امام، اختلاف عقیده در زندگی اجتماعی و بین انسان ها امری طبیعی به شمار می آید و این اختلاف عقیده نباید مانع تقریب و وحدت شود.

احترام به حقوق دیگر مذاهب؛ درنگرش امام رضا اختلافی که ناشی از عوامل سیاسی، اجتماعی و بر پایه حب و بغض های مذهبی باشد برای فهم و تدبیر در دین و کشف حقیقت نه تنها پذیرفتنی نیست، بلکه جلوگیری از آن نیز لازم و این خود در حقیقت عاملی برای تقریب مذاهب است.

نفی قومیت گرایی: یکی از راهکارهای اسلام برای تحقق تقریب مذاهب و وحدت در جامعه مسلمین و ایجاد حس برادری و یکی شدن آحاد مسلمانان، نفی نژادپرستی و تبعیض های ناروا بین افراد جامعه بوده است.

ترویج خردگرایی: امام رضا علیه السلام با رفتار و گفتار خویش خردگرایی را ترویج می کنند و در این زمینه بر آزاد اندیشی تاکید دارند (سیاوشی، ۱۳۹۴: ۷۴).

بنابراین امام رضا علیه السلام با توجه به منطق و بینشی که در دین اسلام و در اندیشه ایشان نهفته بود، به تقریب دین اسلام و دیگر مذاهب می پردازند و با تعامل صحیح و گفت و گوی منطقی در نشر و گسترش دین اسلام و صیانت از یکپارچگی دینی و حاکمیتی در جامعه اسلامی اقدامات جدی به عمل می آورند.

۵-۴-۵. گفت و گو و سرمایه اجتماعی در میان مردم و گروه های مختلف اجتماعی

با توجه به نکات گفته شده امام به نوعی هدایت سراسری در جهت اسلام اصیل و حقیقی در نظر می گیرند و در این مسیر یکی از شیوه هایی که امامان طی چند قرن برای تثبیت عقاید صحیح اسلام و انتشار آن به کار می بندند، پرورش اصحاب و شاگردان

مکتب اهل بیت بود تا در برابر انحرافات جامعه یا در مناظراتی که بین اصحاب و علمای سایر فرق در مکتب خلفاروی می‌دهد با آمادگی کامل مقابله نمایند. در این جهت تعلیم و تربیت امام رضا (علیه السلام) هم بیشتر مربوط به دوران تقیه ایشان و در دوره هارون الرشید است. همین شاگردان به تعامل با مردم می‌پردازند و درگسترش عمومی معارف اصیل اسلامی نقش بسزایی دارند. امام رضا (علیه السلام) علاوه بر تبیین معارف حقیقی اسلام در تعاملات بین مردم با یکدیگر و در عرصه اجتماعی بر اصولی تاکید دارند که این اصول به تحکیم و ثبات اجتماعی در جامعه اسلامی منجر شود. از موارد اصلی که در حوزه فردی دارای نمودی اجتماعی است، می‌توان به تقوا اشاره کرد، چراکه شخص غیر مطیع امر خدا طبیعتاً در برابر مردم نیز کرنش نخواهد کرد. کسی که حاضر نیست در برابر نعمات الهی شکرگزاری کند چگونه می‌تواند با مردم سازگاری یابد و به آنان احترام بگذارد (حسینی فر، ۱۳۹۵: ۱۰۸). از بارزترین شاخص‌های سیره عملی آن حضرت شب زنده‌داری و عبادت ایشان است که اکثر شب‌ها را تا سحر بیدار بوده و بسیار روزه می‌گرفتند (قیومی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). عبادت و خشوع در برابر خداوند متعال خود به تحکیم و برادری اجتماعی منجر می‌شود. یکی از مبانی که در اندیشه و سیره امام رضا (علیه السلام) جلوه‌گر است و موجب تقویت سرمایه اجتماعی بین مردم می‌شود، محبت است که از طریق گفت‌وگو و نزدیکی ایشان با اقشار مختلف آشکار می‌شود و سعی می‌کنند که این مقوله را بین مردم هم‌پروارند. امام معصوم همواره بر این مولفه تاکید زیادی دارند که دوستی و دشمنی جز در راه خداوند نباشد (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۹). از مفاهیمی که در قالب ارتباط مردم با مردم و در تعاملات آن‌ها با هم در سیره رضوی نمود پیدا می‌کند، مفهوم احسان و نیکوکاری است. احسان مردم به یکدیگر به وجود آورنده جامعه‌ای همبسته و همگن می‌شود که به سرعت در مسیر پیشرفت و سعادت گام بر می‌دارد. البته از نظر امام رضا (علیه السلام) بنیان چنین جامعه‌ای بر مدار معنویت است. این معنویت خود زمینه را برای تقویت و توسعه شهامت، اطمینان و آرامش روانی، عفت و پاکدامنی، شرافت، برپایی جامعه‌ای سالم انسانی و در نهایت خوشبختی و تعالی همگان می‌شود (صحیفه الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۸۵).

ابتدایی‌ترین نکته‌ای که ایشان در ارتباط با یکدیگر تاکید دارند که رعایت شود راستگویی

است. از آنجا که می‌تواند سرچشمه‌ای برای ایجاد اعتماد شود، چنانکه ایشان آن را در کنار تقوی و ورع بیان می‌فرمایند (فقه الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۳۵۶). امام رضا علیه السلام همچنین بر امانتداری در کنار راستگویی تأکید دارند و در نامه شریف به عبدالعظیم می‌فرمایند دوستانم را به امانتداری امرکن؟ امام رضا علیه السلام در تعامل مردم با یکدیگر سنجیدگی و خویشتن‌داری را از موارد ضروری بر می‌شمردند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۱۸). از مواردی که امام مورد توجه قرار می‌دهد، احسان است. امام رضا علیه السلام خطاب به عبدالعظیم حسنی می‌فرمایند: به دوستانم سلام برسان و به آنان امرکن توجه به یکدیگر را که این امر باعث نزدیک شدن به من است. احسان به هموعان صرفاً در مسائل مالی خلاصه نمی‌شود بلکه هرگونه کمک‌های فکری، معنوی، عاطفی، علمی را هم در برمی‌گیرد. البته در کنار این موارد که به نوعی تحکیم همبستگی آن‌ها می‌شود، عفو و بخشش است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۱۸۱).

با توجه به این نکات امام رضا علیه السلام در ارتباطات اجتماعی به تقوا، پرهیز از تفرقه و جدل و ایجاد همدلی بین مردم توجه دارد و این موارد را به عنوان موجد همبستگی اجتماعی قلمداد می‌کند (سروی مجد، ۱۳۹۵: ۲۱۲-۲۴۹). ایشان با استناد به فرمایشی از امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: از تشنت و تفرقه و جدایی پرهیزید، زیرا موجب رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۴: ۵۳). ایشان در جایی دیگر جدایی از اجتماع مسلمانان و خروج از وحدت اجتماعی را نوعی بیرون شدن از دایره مسلمانی و بازگشت به جاهلیت دانسته و فرموده‌اند: آنکه از جماعت مسلمانان جدایی جوید، بند اسلام را از گردن نهاده است و مرگی جاهلانه خواهد داشت (همان: ۷۳). بنابراین امام رضا علیه السلام در عرصه اجتماعی و تعامل افراد با یکدیگر بر اصولی تأکید دارند که این اصول می‌تواند زمینه را برای مفاهمه، همکاری و نزدیکی بین آنان فراهم نماید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به راهبردهای امام رضا علیه السلام در فضای اجتماعی و سیاسی عصر خلافت

عباسی برای هدایت مردم با استفاده از بازسازی چهارچوب تحلیلی توماس اسپرینگز پرداخته شد. ایشان در عصری می‌زیست که جامعه اسلامی به‌رغم انحراف از مبانی اسلامی در اوج شکوفایی فلسفی و علمی بود. از این‌رو حتی قبل از ولایت‌عهدی برای غلبه بر این انحرافات با توجه به مبانی اصیل اسلامی، به‌نوعی نظام اجتماعی و سیاسی یا حکمرانی مطلوب می‌اندیشند. در این نظام حکمرانی که بنیانی توحیدی دارد، دولت دارای ماهیتی راهبردی و راهبر در تحقق سعادت دنیوی و اخروی است و علاوه بر حکومت با ماهیت مورد اشاره، نیروهای اجتماعی دارای کنشی فعالانه و هماهنگ هستند. بر این اساس امام رضا (علیه السلام) تحقق این حکمرانی را در مفاهمه و گفت‌وگو بین این ارکان می‌داند. در جریان این گفت‌وگو و تفاهم ایشان در سطح خلافت انواع انحرافات را گوشزد می‌کند و اینکه خلافت و زعامت امور به اهل بیت تعلق دارد و اتفاقاً مشکلات عمومی جامعه از این بخش نشئت می‌گیرد. امام رضا (علیه السلام) همچنین به ترمیم نوع ارتباط حکومت و مردم می‌پردازد و حکومت را رکنی می‌داند که علاوه بر تمشیت امور، با همدلی و یگانگی، وظیفه هدایت مردم در مسیر حقیقی را دارد. در مرحله بعد امام به ارتباط صمیمی با مردم عادی و مناظره با نخبگان در جهت اثبات حقانیت دین اسلام می‌پردازد. امام رضا (علیه السلام) با ترویج آموزه‌های اسلامی سعی در ایجاد همبستگی و همدلی بین مردم و دوری از افتراق می‌کنند. یکی دیگر از سیاست‌های امام در عملیاتی شدن راهبرد خود و تحقق اهدافش تقریب مذاهب است که ضمن تبیین معارف حقیقی، سعی در برقراری بین اسلام و سایر ادیان دارند. بر این پایه می‌توان گفت امام رضا (علیه السلام) در قالب معارف اسلامی نوعی نظام حکمرانی را در نظر دارد که در آن دولت اسلامی از ظرفیت‌های لازم برای هدایت امور برخوردار و با تمام ارکان اجتماعی در ارتباط است و تعاملات اجتماعی و گروهی در بالاترین سطح خود قرار دارد. در عین اینکه این تعاملات وجود دارد، تضارب و تفرق نظرات هم با گفت‌وگو و مفاهمه در جهت هدف مد نظر هدایت می‌شود. ارتباط حوزه اجتماعی و سیاسی هم زمینه را برای تحقق اهداف در اداره امور عمومی فراهم می‌کند.

با توجه به این نکات و با تاسی از همین آموزه‌ها در نظام حکمرانی امام رضا (علیه السلام) می‌توان گفت که در عصر کنونی و برای تحقق اهداف انقلاب اسلاب اسلامی درگام دوم لازم است

در مرحله اول دولت ساخت، ماهیت و فرایندهای اداره امور را بر اساس فرهنگ و اصول انقلاب اسلامی سامان دهی کند و در مرحله دوم مفاهمه و گفت‌وگوی همه‌جانبه بین ارکان اجتماعی و نظام سیاسی در قالب ظرفیت‌هایی موجود در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی و نیز با استفاده از امکانات و ابزارهای جدید ارتباطی شکل بدهد.

منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۰). *الا مالی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: کتابچی.
- _____ (۱۴۱۳ق). *من لایحضر الفقیه*. ۴ جلدی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا*. ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید. جلد ۱ و ۲. تهران: نشر صدوق.
- اسپرینگز، توماس. (۱۳۷۰). *فهم نظریه‌های سیاسی*. ترجمه فرهنگ رجایی. چاپ دوم. تهران: انتشارات آگاه.
- اسفندیاری، مصطفی. (۱۳۹۵). «آرمان شهر از منظر امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۴. ش ۱۵. صص: ۹۹-۱۳۲.
- اسماعیل زاده امامقلی، یاسر. (۱۳۹۵). «نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۴. ش ۱۵. صص: ۱۵۵-۱۹۱.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۳). *مصلحت و شریعت؛ مبانی و جایگاه مصلحت در اسلام*. تهران: انتشارات گام نو.
- _____ (۱۳۹۲). «مفهوم سیاست در مکتب رضوی». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۱. ش ۳. صص: ۷-۲۶.
- اکبری، امیر. (۱۳۹۰). «واکنش‌های سیاسی امام رضا (علیه السلام) در تقابل با بحران‌های عصر خویش». *فصلنامه پژوهشنامه تاریخ*. س ۷. ش ۲۵. صص: ۱-۳۱.
- امام جمعه زاده، سیدجواد؛ مسعودی رجا، سید ذکریا؛ سراج، سیدعلی. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی کاربست پارادایم جهانی شدن فرهنگ و جهان بینی دینی بر ساماندهی زندگی بشریت با تأکید بر معارف رضوی». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۴. ش ۱۵. صص: ۱۹۳-۲۲۷.
- امام جمعه زاده، سید جواد؛ محمود اوغلی، رضا. (۱۳۹۳). «واکاوی مواضع سیاسی امام رضا (علیه السلام) در بحرانهای اعتقادی- سیاسی دوره (۱۸۳-۲۰۳ق)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۲. ش ۵. صص: ۷-۳۰.
- بور، مارک. (۱۳۹۷). *حکمرانی؛ مقدمه‌ای بسیار کوتاه*. ترجمه عرفان مصلح و زهره کریمیان. تهران: نشر کرگدن.
- بوردو، ژرژ. (۱۳۷۸). *لیبرالیسم*. ترجمه عبدالوهاب احمدی. تهران: نشر نی.
- تاج بخش، کیان. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیراز.
- جمال زاده، ناصر؛ کیانی مجاهد، حامد؛ حکیمی، محمد. (۱۳۹۷). «قدرت نرم در سیره رضوی». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۷. ش ۲۸. صص: ۱۸۷-۲۱۷.
- جمعی از نویسندگان، زیر نظر احمد پاکتچی و به اهتمام مرتضی سلمان نژاد (۱۳۹۳). *ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (علیه السلام)*. ۲ جلدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- جهانگیر فیض آبادی، احمد؛ فرخی، میثم. (۱۳۹۵). «واکاوی سیاست گذاری فرهنگی در سیره امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۴. ش ۱۴. صص: ۷-۲۸.
- حاتمی، محمدرضا؛ بیگی، محمدرضا؛ رفیعیان، سجاد. (۱۳۹۸). «مهم‌ترین مولفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه و کنش سیاسی امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۷. ش ۲۶. صص: ۱۱۹-۲۱۸.
- حسینی فر، مریم. (۱۳۹۵). «مبانی اندیشه و رفتار سیاسی امام رضا (علیه السلام)». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی*. دانشگاه علامه طباطبائی.

- حسینیان، روح الله. (۱۳۹۷). چهارده سال رقابت/ایدئولوژیک شیعه در ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- درخشه، جلال؛ حسینی، سید مهدی. (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های سیاست‌ورزی در سیره امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۳. ش ۱۲. صص: ۷-۳.
- _____ (۱۳۹۲). «سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام) در برخورد با حکومت جور (مطالعه مورد ولایت عهدی)». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۱. ش ۱. صص: ۷-۳۱.
- درخشه، جلال؛ موسوی نیا، سید مهدی. (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)». فصلنامه پژوهش‌های علم و دین. س ۹. ش ۱۷. صص: ۱-۲۸.
- دلبری، شهریانو؛ زحمتکش، زهرا. (۱۳۹۶). «به‌کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۵. ش ۲. صص: ۳۱-۶۸.
- رجبی، فاطمه؛ مطهری، اعظم. (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی کلامی امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی و کلامی. س ۵. ش ۱۹. صص: ۸۱-۹۸.
- رفاعی، احمد فرید. (۱۳۴۶ق). عصر المأمون. مصر: دارالکتب المصریه.
- سروی مجد، علی. (۱۳۹۵). «تعاملات اجتماعی مطلوب در آموزه‌های امام رضا (علیه السلام) با تأکید بر نامه حضرت عبدالعظیم حسنی». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۴. ش ۱۶. صص: ۲۱۱-۲۴۹.
- سلطانی نژاد، احمد. (۱۳۹۶). «فناوری اطلاعات و تحول در مفهوم حکمرانی خوب». فصلنامه سیاست. س ۴۷. ش ۱. صص: ۷۹-۹۷.
- سیاوشی، کرمی. (۱۳۹۴). «راهکارهای تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه مطالعات تقریب مذاهب اسلامی. س ۱۰. ش ۲۹. صص: ۷۳-۸۴.
- شاه علی، احمد رضا؛ دوالی، محمد مهدی (۱۳۹۶). «خصوصیات مدیران شایسته در سیره رضوی». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۵. ش ۲۰. صص: ۲۲۳-۲۵۴.
- صالحی، صغری. (۱۳۹۵). «نقش مؤلفه‌های کرامت در کمال انسان از منظر امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۴. ش ۱۳. صص: ۹۳-۱۲۰.
- صحیفه الرضا. (۱۴۰۶ق). منسوب به امام رضا علی بن موسی (علیه السلام). مشهد. ناشر: کنگره جهانی امام رضا (علیه السلام).
- طبرسی، فضل ابن الحسن (۱۴۳۰ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۳). تاریخ طبری. مترجم ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر.
- عجم اوغلو، دارون و رایبسون، جیمز. (۱۳۹۲). چراکشورها شکست می‌خورند؟ سرچشمه‌های قدرت، فقر و غنای کشورها. ترجمه پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- غنوی، امیر. (۱۳۹۵). «طرح اندیشه مهدویت در کلام معصومان: امام کاظم (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه مشرق موعود. س ۱۰. ش ۳۷. صص: ۴-۳۰.
- فرمیهنی فراهانی، محمدرضا؛ یآوری، محمد جواد. (۱۳۹۳). «اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه معرفت. س ۲۳. ش ۱۹۶. صص: ۶۳-۸۲.
- فقه الرضا. (۱۴۰۶ق). منسوب به امام رضا (علیه السلام). مشهد: موسسه آل البيت (علیهم السلام).

- قادری، حاتم. (۱۳۸۹). *اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- قمی، حاج شیخ عباس. (۱۳۷۷). *منتهی الامال*. قم: جاویدان.
- قیومی اصفهانی، جواد. (۱۳۸۷). *صحیفه الرضا*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کارخانه، علی. (۱۳۹۲). *سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام) و تحلیل مسئله ولایت عهدی*. قم: بوستان کتاب قم.
- کریمی، محمود؛ دیمه کار، محسن. (۱۳۹۲). *مجموعه تفسیری امام رضا (علیه السلام)*. مشهد: بنیاد بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا (علیه السلام).
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۱). *اصول الکافی ج ۱، ۴ و ۵*. مترجم: سید جواد مصطفوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). *جامعه شناسی*. تهران: نشرنی.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الطبع والنشر.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). *حکمت نامه رضوی (جلد اول)*. ترجمه حمیدرضا شیخی. چاپ و نشر دارالحديث.
- مفتاح، محمد هادی؛ غلامعلی، قاسم؛ کردنژاد، نسرين. (۱۳۹۴). «امکان سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*. س ۲، ش ۲. صص: ۱۵۱-۱۷۸.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۸)، *الارشاد*، ترجمه رسولی محلاتی. بی جا: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- موثقی، سید احمد. (۱۳۸۶). «گفتگو و توسعه». *فصلنامه سیاست*. س ۳۷، ش ۲. صص: ۱۹۱-۲۲۷.
- میرترابی، سید سعید. (۱۳۹۶). «تحلیل شیوه ها و ابعاد نهادسازی در روند ساخته شدن دولت پس از انقلاب از منظر نهادگرایی تاریخی». *فصلنامه دولت پژوهی*. س ۳، ش ۹. صص: ۱-۴۳.
- میرحسینی، یحیی؛ میرجلیلی، علیمحمد؛ زارعی محمودآبادی، حسن؛ زارع زردینی، احمد؛ هاشمی، زهرا. (۱۳۹۹). «مواضع امام رضا (علیه السلام) در برابر گفتمان های مشروعیت سیاسی دستگاه خلافت». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۸، ش ۳۱. صص: ۱۵۵-۱۸۴.
- نقیه، محمد رضا. (۱۳۹۱). «سیاست اخلاقی در سیره امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه اخلاق*. ش ۶. صص: ۶۷-۸۱.

-Binder, Leonard(2018). *Islamic Liberalism*.Chicago&London:The University of Chicago press.

-Guga, Ayuba(2015).*Good Governance,Akey Drive to Sustainable Devevelopment in Nigeria*.International Journal of Education and Resarch.

-Kaufmann, Danial(2010). *The World wide Governance Indicators:Methodology and Analytical Issues*,The World Bank Development Resseract GroupMacro economics and Growth Team September.

-Kazantsev, A, (2012).*Policy networks in European–Russian gas relations:Function and dysfunction from a perspective of EU energy security,Communist and Post-Communist Studies*.

-Pierre, J. and Peters, B. G, (2012).*Debating Governance: Authority,Steering,and Democracy*.Oxford:Oxford University Press

-Plumptre, tim &JhonGraham(1999), *Governance AndGood Governance:International andAboriginal Perspectives*.InstituteOn Governance, December3.

- Putnam, Robert(2001), Social Capital:Measurement and Consequences.Isuma-Canadian Journal of Policy Research,Vol.Spring,5-41.
- Sapru.R.K.(2006),Administration Theories& Management Thought, Pubihshed by Prentice hall of India.
- UN-HABITAT(2012)."Global Campaign on Urban Governance:Concept Paper Access in:www.unhabitat.com.
- Van der Kroon(2002), Social capital and communication. Agricultural Economics Research Institute (LEI).
- Wolcock, Micheal(1998).Social Capital and Economic Development:Toward a Theoretical Syntesis and Policy Frmework.Theory and Society,Vol.27.

چکیده های انگلیسی

English Abstracts

Governance, Dialogue and Social Capital in the Thought and Political Life of Imam Riḍā (as)

Ruhollah Safarian ¹ Amir Massoud Shahramnia ² Seyed Javad Imam Jomehzadeh ³

Received: January 15 , 2021

Accepted: April 14 , 2021

Abstract

Imam Riḍā (as) lived in a special period in terms of intellectual and social. Under certain conditions, he accepted the offer of a guardianship position from Māmūn and tried to lead the society with logical strategies in the true path of Islam. The main purpose of this article is to reconstruct the four-stage analytical framework of Springs on the strategies of Imam Riḍā (as) in that period to guide the people and manage affairs. Accordingly, this study first evaluates and perspectives on the problems and situation of the Islamic society at that time then finds the irregularities and anomalies of the society from the Imam's point of view. It also studies the desired society and the solution of Imam Riḍā (as) to achieve it. According to Imam Riḍā (as), the most important problem and disorder of that period of the Islamic society is the deviation from the Islamic religion in various aspects. He considers the solution to the problems to be the implementation of a special social and political structure within the framework of Islam, which in its current form is the creation of a kind of desirable governance. Of course, before accepting the governorship, he follows up most of the social spheres of governance and then pays attention to all aspects. The realization of this governance is also in the form of dialogue in all social pillars. In this way, the great Imam achieves many of his goals through trust, solidarity and social participation, in other words, by creating social capital.

Keywords: Governance, Dialogue, Social capital, Politics.

1. PhD in Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author):
Rooholla.safar@yahoo.com

2. Associate Professor of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran: m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

3. Associate Professor of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran: Javad@ase.ui.ac.ir

The Pattern of Cultural Attachment of Commercial and Entertainment Centers with Focus on Iranian-Islamic Identity; Mashhad Mall

Seyyed Mohammad Hosseini ¹ Rakhshad Hejazi ² Seyed Ali Jozi ³ Seyed Mahmoud Hashemi ⁴

Received: December 27 , 2020

Accepted: April 10 , 2021

Abstract

After the victory of the Islamic Revolution, the cultural sphere was one of the main goals of the Islamic Revolution. Promoting culture and religious and moral values in society, as well as governing and living according to the mentioned principles, was one of the most important principles in cultural policy-making by the leaders and elders of the revolution, especially Imam Khomeini. In addition, in later periods, especially in recent years, due to the emergence of emergencies in other areas, the cultural area has been highly emphasized by the country's elders. On the other hand, markets have long played a key role in the cultural, national and indigenous identity of Iranian-Islamic cities, however, with the evolution of these commercial spaces and the formation of modern commercial complexes, especially megamalls, serious concerns have arisen about the effects of these spaces on the cultural identity of society. This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method. In this research, the cultural attachment of Mashhad Mall project, based on fuzzy matrix, has been proposed. In the evaluation matrix structure, the main activities of the project in the operation phase as well as the important cultural indicators that are affected by these activities are determined using the fuzzy Delphi method and the significance of each effect is estimated as triangular fuzzy numbers. Finally, using VENSIM software, an operational method for cultural and social evaluation of malls is presented.

Keywords: Cultural attachment, Iranian-Islamic identity, Multifunctional commercial complexes (malls), Fuzzy matrix, VENSIM software.

1. PhD student in Department of Environment, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran: smhosaini1357@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Environment, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author): rokshad.h99@yahoo.com

3. Professor, Department of Environment, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran: sajozi@yahoo.com

4. Assistant Professor of Business Management, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran: hashemi_2986@yahoo.com

Phonetic Stylistics of the Tā'iyeh Ode by Di'bil Khuzā'ī in Praise of Imam Riḍā (as) and Ahl al-Bayt (as)

Akram Rezaie¹ Mohammad Ghafouri Far² Alireza Hosseini³

Received: April 04 , 2021

Accepted: July 05 , 2021

Abstract

Stylistics seeks to discover the literary, aesthetic, and emotional aspects beyond the text by studying the structure of the text and analyzing its elements. One of the most important topics in stylistics is the phonetic or musical stylistics of a literary work that examines the use of phonetic units (sound and melody) in a linguistic situation as well as the expressive function of language sounds. Among the texts that deserve to be studied and analyzed stylistically, the ode Tā'iyeh known as the "Schools of Verses" of Di'bil Khuzā'ī, who recited it in the presence of Imam Riḍā (as) and in praise of the great Imam and Ahl al-Bayt (as). Di'bil is one of the most prominent committed Shiite poets, whose reputation for courage and anti-oppression is well-known, and his fervor in the calamities of the Ahl al-Bayt (as) is present in each of the verses of this poem. This research, with the approach of descriptive stylistics and descriptive-analytical method, has explained the prominent manifestations of phonetic stylistics of this poem and has examined its role in relation to the goals and thought of the poet. The results of this study show that at the phonetic level of each of the phonetic elements, external music (prosodic weight), side music, internal music (phonology, repetition, puns, rad al-'ajz ilā ṣadr), spiritual music (contrast, confrontation and murā'āt nazīr) in addition On the beauty and fascination of the audience with the music of the poem, it also provides the possibility of understanding the meanings for him.

Keywords: Phonetic stylistics, Di'bil Khuzā'ī Tā'iyeh ode, Praise of Imam Riḍā (as) and Ahl al-Bayt (as).

1. Master of Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran:

AkramRezaei@gmail.com

2. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran
(Corresponding Author): m.ghafourifar65@kub.ac.ir

3. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran:
ar.hosseini@kub.ac.ir

A Study of Induced Discourse in the Process

of Imam Riḍā's (as) Debate with Religious Scholars

Nahid Nasihat¹ Rezvan Baghbani²

Received: March 27 , 2021

Accepted: April 27 , 2021

Abstract

During the time of Imam Riḍā (as), due to the cultural and political developments of the society, various discourses emerged, each of which defended its ideology. In the meantime, debates took place between Imam Riḍā (as) and the elders of the religions. In the battlefield of right and wrong, the Imam tries to prove the legitimacy of Islam with rational and narrative arguments. This article, in a descriptive-analytical method and with the aim of explaining the Imam's strategies in the intellectual development of society, analyzes his debate and the process of meaning formation in it, and in this direction, uses the semantic sign approach; the approach that, in a dynamic and directional process, seeks to penetrate deep into the meanings embedded in the discourse and explains its functions. Also, the sign of semantics as a scientific tool provides methodical analysis of texts. This article seeks to answer the question of how meaning can go beyond induction to production and create a particular discourse system. Findings show that induction strategies of reasoning and persuasion are among the interactive strategies used in debates. During these persuasive processes, the Imam produces words based on the power that emanates from him. As a result of this production, the range of speech increases and the opposite actor acquires knowledge. It is after reaching this knowledge that the actors (Jāthaliq, Rās al-Jālūt, Hirbod Akbar and 'Imrān Ṣābī) surrender and the legitimacy of Islam is proved.

Keywords: Semantic sign, Discourse system, Induced discourse, Imam Riḍā (as) debates.

1. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University
(Corresponding Author): n.nasihat@cfu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University:
r.baghbani@cfu.ac.ir

Content Analysis of Quarterly Journal of Razavi CultureMehdi Alipour Hafezi ¹ Dariush Matlabi ²

Received: September 14 , 2021

Accepted: October 04 , 2021

Abstract

This study aimed to identify the status of articles published in the Quarterly Journal of Razavi Culture. The research approach is quantitative and the research method is content analysis. The required information was received from the Journal website. Bibliographic information of the article along with organizational affiliation and academic rank and field of study of researchers as well as abstracts and keywords of articles in the Excel file were fully entered. Then, after three stages of cleaning, these data were entered into graph production software and as a result, scientific graphs and maps as well as diagrams were received from the software and then described and analyzed. The results showed that 291 authors contributed to the journal. Of these, only %1 of authors have 5 articles published in 32 issues of the journal. Also, five universities, including Imam Şādiq (as) University, Ferdowsi University of Mashhad, Allameh Tabatabai University, Razavi University of Islamic Sciences and al-Zahrā (as) University constitute more than %60 of the organizational affiliation of researchers. Among academics, faculty members with the rank of assistant professor have the most collaboration with the journal. Findings indicate that less than %25 of women cooperate in publishing articles, and researchers in the field of Qur'anic and Ḥadīth sciences alone have obtained the first rank with 103 articles.

Keywords: Quarterly Journal of Razavi Culture, Content Analysis, Scientific Map, Scientific Measurement.

1. Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge, Allameh Tabatabai University
meh.hafezi@gmail.com

2. Associate Professor, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Yadegar-e-Imam Khomeini, Shahre Rey Branch, (Corresponding Author): dariushmatlabi@iausr.ac.ir

Scientific Methodology of Answering Doubts in Razavi Biography

Hassan Kharghani ¹ Alborz Mohaghegh Garfami ²

Received: March 20 , 2021

Accepted: May 23 , 2021

Abstract

Answering suspicions requires knowing and applying skills, some of which are called scientific competencies. This article is organized in a descriptive analytical way and seeks to find scientific methods to answer the suspicions in Razavi's biography. By paying attention to the biography of the eighth Imam of the Shiites, it can be seen that these abilities are methodically divided into two categories: intellectual and narrative. According to the findings of this article, some of the methods that Imam Riḍā (as) used to respond to suspicions are:

Citing the Holy Qur'an and the Prophetic Sunnah, attention to the origins and causes of suspicion, benefit from the arguments of rationality, argument of success and patience and division, methodological development, canceling the false requirements of suspicion, citing ideas accepted by the audience, sensitization of the rational, correct explanation of skeptical concepts and ideas and taking advantage of the correct history.

Keywords: Doubt, Accountability, Methodology, Scientific reason, Razavi biography.

1. Associate Professor of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences:
h.kharaghani@gmail.com

2. Master of Quranic Sciences and Hadith, Razavi University of Islamic Sciences (Corresponding Author): mohaghegh.gr@gmail.com

A Study of Tourists' Narrative of the Experience of Attending Holy Places with a Phenomenological Approach (Case Study: Razavi Shrine)

Mostafa Mahmoudi ¹

Received: January 12 , 2021

Accepted: February 09 , 2021

Abstract

This research is an attempt to reflect phenomenologically on the experiences of tourists who have entered the Razavi shrine with the intention of pilgrimage (religious tourists) or visiting (cultural tourists). Examining the narrations of these tourists since their presence in this holy place, provides immediate feedback to those in charge of the affairs of the shrine. In this study, the opinions of domestic and foreign tourists have been collected that in the past decade, the experience of their presence in the Razavi shrine have been shared in non-Persian languages (English, German, Spanish, Russian, Chinese, Japanese, Arabic and Istanbul Turkish) on reputable websites. The results of this study clearly show that the experience of attending the Razavi shrine is both an aesthetic experience (mental dimension) and an experience of the type of needs of visiting cultural sites (objective dimension); because in addition to narrating the beauty and glory of the Razavi shrine, tourists have mentioned their needs such as access to the main courtyard and the presence of a guide. According to the research results, using new technologies, holding tours and planning for the presence of non-Muslim tourists in the main courtyard is recommended in accordance with all etiquette.

Keywords: Tourism, Phenomenology, Narration, Razavi shrine.

1. PhD in Tourism Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran: m_mahmoudi@atu.ac.ir

Address:

No 3 ,34 Kamyab St. Kamyab Blvd. Mashhad,
9145983738, Iran.

Tel: +98 51 32283044-49

Fax: +98 51 32284452

|||||

► **Approach:**

with an academic and research approach, this journal accepts articles with their main focus on Imam Reza (a.s) which are authored in various areas including ideological, theological, juridical (fiqh) , interpretive, Hadith, historical and comparative as well as other scientific aspects of the Erudite of Mohammad (PBUH) Family.

|||||

Journal of Razavi Culture

Imam Reza(A.S) International Foundation for Culture and Arts

Vol. 10, Issue. 37, Spring 2022

Managing Director: Mahmoud Reza Barazesh

Editor in Chief: Jalal Dorakhshah

Executive Director: Mohammad Ali Nedae

Seyyed Mohammad Reza Ahmadi Tabatabai: Associate Professor,
Researcher at Imam Reza(A.S.) International Foundation for Culture and
Arts

Hasan Bashir: Professor of Imam Sadiq (A.S.) University

Jalal Dorakhshah: Professor of Imam Sadiq(A.S.) University

Farshad Shariat: Professor of Imam Sadiq (A.S.) University

Hosseinali Ghobadi: Professor of Tarbiat Modares University

Dariush Motalebi: Associate Professor Researcher at Imam Reza(A.S.)
International Foundation for Culture and Arts

Seyyed Alireza Vasei: Associate Professor, Research Center for Islamic
Sciences and Culture

Mohammad Hadi Homayoon: Professor, Researcher at Imam Reza(A.S.)
International Foundation for Culture and Arts

Editor: Nematollah Panahi, Mohammad Ali Nedae

Abstracts Translator: Mohammad Reza Aram

Cover Design and Layout: Fahimeh Naji